

پنجره اقتصاد

کرمان

- فصل نامه اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی کرمان
- سال پنجم ● شماره ۱۴ ● تابستان ۱۴۰۱ ● ۱۵۲ صفحه ● ۵۰ هزار تومان

معادله توسعه

اندازه توسعه؛ هم‌قد توان اجرایی



با مطالبی دربارهٔ سیاست‌گذاری، تولید، بازرگانی، خدمات و جامعه

گفت‌وگو با دکتر «حسین سلاح ورزی» نایب‌رئیس اتاق ایران
اقتصاد دانش‌بنیان

گفت‌وگو با «فریال مستوفی» عضو هیئت نمایندگان اتاق تهران
توسعه بسیار کم‌رنگ بخش معدن

گفت‌وگو با «ایمان احمدی» مدیرعامل شرکت مهندسین مشاور مشاهیر نیرو جنوب
به سوی استفاده از انرژی‌های پاک


مقاله‌ای از دکتر «جعفر رودری» رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان کرمان
دام قابلیت و یا تله توانمندی


گفت‌وگو با دکتر «زهرا کریمی» عضو هیئت‌علمی گروه اقتصاد دانشگاه مازندران
دوروند متضاد باهم


گفت‌وگو با دکتر «محمد حسین پایلی یزدی» جغرافی‌دان، محقق و نویسنده
آب؛ اقتصاد دریامحور در الگوی ایرانی-اسلامی



اتاق بازرگانی صنایع معادن و کشاورزی کرمان

 www.otagh-bazargani.com

 sepehr@kccim.ir

 ۰۳۴-۳۲۴۸۳۳۷۸

 ۱۰۰۰۳۴۳۲۴۴۱۰۵۸

۰۹۰۵۸۵۰۸۰۶۹ (فضای مجازی)

 Kccima



با اسکن بارکد بالا با ما در ارتباط باشید

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



● باغ فتح آباد - کرمان ●

حدیث

امام رضا علیه السلام:
أفضلُ المالِ ما وُقِيَ به العِرْضُ؛
بِرتبِینِ داراییِ آن است که
آبرو با آن حفظ شود.
(العدد القویة، ص ۲۹۲، ح ۱۷)

از بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت (۱۴۰۱/۰۶/۰۸)

مسائل اقتصاد؛ عطف توجه عمده

... به نظر بنده فعلاً اولویت، اقتصاد است. نه اینکه به بقیه‌ی کارها نباید رسید؛ چرا، به همه‌ی کارها باید رسید اما عطف توجه عمده باید به‌سوی مسائل اقتصاد باشد ...
... در مسئله‌ی اقتصاد دو سه نکته در زیر این مجموعه وجود دارد که عرض می‌کنم:
یک مسئله این است که مجموعه‌ی مدیران اصلی اقتصاد کشور باید منسجم عمل کنند ...
دوّم اینکه همان‌طور که گفتیم، در خود اقتصاد اولویت‌ها مشخص بشود ...
سوم در باب مسائل اقتصاد این است که خب در اقتصاد چند نقطه‌ی اساسی وجود دارد، روی این‌ها تمرکز بشود ...

یک مسئله‌ی دیگر، مسئله‌ی تولید است که ... بنده هم سال‌ها است اشاره می‌کنم. عمده‌ترین سرفصل اقتصادی ما برای پیشرفت اقتصاد مسئله‌ی تولید است. یعنی حقیقتاً بهبود معیشت مردم، مسئله‌ی اشتغال، مسئله‌ی قدرت خرید، مسائل گوناگون دیگر اقتصادی، وابسته‌ی به تولید داخلی است که باید به آن خیلی اهمیت داد. واقعاً با هر چیزی که تولید را تضعیف می‌کند باید مقابله کنید. با هر چیزی که تولید داخلی را به زانو درمی‌آورد و شکست می‌دهد، باید با جدیت مقابله کرد؛ قاطعانه بایستی مبارزه کنید؛ چه در صنعت، چه در کشاورزی.



افصل نامه اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی کرمان |
دارای پروانه انتشار (شماره ثبت ۷۹۸۳۷) از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی |
سال پنجم | شماره چهاردهم | تابستان ۱۴۰۱ | ۱۵۲ صفحه |

سپهر اقتصاد

با نوشتارها و گفتارهایی از:
جعفر رودری / زهرا کریمی / حسین سلاح ورزی / میلاد بگی / مهرداد محمدی سلیمانی / محبوبه خادم نعمت‌اللهی / فریال مستوفی / برمک قنبرپور / احمد احمدپور / محسن احتشام / قاسم شکرزاده بنگانی / مزده سلاجقه / محسن ضرابی / فریدون شیرین‌کام / نعمت اسماعیلی / عبدالواحد بنانی / محمد حسین پاپلی یزدی / حسین وحیدی / ایمان احمدی / نیما جهان‌بین

صاحب امتیاز: اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی کرمان /
رئیس شورای سیاست‌گذاری: سیدمهدی طیب‌زاده / مدیرمسئول: سیدمحمدعلی گلاب‌زاده /
سردبیر و ویراستار: ذبیح‌الله کرمی / دبیر تحریریه و مدیر اجرایی: فرزانه زاهدی / تحریریه: ریحانه حسن‌زاده /
طراحی‌گرافیک و صفحه‌آرایی: آتلیه گرافیک (پرانتز) / چاپ و صحافی: احسان-قم /
نشانی: کرمان، میدان آزادی، ابتدای بلوار جمهوری اسلامی، اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی کرمان /
کدپستی: ۷۶۱۹۶۵۳۴۹۸ / صندوق پستی: ۴۷۱-۷۶۱۷۵ / تلفن: ۰۳۴-۳۲۴۴۲۳۲۴ / دورنگار: ۰۳۴-۳۲۴۸۳۳۷۴ /
www.otagh-bazargani.com / پیامک: ۱۰۰۳۴۳۲۴۴۱۰۵۸ / @Kccima / sepehr@kccim.ir

«سپهر اقتصاد کرمان» در ویرایش و اصلاح مطالب رسیده، آزاد است. مطالب منتشرشده در فصل‌نامه، رأی و نظر نویسندگان آن‌هاست و لزوماً نظر «سپهر اقتصاد کرمان» نیست.

استفاده از مطالب مندرج در این نشریه به شرط ذکر منبع «فصلنامه سپهر اقتصاد کرمان اتاق بازرگانی کرمان» بلامانع است.

شماره برای ارتباط با «سپهر اقتصاد کرمان» در فضای مجازی: ۰۹۰۵۸۵۰۸۰۶۹ /
برای چاپ آگهی در «سپهر اقتصاد کرمان»، با ما تماس بگیرید: ۰۳۴-۳۲۴۴۲۳۲۴



مقاله‌ای از دکتر «جعفر رودری» رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان کرمان
دام قابلیت و یا تله توانمندی؛ واکاوی یکی از موانع مهم در مسیر پیشرفت و توسعه

گفت‌وگو با دکتر «زهرا کریمی» عضو هیئت‌علمی گروه اقتصاد دانشگاه مازندران
دو روند متضاد باهم

گفت‌وگو با دکتر «حسین سلاح ورزی» نایب‌رئیس اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و
کشاورزی ایران و رئیس سازمان ملی کارآفرینی ایران
اقتصاد دانش‌بنیان

گفت‌وگو با دکتر «میلاد بگی» عضو هیئت‌علمی گروه علوم اجتماعی دانشگاه بوعلی سینا
فرصت طلایی پنجره جمعیتی

گفت‌وگو با دکتر «مهرداد محمدی سلیمانی» معاون آمار و اطلاعات سازمان مدیریت و
برنامه‌ریزی استان کرمان
در مسیر موازنه با آمایش سرزمین

ترجمه‌ای از «محبوبه خادم نعمت‌اللهی» دانشجوی دکترای اقتصادسنجی دانشگاه علامه
طباطبایی تهران
چشم‌انداز اقتصاد جهانی

ترجمه‌ای از «محبوبه خادم نعمت‌اللهی» دانشجوی دکترای اقتصادسنجی دانشگاه علامه
طباطبایی تهران
تورم؛ نتیجه تخریب طرف عرضه اقتصاد

۸



۱۲



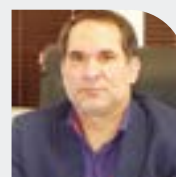
۱۶



۲۰



۲۶



۳۶



۳۹

تولید

گفت‌وگو با «فریال مستوفی» عضو هیئت نمایندگان، رییس کمیسیون پول و سرمایه و رییس مرکز خدمات سرمایه‌گذاری اتاق تهران
توسعه بسیار کم‌رنگ بخش معدن

۴۳



گفت‌وگو با «سیدمهدی طیب‌زاده» رییس اتاق کرمان
کرمان؛ استان صادرات ارزش‌افزوده

۵۰



مقاله‌ای از دکتر «برمک قنبرپور» عضو هیئت‌مدیره و رییس کمیسیون آموزش انجمن ملی صنایع پلیمر ایران
خطای سیاست‌های حمایتی دولت از صنایع در ایران

۵۴



مصاحبه با دکتر «احمد احمدپور» رییس سازمان جهاد کشاورزی جنوب استان کرمان
در اندیشه آینده با برنامه تحول کشاورزی منطقه

۵۶



مقاله‌ای از «محسن احتشام» رییس اتاق بیرجند
هنوز مشوقی برای رشد تولید نداریم

۶۲



مقاله‌ای از «قاسم شکری‌زاده بنگانی» رییس اداره ارزیابی اثرات زیست‌محیطی بررسی آلودگی هوا و تغییر اقلیم اداره کل حفاظت محیط‌زیست کرمان
شکل‌گیری صنعت فولاد چقدر منطبق بر نتایج آمایش سرزمین است؟

۶۳



بازرگانی و خدمات

مقاله‌ای از دکتر «مژده سلاجقه» رییس بخش علم اطلاعات و دانش شناسی دانشگاه شهید باهنر کرمان
از تولید داده تا تولید ارزش

۷۰



مقاله‌ای از «محسن ضرابی» رییس اتاق مشترک بازرگانی ایران و عمان
الزامات و پیش‌نیازهای توسعه تجارت و مراودات استان کرمان با کشور عمان

۷۸



مقاله‌ای از «فریدون شیرین‌کام» محقق تاریخ اقتصادی
موانع تاریخی توسعه تجارت ایران

۸۱



مقاله‌ای از دکتر «نعمت اسماعیلی» مدیرعامل شرکت ارزبابان نام‌آور توسعه رویدادهای فناوری
بازاریابی صادراتی؛ آشنایی با گام‌ها، مراحل و نحوه بازاریابی صادراتی در بازارهای اروپایی (۲)

۸۷



گفت‌وگو با دکتر «عبدالواحد بنانی» رییس شورای هماهنگی بیمه‌های بازرگانی استان کرمان
ضرورت اصلاح قانون بسیار کهنه بیمه

۹۷



جامعه

گفت‌وگو با دکتر «محمد حسین پاپلی یزدی» جغرافی‌دان، محقق و نویسنده ایرانی
آب؛ اقتصاد دریامحور در الگوی ایرانی- اسلامی

۱۰۳



مقاله‌ای از دکتر «حسین وحیدی» عضو هیئت‌علمی گروه پژوهش محیط‌زیست پژوهشکده
علوم محیطی دانشگاه تحصیلات تکمیلی صنعتی و فناوری‌های پیشرفته
ظرفیت‌گردش مالی بازیافت در ایران؛ استفاده حداکثری از فرایند بازیافت و مقایسه با
کشورهای پیشرو در این زمینه

۱۰۹



گفت‌وگو با «ایمان احمدی» مدیرعامل شرکت مهندسین مشاور مشاهیر نیرو جنوب
به سوی استفاده از انرژی‌های پاک

۱۱۳



مقاله‌ای از دکتر «نیما جهان‌بین» عضو هیئت‌علمی دانشکده هنر، معماری و شهرسازی
دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان
آینده شهرنشینی در کرمان

۱۲۰



در گذار از چالش‌های توسعه



سید مهدی طبیب زاده

رئیس اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی کرمان
و رئیس شورای سیاست گذاری فصلنامه سپهر اقتصاد کرمان

واقعیت این است که استان کرمان امروز در مسیری پیش می‌رود که اگر اصلاح ساختار اساسی، خصوصاً در حوزه اقتصادی صورت نگیرد، ادامه این مسیر در آینده‌ای نه‌چندان دور، استان را با چالش‌های بزرگی مواجه خواهد کرد و مهم‌ترین دلیل آن هم اتکای استان به منابع تجدید ناپذیر معدنی است. در استانی که بهشت زمین‌شناسی خوانده می‌شود حتی برای دو حوزه مهم و دارای مزیت فولاد و مس هم ظرفیت زنجیره ارزش به‌طور کامل ایجاد نشده است. از طرفی منابع رو به اتمام است و از سوی دیگر اکتشاف جدیدی هم صورت نگرفته است؛ چرا که استخراج جدید عموماً در عمق زمین و غیراقتصادی است. به‌علاوه شاخص‌ها نشان می‌دهد که حوزه کشاورزی استان هم غیربهره‌ور بوده و نتوانسته سهم مؤثری در تولید ناخالص داخلی استان داشته باشد؛ بیش از ۹۴ درصد سهم مصرف آب در استان مربوط به کشاورزی است، اما سهم کشاورزی در GDP استان تنها ۱۶ درصد است و ارزش افزوده تولید شده به ازای مصرف هر مترمکعب آب در حوزه کشاورزی فقط ۳۷۰۰ تومان است. این در حالی است که همین عدد در حوزه خدمات ۴۲ برابر و در صنعت و معدن استان ۲۴۰ برابر می‌باشد (هرچند همه این اعداد در کل از متوسط کشور کمتر هستند!) مجموعه این موارد آینده مبهمی برای اقتصاد استان ایجاد کرده است.

وقتی اقتصاد استانی وابسته به طبیعت است؛ یعنی از چالش‌های طبیعی به‌شدت متأثر می‌شود، بالاخص که بیش‌ازحد ظرفیت اکولوژیک منطقه هم از آن بهره‌برداری شده باشد. بر اساس مطالعات آمایش سرزمین، ما در استان به‌خصوص در حوزه کشاورزی بیش از ۲ برابر توان اکولوژیک استان استفاده کرده‌ایم. همین مطالعات نشان می‌دهد که استان کرمان در عموم حوزه‌های اقتصادی دچار عدم توازن است. برای ارائه مصداق عدم توازن در حوزه‌های مختلف همین دو جمله کافی است:

* دو شهرستان سیرجان و رفسنجان به‌تنهایی نزدیک به ۸۵ درصد از GDP بخش معدن استان را دارا می‌باشند!
* ۱۰ بنگاه بزرگ صنعتی ما بیش از ۷۸ درصد ارزش افزوده صنعت استان را به خود اختصاص داده‌اند!

از سویی در شرایطی که گفتمان جدید دنیا حرکت به سمت اقتصاد دانش‌بنیان است، متأسفانه سهم اقتصاد دانش‌بنیان استان بسیار ناچیز است. سهم صادرات محصولات با فناوری بالا و متوسط در استان ۴ درصد است که ۰٫۱ میانگین کشوری است و میانگین سهم ارزش افزوده این نوع محصولات از کل صنایع طی سال‌های ۱۳۹۷-۱۳۹۰ تنها ۱۴ درصد بوده است. در زمینه‌ی شاخص‌های IDI نیز که به‌عنوان متوسط ۱۰ شاخص ارتباطی (از جمله دسترسی به اینترنت،

پهنای باند و ...) مطرح می‌شود، استان کرمان جزو پنج استان فقیر کشور است و طبعاً بدون وضعیت مناسب در این شاخص‌ها اساساً نمی‌توان انتظار داشت حوزه دانش‌بنیان و استارت‌آپی منطقه توسعه پیدا کند و نوآوری‌های بزرگی در آن اتفاق بیفتد.

به‌طور کلی موضوع رسیدن به توسعه متوازن فقط یک موضوع اقتصادی نیست بلکه یک موضوع چندجانبه است، اگر استان بخواهد به سمت توسعه حرکت کند، در این مسیر به‌جز مسائل اقتصادی باید به جنبه‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی هم توجه شود؛ باید ابتدا دام‌های توسعه استان شناسایی شود و در نتیجه حتماً حضور متخصصین جامعه‌شناس و صاحب‌نظران سیاسی هم در کنار متخصصان اقتصادی ضروری است. اتاق کرمان همواره به دنبال تبیین نقشه راهی در گذار از اقتصاد منابع محور به اقتصاد دانش‌بنیان و نیز فراهم کردن مکانیزم توسعه پایدار مبتنی بر مفاهیم و مصادیق آینده‌پژوهی برای استان بوده است و در این راه سعی در مهیا کردن بستر همگرایی، هم‌افزایی و مشارکت همه اعضای اکوسیستم توسعه استان و تعریف پروژه‌های سرمایه‌گذاری دارای ارزش افزوده بالا دارد. اتاق کرمان در تلاش است مجموعه موارد مطرح شده را در سازوکاری به شکل یک اندیشکده تحت عنوان اندیشکده توسعه و آینده‌پژوهی متشکل از کارگروه‌های تخصصی صنعتی- معدنی، کشاورزی، زیرساخت، اقتصادی، تأمین مالی و ... تعریف، برنامه‌ریزی، راهبری و پیگیری نماید و از این طریق گامی مؤثر در راستای تغییر ریل اقتصادی استان بردارد. ♦♦

سیاست‌گذاری

- + دام قابلیت و یا تله توانمندی
- + دو روند متضاد باهم
- + اقتصاد دانش‌بنیان
- + فرصت طلایی پنجره جمعیتی
- + در مسیر موازنه با آمایش سرزمین
- + چشم‌انداز اقتصاد جهانی
- + تورم؛ نتیجه تخریب طرف عرضه اقتصاد

دام قابلیت و یا تله توانمندی

واکاوی یکی از موانع مهم در مسیر پیشرفت و توسعه

♦ دکتر جعفر رودری

رییس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان کرمان



در موضوع تقلید

طوطی وار گفته

می شود که

کشورها برای

تنظیم برنامه‌ها

و سیاست‌گذاری

با اتکا به

بهترین الگوها

و روش‌های

موجود و تجارب

در آن زمینه در

کشورهای دیگر

سعی در تعیین

«بهترین سرمشق»

دارند. در تقلید

طوطی وار معمولاً

شکل رعایت

می شود، ولی

کارکرد به هیچ وجه

مشابهتی با اصل

کار ندارد؛ در

این دیدگاه گفته

می شود درست

است که توسعه

نیازمند تغییر

است، اما بایستی

توجه داشت که

تغییر در درون

یک بافت اتفاق

می افتد.

در دانشگاه هاروارد می‌باشند. این کتاب توسط جعفر خیرخواهان و مسعود درودی ترجمه و توسط انتشارات روزنه منتشر شده است. در ایام عید نوروز ۱۴۰۱ بعد از اطلاع از مطالب مفید کتاب در اینترنت و ارائه برخی مطالب خلاصه کتاب از سوی برخی از اندیشمندان اقتصادی و اجتماعی کشور، سفارش خرید آن را دادم و در تعطیلات نوروزی امسال آن را تقریباً به‌طور کامل مطالعه نمودم و احساس کردم برخی از سؤالات اساسی بی‌پاسخ در خصوص موانع توسعه‌یافتگی و پیشرفت در جوامعی مثل کشور ما و استان کرمان را به‌خوبی بیان نموده است. البته این به مفهوم اینکه تنها موانع توسعه همین مسائل است، نیست، اما بخش قابل‌توجهی از مسائل دست‌به‌گریبان بسیاری از کشورهای درحال‌توسعه در حوزه «توان اجرایی» یعنی قدرت و توانمندی اجرا و پیاده‌سازی سیاست‌ها را به‌خوبی پاسخ می‌دهد. در این نوشتار تنها به بخش محدودی از کتاب پرداخته می‌شود و بنابراین سعی در به اشتراک‌گذاری مفاد این بخش‌ها با

شکی نیست که پیشرفت و ترقی استان، دغدغه تمامی مسئولان و دست‌اندرکاران و همه کسانی است که چه در بخش خصوصی و چه در بخش دولتی، دل در گرو پویایی و سرزندگی این مرزوبوم دارند، می‌باشد. این در حالی است که در استان ظرفیت‌های خدادادی طبیعی زیادی داریم. ذخایر معدنی گسترده، ظرفیت‌های کشاورزی و تاریخی بی‌نظیر به‌عنوان اصلی‌ترین محرک‌ها و ظرفیت‌های اولیه برای روشن شدن موتور توسعه استان از جایگاه خوبی برخوردارند.

سؤال اساسی که همواره در ذهن همه مردم و مسئولان وجود دارد و بارها در محافل علمی و تخصصی و حتی محافل عادی مطرح می‌شود، این است که چرا سرعت رشد استان آن‌طور که باید باشد نیست؟ چرا جایگاه توسعه استان متناسب با جایگاه دیگر استان‌های پیشرو کشور در بعد داخلی نیست؟ در بعد بین‌المللی نیز همواره این قیاس انجام می‌شود.

برای پاسخ به این سؤال و پرداختن به موانع پیش‌روی، به نظر می‌رسد که عامل و یا عوامل توسعه‌نیافتگی و یا عدم سرعت رشد مناسب و جهت حرکت به سوی اهداف فوق‌الذکر در سطح استانی و منطقه‌ای در هم‌پیوسته با عوامل ملی است و به‌عبارت‌دیگر بسیاری از مسائل استانی در دل مسائل کلان و فضای عمومی رشد و پیشرفت کشور تعریف می‌گردد و به هم‌پیوسته‌اند که عمدتاً آن‌ها را بایستی در قلمرو کلیدواژه‌های «حکمرایی مطلوب و نظام تدبیر مناسب» جستجو نمود؛ به عبارت دیگر بخش غالب مسائل استان‌ها به دلیل ساختار متمرکز نظام سیاست‌گذاری کشور به نحوه سیاست‌گذاری و نظام حکمرایی کلان کشور مربوط است، درعین‌حال نظام حکمرایی محلی و استانی نیز در محدوده مسائل استانی حائز اهمیت است.

در این راستا قصد دارم برخی از مسائل مرتبط با این موضوع را بر اساس مطالب کتابی که اخیراً مطالعه کرده‌ام مورد واکاوی قرار دهم. این کتاب تحت عنوان «توسعه به‌مثابه توانمندسازی حکومت» است. نویسندگان این کتاب مت‌ اندروز، لنت پریچت و مایکل وولکاک از جمله اساتید برجسته اقتصاد و علوم اجتماعی

داخلی‌شان به‌مانند کامیون در گل گیر کرده، هستند که ما به آن تله قابلیت می‌گوییم. آن‌ها قادر به انجام مأموریت‌های محوله نیستند و تکرار هرروزه کارهای مشابه، هیچ بهبودی به همراه نمی‌آورد و حتی با تلاش بیشتر وضعیت را وخیم‌تر هم می‌کند و ... به اعتقاد ما کشورها به‌اندازه‌ای که توان اجرایی‌شان امکان می‌دهد، توسعه‌یافته‌اند و ... در بررسی شواهد و تحلیل‌ها، ... ما متقاعد شده‌ایم، بسیاری از حکومت‌ها نه به علت نداشتن سیاست‌های خوب، بلکه بر اثر فقدان قابلیت اجرا به نتایج ضعیف می‌رسند ...» بنابراین در این کتاب با بررسی دقیق و تحلیل شواهد و استفاده از نماگرهای مختلف، کشورها گروه‌بندی و بر اساس سطح قابلیت و توان اجرا طبقه‌بندی می‌شوند. نتیجه حاصل از بررسی این است که بسیاری از حکومت‌ها فاقد قابلیت‌های اولیه حتی پس از دهه‌ها سال اصلاحات و اجرای برنامه‌های متعدد هستند. در این جوامع مثل کشور خودمان و استان کرمان چه بسا برنامه وجود دارد و چه بسا در نگاه اول برنامه خوب و کارشناسی و از منظر رعایت چارچوب‌های فنی قابل قبول تنظیم شده، اما دستاوردها به‌هیچ‌وجه مطابق با اهداف تبیین شده نیست و قابل قبول نمی‌باشد؛ بنابراین، نکته مهم این است که همه دست‌اندرکاران با تمام وجود دنبال اصلاح امور و رسیدن به سطح بالاتر از توسعه‌یافتگی هستند و تلاش لازم را هم اعمال می‌دارند و برنامه هم توسط متخصصان تنظیم می‌شود، اما به دلیل فقدان قابلیت اجرایی مناسب، این برنامه‌ها به سرانجام نمی‌رسند. از این‌رو به نظر می‌رسد، باید این نسخه، نسخه قابل توجهی برای در دستور کار قرار گرفتن، چه در سطح کلان و چه در سطح استان باشد تا بتواند این گره مهم را باز نماید.

بر اساس شواهد و تحلیل‌های موجود در این کتاب، در موضوع حوزه فقدان قابلیت و توان اجرایی، کشورها با دو تله مواجه هستند :

الف) تقلید طوطی‌وار یا تقلید همسان،

ب) تحمیل بار بی‌موقع (بار بیش‌ازاندازه و یا بیش‌ازاندازه زود انجام دادن).

در موضوع تقلید طوطی‌وار گفته می‌شود که کشورها برای تنظیم برنامه‌ها و سیاست‌گذاری با انکا به بهترین‌الگوها و روش‌های موجود و تجارب در آن زمینه در کشورهای دیگر سعی در تعیین «بهترین سرمشق» دارند. در تقلید طوطی‌وار معمولاً شکل رعایت می‌شود، ولی کارکرد به‌هیچ‌وجه مشابهتی با اصل کار ندارد؛ در این دیدگاه گفته می‌شود درست است که توسعه نیازمند تغییر است، اما بایستی توجه داشت که تغییر در درون یک بافت اتفاق می‌افتد. اگر در پیاده‌سازی سیاست‌های اصلاحی و مداخله‌ای برای توسعه، الگوهای موفق به کار گرفته شوند، اما به بافت اجتماعی و اقماری آن جامعه توجه نشود، نتایج کارکردی لازم به دست نخواهد آمد. در چنین شرایطی ممکن است برنامه‌هایی

برداشت‌هایی که داشته‌ام، خواهم داشت. در برداشت از مطالب این کتاب می‌توان اظهار کرد که بسیاری از اقدامات دولت با عنوان «مداخلات توسعه‌ای» صورت می‌گیرد و برنامه‌های توسعه کلان و بخشی تنظیم می‌شود، اما در عمل به‌طور کامل عملیاتی نمی‌شود، دانشگاه‌های متعدد ساخته می‌شود، به‌طوری که در استان کرمان ۱۰۰ واحد آموزش عالی و قریب ۱۲۰ هزار دانشجوی وجود دارند، اما به لحاظ تخصصی، دانشجویان از سطح دانش و علم لازم برخوردار نیستند. در سایر موارد نیز چنین است و علی‌رغم هدف‌گذاری و برنامه‌ریزی به‌ظاهر مناسب و بهره‌مند از الگوهای موفق خارجی، نتایج مورد انتظار حاصل نمی‌شود.

با تجربه حدود هفتاد سال برنامه‌ریزی در ایران در دوره‌های مختلف، با نگاه اصلاح ساختار، طرح‌های متعدد ارائه می‌شود، اما نتیجه و دستاوردی از این طرح‌ها حاصل نمی‌شود. به‌رحال این کتاب به‌طور جدی به ضعف در توانمندی اجرا و فقدان قابلیت اجرایی لازم برای پیاده‌سازی برنامه‌ها تأکید دارد. وقتی تجربه استان در حوزه‌های مختلف را بررسی می‌کنم، به‌وضوح این مسئله خودنمایی می‌کند، در کل کشور نیز چنین است؛ بنابراین، این موضوع که مشکل استان و یا کشور، فقدان برنامه و نبود سازوکار برنامه‌ریزی مناسب است از دو بُعد اساسی قابل بررسی است:

الف) تدوین برنامه درست و متناسب با شرایط بومی منطقه و یا استان و اتخاذ تدابیر درست به لحاظ تبیین اهداف مناسب، رویکردها، راهبردهای توسعه، سیاست‌گذاری صحیح و غیره که به نظر می‌رسد در این بخش علیرغم اهمیت بالای آن، اما با استفاده از متخصصین برجسته امکان بهره‌گیری از برنامه‌های کارآمد میسر می‌باشد. ب) اجرای مناسب برنامه‌ها؛ این بُعد از سه مراحل سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است و متأسفانه گلوگاه اصلی ضعف برنامه‌های کشور در همین مرحله است.

آنچه در این کتاب مورد تأکید است، فقدان قابلیت‌های لازم در حوزه اجرا است؛ بنابراین در بعد خرد، سازوکارهای فنی و انسانی لازم برای اجرای یک برنامه مطرح می‌شوند و در بعد کلان و در سطح کشورها، مجموعه نظام حکمروایی مناسب که در ابعاد مختلف مدیریت مناسب منابع اعم از فیزیکی و انسانی و بهبود سازوکارهای اجتماعی در کنار مباحث فنی است. آنچه حائز اهمیت است توجه به این مسئله است که متخصصان امر برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری کشور بایستی این وجه از موانع را مورد ارزیابی، پایش و آسیب‌شناسی همراه با ارائه راهکار قرار دهند، در ادامه به برخی از این موانع اشاره می‌شود.

تله قابلیت

کتاب: «بسیاری از کشورهای درحال توسعه و دستگاه‌های

ملزم نمودن سازمان‌ها و نهادها به انجام برخی وظایف پیش از آنکه واقعاً قابلیت انجام آن را داشته باشند، فشار بسیار عظیمی به تشکیلات و کارگزارانش وارد می‌آورد و حتی به فروپاشی اندک قابلیت فراهم آمده نیز می‌انجامد و تکرار مستمر چنین فرایندهایی از بارگذاری بی‌موقع باعث تقویت تله قابلیت می‌شود... نقطه ضعف بارگذاری بی‌موقع هنگامی مشخص می‌شود که از سازمان‌های تازه تشکیل شده می‌خواهیم کارکرد الگوهای مورد اجرا در کشورهای ثروتمند را به اجرا بگذارند و برای این منظور آن‌ها را بی‌درنگ زیر فشاری طاقت‌فرسا می‌گذاریم.



تنظیم شود که روی کاغذ همه چیز خوب است، اما در عمل به دلیل عدم توجه به بافت اجتماعی، نتیجه لازم حاصل نمی‌شود. در تقلید همسان، بسیاری از سازمان‌ها فارغ از نتیجه، بسیاری از ظواهر سازمان‌های موفق را دنبال می‌کنند که در عمل باعث مشروعیت‌بخشی به آن‌ها و بقا آن سازمان می‌شود.

بنابراین بسیاری از سازمان‌ها و وزارتخانه‌ها بهترین سرمشق‌ها را از کشورهای پیشرفته کپی می‌کنند تا بدین وسیله مشروعیت برای کار خود ایجاد نمایند و عملاً آن سازمان و یا وزارتخانه و یا نهاد شبیه کشورهای توسعه‌یافته و با الگوهای موفق به نظر می‌رسد. کتاب: «تقلید طوطی‌وار شکل و کارکرد را قاطی می‌کند؛ شبیه کاری را انجام دادن، جایگزین دایماً آن کار را انجام دادن، می‌شود ... بنابراین تصویب قانون کار موفقیت به حساب می‌آید، حتی اگر در غیاب ضمانت اجرایی بدان معنا باشد که چنین قانونی هرگز تجربیات روزانه کارگران را تغییر ندهد، دوره‌های تشریفاتی «کارآموزی» موفقیت تلقی می‌شود ولو اینکه رفتار هیچ کس در عمل بهبود نیابد، صرف مدرسه ساختن و حضور کودکان در مدرسه پیروزی تلقی می‌شود، حتی اگر کسی چیزی یاد نگیرد و ... سازمان‌ها راهبردهایی را دنبال می‌کنند تا شبیه سازمان‌های موفق به نظر برسند، ...»

در فرایند تحولات نظریه‌های توسعه و در دیدگاه‌های متأخر تأکید بر شکل‌گیری نهادهای خوب مثل کشورهای ثروتمند است که خود این موضوع به شکل مودیان‌تری تقلید طوطی‌وار را رقم زده است، البته این به مفهوم نادیده گرفتن نقش نهادها نیست، بلکه تأکید بر کارکرد نهاد است تا شکل آن. جالب است بدانیم که در کشورهای پیشرفته اتفاقاً شکل نهادها متفاوت است، اما کارکرد آن‌ها یکسان است، ولی در کشورهای غیر توسعه‌یافته برعکس شکل‌های یکسان، اما کارکرد مبهم است.

در کتاب فوق‌الذکر به شکل تخصصی و تفصیلی موضوع تقلید همسان یا طوطی‌وار تشریح شده است. برداشت این است که نظام اجرایی کشور و استان به شدت نیازمند توجه به این مسئله است. در حال حاضر نظام اداری ما گرفتار شکل است. به خوبی می‌توان از نحوه ارائه گزارش عملکردها و یا حتی الگوهای ارزیابی عملکرد، این مسئله را دریافت که در چنین شرایطی غالباً فرایند انجام کار مورد توجه است تا نتیجه و دستاورد؛ به گونه‌ای که در فرم‌ها و قالب‌های ارزیابی عملکرد سیاست‌های برنامه‌ای، تعداد جلسات برگزار شده، تعداد مصوبات، نفر-ساعت شرکت‌کننده و ... ملاک عمل قرار می‌گیرد. در تعریف اولویت‌های کاری نیز برگزاری جلسات متعدد، ارائه آمار و اطلاعات و برنامه‌های متعدد و بعضاً بسیار ایده‌آل‌گرایانه، برگزاری همایش‌ها و ... همگی حکایت از آن دارند که نظام اداری به‌طور جدی بایستی رویکرد نتیجه محوری و مسئله محوری را جایگزین نگاه فعلی نماید که به‌طور غالب عمده توجه صرفاً صرف پیاده‌سازی و رعایت مقررات و فرایند، فارغ از هر نتیجه‌ای می‌شود.

برای حل این مشکل در بخش دوم کتاب با معرفی رویکرد PDIA (انطباق رفت و برگشتی مسئله محور) راه مؤثری برای خروج از این مشکل را معرفی می‌نماید که در پایان به آن اشاره می‌شود.

بارگذاری بی‌موقع

(بیش از اندازه زیاد یا بیش از اندازه زود انجام دادن)

تحمیل بار بی‌موقع، وارد کردن بار با وزن زیاد بر یک سازه و یک ساختار بیش از توان آن سازه یا ساختار است که نمی‌تواند آن را تحمل نماید که در این صورت نه تنها مأموریت تعریف شده به انجام نمی‌رسد، بلکه آن سازه و یا آن ساختار تخریب می‌شود و باعث خسارت هم می‌گردد.

در این تعریف، کتاب: «ملزم نمودن سازمان‌ها و نهادها به انجام برخی وظایف بیش از آنکه واقعاً قابلیت انجام آن را داشته باشند، فشار بسیار عظیمی به تشکیلات و کارگزارانش وارد می‌آورد و حتی به فروپاشی اندک قابلیت فراهم آمده نیز می‌انجامد و تکرار مستمر چنین فرایندهایی از بارگذاری بی‌موقع باعث تقویت تله قابلیت می‌شود... نقطه ضعف بارگذاری بی‌موقع هنگامی مشخص می‌شود که از سازمان‌های تازه تشکیل شده می‌خواهیم کارکرد الگوهای مورد اجرا در کشورهای ثروتمند را به اجرا بگذارند و برای این منظور آن‌ها را بی‌درنگ زیر فشاری طاقت‌فرسا می‌گذاریم.» در اینجا با کنار هم قرار دادن دو اصطلاح «تقلید طوطی‌وار» که عموماً شباهت ساختار و قالب یا شکل را با سرمشق‌های موفق نشان می‌داد و «تحمیل بار نامناسب» که همان تأکید بر اجرای سیاست‌ها و الگوهای موفق در کشورهای توسعه‌یافته بدون توجه به بافت است، می‌توان دریافت که عملاً فاصله زمانی رشد و تحول نهادها در کشورهای توسعه‌یافته، شرایط اجتماعی، تاریخچه سیاسی و قابلیت سازمانی انباشته‌ای در طول زمان، نادیده گرفته شده است. به عبارت دیگر، اگر سازمان فعلی را در کشور درحال توسعه به‌عنوان نهادی که در ابتدا شاید قابلیت اجرایی امروز را نداشته و به تدریج و با گذشت زمان و بعضاً آزمون و خطا به درجه‌ای از قابلیت رسیده است با نهاد یا سازمان موجود در کشور توسعه‌نیافته مقایسه کنیم، قاعدتاً قابلیت یکسانی ندارند و طبیعی است که این سازمان نتواند الگوی موفق اجرا شده در کشور توسعه‌یافته را محقق نماید و عملاً رشد و تکامل تدریجی تاریخی این نهادها و کسب توان اجرایی طی این دوره نادیده گرفته شده و باری فارغ از توان اجرا به سیستم وارد خواهد نمود. با توجه به آنچه بیان شد، به راحتی می‌توان دریافت که چنانچه برای حل مشکل و یا دستیابی به هدفی برنامه‌ریزی انجام شود و در آن برنامه‌ریزی مبنای الگوها و مباحث تخصصی صرفاً بر اساس کاربرد بهترین سرمشق و الگوی دنیا باشد، ما را به سرمزول مقصود نمی‌رساند، زیرا در آن صورت ما الگوهای خوبی طراحی و تبیین می‌نماییم، اما ساختارهای سازمانی، اداری و اجرایی ما متناسب با آن شکل نگرفته‌اند و عملاً فاصله بسیار زیادی به اندازه تفاوت سطح توسعه‌یافتگی بین مقصد و محل اجرای الگو تا کشوری که الگوی سرمشق را از آن گرفته‌ایم، خواهد داشت.

راه حل چیست؟

از آنجاکه در آستانه تدوین برنامه هفتم کشور و همچنین استان هستیم، جا دارد تا به‌عنوان یک رویکرد اساسی و کلان کشور، این مسئله مورد توجه واقع شود. همان‌طور که قبلاً بیان شد، متخصصین و اساتید نویسنده این کتاب، راه‌حل خروج از دام «فقدان قابلیت اجرایی لازم» را اتخاذ رویکرد انطباق رفت و برگشتی مسئله محور (PDIA) می‌دانند و با ذکر مثال زیر، این

جنس پیچیدگی سفر سال ۱۸۰۴ است و در طبقه‌بندی مسائل جزو گروه مسائل پیچیده و سخت تلقی می‌شود.

سؤال این است که حال که بخش عمده مسائل امروز ما از جنس مسائل و مشکلات پیچیده و دشوار، همچون سفر در سال ۱۸۰۴ است، برای دستیابی به هدف چه کار باید کرد؟ بررسی مسائل برنامه‌ریزی در کشور و استان به خوبی بیانگر آن است که ما در خصوص پیشرفت زیربنای فیزیکی، ساخت مدرسه و دانشگاه، راه روستایی، سد و غیره به طور نسبی موفق بوده‌ایم، اما در تحقق اهداف کیفی و از جنس سیاست‌گذاری سخت، تقریباً دستاورد جدیدی نداشته‌ایم. نسخه پیشنهادی این کتاب برای حل این مشکلات رویکرد PDIA حرکت رفت‌وبرگشت انطباق‌پذیر (آزمون و خطا) است که ما متناسب با شرایط موجود خودمان حرکت می‌کنیم و به نتیجه می‌رسیم. البته ممکن است این شبهه ایجاد شود که آزمون‌وخطا درجایی که ما می‌توانیم برنامه‌ریزی کنیم، هزینه رسیدن به هدف را افزایش می‌دهد. باید توجه کرد این رویکرد در شرایطی که امکان تعریف مسیر از قبل وجود ندارد، مثل بسیاری از مسائل و مشکلات اقتصادی و اجتماعی حائز اهمیت است؛ به عبارت دیگر این جنس از مسائل و کسب این درجه از توانمندی‌ها مثل آموختن یک ساز در موسیقی است که نمی‌توان با انتخاب بهترین نت‌های موسیقی، موسیقیدان و هنرمند زبردستی در آن ساز شد. تنها راه کسب علم و تجربه در این مسیر است، با آهنگ‌های گوش‌خراش در ابتدای راه شروع می‌شود و با تمرین و کسب مهارت، یاد می‌گیرد؛ بنابراین تحقق «فرایند یادگیری» در این فراگرد، یک اصل است.

آیا چالش توانمندسازی از جمله‌ی راهبرد ۲۰۱۵ است یا ۱۸۰۴؟ در پاسخ باید گفت، طبق شواهد و بررسی‌های انجام‌شده در کتاب، این راهبرد، ترکیبی از ۲۰۱۵ و ۱۸۰۴ با ابعاد متداول و معمولاً مسلط ۱۸۰۴ است که با نوع سیاست‌گذاری پیچیده و غامض روبه‌رو هستیم که با رویکردهای ساده قابل‌حل نیست.

در پایان بایستی یادآور شوم که با توجه به تجارب حاصل از تدوین برنامه‌های مختلف توسعه در کشور و استان و همچنین تهیه اسناد مختلف کلان، فرابخشی و بخشی، باید اصلی‌ترین حلقه مفقوده را در جریان فقدان قابلیت اجرایی لازم و عدم توانمندی در ابعاد اجرایی دانست که علیرغم تدوین برنامه‌های فنی و سیاست‌گذاری مناسب، نتایج دستاوردهای مناسبی حاصل نمی‌شود که در این ارتباط بیان گردید، دو موضوع تقلید طوطی‌وار در طراحی و تبیین الگوهای سازمانی و یا سیاست‌گذاری با رویکرد اتخاذ بهترین سرمشق‌های موجود و تعریف آن به‌عنوان تکالیف سازمانی، نمی‌تواند ما را به سرمنزل مقصود برساند. در این ارتباط با گذر زمان همچون ماشین در گل گیر کرده می‌مانیم که با گاز دادن، بیشتر و بیشتر در گل فرومی‌رویم، به طوری که مکرراً سیاست‌ها عوض می‌شود و در هر مقطع زمانی جدید، سیاستی جدید امتحان می‌گردد و چون بازدهی لازم را ندارد کنار گذاشته شده و سیاستی جدید در پیش گرفته می‌شود، درحالی که اساساً مشکل از سیاست نبوده است بلکه قابلیت اجرایی مشکل داشته است، این فرآیند باعث می‌شود که سیستم‌های اجرایی در بلندمدت درگیر دامی شوند که هر روز شرایط را پیچیده‌تر و بدتر می‌نماید. برای خروج از آن، یکی از راهکارهای مهم، توسل به راهبرد انطباق رفت و برگشتی مسئله محور (PDIA) است. این رویکرد با اتکا به روش‌های کشف مسئله و حرکت قدم‌به‌قدم و درعین حال متناسب با ساختارهای بومی و سازمانی موجود، زمینه دسترسی به هدف را فراهم می‌نماید. با این امید که طرح این موضوع زمینه مطالعه بیشتر و توسل به شیوه‌های جدید در پاسخ به مسائل توسعه استان را به‌جای سندنویسی صرف محقق نماید. ♦♦

رویکرد را توضیح داده‌اند.

سفر اکتشافی از شرق به غرب آمریکا در دو زمان مختلف (یکی در سال ۱۸۰۴ و دیگری در سال ۲۰۱۵) سفر از شرق آمریکا به غرب در سال ۱۸۰۴ با مسافرت در سال ۲۰۱۵ کاملاً متفاوت است. در آن زمان گروهی که با دستور رئیس‌جمهور برای کشف مناطق جدید آمریکا اعزام یک سفر اکتشافی شدند، آن‌ها نمی‌دانستند با چه موانع طبیعی و انسانی مواجه هستند، نمی‌دانستند زمان سفر چقدر خواهد شد و چه خطراتی آن‌ها را تهدید می‌کند؟ بنابراین برای مسافرت افراد مختلفی با توانایی‌های مختلف همراهی می‌کردند؛ منجم، پزشک، گروه مسلح، مسئول مواد خوراکی و غیره، اما اگر قرار باشد همین را امروز انجام دهیم با استفاده از گوگل مپ مسیر خود را پیدا می‌کنیم و با برنامه‌ریزی دقیق، تعیین زمان و محل اسکان و غیره به راحتی قابل انجام است. نویسندگان با ذکر این مثال سعی در بیان تفاوت در نوع مسائل پیش روی و همچنین نحوه برخورد با هر کدام از آن‌ها دارند. با این مثال فرایند سیاست‌گذاری و ملاحظات مرتبط با آن بویژه در حوزه سیاست‌گذاری کلان دولت حائز اهمیت است. در این ارتباط می‌توان سیاست‌گذاری‌ها را به دو نوع:

الف) سیاست‌گذاری سخت،

ب) سیاست‌گذاری آسان.

تقسیم‌بندی کرد. در نوع اول با مسائلی سروکار داریم که از پیچیدگی بالایی برخوردارند و برای حل آن‌ها صرفاً نمی‌توان به سراغ بهترین سرمشق‌ها رفت؛ از جمله این مسائل که با آن‌ها سروکار داریم، ارتقا کیفیت نظام سلامت، ارتقای نظام آموزش و پرورش، اصلاح ساختار بانکی، اصلاح ساختار بودجه، بودجه‌ریزی عملیاتی، مبارزه با فساد، ارتقا بهره‌وری و غیره است. در نوع دوم، مسائل نسبت به گروه اول از پیچیدگی به مراتب پایین‌تری برخوردارند و از ماهیت قالب‌بندی بالاتری برخوردارند، از جمله: سیاست‌گذاری برای تأمین زیرساخت‌های فیزیکی از قبیل جاده، سد، تعداد مدارس، بیمارستان، ساخت نیروگاه، فعالیت‌های بسیج و غیره.

چنانچه مشهود است در نوع اول سیاست‌گذاری، ما با مسئله‌ای از نوع سفر در سال ۱۸۰۴ مواجه هستیم و در گونه سیاست‌گذاری دوم، از نوع سفر در سال ۲۰۱۵.

با این توضیح شاید آشکار شده باشد، چرا ما ۱۰۰ واحد دانشگاهی در استان داریم، اما نظام آموزشی پیشرفته نداریم، بیمارستان داریم، اما نظام سلامت نقص زیادی دارد؟ به عبارت دیگر، ساختن مدرسه به مراتب ساده‌تر از اصلاح نظام آموزش و پرورش است. ساخت دانشگاه از نوع سیاست‌گذاری نوع دوم (ساده)، اما اصلاح نظام آموزش عالی از جنس نوع اول (سخت) می‌باشد.

یکی از مشکلات موجود در نظام و ساختار اداری اجتماعی ما موضوع تعارض منافع است که به لحاظ پیچیدگی و دشواری از



گفت‌وگو با دکتر «زهرا کریمی» عضو هیئت علمی گروه اقتصاد دانشگاه مازندران

دو روند متضاد باهم

دکتر زهرا کریمی عضو هیئت علمی گروه اقتصاد دانشگاه مازندران در گفت‌وگو با ما می‌گوید که دولت کارآمد زمینه‌ساز یک اقتصاد پویا و موفق است و آنگاه که دولت، دولت کارآمدی نباشد و فضای کسب‌وکار پرخطر باشد، کسی گرایشی به سرمایه‌گذاری‌های مولد و اشتغال‌زا نخواهد داشت. دولت ناکارآمد می‌تواند علائم مثبت بازار را از بین ببرد و فعالیت‌های اقتصادی را دچار انحراف کند. در شرایط خاص و بحرانی، دولت‌ها باید در بازارها مداخله کنند، اما در شرایط ممکن باید مداخله کم شود وگرنه مداخله مداوم دولت در بازار می‌تواند انحرافات جدی ایجاد کند. او همچنین می‌گوید که زمانی فقر واقعاً کاهش پیدا می‌کند که اقتصاد خوب کار کند، فرصت‌های شغلی زیادی ایجاد شود و سطح مزدهای واقعی افزایش یابد، اما در شرایط برعکس همواره فقر گسترش پیدا می‌کند. اینکه در کشور با وجود این همه متولیان، نهادها و سازمان‌ها که می‌خواهند به فقر رسیدگی کنند و فقر همچنان افزایش می‌یابد، نشان‌دهنده این است که دو روند متضاد در کشور در کنار هم عمل می‌کنند. در کشور ما در کنار فقرزدایی، روندهای خیلی جدی فقرزایی وجود دارد که متأسفانه در دهه‌های اخیر به‌رغم این همه شعارهای عدالت‌محور و مقابله با فقر، فقر رو به افزایش بوده است. اقتصاد ایران به ثبات و آرامش و فضای کسب‌وکار مناسب در عرصه داخلی و تنش‌زدایی و بهبود روابط تجاری در عرصه بین‌المللی نیازمند است. چنین تحولی شرط لازم برای گام برداشتن در مسیر بهبود رشد اقتصادی و کاهش فقر و نابرابری است، هر چند شرط کافی برای کاهش نابرابری، داشتن قوانین مناسب برای توزیع مجدد درآمد و اجرای کارآمد آن است. شرح کامل این گفت‌وگو در ادامه آورده شده است.



دولت یکی از نهاد های مهمی است که می‌تواند کارآمدی بازار را تضمین کند. تا زمانی که دولت کارآمدی وجود نداشته باشد، قطعاً بازار کارآمدی وجود نخواهد داشت. تجربه بی‌ثباتی‌ها، هرج‌ومرج‌ها و فساد در کشورهای آفریقایی و در کشورهایی که دولت ناکارآمد است نشان می‌دهد که اقتصاد هم دچار شکنندگی می‌شود و عملاً از رشد بازمی‌ماند.

♦♦ دولت چگونه می‌تواند تضمین‌کننده رقابت سالم در بازارها و رفاه حداکثری شهروندان باشد؟

دولت یکی از نهادهای مهمی است که می‌تواند کارآمدی بازار را تضمین کند. تا زمانی که دولت کارآمدی وجود نداشته باشد، قطعاً بازار کارآمدی هم وجود نخواهد داشت. تجربه بی‌ثباتی‌ها، هرج‌ومرج‌ها و فساد در کشورهای آفریقایی و در کشورهایی که دولت ناکارآمد است نشان می‌دهد که اقتصاد هم دچار شکنندگی می‌شود و عملاً از رشد بازمی‌ماند. دولت کارآمد از طریق روش‌های زیر تضمین‌کننده موفقیت بازار است:

- ایجاد امنیت، قوه قضاییه سریع، سالم و در دسترس،
- جلوگیری از شکل‌گیری انحصارهای قدرتمندی که راه را بر فعالیت بخش خصوصی می‌بندند،
- ایجاد روابط بین‌المللی روان و مناسب که هم تکنولوژی موردنیاز تأمین بشود و هم امکان دسترسی به بازارهای صادراتی وجود داشته باشد.

بنابراین چه در داخل و چه در عرصه بین‌المللی، دولت نقش بسیار بسیار مهمی در فراهم آوردن زمینه فعالیت بخش خصوصی دارد تا زمانی هم که بخش خصوصی خوب کار کند اقتصاد حرکت مناسبی دارد، سطح درآمد، سرمایه‌گذاری و تولید و ... به‌صورت مثبتی رشد می‌کند و اقتصاد به‌اصطلاح روی ریل خود قرار گرفته و راحت به جلو می‌رود، اما وقتی که دولت، دولت کارآمدی نباشد و فضای کسب‌وکار پرخطر باشد در این صورت کسی گرایشی به سرمایه‌گذاری‌های مولد و اشتغال‌زا نخواهد داشت و همه می‌خواهند پول خود را زیر سرشان نگه‌دارند؛ برای اینکه نسبت به آینده نگران هستند. بنابراین قطعاً دولت کارآمد زمینه یک اقتصاد پویا و موفق است. بالعکس دولتی که کارآمد نیست، می‌تواند علائم مثبت بازار را از بین ببرد و فعالیت‌های اقتصادی را دچار انحراف کند.

♦♦ مداخله دولت در بازار رقابتی چگونه موجب برهم خوردن سیستم قیمتی و از بین رفتن تخصیص بهینه منابع می‌شود؟

مداخله دولت در بازارها در مقاطعی ضروری است؛ برای مثال در شرایط خشک‌سالی، جنگ، در شرایطی که عرضه کالا فوق‌العاده کم می‌شود و به گروه‌های آسیب‌پذیری فشار کمرشکنی وارد می‌آید، در این موارد دولت‌ها در بازار مداخله و قیمت‌گذاری می‌کنند، اما وقتی دولت قیمت پایینی برای کالاها ضروری تعیین می‌کند، قطعاً در کنار توزیع بر اساس قیمت‌های تعیین شده، بازار سیاه هم ایجاد می‌شود؛ چون وقتی قیمت پایین است و به‌اندازه کافی کالا وجود ندارد یک عده‌ای هستند که می‌توانند با

قیمت‌های بالاتری کالای کمیاب را به دست بیاورند. در مجموع در شرایط خاص و بحرانی دولت‌ها باید در بازار مداخله کنند، ولی هر زمان که امکانش وجود دارد باید مداخله کم شود وگرنه مداخله مداوم دولت در بازار می‌تواند انحرافات جدی ایجاد کند. همان‌طور که خدمتتان عرض کردم، کنترل قیمت‌ها از یک‌سو بازار سیاه و کمیابی ایجاد می‌کند و از سوی دیگر انگیزه سرمایه‌گذاری را کاهش می‌دهد. با عدم‌مداخله دولت در شرایطی که کشور ما ۱۰ سال در تحریم است، قطعاً بیشترین هزینه متوجه مردم کم‌درآمد خواهد شد. بهترین راهی که دولت می‌تواند به اقتصاد کمک کند، این است که سعی کند تحریم‌ها را برطرف کند و اقتصاد را به حالت عادی خود برگرداند که نیازی به مداخله دولت در اقتصاد و در قیمت‌ها وجود نداشته باشد وگرنه وقتی وضع بحرانی است، اگر دولت مداخله نکند به معنی این است که هزینه اصلی را باید مردم کم‌درآمد تحمل کنند.

♦♦ سیاست‌های مختلفی برای پایان دادن به فقر تدوین شده است و سازمان‌های متعددی با مأموریت کاهش فقر ایجاد شده است، اما چرا فقر نه‌تنها کاهش پیدا نکرده بلکه روند افزایشی آن تداوم هم یافته است؟



وقتی اقتصاد در بحران است، دولت‌ها در اقتصاد مداخله کرده و تلاش می‌کنند که بار سنگینی به دوش اقشار کم‌درآمد تحمیل نشود، ولی مسلماً در شرایط بحرانی، اقتصاد خوب عمل نمی‌کند. همواره با کنترل‌های قیمتی فقر ادامه پیدا می‌کند. زمانی فقر واقعاً کاهش پیدا می‌کند که اقتصاد خوب کار کند، فرصت‌های شغلی زیادی ایجاد شود، میزان تولید و درآمد سرانه واقعی افزایش پیدا کند، اما در شرایط رکود تورمی برعکس، همواره فقر گسترش پیدا می‌کند. این که در کشور، این همه نهادها و سازمان‌های مختلف متولی فقر داریم که می‌خواهند به فقرا رسیدگی کنند ولی همین‌طور فقر افزایش پیدا می‌کند. این تضاد نشان‌دهنده وجود دو روند متضاد در کشور در کنار هم است:

۱. اجرای سیاست‌های فقرزدایی از طریق سازمان‌هایی همچون کمیته امداد امام خمینی (ره)، بهزیستی و انواع و اقسام خیریه‌ها که در حال کمک به مردم هستند تا مردم از خط فقر نجات پیدا کنند،
 ۲. روندهای دیگر که فقرزدایی می‌کنند؛ مثل از بین رفتن فرصت‌های شغلی، افزایش مشاغل موقت با دستمزدهای پایین، افزایش سطح عمومی قیمت‌ها، افزایش اجاره‌بها و مواردی این‌چنینی که مردم را به فقر سوق می‌دهد و گروه‌های متوسط را به زیر سطح فقر سوق می‌دهد.

لذا تا زمانی که اقتصادمان خوب کار نکند، با صرف داشتن نهادهایی مانند کمیته امداد نمی‌توانیم با فقر مقابله کنیم؛ این اقتصاد توان ایجاد درآمد کافی برای مردم کشور را ندارد، به علاوه نهادهای حمایتی نیز خودشان به بودجه دولت وابسته‌اند و کمک دریافت می‌کنند. سازمان بهزیستی که کل بودجه‌اش مربوط به دولت است، ولی کمیته امداد کمک‌هایی از دولت دریافت می‌کند.

اگر هزینه‌های حمایت از اقشار آسیب‌پذیر از درآمدهای دولت فراتر باشند- مثل یارانه‌های نقدی که زمان آقای احمدی‌نژاد به مردم پرداخت شد- این موضوع خود سبب افزایش کسری بودجه دولت می‌شود. خیلی وقت‌ها این کسری بودجه مبنایی برای افزایش حجم پول است که به تورم دامن می‌زند؛ به عبارتی از یک‌سو، از طریق بودجه‌های حمایت از اقشار آسیب‌پذیر به مردم کمک می‌شود و از طرف دیگر در اثر کسر بودجه و خلق پول بر روی آتش تورم بنزین ریخته می‌شود و تمام آثار مثبت حمایت از فقرا از بین می‌رود.

در شرایطی که قیمت یک شانه تخم‌مرغ حدود ۱۰۰ هزار تومان شده و همه چیز وحشتناک گران شده است؛ دولت به مردم یارانه نقدی می‌دهد. یارانه نقدی چطور می‌تواند به مردم کمک کند، وقتی به همان اندازه یا بیش از آن، قیمت کالاهای اساسی، اجاره خانه و غیره به شدت افزایش پیدا کرده است؟

در مجموع در کشور ما در کنار فقرزدایی، روندهای خیلی جدی فقرزدایی وجود دارد. متأسفانه در دهه‌های اخیر به‌رغم این‌همه شعارهای عدالت محور و مقابله با فقر، فقر در کشور ما رو به افزایش بوده است.

◆ تحلیل شما از نابرابری در توزیع درآمد در کشور چیست؟

در وضعیت رکود تورمی اقشار کم‌درآمد به شدت آسیب می‌بینند ولی صاحبان دارایی شاهد افزایش سریع قیمت دارایی‌هایشان هستند. بنابراین بدیهی است که در چنین شرایطی نابرابری در کشور به سرعت افزایش پیدا کند. طی ده سال گذشته تولید ملی و درآمد سرانه کاهش یافته و نابرابری عمیق‌تر شده است. بی‌تردید نتیجه‌ی این وضعیت گسترش سریع فقر و سقوط گروهی از خانوارهای متوسط‌الحال به زیر خط فقر است. راه‌کار مقابله با فقر و نابرابری افزایش سرمایه‌گذاری است. ولی متأسفانه در دهه‌ی اخیر سرمایه‌گذاری روندی منفی یافته و امروزه حتی سرمایه‌گذاری در کشور پاسخ‌گوی استهلاک نیست. تداوم این روند به معنای کاهش تولید، از میان رفتن فرصت‌های شغلی مولد و کاهش درآمد واقعی و فقر بخش بزرگی از مردم کشور است. همان‌گونه که در قسمت‌های پیشین اشاره کردم اقتصاد ایران به ثبات و آرامش و فضای کسب‌وکار مناسب در عرصه‌ی داخلی و تنش‌زدایی و بهبود روابط تجاری در عرصه‌ی بین‌المللی نیازمند است. چنین تحولی شرط لازم برای گام برداشتن در مسیر رشد اقتصادی و کاهش فقر و نابرابری نیز خواهد بود. هر چند شرط کافی برای کاهش نابرابری داشتن قوانین مناسب برای توزیع مجدد درآمد و اجرای کارآمد آن است.

◆ به نظر شما مهم‌ترین اصلاح اقتصادی که تبعات سیاسی کمتری دارد و بویژه از رانت‌جوگیری می‌کند، چیست؟

به اعتقاد من مهم‌ترین اصلاح اقتصادی در کشور در قدم اول؛ حل مشکل تنش‌های بین‌المللی است و گرنه کشور ما روزبه‌روز در عرصه‌ی تجارت بین‌الملل بیشتر

تا زمانی که

اقتصادمان خوب

کار نکند، با صرف

داشتن نهادهایی

مانند کمیته امداد

نمی‌توانیم با

فقر مقابله کنیم؛

این اقتصاد توان

ایجاد درآمد کافی

برای مردم کشور

را ندارد، به علاوه

نهادهای حمایتی

نیز خودشان به

بودجه دولت

وابسته‌اند و

کمک دریافت

می‌کنند. سازمان

بهزیستی که کل

بودجه‌اش مربوط

به دولت است،

ولی کمیته امداد

کمک‌هایی از

دولت دریافت

می‌کند.



موارد در جریان دریافت مجوز با فساد مواجه می‌شود و در بسیاری از مواقع سرمایه‌گذاری که با انرژی وارد یک عرصه شده بعد از مدتی تصمیم می‌گیرد که سرمایه‌گذاری را رها کند و این همه مشکلات را به جان نخرد!

همان‌طور که اشاره شد برای اینکه اقتصادمان رونق پیدا کند به یک قوه قضاییه‌ی کارآمد نیاز داریم. کسی که در کشور کار می‌کند و با مشکلی روبه‌رو می‌شود باید مطمئن شود که حق و مالکیتش از بین نمی‌رود؛ متأسفانه نگرانی‌های سرمایه‌گذاران در مورد عملکرد قوه قضاییه بسیار زیاد است.

درمجموع برای بهبود وضعیت اقتصادی علاوه بر بهبود روابط خارجی، بهبود در فضای کسب‌وکار داخل کشور از طریق، اجرای قوانین و مقررات ساده‌تر، قوه قضاییه و دستگاه‌های اجرایی کارآمدتر و کاهش فساد ضروری است. من می‌دانم که بخش خصوصی تا چه حد تحت فشار دستگاه‌ها و ادارات مختلف قرار دارد. قطعاً بخش خصوصی و اتاق‌های بازرگانی از این مشکلات به‌خوبی خبر دارند و برای حل آن‌ها تلاش می‌کنند. ♦♦

تحت فشار قرار خواهد گرفت. در حال حاضر ما از نظر درآمد نفت، پتروشیمی و صادرات فلزات اساسی دچار مشکل هستیم، چون به‌طور طبیعی نمی‌توانیم به کشورهای مختلف جهان صادرات داشته باشیم و از طریق تخفیف‌های خیلی جدی، میزان نامناسبی از آنچه علاقه‌مندیم صادر کنیم را با قیمت‌های کمتر صادر می‌کنیم و در مقابل واردات ما با هزینه خیلی بیشتر انجام می‌شود و حتی ممکن است واردات کالاها با کیفیت موردنظر انجام نشود.

درمجموع تجارت خارجه فوق‌العاده برای ما پرهزینه شده است، درصورتی‌که هیچ اقتصادی نیست که از تجارت خارجی بی‌نیاز باشد. لذا قدم اول برای بهبود وضعیت اقتصادی حل مشکل تحریم‌ها است که تردیدی در این موضوع نیست و این مورد شرط لازم برای بهبود وضعیت اقتصادی است، اما شرط کافی آن مقابله با این همه بگیروبیند در سرمایه‌گذاری‌های داخل کشور است؛ کسی که می‌خواهد سرمایه‌گذاری کند با محدودیت‌های مختلف در انواع و اقسام ادارات مواجه است که باید شخص سرمایه‌گذار به ادارات متعددی مراجعه کند و مجوز بگیرد. متأسفانه در اکثر



گفت‌وگو با دکتر «حسین سلاح‌ورزی» نایب‌رئیس اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران و رئیس سازمان ملی کارآفرینی ایران

اقتصاد دانش بنیان

نوآوری محرک اصلی رشد اقتصادی در اقتصاد دانش بنیان است که ایجاد آن مستلزم تغییرات گسترده‌ای در زیرساخت‌ها، نهادها، سازمان‌ها، قوانین و مقررات و البته دانش و تکنولوژی است. کشور ما تاکنون در بازار فزاینده محصولات جدید و نوآورانه سهم مناسبی کسب نکرده و متناسب با ظرفیت‌های خود حرکت نکرده است. دولت باید فهم خود از اقتصاد دانش بنیان و توسعه فناوری را متناسب با تغییرات موجود در فضای اقتصاد دانش بنیان تغییر داده و تغییرات اجرایی مناسب برای ظرفیت‌سازی ارتقاء و توسعه فناوری با هدف ایجاد حمایت‌های لازم از خلاقیت‌ها و نوآوری‌های بومی به عمل آورد. ملاحظات دولت‌ها برای حمایت از شرکت‌های فناور که می‌دانیم این شرکت‌ها در نیم‌قرن گذشته سنگ بنا و محرک توسعه اقتصادی جهان بوده‌اند، از مهم‌ترین موضوعات سیاست علمی، فناوری و نوآوری بوده است. البته که برای بخش خصوصی این ملاحظه وجود دارد که دولت‌ها در شرایط فعلی اقتصاد چه شرایطی را برای سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در بخش‌های مختلف اقتصادی فراهم کرده‌اند که اکنون بخش خصوصی به سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های فناورانه رغبت داشته باشد. سؤال اصلی برای فعالان بخش خصوصی این است که چرا تعداد بنگاه‌های اقتصادی خصوصی رو به افزایش نیست و چه مشکلاتی در فضای کسب‌وکار هست که مانع رشد این بنگاه‌ها می‌شود. اول باید بگذاریم در فضای اقتصاد صنعتی بنگاه‌های بزرگ خصوصی شکل بگیرند، آنگاه به سراغ توسعه جریان دانش بنیان این بنگاه‌ها برویم و نیز تجاری‌سازی حلقه مفقوده است. تجاری‌سازی دانش و نوآوری و یا فناوری‌ها با حضور بخش خصوصی می‌تواند پویایی لازم برای بهره‌برداری از دانش‌های بنیادین یا پایه را فراهم کند. بهره‌مندی از ظرفیت‌های بین‌المللی و حضور در دامنه بزرگ تجارت جهانی می‌تواند به گونه‌ای مهمی به خلاقیت و نوآوری‌های جدید، بسیار کمک نماید که با توجه به موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواکونومی کشورمان، ظرفیت‌های بالقوه بیشتری برای ما فراهم است، اما بهره‌مندی از ظرفیت‌های اقتصادی دانش بنیان نیازمند شرط‌هایی است...

شرح کامل گفت‌وگوی ما با دکتر حسین سلاح‌ورزی نایب‌رئیس اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران و رئیس سازمان ملی کارآفرینی ایران در موضوع جریان دانش بنیانی در ادامه آمده است.



اگر فناوری را به

عنوان مهارت یا

توانمندی‌هایی

که از طریق

آموزش با تجربه

حاصل می‌شود،

در نظر بگیریم،

می‌توان استفاده

از دستاوردهای

علمی برای حل

مسائل مهم

و کاربردی در

صنعت و مدیریت

بازرگانی و نوآوری

در ساخت

محصولات را به

عنوان فرآیندهای

فناوری بهره‌برد.

حال حضور دولت

در این موضوع

از دو جنبه قابل

بررسی است، هم

از جنبه فرهنگی

و سیاستی و هم

از جنبه توانمندی

اجرایی.

♦♦ شما چه تعریفی از اقتصاد دانش‌بنیان ارائه می‌فرمایید؟

با توجه به انتشار مقاله معروف OECD در سال ۱۹۹۵ و پذیرش جهانی آن، اقتصاد دانش‌بنیان مبنی بر به‌کارگیری دانش برای تولید کالاها و خدمات است. به این ترتیب که پذیرش دانش به‌عنوان محور اخذ تصمیمات در تمامی عرصه‌های حیات جمعی از جمله سیاست‌گذاری، تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی، علاوه بر به‌کارگیری در تولید کالاها و خدمات مدنظر قرار گیرد. در اقتصاد دانش‌بنیان تمامی تصمیم‌ها چه از سوی فعالان اقتصادی و چه از سوی حاکمیت، باید بر پایه دانش و به منظور ارتقاء بهره‌وری باشد.

♦♦ محرک اصلی رشد اقتصادی در اقتصاد دانش‌بنیان چیست؟

نوآوری محرک اصلی رشد اقتصادی در اقتصاد دانش‌بنیان است و ایجاد نوآوری مستلزم تغییرات گسترده‌ای در زیرساخت‌ها، نهادها، سازمان‌ها، قوانین و مقررات و البته دانش و تکنولوژی است.

♦♦ ارزیابی شما از چگونگی سهم ما در تولید انواع

محصولات جدید در دنیا چیست و چقدر متناسب با بازارهای

جهانی حرکت می‌کنیم؟

با توجه به اینکه اولاً سهم ما از تجارت دنیا اندک است و این سهم اندک هم عمدتاً به کالاهای خام یا نیمه‌خام فلزی، معدنی، نفتی و پتروشیمیایی و کشاورزی یا به عبارت دیگر کامودیتی‌ها خلاصه می‌شود، مشخص است که در بازار محصولات جدید و فناورانه سهم قابل‌توجهی نداریم. بازار جهانی یا به عبارتی تجارت جهانی روزبه‌روز در حال گسترش است و با توجه به وضعیت کشور و اجرای سیاست‌های مختلف و ناموفق، تاکنون در بازار فزاینده محصولات جدید و نوآورانه سهم مناسبی کسب نکرده‌ایم و متناسب با ظرفیت‌های کشور حرکت نکرده‌ایم.

♦♦ می‌دانیم که فناوری یک کالای عمومی و از ریسک

بالایی برخوردار است، در توسعه فناوری نقش دولت و بخش

خصوصی چیست، چقدر می‌توان برای این زیرساخت‌های

فناورانه از بخش خصوصی انتظار سرمایه‌گذاری داشت؟

دانش، بسیاری از ویژگی‌های یک کالای عمومی را دارد و در حال حاضر نه تنها یک کالای عمومی ملی است، بلکه حتی به یک کالای عمومی جهانی نیز تبدیل شده است، از طرفی دیگر توسعه فناوری در گرو توجه ویژه به مفهوم دانش است. اگر فناوری را به عنوان مهارت یا توانمندی‌هایی که از طریق آموزش یا تجربه حاصل می‌شود، در نظر بگیریم، می‌توان استفاده از دستاوردهای علمی برای حل مسائل مهم

و کاربردی در صنعت و مدیریت بازرگانی و نوآوری در ساخت محصولات را به عنوان فرآیندهای فناوری بهره‌برد. حال حضور دولت در این موضوع از دو جنبه قابل بررسی است، هم از جنبه فرهنگی و سیاستی و هم از جنبه توانمندی اجرایی. جنبه اول بدین‌صورت که دولت باید فهم خود از اقتصاد دانش‌بنیان و توسعه فناوری را متناسب با تغییرات موجود در فضای اقتصاد دانش‌بنیان تغییر دهد و هم اینکه تغییرات اجرایی مناسب جهت ظرفیت‌سازی ارتقا و توسعه فناوری را با هدف ایجاد حمایت‌های لازم از خلاقیت‌ها و نوآوری‌های بومی به عمل آورد. همچنین می‌دانیم که شرکت‌های فناور سنگ بنا و محرک توسعه اقتصادی در نیم‌قرن گذشته بوده‌اند و مداخلات دولت‌ها برای حمایت از این شرکت‌ها از سال‌ها پیش از مهم‌ترین موضوعات سیاست علمی، فناوری و نوآوری بوده است. همچنین وقتی بیان کردیم که دانش یک کالای عمومی است، حضور بخش خصوصی در توسعه زیرساخت‌های آن از جمله در بخش فناوری، چارچوب‌های مشارکتی مناسبی را می‌طلبد. برای بخش خصوصی این ملاحظه وجود دارد که دولت‌ها در وضعیت فعلی اقتصاد چه شرایطی را برای سرمایه‌گذاری خصوصی در بخش‌های مختلف اقتصادی فراهم کرده‌اند که حالا بخش خصوصی به سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های فناورانه رغبت داشته باشد.



◆ چگونه می‌توان مشارکت در توسعه اقتصاد دانش‌بنیان را ترویج کرد و ارتقاء داد؟

ارتقاء مشارکت در توسعه اقتصاد دانش‌بنیان به عوامل مهمی بستگی دارد که به‌عنوان مثال می‌بایست رابطه دانش و توسعه و فهم سیاست‌گذاران از آن مشخص شود و فرهنگ اقتصاد دانش‌بنیان باید مدنظر قرار گیرد، اما از جانب سیاست‌های عمومی برای توسعه یک اقتصاد دانش‌بنیان اقدامات متعددی می‌بایست صورت پذیرد. به‌عنوان مثال می‌دانیم که یک عامل مهم در یک اقتصاد دانش‌بنیان نیروی کار آموزش دیده است و اغلب کشورها هم بر بهبود وضعیت نظام آموزشی خود متمرکز شده‌اند، اما اینکه چه سطوحی از خلاقیت و مهارت‌های شناختی علاوه بر مهارت‌های پایه در برنامه‌های بلندمدت دیده شده است که زمینه را برای موفقیت بیشتر در تحقق اقتصاد دانش‌بنیان فراهم می‌آورد. عامل مهم دیگر هم بررسی ردپای حمایت از پژوهش در سیاست‌های صنعتی است. در مورد این سیاست‌ها شاید برخی به اولویت‌بندی‌های دولت در چیدمان صنایع، انتقاداتی داشته باشند یا صلاحیت دولت در این موضوع را زیر سؤال ببرند، اما باید در نظر داشته باشیم که باید هدف سیاست‌های صنعتی را شناسایی نوآوری‌هایی قرار دهیم که بیشترین اثرات خارجی را به همراه داشته باشند. اثرات خارجی از این منظر که بیشترین منافع ملی یا امکان بهره‌بردن از آن را برای سایر بخش‌های اقتصادی فراهم آورند. در این مورد می‌توان شراکتی بین بخش خصوصی و دولت ایجاد نمود و با توجه به حمایت‌های مدنظر دولت از پژوهش‌های بخش خصوصی، بخش خصوصی نیز بخشی از دارایی‌های خود را در معرض ریسک قرار دهد. از طرفی در این مورد باید از پژوهش‌های بنیادی تجملاتی که تنها برای جلب نظر عموم می‌باشد خودداری نمود؛ چراکه برای هزینه‌کرد بودجه‌های کمیاب پژوهشی می‌بایست مسیری بهتری را انتخاب شود. ضمناً مهم‌ترین رکن در این حمایت‌ها پایش و بررسی میزان اثربخشی این حمایت‌ها است؛ چراکه بدون این ارزیابی جدی برنامه‌های حمایتی موفقیت در ارتقاء اقتصاد دانش‌بنیان با شک و تردید بیشتری همراه خواهد شد.

با توجه به ماهیت اقتصاد دانش‌بنیان لزوم بررسی قوانین و مقررات سازگار با این اقتصاد بیش از پیش وجود دارد؛ به‌عنوان مثال مفهوم رقابت در بازارهای کالایی وجهه‌ای جهانی پیدا کرده است و مصرف‌کنندگان بسیار از مزایای رقابت و ارتقاء استانداردها بهره‌مند شده‌اند، اما باید توجه داشت مقررات حمایت‌کننده از مالکیت فکری را می‌بایست مورد بازنگری قرار دهیم که در عین اینکه انگیزه‌های لازم برای

حرکت به سمت اقتصاد دانش‌بنیان فراهم شود، از ایجاد موانع غیررقابتی و تبدیل همکاری‌ها به تبانی و همدستی پنهانی در این بخش از اقتصاد جلوگیری به عمل آید که این موضوع لزوم حضور رگولاتورهای قوی و مستقل در این بخش را بیش از پیش نمایان می‌سازد.

ایجاد یک بازار مالی مناسب برای حضور سرمایه‌گذاران خطرپذیر بسیار می‌تواند بخشی از رشد مشارکت در اقتصاد دانش‌بنیان را فراهم آورد. عمیق بودن بازار سرمایه و مالی و جلوگیری از تمرکزگرایی در این بازارها می‌تواند مشوقی باشد برای بهره‌مندی فعالان اقتصادی از دریافت تسهیلات برای فعالیت‌های نوآورانه.

همچنین نظام مالیاتی که از ابزارهای سنتی حمایت یا ممانعت حضور می‌باشد هم می‌تواند حاوی مشوق‌هایی برای نوآوری باشد و هم اینکه برخی زمینه‌های تضعیف‌کننده نوآوری را ایجاد نماید. پژوهش یا پژوهش برای نوآوری ذاتاً یک مسئولیت پرمخاطره است، اما اگر برخی از آن‌ها نیز به ثمر برسد، موفقیت‌های زیادی را ایجاد می‌نماید. پس چیدمان سیستم مالیاتی به‌گونه‌ای که اگر دولت علاوه بر شراکت در سود در ریسک‌های ناشی از پژوهش‌های نوآورانه سهیم شود می‌تواند باعث ارتقاء ریسک‌پذیری فعالان اقتصادی گردد. در قانون جهش تولید دانش‌بنیان که به‌تازگی مصوب شده است، برخی از این مشوق‌های مالیاتی با این رویکرد آورده شده است.



چیدمان سیستم مالیاتی به‌گونه‌ای که اگر دولت علاوه بر شراکت در سود در ریسک‌های ناشی از پژوهش‌های نوآورانه سهیم شود می‌تواند باعث ارتقاء ریسک‌پذیری فعالان اقتصادی گردد. در قانون جهش تولید دانش‌بنیان که به‌تازگی مصوب شده است، برخی از این مشوق‌های مالیاتی با این رویکرد آورده شده است.

◆ به نظر شما راه توسعه جریان دانش‌بنیانی در بنگاه‌های بزرگ و مهم چیست و نتیجه این موضوع چه می‌تواند باشد؟

در اینجا بهتر است یک گام به عقب‌تر برگردیم. چراکه تاکنون بنگاه‌های بزرگ ما اغلب از بدنه دولت بوده‌اند و مدیریت آن‌ها متأثر از تغییرات دولتی بوده است و می‌توان گفت بنگاه بزرگ خصوصی واقعی به‌ندرت در اقتصاد شکل گرفته است و این خود نشان‌دهنده این هست که وضعیت فضای کسب‌وکار، مسیر ایجاد بنگاه‌های خصوصی بزرگ را فراهم نیاورده است و در نتیجه در حال حاضر هم اگر اقداماتی در حال شکل‌گیری در حوزه جریان دانش‌بنیانی در بنگاه‌های بزرگ باشد که به عنوان نمونه می‌توان به برنامه راهبردی ارتقا تولید دانش‌بنیان که وزارت صمت ارائه داده است اشاره کرد، با تأکید بر صنایع پیش‌ران و بزرگ تدوین شده است. در واقع سؤال اصلی برای فعالان بخش خصوصی این است که چرا تعداد بنگاه‌های اقتصادی خصوصی رو به افزایش نیست و چه مشکلاتی در فضای کسب‌وکار هست که مانع رشد این بنگاه‌های می‌شود. در واقع اول باید بگذاریم در فضای اقتصاد صنعتی بنگاه‌های

نوآوری‌های فناورانه و توسعه و تجاری‌سازی این فناوری‌ها از شروط اثرگذار برای بهره‌برداری از این ظرفیت‌های بین‌المللی می‌باشد. برای تحقق این شروط می‌بایست در ابتدا شناخت کاملی از بازیگران اقتصاد دانش‌بنیان و بازار فناوری در سطح بین‌المللی داشته باشیم. به‌عنوان مثال تغییراتی که در برخی شرکت‌های بزرگ نفتی شکل گرفت که سرمایه‌گذاری هنگفت در تحقیق و توسعه را کاهش دادند، راهبرد خرید فناوری‌های پیشرفته را جایگزین راهبرد ساخت این فناوری‌ها قرار دادند و در این زنجیره شرکت‌های مختلفی با شناسایی نیازهای فناورانه و انتقال این نیازها به شرکت‌های دانش‌بنیان برای ساخت فناوری جدید و عرضه این فناوری‌ها در شرکت‌های بین‌المللی دیگر اقدام کردند. حال این موضوع از این نظر قابل اهمیت است که علاوه بر اینکه انتقال دانش فنی مستلزم وجود ظرفیت‌های جذب فناوری در داخل کشور می‌باشد، اما الزاماً همکاری با شرکت‌های بزرگ به انتقال و رشد فناوری منجر نمی‌شود، چراکه این شرکت‌ها به نوعی دیگر در بازار فناوری حضور دارند. ♦♦

بزرگ خصوصی شکل بگیرند، حال به سراغ توسعه جریان دانش‌بنیانی این بنگاه‌ها برویم. در واقع چرا بنگاه‌های ما بزرگ نمی‌شوند، باید سؤال اصلی باشد و سؤال دوم چرا این بنگاه‌ها به سمت دانش‌بنیانی نمی‌روند. این موارد به این معنی نیست که باید دولت در حوزه توسعه جریان دانش‌بنیانی در بنگاه‌های بزرگ حضور یا دخالت پیدا نکند؛ چراکه برخی از نوآوری‌های چشم‌گیر در صد سال اخیر خروجی برنامه‌های نظامی می‌باشد، اما حلقه مفقوده اینجاست که تجاری‌سازی دانش و نوآوری و با فناوری‌ها با حضور بخش خصوصی می‌تواند پویایی لازم برای بهره‌برداری از دانش‌های بنیادین یا پایه را فراهم آورد. حرکت به سمت اقتصاد دانش‌بنیان در صنایع بزرگ مستلزم فاصله گرفتن از ساختارهای سلسله‌مراتبی و نزدیک شدن به ساختارهای شبه خودمختار می‌باشد که به صورتی رویکردهای خلاقانه و نوآورانه افراد را سازمان‌دهی کند. این موضوع از جمله مواردی است که در حوزه تقویت مهارت‌های شناختی قرار می‌گیرد. لذا اگرچه مشوق‌های بیرونی هم اثرگذار هستند و برخی رفتارهای کوتاه‌مدت را رقم می‌زنند، اما زمانی که با حذف مشوق‌های بیرونی رفتارهایی که تغییر کرده‌اند به حالت اول خود برمی‌گردند. این اصول برای دانش‌بنیان شدن یک بنگاه اقتصادی اساسی است.

♦♦ به‌کارگیری ظرفیت‌های ملی در کنار ظرفیت‌های بین‌المللی برای توسعه اقتصاد دانش‌بنیان قطعاً اجتناب‌ناپذیر است، به نظر شما وضعیت ما در بهره‌گیری از ظرفیت‌های جهانی اقتصاد دانش‌بنیان چگونه است و چگونه می‌تواند ارتقا مداوم داشته باشد؟

تجارت از اصلی‌ترین محرک‌های رشد تولید بوده است. حال اینکه این تجارت در چه شرایط رشد نماید یا اینکه چگونه می‌تواند محرک تولید باشد، بالاخص در زمینه نوآوری و فناوری بسیار مهم است. لذا بهره‌مندی از ظرفیت‌های بین‌المللی یا در واقع حضور در دامنه بزرگ تجارت جهانی می‌تواند به صورت اهرمی به خلاقیت و نوآوری‌ها جدید بسیار کمک نماید. با توجه به موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواکونومی کشورهایمان، ظرفیت‌های بین‌المللی بالقوه بیشتری برای ما فراهم است، اما بهره‌مندی از ظرفیت‌های اقتصاد دانش‌بنیان نیاز به شروطی دارد. ایجاد ظرفیت‌های علمی و مهارت‌های فنی لازم در نیروی انسانی برای جذب ایده‌ها و درک کامل پیچیدگی موجود در فناوری‌های جدید و نحوه استفاده از ابزار و تجهیزات پیچیده مرتبط با این فناوری بسیار حائز اهمیت است و در ادامه این موارد ایجاد توانمندی علمی و ابتکارات فنی لازم در نیروی انسانی برای رسیدن به





گفت‌وگو با دکتر «میلاد بگی» عضو هیئت علمی گروه علوم اجتماعی دانشگاه بوعلی سینا

فرصت طلایی پنجره جمعیتی

در میان دو دسته موافقان و مخالفان افزایش جمعیت، دسته‌ای دیگر موافق حد متناسب جمعیت هستند و تأکید بر میزان مناسبی از رشد جمعیت دارند. به این معنا که توانایی یک سرزمین برای تأمین جمعیت آن یک امر ثابت نیست و دائماً در حال تغییر است و لذا رشد جمعیت و توسعه اقتصادی - اجتماعی بایستی به موازات هم پیش برود و بین آن‌ها تعادل برقرار باشد. به نظرم برای تعیین آهنگ مناسب رشد جمعیت کشور بایستی به روند توسعه اقتصادی - اجتماعی بنگریم و بر اساس آن برای جمعیت کشور برنامه‌ریزی کنیم. مهم‌ترین دارایی کشور ما در حال حاضر سرمایه جوانی است که در اختیار داریم که برای استفاده از این استعداد با چالش‌های عمده‌ای روبرو هستیم. به‌طور کلی از آنجا که اقتصاد و جمعیت ارتباط نزدیکی با هم دارند، بایستی همزمان روی هر دو متمرکز شد. این تنها راهی است که می‌تواند باعث بهبود سریع توسعه اقتصادی و استاندارد زندگی جامعه شود.

جمعیت یکی از مولفه‌های اساسی قدرت در هر جامعه‌ای است، اما تنها عنصر ممکن نیست. یک کشور برای قدرتمند شدن، علاوه بر اینکه نیاز به حجم کافی از جمعیت دارد، بایستی جمعیتی مولد و کارآمد داشته باشد. صرف داشتن یک جمعیت زیاد نمی‌تواند به قدرت و پیشرفت یک جامعه منجر شود. مهم‌ترین ویژگی جمعیت حال حاضر کشورمان پنجره جمعیتی است که به روی ما باز شده است. ما تورم جوانی را تجربه می‌کنیم.

مهم‌ترین موضوع جمعیت در حال حاضر پنجره جمعیتی است که حدود دو دهه از باز شدن آن می‌گذرد ولی ما نتوانستیم از آن بهره‌مند شویم. در ادامه مشروح گفت‌وگو با دکتر میلاد بگی عضو هیئت علمی گروه علوم اجتماعی دانشگاه بوعلی سینا را بخوانیم.



توانایی یک

سرزمین برای

تأمین جمعیت

آن یک امر ثابت

نیست و دائماً

در حال تغییر

است. لذا رشد

جمعیت و توسعه

اقتصادی-

اجتماعی بایستی

به موازات هم

پیش برود و

تعادل بین آن‌ها

برقرار باشد؛

بنابراین از نظر

من برای تعیین

آهنگ مناسب

رشد جمعیت

کشور بایستی

به روند توسعه

اقتصادی-

اجتماعی آن

بنگریم و بر اساس

آن برای جمعیت

کشور برنامه‌ریزی

کنیم.

موقعیت خود را در بازار کار ثبات ببخشند. این عوامل سبب شده است تا افراد ازدواج و فرزندآوری خود را به تأخیر بیندازند و در نتیجه روندهای رشد جمعیت همچنان نزولی باشد. به طوری که بر اساس داده‌های مرکز آمار ایران، نرخ رشد جمعیت کشور برای اولین بار به کمتر از یک درصد در سال رسیده است.

◆ به نظر شما افزایش جمعیت برای کشورمان با چه روندی می‌تواند سیاست‌درستی باشد؟

در رابطه با نرخ مناسب رشد جمعیت نمی‌توان اظهار نظر قطعی و دائمی داشت. در طول تاریخ همواره موافقان و مخالفان رشد جمعیت وجود داشته و دلایل خود را نیز ارائه کرده‌اند. آنچه مسلم است اینکه روند افزایش جمعیت بایستی هماهنگ و همگام با رشد امکانات و منابع موجود و در دسترس باشد تا نتایج منفی به بار نیآورد. در میانه دو دسته موافقان و مخالفان افزایش جمعیت، دسته دیگری وجود دارند که موافق حد متناسب جمعیت هستند. در اینجا تأکید بر میزان مناسبی از رشد جمعیت است. به این معنی که توانایی یک سرزمین برای تأمین جمعیت آن یک امر ثابت نیست و دائماً در حال تغییر است. لذا رشد جمعیت و توسعه اقتصادی-اجتماعی بایستی به موازات هم پیش برود و تعادل بین آن‌ها برقرار باشد؛ بنابراین از نظر من برای تعیین آهنگ مناسب رشد جمعیت کشور بایستی به روند توسعه اقتصادی-اجتماعی آن بنگریم و بر اساس آن برای جمعیت کشور برنامه‌ریزی کنیم.

◆ چه تحلیلی از روند رشد جمعیت کشور ارائه می‌نمایید؟

برای بررسی روند رشد جمعیت کشور بایستی به اطلاعات حجم و تعداد جمعیت مراجعه کنیم. به‌طور کلی از زمان انجام اولین سرشماری در ایران، جمعیت کشور همیشه روندی افزایشی داشته است. جمعیت کشور در سال ۱۳۳۵ برابر با ۱۸,۹ میلیون نفر بود و در آخرین سرشماری یعنی در سال ۱۳۹۵ به ۷۹,۹ میلیون نفر رسیده است که بیانگر این است که طی ۶ دهه (۱۳۳۵-۱۳۹۵) ۴,۲ برابر شده است. جمعیت کشور در حال حاضر بیش از ۸۴,۵ میلیون نفر است.

بر این اساس، می‌توان دریافت که متوسط نرخ رشد سالیانه جمعیت کشور در دوره ۱۳۳۵-۱۳۹۵ حدود ۲,۴ درصد بوده است. با این حال، بایستی توجه داشت که علیرغم اینکه روند حجم و نرخ رشد جمعیت همواره افزایشی بوده است، اما این افزایش به‌صورت یکنواخت نبوده است و شاهد اوج و فرودهایی در رشد جمعیت کشور بوده‌ایم. برای مثال بیشترین متوسط نرخ رشد جمعیت مربوط به دوره ۱۳۶۵-۱۳۵۵ با ۳,۹ درصد در سال است. عوامل متعددی سبب این رشد بالای جمعیت بود. نخست اینکه از این مقدار، ۰,۷ درصد به دلیل مهاجرت بوده است. در این دوره ما شاهد ورود آوارگان عراقی و افغانستانی به کشور بودیم و این امر به افزایش حجم و نرخ رشد جمعیت کمک کرده است. مابقی این رشد جمعیت (۳,۲ درصد) به عواملی همچون توقف برنامه‌های تنظیم خانواده پس از وقوع انقلاب، توسعه بهداشت، کاهش مرده‌زایی و سیاست‌های تشویقی ازدواج برمی‌گردد. در این دوره سیاست‌های تنظیم خانواده متوقف شد. توسعه بهداشت و احداث گسترده خانه‌های بهداشت بویژه در مناطق روستایی و اقدامات توسعه‌ای سبب کاهش شدید مرگ‌ومیر نوزادان شد. همچنین میانگین سن قانونی ازدواج کاهش یافت. در کنار همه این موارد خوش‌بینی افراد نسبت به آینده که به سبب وقوع انقلاب اتفاق افتاده بود سبب شد تا کشور با پدیده بیش‌زایی مولید (بیبی یوم با انفجار مولید) روبه‌رو شود.

در طرف مقابل پایین‌ترین میزان رشد جمعیت سالیانه مربوط به دوره ۱۳۹۵-۱۳۹۰ است. در این دوره، جمعیت کشور به‌طور متوسط سالیانه ۱,۲۴ درصد افزایش داشت. از مهم‌ترین دلایل کاهش رشد جمعیت کشور بویژه در یک دهه اخیر می‌توان به عواملی همچون افزایش تحصیلات دانشگاهی، افزایش میانگین سن ازدواج و در نتیجه باقی ماندن فرزندان در خانه والدین تا سنین بالا، وجود مشکلات اقتصادی، بیکاری و از همه مهم‌تر تغییرات ارزشی و نگرشی در رابطه با ازدواج و خانواده بویژه در بین جوانان اشاره کرد. دیدگاه جوانان امروزی برای تشکیل زندگی مشترک با نسل‌های گذشته متفاوت است. آن‌ها زمان طولانی‌تری را صرف آموزش و تحصیل می‌کنند. الگوهای تشکیل خانواده نیز تغییر کرده و بیشتر مردان و زنان قبل از تشکیل خانواده قصد دارند تا

امروزی، افزایش شدید جمعیت می‌تواند معضل بیکاری را حادثر سازد. رشد سریع جمعیت به معنای ورود تعداد زیادی از افراد به بازار کار است. تعداد افراد جویای کار همچنان در حال گسترش است و علیرغم همه تلاش‌ها در راستای ایجاد اشتغال، این امکان برای همه فراهم نشده است. در واقع افزایش سریع جمعیت، حل مشکل بیکاری را برای ما تقریباً غیرممکن می‌سازد.

رشد سریع جمعیت همچنین می‌تواند زیرساخت‌های اجتماعی را نیز دچار مشکل کند. دولت بایستی نیازهای اجتماعی مردم را برآورده کند و به این منظور بایستی هزینه‌های زیادی را برای تأمین امکانات اولیه مانند آموزش، مسکن و کمک‌های بهداشتی متقبل شود. در شرایطی که دولت امروزه با مشکلات اقتصادی زیادی روبرو است، افزایش سریع جمعیت، این بار را سنگین‌تر می‌کند. همین مشکلات اقتصادی یکی از دلایلی است که برخی در موفقیت برنامه‌های دولت در اجرای مشوق‌های اقتصادی که برای فرزندآوری در نظر گرفته است، تردید دارند.

یکی از مهم‌ترین اثرات نامطلوب افزایش سریع جمعیت، تأثیرات منفی آن بر محیط‌زیست است. جمعیت بیشتر به معنای مصرف بیشتر و فشار بیشتر بر منابع زیست‌محیطی است. ما در سالیان اخیر شاهد خشک شدن رودها، قطع کردن درختان و نابودی جنگل‌ها، خشک شدن تالاب‌ها، برداشت بی‌رویه از منابع آبی زیرزمینی در اثر حفر چاه‌های غیرقانونی و ... بوده‌ایم. مشکل کم‌آبی حتی سبب بروز تضادهای قومی و قبیله‌ای در برخی مناطق کشور شده است. ما حتی با کشورهای همسایه بر سر حقایق بحث و اختلاف نظر داریم. بایستی توجه کرد که هم‌اکنون نیز برخی از مناطق کشور غیرقابل سکونت است و این امر سبب توزیع نامتناسب جمعیت شده است. کم‌آب شدن دریاچه ارومیه و ناتوانی در احیای آن در سالیان گذشته علیرغم تلاش‌های انجام شده، بیش از پیش سناریوی خشک شدن آن در آینده‌ای نزدیک را به واقعیت تبدیل می‌کند. کارشناسان معتقدند که خشک شدن کامل دریاچه حتی می‌تواند به نابودی کشاورزی منطقه بینجامد. این‌ها تنها بخشی از مشکلات زیست‌محیطی موجود است.

و اینکه در چند دهه آینده تعداد سالمندان در کشور افزایش خواهد داشت و این امر چنانچه با افزایش شدید میزان باروری همراه شود (هرچند غیرمحمتمل به نظر می‌رسد) می‌تواند باعث افزایش نسبت‌های وابستگی شود. این امر امکان تشکیل سرمایه را کاهش می‌دهد؛ زیرا تعداد افراد وابسته و غیرمولد در سنین کودکی و کهن‌سالی افزایش می‌یابد.

◆ نظر شما در مورد چگونگی بهره‌برداری از استعدادهای سرزمینی

در اختیار کشور چیست؟

به نظر بنده مهم‌ترین دارایی کشور ما در حال حاضر سرمایه انسانی جوانی است که در اختیار داریم. با این حال برای استفاده

هرگونه سیاستی برای افزایش یا کاهش جمعیت بایستی بر اساس برنامه و پیش‌بینی‌های علمی باشد. شکی نیست که افزایش بی‌رویه و شدید جمعیت بیش از آنکه پیامدهای مثبت داشته باشد، عواقب منفی در پی خواهد داشت. هم‌اکنون سالانه حدود یک میلیون نفر به جمعیت کشور افزوده می‌شود. بخش جمعیت سازمان ملل هر ساله پیش‌بینی‌های جمعیتی بر اساس سه سناریوی حد بالا، پایین و متوسط برای همه کشورها ارائه می‌دهد. پیش‌بینی‌های انجام شده بر پایه اطلاعات سال ۲۰۲۲ در مورد ایران نشان می‌دهد جمعیت ایران در سال ۲۰۵۰ بر اساس سناریوی حد بالا به ۱۱۰ و بر اساس سناریوی حد وسط به ۱۰۰ میلیون نفر خواهد رسید.

ما بایستی به منابع موجود نگاه کنیم و ببینیم که می‌توانیم نیازهای چه تعدادی از جمعیت را برآورده سازیم. پس از آن برای افزایش جمعیت تصمیم بگیریم.

◆ با افزایش شدید جمعیت و با افزایش معتدل آن چه نتیجه‌ای به بار خواهد آمد؟

اگر به مشکلات حال حاضر جامعه دقت کنید، متوجه خواهید شد که بخشی از این مشکلات به دلیل رشد انفجاری جمعیت در دوره پس از انقلاب و بویژه دهه ۱۳۶۰ شمسی است. در شرایط



از این استعدادها با چند چالش عمده روبرو هستیم. نخست، عدم توانایی ایجاد شغل کافی برای جوانان. با وجود وعده‌های بسیاری که دولت‌های مختلف در طی دهه‌های گذشته داده‌اند، هنوز نتوانسته‌ایم شغل کافی برای جوانان فراهم کنیم. میزان بیکاری جوانان بالا است. این رقم در سال ۱۳۹۵ حدود ۳۰ درصد و در سال ۱۴۰۰ برابر با ۲۳٫۶ درصد گزارش شده است. همچنین به‌طور متوسط حدود سه سال طول می‌کشد تا یک فارغ‌التحصیل دانشگاهی بتواند کار پیدا کند.

چالش دوم، خروج نیروهای جوان و مستعد از کشور است که عمدتاً نیز دانش‌آموخته دانشگاهی هستند. نرخ خالص مهاجرتی ما منفی است و بر اساس داده‌های بانک جهانی در سال ۲۰۱۷ تعداد ۲۴۸ هزار نفر از جمعیت کشور به‌واسطه مهاجرت کاسته شده است. مطالعات داخلی نیز آمارهای نگران‌کننده‌ای در این زمینه ارائه می‌دهند. سالنامه مهاجرتی کشور در سال ۱۴۰۰ نشان می‌دهد که در بازه زمانی ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۹؛ ۳۷٫۲ درصد المپیدای‌ها، ۲۵٫۵ درصد اعضا بنیاد ملی نخبگان و ۱۵٫۴ درصد رتبه‌های زیر هزار آزمون سراسری در خارج از کشور زندگی می‌کنند. همچنین یافته‌های یک پژوهش انجام شده توسط رصدخانه مهاجرت ایران در شهریور ۱۴۰۰ نشان می‌دهد که ۵۰ درصد از فعالان حوزه استارت‌آپ، ۴۰ درصد از پزشکان، پرستاران، محققان و اساتید دانشگاهی و ۴۴ درصد از دانشجویان و فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها تصمیم به مهاجرت دارند. هرچند تصمیم به مهاجرت با عمل به آن فرق دارد، اما این اعداد و ارقام نگران‌کننده است. معضل بیکاری بسیاری از دانش‌آموختگان دانشگاهی، سبب هدررفت این سرمایه انسانی شده است. ما برای آن‌ها تنها شرایط تحصیل را فراهم کردیم و در زمانی که بایستی حاصل آن را برداشت کنیم، کاری کرده‌ایم که کشور را ترک کنند و سایر کشورها از این موهبت استفاده کنند. به عبارتی پنجره جمعیتی ما برای کشورهای توسعه‌یافته اروپایی و آمریکای شمالی باز شده است. در یکی از همایش‌هایی که در مورد جمعیت ایران در سال ۱۳۹۵ برگزار شد، دکتر رسول صادقی معاون وقت موسسه مطالعات جمعیتی کشور به این نکته اشاره کرد که ایران با اینکه رتبه ۱۲ را در مخزن استعداد (پنجره جمعیتی-تحصیلی) در جهان دارد، رتبه اول در عدم بهره‌برداری از این استعدادها را به خود اختصاص داده، آمارهای موجود نشان می‌دهد که از آن زمان تاکنون تغییرات چندانی در این زمینه حاصل نشده است.

سومین مشکلی که ما در بهره‌برداری از استعدادهای سرزمینی داریم مربوط به زنان است. ما همچنین نتوانسته‌ایم از نیروی کار زنان که حدود نیمی از جمعیت کشور را شامل می‌شوند، استفاده لازم را داشته باشیم. نکته قابل توجه اینکه بسیاری از این زنان دارای تحصیلات دانشگاهی هستند. آن‌ها بیش از ۴۶ درصد از دانش‌آموختگان دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی را تشکیل

می‌دهند. این درحالی است که نرخ مشارکت اقتصادی زنان در ایران در سال ۱۳۹۸ برابر با ۱۷ درصد بود که از تمامی کشورهای مسلمان منطقه کمتر است. پایین بودن نرخ فعالیت زنان در ایران به معنای آن است که در استفاده از بخش بزرگی از نیروی انسانی نتوانند و کارآمد در کشور ناتوان بوده‌ایم حال آنکه زنان می‌توانند نقش مهمی در توسعه اقتصادی و بهبود شرایط اجتماعی ایفا کنند.

◆ اصولاً به لحاظ علمی و تجربه جهانی، چگونگی وضعیت اقتصادی و تغییرات آن چه تأثیری بر روند تغییرات جمعیتی دارد؟

بدون شک یکی از مهم‌ترین عوامل در تغییرات جمعیتی، وضعیت اقتصادی جامعه است. البته رابطه جمعیت و اقتصاد را می‌توان یک رابطه دوطرفه همراه با پیچیدگی‌های خاص دانست. از یک‌طرف، حجم، ساختار، توزیع و جابجایی جمعیت می‌تواند توسعه اقتصادی را تسریع و یا کند سازد. برای مثال مهاجرت نخبگان می‌تواند توسعه اقتصادی در مبدأ را آهسته و در مقصد سرعت بخشد. یا اینکه یک کشور توسعه‌یافته با تراکم جمعیتی پایین و نسبت کم جمعیت در سن کار و فعالیت، برای تداوم توسعه اقتصادی خود نیاز به افزایش جمعیت دارد. حال آنکه برای یک جامعه توسعه‌یافته با تراکم جمعیتی بالا که تعداد جمعیت زیادی نیز در سن کار فعالیت قرار دارند، افزایش بی‌رویه جمعیت برای اقتصاد آن مضر خواهد بود.

در طرف دیگر، مطالعات مختلف نشان می‌دهد که روندهای جمعیتی همزمان با دوران‌های رونق و رکود اقتصادی دچار تغییر می‌شوند. در دوران معاصر، موضوعاتی مثل اطمینان و امنیت اقتصادی، دستیابی به یک شغل ثابت و داشتن مسکن مناسب اغلب به‌عنوان پیش‌شرط‌های مهم ازدواج و تشکیل خانوارهای جدید در نظر گرفته می‌شوند.

نتایج مطالعات ما در مورد شکل‌گیری خانوارهای جدید توسط جوانان در ایران نشان داد که در دوره‌هایی که میزان بیکاری و رکود اقتصادی افزایش می‌یابد یا هزینه‌های مسکن بالا می‌رود از احتمال شکل‌گیری خانوار توسط جوانان کاسته می‌شود. همچنین عدم اطمینان اقتصادی به‌عنوان یکی از عوامل اصلی در به تأخیر انداختن ازدواج و فرزندآوری در کشور نقش داشته است. البته این امر مختص ایران نیست و حتی در کشورهای توسعه‌یافته غربی نیز دیده می‌شود. عدم اطمینان اقتصادی یک مؤلفه کلیدی در کاهش میزان‌های باروری و عدم تشکیل خانوارهای جدید در کشورهای با درآمد بالا بوده است. این امر بویژه در دوره رکود اقتصادی بزرگ سال ۲۰۰۸ کاملاً آشکار است. در فاصله ۲۰۰۸-۲۰۱۷ قیمت مسکن در بسیاری از شهرهای بزرگ اروپایی به‌سرعت افزایش یافت. به‌طوری که برخی از افراد مجبور بودند تقریباً یک‌چهارم از درآمد و دستمزد خود را صرف مسکن کنند. در بسیاری از کشورها دستمزدها کاهش پیدا کرد و بسیاری از افراد

در چند دهه آینده تعداد سالمندان در کشور افزایش خواهد داشت و این امر چنانچه با افزایش شدید میزان باروری همراه شود (هرچند غیرمحتمل به نظر می‌رسد) می‌تواند باعث افزایش نسبت‌های وابستگی شود. این امر امکان تشکیل سرمایه را کاهش می‌دهد؛ وابسته و غیرمولد در سنین کودکی و کهن سالی افزایش می‌یابد.



وابسته وجود دارد و به همین دلیل شرایط مناسبی برای رشد سریع اقتصادی فراهم می‌شود.

اصطلاح دوران پنجره جمعیتی با نام‌هایی نظیر پنجره فرصت و یا پاداش جمعیتی نیز یاد می‌شود، اما موضوع اساسی این است که این پنجره جمعیتی به‌طور خودکار به پاداش جمعیتی تبدیل نخواهد شد و این امر بستگی به سیاست‌ها و اقداماتی دارد که دولت‌ها آن‌ها را به کار خواهند گرفت. کشورها از سه طریق می‌توانند این انفجار جمعیت را به پاداش تبدیل کنند: نخست بایستی اشتغال مولد را برای همه افراد در سنین کار و فعالیت فراهم کنند تا بتوانند به افزایش تولید ناخالص داخلی کمک کنند. دوم اینکه کاری کنند تا درآمدها و پس‌اندازهای افراد صرف سرمایه‌گذاری‌های تولیدی شود. سوم، سرمایه‌گذاری مناسبی در مورد سرمایه انسانی انجام شود. از آنجا که در این دوره از هزینه‌های عمومی مربوط به آموزش و بهداشت کودکان و سالمندان کاسته شده است، زمان مناسبی در اختیار سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان قرار دارد تا بتوانند سرمایه‌گذاری بیشتری در تحصیلات افراد انجام دهند. در سطح خرد نیز خانواده‌ها می‌توانند هزینه‌های جاری را به سمت پس‌انداز و ارتقای استانداردهای زندگی جهت دهند.

نکته مهم اینکه این پنجره برای همیشه باز نخواهد بود و در نهایت پس از حدود چهار دهه بسته خواهد شد. پنجره جمعیتی در ایران از حدود سال ۱۳۸۵ باز شده است و پیش‌بینی می‌شود از حدود ۱۴۲۵-۱۴۲۰ رو به بسته شدن برود. استفاده از این دوران منجر به رشد و توسعه اقتصادی و در نهایت پیشرفت کشور خواهد شد. کشورهای شرق آسیا همچون کره جنوبی، سنگاپور و مالزی نمونه‌هایی موفق هستند که توانسته‌اند از این موهبت جمعیتی استفاده کنند و خود را به کشورهای توسعه‌یافته نزدیک کنند؛ اما عدم استفاده از این دوران به تهدیدی برای جامعه تبدیل می‌شود و مشکلاتی همچون افزایش جرم و جنایت و یا حتی بی‌ثباتی سیاسی را به دنبال خواهد داشت.

♦♦ جمعیت در چه شرایطی می‌تواند به‌عنوان یکی از استعدادهای قوت‌زای کشور تلقی شود؟

جمعیت یکی از مؤلفه‌های اساسی قدرت در هر جامعه‌ای است، اما تنها عنصر ممکن نیست. یک کشور برای قدرتمند شدن علاوه بر اینکه نیاز به حجم کافی از جمعیت دارد، بایستی جمعیتی مولد و کارآمد داشته باشد. پس صرف داشتن یک جمعیت زیاد نمی‌تواند به قدرت و پیشرفت یک جامعه منجر شود. برای مثال کشورهای ژاپن و آلمان دارای جمعیتی سالخورده هستند ولی جزو قدرتمندترین اقتصادهای جهان و پیش‌قدم در نوآوری‌های فناوری در جهان هستند. مهم‌ترین ویژگی جمعیت حال حاضر کشور ما، پنجره جمعیتی است که به روی ما باز شده است. ما تورم جوانی را تجربه می‌کنیم. در سال ۱۳۹۵، حدود یک‌چهارم جمعیت ایران

مجبور به پذیرش قراردادهای کم‌درآمد و موقتی شدند. نخستین تأثیر این شرایط بد اقتصادی، بر میزان‌های باروری بود به‌طوری که در بیشتر کشورها میزان باروری کل کاهش پیدا کرد. یا حتی در کشور سوئد که به لحاظ کیفیت و استانداردهای زندگی همیشه جزو رتبه‌های برتر در جهان بوده است، باروری همیشه تحت تأثیر روندهای اقتصادی بوده و ارتباط نزدیکی بین باروری و چرخه‌های اقتصادی وجود دارد. در مواقع رکود اقتصادی مانند دهه ۱۹۹۰ که میزان‌های اشتغال و درآمد حالت نزولی پیدا کردند، سطوح باروری نیز به‌سرعت کاهش یافت.

به‌طور کلی، از آنجایی که اقتصاد و جمعیت ارتباط نزدیکی با هم دارند، بایستی همزمان روی هر دو متمرکز شد. این تنها راهی است که می‌تواند باعث بهبود سریع توسعه اقتصادی و استاندارد زندگی جامعه شود.

♦♦ کارشناسان معتقدند ایران امروزه در یک پنجره فرصت جمعیتی واقع شده است. لطفاً در مورد پنجره جمعیتی توضیح دهید و این‌که بهره‌برداری از این فرصت چه نتایجی به دنبال خواهد داشت؟

جمعیت‌ها در گذر زمان دارای ساختارهای سنی متفاوتی هستند. در هر دوره‌ای بخشی از گروه‌های سنی در اکثریت خواهند بود. در فرآیند گذار سنی است که پنجره جمعیتی باز خواهد شد. تغییرات در ساختار سنی جمعیت دارای سه مرحله اصلی است. در مرحله اول، جمعیت جوان است و افراد زیر ۱۵ سال، سهم عمده جمعیت را به خود اختصاص می‌دهند به‌طوری که حداقل ۴۰ درصد کل جمعیت را این افراد شامل می‌شوند. در این مرحله بیشتر منابع جامعه صرف هزینه‌های بهداشتی و آموزشی کودکان می‌شود. ما تا حدود سال ۱۳۷۵ در چنین وضعیتی قرار داشتیم. در مرحله سوم، شاهد افزایش سهم سالمندان (افراد ۶۵ ساله و بالاتر) در جمعیت خواهیم بود. زمانی که سهم این افراد از کل جمعیت ۱۰ درصد و بیشتر باشد، در اصطلاح جمعیت‌شناسی، جمعیت سالخورده خواهد شد. در این مرحله، مسائل و موضوعاتی همچون بازنشستگی و تأمین اجتماعی، مسائل بهداشتی و معلولیت‌ها و امکانات رفاهی سالمندان به دغدغه اصلی جامعه تبدیل و منابع صرف آن‌ها خواهد شد. انتظار می‌رود کشور ما از سال ۱۴۲۰ به بعد وارد این دوران شود. در بین این دو موقعیت، یک مرحله میانی قرار دارد. جایی که از نسبت افراد کم‌تر از ۱۵ سال کاسته شده و از طرف دیگر جمعیت بالای ۶۵ سال به حد جمعیت‌های سالخورده نرسیده است. این همان زمانی است که پنجره جمعیتی باز خواهد شد. در این مرحله بیشترین سهم جمعیت به افراد ۶۴-۱۵ ساله تعلق دارد. افرادی که در سنین کار و فعالیت هستند و توانایی تولید اقتصادی دارند. در این دوران نسبت‌های وابستگی به پایین‌ترین حد خود، یعنی کمتر از ۰.۵، خواهند رسید. این بدان معنی است که به ازای هر یک فرد در سن کار و فعالیت، کمتر از یک نفر

سالنامه

مهاجرتی کشور

در سال ۱۴۰۰

نشان می‌دهد

که در بازه زمانی

۱۳۸۰ تا ۱۳۹۹؛

۳۷،۲ درصد

المپیادی‌ها،

۲۵،۵ درصد

اعضا بنیاد ملی

نخبگان و ۱۵،۴

درصد رتبه‌های

زیر هزار آزمون

سراسری در خارج

از کشور زندگی

می‌کنند. همچنین

یافته‌های یک

پژوهش انجام

شده توسط

رصدخانه

مهاجرت ایران

در شهریور ۱۴۰۰

نشان می‌دهد

که ۵۰ درصد از

فعالان حوزه

استارت‌آپ، ۴۰

درصد از پزشکان،

پرستاران،

محققان و اساتید

دانشگاهی و

۴۴ درصد از

دانشجویان و

فارغ‌التحصیلان

دانشگاه‌ها

تصمیم به

مهاجرت دارند.

گرفتن سایر ابعاد آن، برای یک بخش آن برنامه‌ریزی کرد. ما امروزه با مسائل متعددی در رابطه با جمعیت کشور روبه‌رو هستیم. موضوع اشتغال جوانان، بازشدن پنجره جمعیتی، کاهش میزان باروری کل، مهاجرت نخبگان و ورزشکاران، کاهش نرخ رشد جمعیت و همچنین سالخوردگی جمعیت در دهه‌های آینده بخش از این مسائل هستند.

در برنامه‌ریزی برای جمعیت بایستی همه این موضوعات مورد توجه قرار گیرند. با این حال، موضوع اصلی اولویت‌بندی مسائل پیش‌رو است. مدیران و سیاست‌گذاران کشور با برجسته کردن سالخوردگی جمعیت ایران در آینده، مسائل و موضوعات اصلی زمان حال را نادیده گرفته‌اند. یکی از دلایلی که تقریباً تمامی سیاست‌ها و برنامه‌های جمعیتی تنها بر افزایش باروری متمرکز شده است، همین موضوع است. بایستی بیان کرد که سالخورده شدن جمعیت اجتناب‌ناپذیر است و افزایش باروری اگر چه ضروری است، اما افزایش باروری، سالخورده شدن جمعیت را متوقف نخواهد کرد و تنها سهم سالمندان در کل جمعیت را کاهش خواهد داد. سیاست‌گذاران بایستی به این نکته دقت کنند که مهم‌ترین موضوع جمعیتی در حال حاضر، پنجره جمعیتی است که حدود دو دهه از باز شدن آن می‌گذرد ولی ما نتوانسته‌ایم از آن بهره‌مند شویم. این در حالی است که جمعیت‌شناسان و اقتصاددانان به‌طور مکرر اظهارهای لازم را به دولت‌مردان در رابطه با عدم استفاده از این فرصت داده‌اند. اگر هرچه زودتر سیاست‌های مناسب و مؤثری اتخاذ نشود، نه‌تنها فرصت طلایی پنجره جمعیتی از دست می‌رود، بلکه منجر به تهدید و چالش‌هایی جدی خواهد شد و سود جمعیتی که می‌توانست برای کشور به وجود بیاید، به‌آسانی به بار جمعیتی تبدیل می‌شود. ♦♦

(۲۰ میلیون نفر) در گروه سنی جوانان ۱۵-۲۹ سال قرار داشتند. چنانچه بتوانیم اشتغال لازم را برای این جمعیت فراهم کنیم، هم می‌توانیم به لحاظ اقتصادی رشد و پیشرفت را تجربه کنیم و هم بسیاری از نگرانی‌ها در رابطه با مسائل جمعیتی کاهش خواهد یافت.

یکی از نکات مثبتی که در جامعه ما وجود دارد و ما می‌توانیم با تکیه بر آن از این پتانسیل استفاده کنیم، نگاه مثبت به خانواده، ازدواج و فرزندآوری است. البته تغییراتی در نگرش نسل‌های جوان‌تر در این زمینه به وجود آمده به‌طوری که آن‌ها را از نسل‌های پیشین متفاوت ساخته است. با این حال یافته‌های پیمایش‌های ارزش‌ها و نگرش‌ها در ایران نشان می‌دهد که خانواده هنوز جایگاه مهم خود را در میان همه نسل‌ها حفظ کرده است. همچنین ایده‌آل‌های باروری افراد به‌طور میانگین بیش از دو فرزند است. این بدان معنی است که اگر شرایط لازم برای جوانان فراهم شود، آن‌ها هم ازدواج می‌کنند و هم تعداد فرزندان مناسب را به دنیا می‌آورند. البته بایستی توجه داشته باشیم که دیگر همانند گذشته نباید از افراد انتظار داشت که چهار فرزند یا بیشتر داشته باشند. چرا که ارزش‌ها و نگرش‌ها نسبت به فرزندآوری تغییر کرده است و تجارب بین‌المللی نیز نشان داده است که افزایش باروری بسیار به سختی اتفاق می‌افتد. با این حال، ما چنانچه بتوانیم شرایط لازم را برای افراد فراهم کنیم تا دو فرزند موردنظر خود را به دنیا آورند، بسیاری از نگرانی‌هایمان در رابطه با جمعیت برطرف خواهد شد.

♦♦ چنانچه توضیحات تکمیلی لازم می‌دانید، عنوان فرمایید.

جمعیت یک پدیده چندبعدی است و نمی‌توان بدون در نظر





گفت‌وگو با دکتر «مهرداد محمدی سلیمانی» معاون آمار و اطلاعات سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان کرمان

در مسیر موازنه با آمایش سرزمین

بر اساس ارزیابی توان اکولوژیکی، حداکثر ۳۸۰ هزار هکتار زمین در استان کرمان توان کشاورزی دارد، درحالی‌که در حال حاضر میزان بهره‌برداری، بالغ بر ۷۵۰ هزار هکتار است؛ یعنی تقریباً ۱۹۹ درصد بهره‌برداری مازاد از توان کشاورزی داریم.

دکتر مهرداد محمدی سلیمانی، معاون آمار و اطلاعات سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان کرمان همچنین می‌گوید که در بخش صنعت با یک عدم تعادل در پهنه‌های استان روبرو هستیم؛ به‌شدت تمرکز صنایع را داریم که یک چالش برای استان است.

استان کرمان که برخلاف ظاهر، استانی صنعتی شناخته می‌شود، متناسب با پتانسیل‌ها به سمت‌وسوی صنعتی شدن حرکت نکرده است. در استان کرمان، تمرکز در بخش معدن نیز وجود دارد؛ بیش از ۷۵ درصد از ارزش افزوده معدن استان مربوط به دو معدن گل‌گهر و سرچشمه است و به دلیل خام‌فروشی که اتفاق می‌افتد با تکمیل زنجیره تولید فاصله زیادی داریم.

عمده معادن استان در چهار شهرستان زرند، رفسنجان، شهرابک و سیرجان قرار گرفته‌اند. در مجموع بر اساس ارزیابی توان اکولوژیکی برخلاف بخش کشاورزی، در صنعت از ظرفیت خود به میزان کافی استفاده نکرده‌ایم و علی‌رغم وجود صنایع بزرگ در استان؛ ما یک استان صنعتی نیستیم. شاخص‌ها نشان می‌دهند که صنایع متوسط در استان کرمان به‌خوبی شکل گرفته است. با توجه به نتایج آمایش سرزمین، استان توان گسترش کاربری صنعت را دارا می‌باشد.

وی یادآوری می‌کند که سند آمایش ملی و سند آمایش استانی به‌عنوان حلقه مفقوده نظام برنامه‌ریزی تهیه و تصویب گردیده است. در سند ملی آمایش سرزمینی، پنج هدف بنیادین، ۲۱ راهبرد و ۲۵۵ سیاست وجود دارد که موقعیت هر یک از استان‌های کشور و جایگاه آن در سند ملی به تفکیک بخش‌های اقتصادی مشخص گردیده است و از سال ۱۴۰۱ قطعاً پروژه‌های جدید دولتی بدون اخذ مجوز آمایش سرزمینی شاهد نخواهیم بود و با استفاده از ظرفیت شورای برنامه‌ریزی و توسعه استان، جهت‌دهی اعتبارات و تسهیلات دولتی به بخش خصوصی، متناسب با اصلاح ساختار به شرایط هر منطقه و شهرستان از دیگر اقدامات اجرایی در راستای آمایش سرزمین است.

مشروح گفت‌وگو با دکتر سلیمانی را در ادامه مطالعه نماییم.



♦♦ توسعه کشاورزی در استان کرمان را چقدر متوازن و

مبتنی بر نتایج آمایش سرزمین می‌دانید؟

علیرغم اینکه بیش از پنج دهه از شروع موضوع آمایش سرزمین در نظام برنامه‌ریزی کشور می‌گذرد، اما این سند بیشتر در قالب سیاست‌های آمایشی مطرح بوده و چندان به صورت ساختارمند و بنیادی به مباحث آمایش در برنامه‌های توسعه چه در سطح استان و چه در سطح ملی توجه نشده است. استان کرمان یکی از استان‌هایی است که در فرآیند توسعه با چالش‌هایی مواجه است که ناشی از عدم پیاده‌سازی متناسب برنامه‌های آمایش سرزمین است. از آنجا که سند ملی آمایش سرزمین و سند ملی استان مصوب گردیده است، لذا فرصتی فراهم آمده است که هم بحث اطلاع‌رسانی صورت گیرد و هم مجموعه اقداماتی که در استان در این راستا انجام شده و باید انجام شود تا به هدفی که توسعه متوازن استان است، دست پیدا کنیم، ارائه گردد.

برای پاسخ به این سؤال ابتدا لازم است یک سری شاخص‌ها و اعداد ارائه نماییم؛ نکته اول، موضوع جمعیت ساکن در مناطق شهری و روستایی استان است، همان‌طور که می‌دانید به‌مرور زمان متناسب با پیشرفت و توسعه، جمعیت ساکن در مناطق شهری افزایش یافته و به تبع آن جمعیت ساکن در مناطق روستایی و سهم بخش کشاورزی کاهش یافته است. در کشور ما حدود ۷۴ درصد از جمعیت شهرنشین هستند و مابقی (۲۶ درصد) در مناطق روستایی ساکن هستند که این نسبت در استان کرمان تفاوت بسیار زیادی با متوسط کشوری دارد، تقریباً ۴۲ درصد از جمعیت استان، روستائین و حدود ۵۸ درصد شهرنشین هستند. فزونی ۱۶ درصدی جمعیت روستایی استان به نسبت کشور با توجه به وابستگی غالب اقتصاد روستا به فعالیت‌های کشاورزی، یکی از دلایلی است که سهم بخش کشاورزی در استان کرمان تقریباً دو برابر سهم این بخش در اقتصاد کشور است. از کل اقتصاد استان حدود ۱۶٫۶ درصد در بخش کشاورزی است، در حالی که این سهم در کشور ۸ درصد است و سهم استان از کل بخش کشاورزی کشور ۷ درصد است؛ یعنی از کل تولیدات بخش کشاورزی کشور، ۷ درصد مربوط به استان کرمان است، در حالی که ما تقریباً چهار درصد جمعیت کشور را داریم. در نگاه اول شاید فکر کنیم که این موضوع یک پتانسیل مناسبی است که ارزش افزوده ایجاد می‌کند، اما در واقعیت، بخش کشاورزی بخشی است که از منابع آب زیادی استفاده می‌کند، به عبارتی ما این مقدار ارزش افزوده را به قیمت از بین رفتن منابع آبی در استان کرمان تولید می‌کنیم.

در کنار موضوع جمعیت بالای روستائین در استان اگر سهم دو برابری بخش کشاورزی در ایجاد ارزش افزوده نسبت به متوسط کشوری و سهم ۳۸ درصدی اشتغال استان کرمان در بخش کشاورزی (رتبه اول در کشور بر اساس نتایج طرح آمارگیری نیروی کار در سال ۱۴۰۰) و این موضوع که ۴۰ درصد از بهره‌برداران بخش کشاورزی کمتر از یک هکتار زمین کشاورزی در اختیار دارند و بر اساس نتایج آخرین سرشماری کشاورزی تقریباً ۳۴ درصد از بهره‌برداران کشاورزی در استان بی‌سواد هستند را در کنار هم قرار دهیم، از طرفی با چالش‌های طبیعی از جمله خشک‌سالی‌های متمادی، کاهش شدید منابع آب‌های سطحی و زیرزمینی، شوری و تلخی منابع آبی و فرسایش شدید خاک، فرورفتن زمین و تغییرات اقلیمی (سرمزدگی و غیره) نیز مواجه هستیم، متوجه می‌شویم که مجموعه این شرایط باعث گردیده که ادامه این روند (سهم بالای بخش کشاورزی) قطعاً در آینده میسر نبوده و چنانچه برنامه متناسب با برون‌رفت از این شرایط ایجاد نگردد، استان با چالش‌های زیاد طبیعی، اجتماعی و اقتصادی مواجه خواهد شد.

از آنجا که مهم‌ترین مسئله در بخش کشاورزی، سهم بالای تولید بخش کشاورزی سنتی در اقتصاد استان نسبت به متوسط کشور و آب بری بالای اقتصاد استان کرمان می‌باشد، در همین راستا در مطالعات آمایش سرزمین موضوعی تحت

در استان کرمان تقریباً ۴٫۳ میلیارد مترمکعب آب برنامه‌ریزی شده است، اما مقداری آبی که در حال حاضر از محل آب‌های زیرزمینی استفاده می‌کنیم، حدود شش میلیارد و ۲۹۰ میلیون مترمکعب است. به عبارتی برای دستیابی به آب قابل برنامه‌ریزی می‌بایست ۱۹۸۰ میلیون مترمکعب صرفه‌جویی نمود (نزدیک ۲ میلیارد مترمکعب اضافه برداشت).



برای درک بهتر موضوع و لزوم کاهش مصرف آب به خصوص در بخش کشاورزی مقایسه میزان ارزش افزوده بخش‌های مختلف اقتصادی به ازای هر مترمکعب آب لازم و ضروری است. بررسی میزان ارزش افزوده ایجاد شده از بخش‌های مختلف در استان (نمودار شماره (۱)) بیانگر این موضوع است که ما ارزشمندترین موجودی استان را در جایی استفاده می‌کنیم که ارزش افزوده چندانی برای ما ایجاد نمی‌کند. این در حالی است که محصولات تولیدی به شدت آب بر بوده در شرایطی که میزان بارندگی در استان ۱۲۹ میلی‌متر در مقایسه با متوسط کشور که ۲۳۳ میلی‌متر در سال است. سالانه به سفره‌های آب زیرزمینی فشار مضاعفی وارد می‌شود. علاوه بر اختلاف معنادار ارزش افزوده به ازای هر مترمکعب آب در استان کرمان، میزان اشتغال به ازای هر ۱۰۰۰ مترمکعب در بخش کشاورزی در استان کمتر از نیم نفر و در بخش صنعت و معدن برابر با ۲٫۷ نفر است.

ذکر این نکته حائز اهمیت است که شرایط حاکم بر اقتصاد استان، فرایندی است که طی چندین دهه اتفاق افتاده و در حال حاضر آثار زیان‌بار آن از طرف طبیعت در قالب شوری و تلخی منابع آبی، فرونشست زمین، خشک‌سالی و غیره بروز و نمود داشته و اقتصاد استان را با چالش مواجه نموده است. در همین راستا در مطالعات آمایش سرزمین برای اولین بار موضوع «ارزیابی توان اکولوژیکی» مطرح شد. بر این اساس بیش از ۲۱ عامل مؤثر در مورد میزان امکان استفاده از مواهب طبیعی در کاربری‌های مختلف از جمله میزان بارندگی، دما، رطوبت، منابع آبی سطحی و زیرزمینی، نوع زمین و پوشش گیاهی، نوع خاک، شیب زمین و غیره مورد ارزیابی و بررسی دقیق قرار گرفته و با تلفیق و ترکیب لایه‌های مختلف در قالب سیستم اطلاعات مکانی میزان استفاده و توان یک پهنه یا یک حوزه و نهایتاً استان بیان می‌شود. در نمودار شماره (۲) مقایسه میزان بهره‌برداری و توان

عنوان «آب برنامه‌ریزی» مطرح شده که وزارت نیرو این طرح را به تفکیک حوزه‌های آبریز دشت‌ها و استان‌های کشور اعلام کرده است. در استان کرمان تقریباً ۴٫۳ میلیارد مترمکعب آب برنامه‌ریزی شده است، اما مقداری آبی که در حال حاضر از محل آب‌های زیرزمینی استفاده می‌کنیم، حدود شش میلیارد و ۲۹۰ میلیون مترمکعب است. به عبارتی برای دستیابی به آب قابل برنامه‌ریزی می‌بایست ۱۹۸۰ میلیون مترمکعب صرفه‌جویی نمود (نزدیک ۲ میلیارد مترمکعب اضافه برداشت).

در افق برنامه آمایش سرزمین که سال ۱۴۱۴ است در قالب برنامه سازگاری با کم‌آبی باید میزان کاهش مصرف آب به آب قابل برنامه‌ریزی برسد که افق این برنامه پنج‌ساله است و از سال ۱۴۰۰ شروع شده و متولی آن سازمان آب منطقه‌ای در استان کرمان است. بر اساس وظایف کارگروه ملی سازگاری با کم‌آبی، ۱۱ میلیارد مترمکعب در کل کشور باید کاهش مصرف صورت پذیرد که سهم استان از برنامه کاهش مصرف نزدیک به یک میلیارد مترمکعب است.

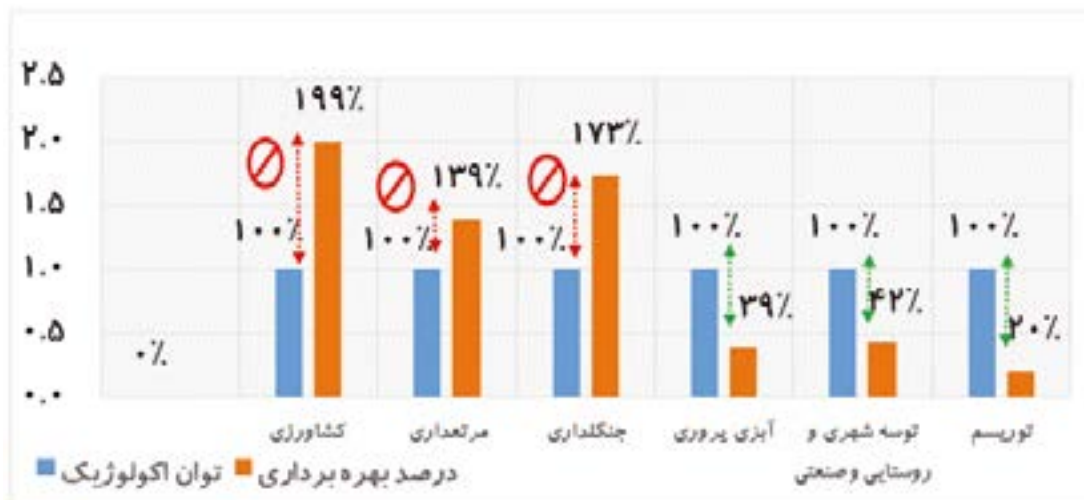
جهت بررسی میزان کاهش آب مصرفی خوب است نگاهی داشته باشیم به سهم مصرف آب در بخش‌های مختلف اقتصادی؛ با توجه به جدول شماره (۱) سهم بخش کشاورزی در استان بیش از ۹۴ درصد آب مصرفی استان است، این در حالی است که سهم بخش کشاورزی از میزان آب مصرفی در کشور ۹۰ درصد است که این میزان افزایش مصرف در بخش کشاورزی نسبت به کشور تقریباً با حجم کل آب مصرفی در بخش صنعت و معدن استان برابری می‌کند. کشاورزی برخلاف صنعت، معدن و خدمات فعالیت می‌کند که به شدت وابسته به زمین و اقلیم است؛ یعنی حتی اگر آب هم داشته باشیم، با وجود شرایط اقلیمی گسترده‌ای که در دنیا در حال اتفاق است از جمله سرمازدگی، سیل و غیره که به شدت روی بخش کشاورزی تأثیرگذار هستند، باید روی سهم بخش کشاورزی احتیاط بیشتری داشته باشیم.

جدول شماره (۱):

مقایسه سهم آب مصرفی در بخش‌های مختلف در استان با کشور به درصد

کشور	استان کرمان	
کشاورزی	۹۴٫۱	۹۰٫۹
صنعت و معدن	۱٫۱	۲٫۷
خدمات	۴٫۸	۶٫۴





میان‌مدت در قالب برنامه هفتم در راستای اصلاحات ساختاری باید حدود یک‌میلیون مترمکعب مصرف آب را کاهش دهیم. در برنامه کوتاه‌مدت نیز که برنامه‌ها سالانه هستند. برای مثال در سال ۱۴۰۱ در قالب برنامه سازگاری با کم‌آبی باید میزان ۳۳۲ میلیون مترمکعب مصرف آب کاهش پیدا کند که به تفکیک بخش‌های مختلف مشخص شده است، اما نکته‌ای که ذکر آن ضروری است همان‌طور که اشاره گردید وضعیت حال حاضر بخش کشاورزی اتفاق کوتاه‌مدت نبوده و در مورد اصلاح ساختار نیز نیازمند تغییر ریل اقتصادی استان در درازمدت است.

♦♦ در مورد انطباق یا فاصله انحراف توسعه صنعتی استان با یافته‌ها و توصیه‌های سیاستی آمایش استان کرمان چه توضیحاتی ارائه می‌فرمایید؟

در بخش صنعت برخلاف بخش کشاورزی علاوه بر این‌که سهم متفاوتی از ارزش افزوده در کشور دارد، یک عدم تعادل در پهنه‌های استان را شاهد هستیم. سهم بخش صنعت و معدن در اقتصاد استان ۴۱٫۶ درصد است که در کشور این عدد حدود ۳۱٫۴ درصد است. سهم بخش صنعت و معدن استان از صنعت و معدن کشور ۴٫۵ درصد از تولید ارزش افزوده است.

ما در استان کرمان به‌شدت تمرکز صنایع را داریم و این موضوع وضعیت صنعت استان را متفاوت کرده و یک چالش برای استان است، به‌نحوی که ۸۴ درصد از ارزش افزوده کارگاه‌های صنعتی «۱۰ نفر کارکن و بیشتر» در استان فقط در انحصار دو فعالیت تولیدات فلزات پایه که ۷۴ درصد را به خود اختصاص داده است، شامل مس و صنایع معدنی مرتبط است و فعالیت دوم تولید وسایل نقلیه موتوری، تریلر

اکولوژیکی کاربری‌های مختلف استان (ظرفیت برد) آورده شده است.

بر اساس ارزیابی توان اکولوژیکی حداکثر ۳۸۰ هزار هکتار زمین در استان کرمان توان کشاورزی دارد، درحالی‌که میزان بهره‌برداری در حال حاضر بالغ بر ۷۵۰ هزار هکتار است، البته در چند سال اخیر به علت خشک‌سالی این عدد قدری کاهش پیدا کرده است؛ یعنی ما تقریباً ۱۹۹ درصد بهره‌برداری مازاد از توان کشاورزی داریم. در مجموع با توجه به مطالعات آمایش سرزمین و از آنجا که بر اساس تعریف فائو از آمایش سرزمین «ارزیابی نظام‌مند سرزمین، پتانسیل‌های آبی و الگوهای مختلف بهره‌برداری از اراضی و دیگر شرایط طبیعی، اجتماعی و اقتصادی، برای انتخاب گزینه‌هایی برای بهره‌برداری از سرزمین که بدون خسارت به منابع یا محیط برای بهره‌برداران سرزمین بیشترین استفاده را داشته باشد» لازمه برون‌رفت از این چالش‌ها در بخش کشاورزی، اصلاح ساختار اقتصادی است. منظور از اصلاح ساختار اقتصادی این است که ما سهم بخش‌های مختلف را متعادل‌سازی و یا به میانگین کشوری نزدیک کنیم. این مهم به‌عنوان اولین هدف بنیادین سند آمایش تحت عنوان «اصلاح ساختار اقتصادی استان و منطقی نمودن سهم بخش‌های اقتصادی از طریق افزایش سهم ارزش افزوده بخش‌های خدمات و صنعت و معدن و کاهش سهم بخش کشاورزی» درج گردیده است؛ که در مطالعات آمایش نحوه دستیابی به این اهداف نیز اشاره شده است. برای اینکه بتوانیم برنامه اصلاح ساختاری را در استان پیاده‌سازی کنیم، نیاز به یک برنامه بلندمدت است که سند آمایش با افق ۱۴۲۴ در سطح ملی و ۱۴۱۴ در سطح استان مصوب گردیده و لازم‌الاجرا است. در سطح برنامه

بر اساس ارزیابی توان اکولوژیکی حداکثر ۳۸۰ هزار هکتار زمین در استان کرمان توان کشاورزی دارد، درحالی‌که میزان بهره‌برداری در حال حاضر بالغ بر ۷۵۰ هزار هکتار است، البته در چند سال اخیر به علت خشک‌سالی این عدد قدری کاهش پیدا کرده است؛ یعنی ما تقریباً ۱۹۹ درصد بهره‌برداری مازاد از توان کشاورزی داریم.



و نیمه تریلر است که شامل صنایع خودروسازی در استان می‌شود. از سوی دیگر ده بنگاه بزرگ صنعتی استان با تمرکز جغرافیایی در چهار شهرستان کرمان، رفسنجان، سیرجان و بم، ۷۸ درصد از ارزش افزوده کل صنعت استان را به خود اختصاص داده‌اند.

مجموعه این عوامل باعث شده استان کرمان برخلاف ظاهر که استان صنعتی شناخته می‌شود، متناسب با پتانسیل‌ها به سمت سوی صنعتی شدن حرکت نموده است. بررسی دقیق‌تر بیانگر این نکته است که در استان کرمان تعداد زیادی صنایع کوچک (صنایع خرد) وجود دارد و تعداد محدودی صنایع بسیار بزرگ و در این بین از صنایع متوسط به تناسب خبری نیست؛ که یکی از دلایل تمرکز شدید فعالیت‌ها و جغرافیایی ناشی از این است که صنایع متوسط وجود ندارند. صنایع متوسط در یک منطقه زمانی شکل می‌گیرند که بتوان زنجیره تولید ایجاد کرد، ما پتانسیل‌های زیادی در بخش کشاورزی و صنایع معدنی و فلزی داریم که صنایع مرتبط با آن‌ها می‌توانند در قالب زنجیره تولید شکل بگیرد، اما بیشتر نیاز صنایع بزرگ ما از خارج از استان تأمین می‌شود و صنایع متوسط در استان شکل نگرفته‌اند که بتواند از یک طرف نیازهای صنایع بزرگ را تأمین کرده و از طرف دیگر باعث پخش و گسترش صنایع خرد در پهنه استان گردند تا این صنایع، بخشی از نیاز صنایع متوسط را پوشش دهند.

در استان کرمان، تمرکز در بخش معدن نیز وجود دارد؛ بیش از ۷۵ درصد از ارزش افزوده معدن استان مربوط به دو معدن گل‌گهر و سرچشمه است و به دلیل خام فروشی که اتفاق می‌افتد، ما با تکمیل زنجیره تولید فاصله زیادی داریم و عمده معادن در چهار شهرستان زرنند، رفسنجان، شهر بابک و سیرجان قرار گرفته‌اند. ذکر یک نکته ضروری است که بعضی از تمرکزها و عدم تعادل‌ها به مزیت‌های منطقه برمی‌گردد، اما موضوعی که وجود دارد این است که در جنوب کرمان پهنه‌های زیادی داریم که اکتشاف در آن‌ها صورت نگرفته است؛ بنابراین در سند آمایش در بخش صنعت و معدن به بخش اکتشافات در پهنه‌های جغرافیایی به خصوص در جنوب تأکید شده است.

در مجموع در استان کرمان بر اساس ارزیابی توان اکولوژیکی برخلاف بخش کشاورزی ما در صنعت از ظرفیت خود به صورت کافی استفاده نکرده‌ایم و علیرغم وجود صنایع بزرگ در استان، ما یک استان صنعتی نیستیم. به این دلیل که سهم اشتغال ما در بخش صنعت در سال ۱۴۰۰، ۲۲ درصد است، در حالی که این عدد در کشور ۳۴ درصد است. به ازای هر ۱۰ هزار نفر جمعیت، رتبه استان در بین

۳۱ استان کشور به لحاظ تعداد جوازهای صنفی صادر شده ۲۸، به لحاظ تعداد جوازهای صادر شده کارگاه‌های صنعتی ۲۶ و همچنین به لحاظ تعداد پروانه بهره‌برداری صادر شده کارگاه‌های صنعتی رتبه ۲۶ را داشته‌ایم، همه این اعداد به خوبی نشان می‌دهند که صنایع متوسط در استان کرمان به خوبی شکل نگرفته است. با توجه به نتایج آمایش سرزمین با رعایت دقیق ملاحظات زیست‌محیطی استان توان گسترش کاربری صنعت را دارا می‌باشد که می‌بایست با گسترش در تمامی پهنه‌های استان به خصوص در جنوب و نیز تعمیم فعالیت‌های صنعتی در دیگر رشته فعالیت‌ها در قالب زنجیره‌های تولید و توجه ویژه به صنایع متوسط صورت گیرد، در این خصوص به تفکیک چهار منطقه و ده ناحیه مشخص شده و نقش استان در سند ملی در حوزه صنعت تبیین و مشخص گردیده؛ از جمله در بخش کشاورزی تشکیل زنجیره خرما و پسته، در بخش صنعت و معدن نیز زنجیره‌های مس، فولاد، مطرح شده است. در سند آمایش موضوع افزایش سهم صنعت ذکر شده و همچنین در این سند این موضوع که افزایش در چه مناطقی و چه نوع صنعتی باشد نیز آورده شده است. برای مثال در سند، سهم استان کرمان در ساخت وسایل نقلیه موتوری، ساخت فلزات اساسی و ساخت محصولات از کانی‌های غیرفلزی (استفاده از سنگ‌های تزئینی و سنگ‌های قیمتی) و فلزی مشخص شده است.

♦♦ مهم‌ترین تعارضات در عدم توسعه متوازن شمال و جنوب استان چیست؟

در کشور ما علیرغم سابقه طولانی برنامه‌ریزی به دلیل حاکم بودن روح برنامه‌ریزی بخشی، توسعه به شکل متوازن صورت نگرفته است؛ یعنی یک بخشی از اقتصاد ما رشد پیدا کرده و به اهداف میان‌مدت و حتی اهداف چشم‌انداز رسیده است و یک بخش به اهداف میان‌مدت و بلندمدت خود نرسیده و کشور را با بحران و چالش مواجه نموده است؛ برای مثال ما در بخش آموزش عالی رشد داشته‌ایم، ولی متناسب با این افزایش، نیازهای بازار کار رشد نداشته و همین موضوع باعث به وجود آمدن چالش بیکاران تحصیل‌کرده، شده است. علاوه بر عدم تعادل بخشی در کشور، عدم تعادل مکانی صورت گرفته است. در هر دوره‌ای بنا به سیاست‌های چانه‌زنی و استفاده از فرصت‌ها، یک سری از پهنه‌ها و مناطق کشور رشد مضاعفی داشته و توسعه نموده و فاصله خود را از دیگر مناطق زیاد نموده‌اند که این موضوع در پهنه غربی و شرقی کشور نمود دارد؛ برای مثال تعداد مراکز آموزش عالی، مراکز صنعتی،

لازمه برون‌رفت از

این چالش‌ها در

بخش کشاورزی

، اصلاح ساختار

اقتصادی است.

منظور از اصلاح

ساختار اقتصادی

این است که ما

سهم بخش‌های

مختلف را

متعادل سازی

و یا به میانگین

کشوری نزدیک

کنیم. این مهم

به عنوان اولین

هدف بنیادین

سند آمایش

تحت عنوان

«اصلاح ساختار

اقتصادی استان

و منطقی نمودن

سهم بخش‌های

اقتصادی از طریق

افزایش سهم

ارزش افزوده

بخش‌های

خدمات و صنعت

و معدن و کاهش

سهم بخش

کشاورزی» درج

گردیده است؛

که در مطالعات

آمایش نحوه

دست‌یابی به این

اهداف نیز اشاره

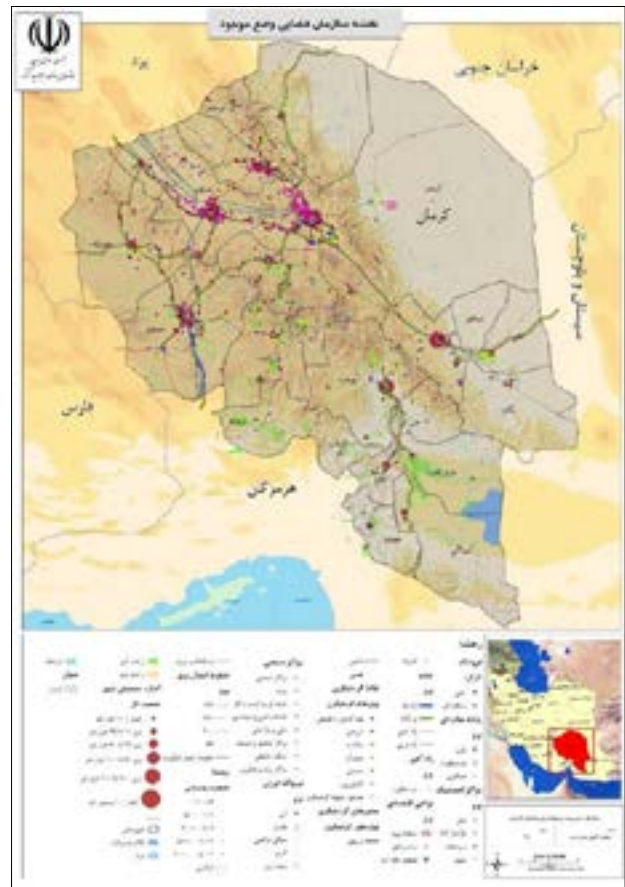
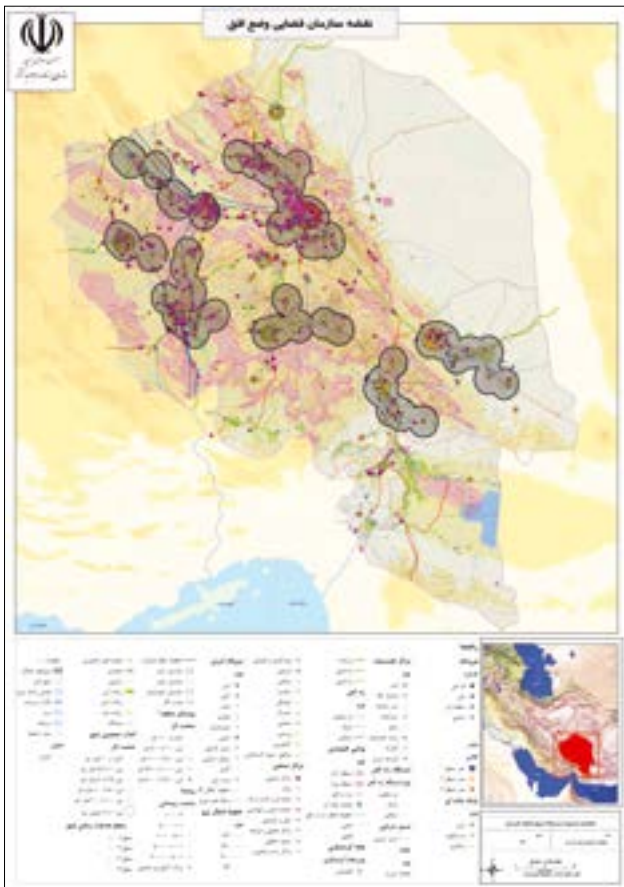
شده است.



خدماتی، زیرساخت‌های حمل‌ونقل و غیره را در پهنه غربی و شرقی با هم مقایسه نمایید. در استان کرمان نیز همین عدم توازن را در پهنه شمالی و جنوبی شاهد هستیم. پهنه‌ی جنوبی استان تقریباً ۳۵٫۸ درصد جمعیت و ۳۲ درصد از مساحت و پهنه شمالی ۶۴ درصد از جمعیت و ۶۷ درصد از مساحت استان را به خود اختصاص داده است که تقریباً با هم متوازن هستند، اما اگر سایر شاخص‌ها را بررسی کنیم به اعداد متفاوتی در شمال و جنوب برمی‌خوریم. پهنه جنوبی با وجود اینکه ۳۵٫۸ درصد از جمعیت را به خود اختصاص داده، ولی کل ارزش افزوده بخش اقتصاد استان در این منطقه ۱۵٫۹ درصد است. همچنین علیرغم اینکه بخش کشاورزی پررنگ است، اما تنها ۳۷ درصد از ارزش افزوده بخش کشاورزی استان در پهنه جنوبی قرار دارد که نشان می‌دهد کشاورزی در جنوب مبتنی بر ارزش افزوده بالا نیست بلکه یک کشاورزی سنتی است. موارد مطرح شده نشان می‌دهد که ما با یک عدم تعادل مواجه هستیم، بخشی از عدم تعادل‌ها ناشی از مزیت‌های نسبی مناطق است (برای مثال وجود محصولات معدنی و پسته در شمال

استان)، اما عمده آن ناشی از عدم به‌کارگیری ظرفیت و توان بالقوه منطقه جنوب است که البته این تفاوت و عدم تعادل سابقه طولانی و از دیرباز وجود داشته است. هدف آمایش سرزمین این است که یک توسعه متوازن و عدالت محور شکل بگیرد و علیرغم زیرساخت‌هایی که در جنوب وجود دارد و کارهایی که صورت پذیرفته این امر منجر به عدالت اجتماعی و تعادل فضایی نشده است. در مجموع در موضوع توسعه متوازن در جنوب تعارضاتی به شرح زیر وجود دارد:

- **تعارضات طبیعی:** متوسط ارتفاع جنوب استان کمتر از ۱۰۰۰ متر است، در حالی که شمال استان به‌طور متوسط بالای ۱۵۰۰ متر ارتفاع دارد و این فاصله کاهش ارتفاع یکسری دره‌های عمیقی شکل داده است که اگر از موضوعات فرسایش خاک بگذریم، مهم‌ترین مسئله آن این است که حوضه آبریز بالادست (شمال استان) تأمین‌کننده منابع آب حوضه آبریز جنوب می‌باشد و از آنجا که ادامه حیات در جنوب به‌خصوص منطقه‌ای مانند جازموریان وابسته به تأمین منابع آبی است، انجام هرگونه فعالیت و بارگذاری در مقیاس



این نیست که فرهنگ در این منطقه پایین یا بالا است بلکه موضوع این است که در این منطقه تا چه حد توسعه مشارکتی انجام می‌شود و مدیران و مقامات محلی تا چه میزان از ظرفیت‌های انسانی و طبیعی منطقه در قالب توسعه مشارکتی بهره می‌برند. اینکه منتظر باشیم که فرد یا افرادی از بیرون بیایند و سرمایه‌گذاری کنند، نسخه بیپسند که منطقه در آینده توسعه‌مند شود و چنانچه محقق نشد آن‌ها را مقصر توسعه قلمداد نماییم یا اینکه با همین شرایط و مزیت‌ها و پتانسیل‌های بالقوه منطقه با مشارکت آحاد ذی‌نفعان و مردم محلی امر توسعه را به جریان هدافمند در راستای توسعه منطقه تبدیل نماییم، مسئله فرهنگی است که نقش‌نخبگان و نیروی انسانی متخصص در جنوب می‌تواند حرکت توسعه در منطقه را شتاب بخشد.

- تعارضات اجتماعی: ساختارهای سنتی و قبیله‌ای در مناطق جنوبی و شرق استان، مسائل و مشکلاتی به لحاظ اجتماعی به وجود آورده که کم‌وبیش این منطقه را با چالش‌هایی مانند نرخ بالای بیکاری بانوان، پایین بودن سطح سواد به نسبت سایر مناطق، مهاجرت شدید از روستاها به شهرها و گسترش سکونتگاه‌های غیررسمی (۳۱ نقطه از آن‌ها را در

بزرگ، نیازمند انجام مطالعات زیست‌محیطی و مجوزهای مرتبط با آن است که عدم رعایت ملاحظات آمایشی باعث شکل‌گیری تعارضات اقتصادی و اجتماعی می‌گردد.

- تعارضات اقتصادی و زیرساختی: یک سری عدم تعادل به لحاظ امکانات زیربنایی بین شمال و جنوب استان مشاهده می‌شود. هر چند که این تعارضات و عدم تعادل‌ها در دهه اخیر به واسطه اقدامات دولت‌ها در قالب اختصاص اعتبار ویژه جنوب و اعتبارات مناطق محروم تا حدود زیادی رفع گردیده و به متوسط استان نزدیک شده است اما باین‌وجود به دلیل محرومیت تاریخی هنوز جنوب استان به لحاظ ساختارهای زیربنایی دچار کمبود و نقصان است که در حال حاضر موضوع استان شدن جنوب در راستای تعادل‌بخشی تعارضات اقتصادی و زیرساختی مطرح است.

- تعارضات فرهنگی: این تعارض به اعتقاد بنده از همه تعارضات مهم‌تر است که کمتر به آن پرداخته شده است. در برهه‌ای از زمان تصور می‌شد. جنوب محروم است زیرا امکانات زیرساختی وجود ندارد، اما بعد از ورود امکانات در منطقه، توسعه آن‌طور که انتظار می‌رفت شکل نگرفت که ریشه این موضوع به مسائل فرهنگی برمی‌گردد و منظور

در آینده می‌خواهد به کجا برسد (همان موضوع اصلاح ساختارها که ذکر شد) و چگونه می‌خواهد به این اهداف برسد که در قالب یک سری نقشه‌های راه در سند آمایش آمده است. آنچه تاکنون مشخص است ملاحظات آمایشی همان‌طور که در سؤال مطرح نمودید در نظام برنامه‌ریزی ما با وجود سابقه زیاد جاری و ساری نشده است. مهم‌ترین گواه این امر هم عدم تعادل‌های زیادی است که در پهنه کشورمان شاهد هستیم و بروز مشکلات زیست‌محیطی، کاهش شدید منابع آبی و فرونشست در دشت‌های کشور، عدم دستیابی به عدالت اجتماعی و غیره از جمله مصادیق عدم توجه به مباحث آمایش سرزمین است. خوشبختانه با اهتمام صورت گرفته سند آمایش ملی و سند آمایش استانی به‌عنوان حلقه مفقوده نظام برنامه‌ریزی تهیه و تصویب گردید. این اسناد با افق بلندمدت در سطح ملی، منطقه‌ای، استانی و شهرستان می‌باشد که سند در سطح ملی و استانی تهیه شده و در سطح شهرستان در دستور کار است. در سند ملی آمایش سرزمین، پنج هدف بنیادین، ۲۱ راهبرد و ۲۵۵ سیاست وجود دارد که موقعیت هر یک از استان‌های کشور و جایگاه آن در سند ملی به تفکیک بخش‌های اقتصادی مشخص گردیده، در سند استانی علاوه بر این موارد دو سطح پایین‌تر یعنی برنامه و پروژه‌های بزرگ نیز آمده است. سند استانی یک سند جامعی است که هماهنگ‌کننده فعالیت‌ها و راهنمای مدیریت توسعه استان است. در این سند ضمن ترسیم چشم‌انداز توسعه استان و منطقه، اهداف و راهبردها و سیاست‌های توسعه استان و نیز قلمروهای مستعد توسعه، الگوی مطلوب استقرار زیرساخت‌ها، الگوی مطلوب استقرار فعالیت‌ها و الگوی مطلوب استقرار جمعیت و نظام سکونتگاهی مشخص گردیده است. سابقه توجه به اسناد آمایشی نشان می‌دهد سند آمایش در دهه پنجاه با مطالعات ستیران (شرکت فرانسوی ستیران) آغاز به کار کرد. در این دهه دو موضوع در سند مطرح بود، یکی بحث تمرکززدایی از تهران و دیگری توجه ویژه به محور غرب کشور. در دهه شصت توجه به محور شرق و بحث مناطق آزاد شکل گرفت و توسعه مکران مورد توجه قرار گرفت. در دوره سوم، سال‌های هفتاد تا هشتاد، بحث نظریه پایه توسعه ملی و نظریه پایه توسعه استان‌ها شکل گرفت که ضوابط ملی آمایش سرزمین در این دوره مطرح و برای اولین بار مرکز ملی آمایش سرزمین تشکیل شد. در دوره چهارم یعنی از دهه ۹۰ به بعد، شورای عالی آمایش تشکیل دائمی شد و بحث آمایش در قانون احکام دائمی کشور مطرح و سند آمایش ملی و استان در دستور کار قرار گرفت، در این دوره یک تحول و فصل

کرمان، بم، سیرجان، رفسنجان و جیرفت شاهد هستیم) همچنین وجود اتباع بیگانه در این منطقه روبه‌رو کرده است. - در موضوع ایجاد توازن در جنوب و شمال استان، در آمایش سرزمین دو محور اصلی مدنظر قرار گرفته است، اول اینکه چه مزیت‌هایی در منطقه جنوب وجود دارد که ما نتوانسته‌ایم از آن‌ها به‌طور کامل استفاده کنیم؛ برای مثال در بخش معدن در جنوب پتانسیل بالایی وجود دارد ولی اکتشاف صورت نگرفته است. در سند آمایش استان بر اکتشاف و استخراج معادن در پهنه جنوب تأکید ویژه شده است. همچنین در سند ملی آمایش، زنجیره تولید خرما در جنوب در سطح ملی مطرح گردیده و می‌بایست فعالیت‌های صنعتی و مرتبط با آن شکل گیرد.

مورد دوم این است که از فرصت‌ها و شرایط بیرونی که حاکم بر منطقه است در جهت توسعه استفاده شود، در برنامه ششم و هفتم، منطقه مکران یکی از اولویت‌های بسیار مهم کشور بوده است که قرار است تا چهار میلیون نفر جمعیت در این منطقه شکل بگیرد، بنابراین منطقه جنوب کرمان به‌عنوان پس‌کرانه منطقه مکران می‌تواند فوق‌العاده نقش مهمی هم از لحاظ تأمین مواد غذایی و هم موضوع صادرات ایفا کند، ولی در حال حاضر هیچ زیرساخت متناسب با این موضوع در جنوب استان شکل نگرفته است. در پروژه‌های آمایش سرزمین به تقویت محورهای حمل‌ونقل در این منطقه اهمیت داده شده است. یک محور اصطلاحاً نعل اسبی از جاسک، رودبار، جیرفت و دوباره به بندرعباس وجود دارد که به‌عنوان یک محور اصلی در نظر گرفته شده است در همین راستا راه‌آهن بم - جیرفت و جیرفت به جاسک پیشنهاد داده شده است. در سند آمایش مطرح شده که جنوب حتماً باید خود را به خلیج فارس و دریای عمان مرتبط کند با توجه به نقش محوری بندر جاسک علاوه بر بندرعباس نقطه اتصال معرفی گردیده است.

♦♦ جایگاه عملی موضوع آمایش سرزمین، چقدر در سیاست‌گذاری‌های کلان کشور مورد ملاحظه و انجام است، ارزیابی شما از چگونگی توجه به این امر مهم در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های اقتصادی با وجود سابقه بیش از نیم‌قرن این واژه در ادبیات اقتصادی کشور چیست؟ آمایش سرزمین، برنامه‌ریزی راهبردی در بازآرایی فعالیت، جمعیت و زیرساخت‌ها بر مبنای توان اکولوژیکی آن سرزمین است یا به عبارتی آمایش سرزمین استان، مهندسی کردن نقشه راه توسعه ملی استانی است. به‌طورکلی آمایش بیان می‌کند که در حال حاضر استان در چه وضعیتی است،



ما در استان
کرمان به شدت
تمرکز صنایع
را داریم و این
موضوع وضعیت
صنعت استان را
متفاوت کرده و
یک چالش برای
استان است،
به نحوی که ۸۴
درصد از ارزش
افزوده کارگاه‌های
صنعتی «۱۰ نفر
کارکن و بیشتر»
در استان فقط
در انحصار دو
فعالیت تولیدات
فلزات پایه که ۷۴
درصد را به خود
اختصاص داده
است، شامل مس
و صنایع معدنی
مرتبط است و
فعالیت دوم تولید
وسایل نقلیه
موتوری، تریلر و
نیمه تریلر است
که شامل صنایع
خودروسازی در
استان می‌شود.



در سال ۱۴۰۰ جهت اصلاح سند در نظر گرفته شد؛ که طی این سال با برگزاری نشست‌های تخصصی و جلسات شورای برنامه‌ریزی و توسعه استان نظرات مدنظر دستگاه‌های اجرای استان، بخش خصوصی و نمایندگان محترم مردم شریف استان در مجلس شورای اسلامی اخذ و پس از بررسی و انطباق با سند ملی و استان موارد مورد نیاز اصلاح گردید؛ برای مثال در سند ملی به بخش معدن استان خیلی توجه نشده بود که با برگزاری جلسات متعدد در تهران این موضوع در سند آمایش ملی گنجانده و اصلاح شد. در مواردی نیز سند آمایش استان اصلاح گردید. اگرچه هنوز این پنجره باز است و امکان ارائه پیشنهادات در این خصوص وجود دارد، اما در مجموع چارچوب و شاکله اصلی سند نهایی شده است. عمده فعالیت‌های استان در سال ۱۴۰۱ معطوف به پیاده‌سازی و اجرای سند آمایش است. به‌طور کلی جهت اجرا و پیاده‌سازی مجموعه وظایفی برای متولیان و دستگاه‌های اجرایی پیش‌بینی شده است که عمدتاً شامل موارد ذیل است.

در برخی موارد در سند ملی و یا سند استانی پروژه‌های بنام ذکر شده است که متولی پروژه مشخص می‌باشد و قاعدتاً دستگاه مربوطه در سطح ملی وزارت خانه و اداره کل مرتبط در سطح استان، وظیفه پیگیری و اجرای پروژه را بر عهده دارد؛ به‌عنوان مثال در سطح ملی راه‌اندازی زنجیره تولید خرما در جنوب استان زنجیره پسته در شمال استان تعریف گردیده و یا در حوزه راه به اتصال راه‌آهن بم-جیرفت و بندر جاسک به‌طور مشخص اشاره شده است. تمامی این پروژه‌ها قبل از تصویب نهایی سند آمایش با وزارتخانه‌های مربوطه هماهنگ و در سند قید گردیده است.

در برخی موارد یک راهبرد در راستای تحقق آمایش سرزمین در سند ملی و یا استانی قید گردیده و در سند سیاست‌های متناسب با آن راهبرد نیز ذکر گردیده، اما به پروژه خاصی اشاره نشده است و وزارت خانه و یا دستگاه متولی می‌بایست سازگار و آیین‌نامه اجرایی آن را تهیه و تدوین نماید؛ به‌عنوان مثال کاهش مصرف آب مطابق آب برنامه‌ریزی از جمله مسائل اساسی در سند آمایش استان است که در این راستا در قالب کارگروه سازگاری با کم‌آبی، تقسیم کار مابین دستگاه‌های اجرایی مرتبط مشخص و کار پیگیری می‌گردد. در این راستا این کارگروه با تعیین پروژه‌های از قبیل پر و مسلوب نمودن چاه‌های غیرمجاز، نصب کنتورهای هوشمند، افزایش کشت گلخانه‌ای و استفاده از روش‌های نوین آبیاری و غیره، سعی در کاهش سطح زیر کشت و صرفه‌جویی در مصرف آب دارد. در بخش شرب هم

نوبنی در آمایش سرزمین شکل گرفت که در دوره‌های قبلی به‌صورت ناقص و عمدتاً سیاست‌های برنامه‌ریزی منطقه‌ای مطرح بود تا پیاده‌سازی آمایش سرزمین، چون یک سند ملی و استانی وجود نداشت.

در مورد اجرای سند، یک‌سری شرح وظایف برای همه وزارتخانه‌ها مشخص شده که تک‌تک مواد آن با وزارتخانه‌های مرتبط هماهنگ شده است و دستگاه‌های ذی‌ربط مکلفند موارد مرتبط با دستگاه خود را پیگیری نمایند. در پاسخ به سؤال شما به نظر بنده همزمانی تصویب اسناد آمایش سرزمین در سطح ملی و استانی (۳۱ استان) و برنامه پنج‌ساله هفتم توسعه کشور به‌عنوان ظرف پیاده‌سازی برنامه آمایش سرزمین شرایط مناسبی را جهت تحقق این امر فراهم می‌آورد که نیازمند آگاهی بخشی و توجه ویژه به مواد سند آمایش است؛ بنابراین در راستای تحقق عدالت فضایی و تعادل بخشی، فرصت مناسبی از طریق تهیه سند آمایش استانی و ملی از یک‌سو و امکان پیاده‌سازی آن در قالب برنامه هفتم توسعه از سوی دیگر فراهم آمده است که امیدوارم نظام برنامه‌ریزی کشور از فرصت فراهم‌شده جهت تحقق اهداف آمایش نهایت استفاده را نماید. در برنامه یک‌ساله ۱۴۰۱ و تحقق نرخ رشد اقتصادی کشور (۸ درصدی) سند آمایش به‌عنوان یک سند راهبردی و در قالب یک سری ملاحظات آمایش سرزمینی، پروژه‌ها و برنامه‌ها، در بودجه سالانه دولت لحاظ شده است؛ برای مثال طبق ماده ۲۳ هر پروژه دولتی که می‌خواهد اجرا شود باید مجوز آمایش را بگیرد. در این زمینه در استان کرمان از سال ۱۴۰۰ تاکنون حدود ۷۰ پروژه دستگاه‌های اجرایی برای ماده ۲۳ ارجاع و بررسی شد که حدود ۳۰ پروژه مورد موافقت قرار گرفته است؛ برای مثال در مورد پروژه جهش مسکن، یکی از راهبردهای اصلی در سند آمایش سرزمین در استان کرمان، جلوگیری از توسعه فیزیکی شهر است؛ بنابراین به‌شدت با الحاق اراضی به محدوده شهرها در سند آمایش مخالفت و از ظرفیت‌های موجود در شهرها جهت تأمین زمین مورد نیاز بهره‌برده می‌شود.

♦ با توجه به گذشت چندین ماه از تصویب سند ملی آمایش سرزمین، اجرای وظایف هشت‌گانه‌ای که در این سند درج گردیده است در چه مرحله‌ای است و در این چارچوب، استان کرمان کجای کار است؟

سند ملی و سند استانی در اسفندماه سال ۱۳۹۹ در شورای آمایش مصوب شد و در سال ۱۴۰۰، سازمان برنامه‌بودجه آن را به وزارتخانه‌ها، استانداران و دستگاه‌های اجرایی و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان‌ها ابلاغ کرد و یک بازه زمانی

سهم اشتغال ما
در بخش صنعت
در سال ۱۴۰۰،
۲۲ درصد است،
در حالی که این
عدد در کشور ۳۴
درصد است. به
ازای هر ۱۰ هزار
نفر جمعیت،
رتبه استان در
بین ۳۱ استان
کشور به لحاظ
تعداد جوازهای
صنعی صادرشده
۲۸، به لحاظ
تعداد جوازهای
صادرشده
کارگاه‌های صنعتی
۲۶ و همچنین
به لحاظ تعداد
پروانه بهره‌برداری
صادرشده
کارگاه‌های
صنعی رتبه ۲۶
را داشته ایم،
همه این اعداد
به خوبی نشان
می‌دهند که
صنایع متوسط
در استان کرمان
به خوبی شکل
نگرفته است.



پیاده‌سازی آن باشند. در کنار این اقدامات سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان به‌عنوان متولی رصد و پیاده‌سازی آمایش، با همکاری دستگاه‌های نظارتی بر روند اجرا برنامه نظارت نموده و ضمن اطلاع‌رسانی، در حال اجرا بخشی از کار می‌باشد؛ به‌عنوان مثال در اجرای ماده ۲۳ از سال ۱۴۰۱ تأیید هر پروژه دولتی جدید منوط به اخذ مجوز آمایشی و رعایت ملاحظات آمایش سرزمین است که در آینده قطعاً پروژه جدید بدون اخذ مجوز آمایش سرزمینی شاهد نخواهیم بود. همچنین استفاده از ظرفیت شورای برنامه‌ریزی و توسعه استان، جهت‌دهی اعتبارات و تسهیلات دولتی به بخش خصوصی (اعتبارات تبصره ۱۸ و ۱۶، اشتغال پایدار روستایی و غیره) متناسب با اصلاح ساختار و شرایط هر منطقه و شهرستان از دیگر اقدامات اجرایی در راستای آمایش سرزمین است.

به‌طور کلی اجرای برنامه آمایش استان نیازمند عزم جدی مدیران و نیز مشارکت بخش خصوصی و نخبگان استان در بخش‌های مختلف است و با مشارکت همه ذی‌نفعان امکان‌پذیر خواهد بود.

در پایان سند آمایش ملی و سند آمایش استان در سایت سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان به آدرس <https://kerman.mporg.ir> قابل دسترسی است. ♦♦

تأمین آب پایدار، بازسازی شبکه آب و فاضلاب و در صنعت چرخه آب مصرفی از جمله پروژه‌های مرتبط با این راهبرد و سیاست می‌باشد.

نوع دیگر راهبرد و سیاست مشخصی در یک بخش برای استان در سند ملی و یا آمایش استان در نظر گرفته شده و دستگاه متولی می‌بایست از تمامی ظرفیت‌های موجود جهت تحقق این سیاست به نحو مطلوبی استفاده نماید، هر چند سازوکار مدیریتی و اجرایی قانونی و مدونی برای آن لحاظ نشده است؛ به‌عنوان مثال در سند ملی آمایش سرزمین استان کرمان به‌عنوان یک ضلع جدید به مثلث گردشگری اصفهان، فارس و یزد اضافه شده است که فرصت مناسبی جهت توسعه گردشگری در استان فراهم می‌آورد، اما در راستای این سیاست پروژه خاصی در سند ملی و استانی تعریف نشده است که در اینجا وظیفه دستگاه متولی است که با هماهنگی دستگاه‌های ذی‌ربط، اقدامات در راستای تحقق این سیاست را دنبال نماید؛ به‌عنوان مثال گسترش زیرساخت‌های حمل‌ونقل، هتل داری و رستوران، تبلیغات و شناسایی فرصت‌های گردشگری استان را می‌توان تعریف نمود. با توجه به مطالب و سیاست‌ها و راهبردهای مطرح‌شده در سند آمایش، دستگاه‌های مربوطه می‌بایست وظایف خود را احصا و در طول برنامه پیگیر



چشم انداز اقتصاد جهانی





♦ مترجم: محبوبه خادم نعمت‌اللهی

دانشجوی دکتری اقتصادسنجی دانشگاه علامه طباطبائی تهران

بعد از دو سال که از بیماری کرونا (کوید ۱۹) می‌گذرد، عمیق‌ترین رکود جهانی بعد از جنگ جهانی دوم رخ داده که اقتصاد جهانی را دوباره در معرض خطر قرار داده است. در همین زمان، تورم بالا و رشد پایین شکل گرفته، حتی اگر رکود جهانی رفع شود، درد رکود تورمی می‌تواند برای چند سال تداوم یابد، مگر این‌که عرضه افزایش یابد.

در بحبوحه‌ی جنگ اوکراین با وجود این‌که تورم فزاینده و نرخ بهره‌ی بالا وجود دارد، پیش‌بینی می‌شود که رشد اقتصاد جهانی در سال ۲۰۲۲ دچار ریزش و رکود شود. تورم بیش از حد و رشد پایین‌تر در چند سال اخیر، پیامدهای بی‌ثبات‌کننده برای اقتصادهای با درآمد متوسط و پایین داشته است. این پدیده، رکود تورمی^۱ نامیده می‌شود که جهان از دهه‌ی ۱۹۷۰ با آن مواجه نبوده است.

پیش‌بینی‌های ما، کاهش‌های قابل‌توجه را نشان می‌دهد: انتظار می‌رود که رشد جهانی، به‌شدت کند شود و از ۵/۷ درصد در سال ۲۰۲۱ به ۲/۹ درصد در سال ۲۰۲۲ کاهش یابد. این مورد هم‌چنین، یک سوم کاهش رشد را نسبت به ژانویه‌ی ۲۰۲۲ نشان می‌دهد که ۴/۱ درصد است. افزایش سریع در قیمت‌های غذا و انرژی همراه با اختلالات عرضه و تجارت که ناشی از جنگ اوکراین و استانداردسازی نرخ بهره که در حال حاضر به وقوع پیوسته است باعث ایجاد بیشترین کاهش در نرخ رشد شده است.

کوید ۱۹ باعث ایجاد شکست در رشد درآمد و کاهش فقر در کشورهای در حال توسعه شده است. سقوط ناشی از جنگ اوکراین با این چالش‌ها ترکیب شده است. انتظار می‌رود که رشد درآمد و کاهش فقر ۳/۴ درصد در سال ۲۰۲۲ رشد داشته باشد که نصف نرخ موجود در سال ۲۰۲۱ و زیر متوسط در سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۹ است. کشورهای با درآمد متوسط، یک کاهش شدید در رشد را در سال ۲۰۲۲ تجربه می‌کنند و ۱/۳ درصد کاهش را نسبت به پیش‌بینی ژانویه از دست می‌دهند. به علت وجود شوک‌های معکوس در دو سال گذشته، درآمد سرانه‌ی واقعی در سال ۲۰۲۳، پایین سطح قبل از وقوع بیماری کوید ۱۹ باقی می‌ماند که حدود ۴۰ درصد در کشورهای در حال توسعه می‌باشد. برای بسیاری از کشورها، رکود غیرقابل اجتناب است. با عرضه‌ی گاز طبیعی که محدود شده، مخصوصاً برای استفاده در شبکه‌های برق و کودهای شیمیایی در کشورهای فقیرتر، خبر افزایش محصولات عمده در سراسر جهان برای رفع رکود تورمی و بازیابی رشد غیرتورمی ضروری خواهد بود.

این نسخه از گزارش چشم‌انداز اقتصاد جهانی، با تأکید بر این‌که چگونه رکود تورمی در کشورهای در حال توسعه تأثیر می‌گذارد، اولین ارزیابی منظم از این‌که چگونه شرایط اقتصادی جهانی اخیر با دوره‌ی رکود تورمی دهه‌ی ۱۹۷۰ مقایسه می‌شود را ارائه می‌دهد. بینش‌ها هوشمندانه است: افزایش نرخ بهره که نیاز بود تورم را در اواخر دهه‌ی ۱۹۷۰ کنترل کند، آن‌قدر تورم بالا بود که رکود جهانی را به همراه خود آورد و با یک رشته از بحران بدهی در کشورهای در حال توسعه همراه شد که «یک دهه‌ی از دست رفته^۲» ایجاد کرد. خطر رکود تورمی امروزه درک می‌شود. بین سال‌های ۲۰۲۱ و ۲۰۲۴، پیش‌بینی می‌شود که رشد جهانی، ۲/۷ درصد کاهش یابد که بیش از دو برابر کاهش بین سال‌های ۱۹۷۶ و ۱۹۷۹ است. رشد از دست رفته، ممکن است در سراسر دهه به خاطر سرمایه‌گذاری ضعیف در اکثر بخش‌های جهان تداوم یابد. با تورمی که در حاضر در بسیاری از کشورها در چندین دهه بالا است، این ریسک وجود دارد که تورم برای دوره‌ی بیشتری نسبت به آنچه که پیش‌بینی شده است، بالاتر باقی بماند. در حال حاضر، بدهی عمومی خارجی در کشورهای در حال توسعه در سطوح بالایی قرار دارد. اکثر این بدهی، مربوط به اعتباردهندگان بخش خصوصی است و بخشی از آن مربوط به نرخ بهره‌های متغیری است که به‌طور ناگهانی افزایش می‌یابند. در حالی که شرایط تأمین مالی و سرمایه‌گذاری در جهان سخت‌تر می‌شود و ارزش پول‌های رایج پایین می‌آید و



ضروری است که بار مسکن، حمایت و جابه‌جایی پناهندگان و آوارگان داخلی پوشش داده شود.

• دوم، با افزایش قیمت نفت و مواد غذایی مقابله شود. ضروری است که عرضه‌ی کالاهای غذایی و انرژی تقویت شود. بازارها جلونگر هستند، حتی یک خبر کوچک از عرضه‌ی آتی، قیمت‌ها و انتظارات تورمی را کاهش می‌دهد. در فقیرترین ملت‌ها، در هنگام وجود بیشترین ریسک در بحران غذایی، شبکه‌های امنیت اجتماعی، باید تقویت شوند. هم‌چنین لازم است که محدودیت‌های صادرات و واردات به دلیل اینکه افزایش در قیمت‌ها را تشدید می‌کنند، برداشته شود.

• سوم، تلاش شود که بدهی‌ها کاهش یابند. آسیب‌پذیری بدهی برای کشورهای با درآمد پایین حتی قبل از بحران بیماری همه‌گیر کوید ۱۹، بسیار زیاد بود. با گسترش مشکلات بدهی در کشورهای با درآمد متوسط، ریسک اقتصاد جهانی بیشتر می‌شود. بنابراین برای این‌که افزایش بدهی و ریسک‌های موجود در مقابل رشد آتی را کاهش یابد، نیاز است که کاهش بدهی سریع، جامع و قابل ملاحظه باشد. • چهارم، آمادگی بهداشتی و تلاش برای مهار کوید ۱۹ تقویت شود. گسترش پوشش واکسیناسیون در کشورهای با درآمد پایین که همان واکسن برای کوید ۱۹ است، باید در اولویت جهانی قرار گیرد.

• پنجم، انتقال به منابع انرژی با کربن کم، با سرعت بیشتری صورت گیرد. کاهش وابستگی به سوخت‌های فسیلی نیاز دارد که سرمایه‌گذاری‌های بیشتری در شبکه‌های برق، منابع انرژی پاک‌تر و کارآیی انرژی بیشتر صورت گیرد. سیاست‌گذاران ملی باید چهارچوب‌های نظارتی هوشمند برای آب‌وهوا ایجاد کنند، ساختارهای انگیزشی را اصلاح کنند و مقررات استفاده از زمین را تکمیل نمایند.

بعد از بحران‌های متعدد، نیاز است که رفاه بلندمدت با رشد سریع‌تر و محیطی سیاسی با قوانین پایدارتر ایجاد شود. این مورد دلیل خوبی است که انتظار می‌رود زمانی که جنگ اوکراین تمام می‌شود، تلاش‌ها دوچندان شود و با گروه بانک جهانی، اقتصاد اوکراین بازسازی شود و رشد جهانی دوباره ایجاد گردد. بنابراین، سیاست‌گذاران در هر نقطه‌ای از جهان باید با بحران‌های توسعه‌ای دیگر مقابله کنند که این بحران‌ها همان فاجعه‌ی افزایش قیمت‌های مواد غذایی و انرژی، تهدید به رکود تورمی، افزایش در نابرابری و بی‌ثباتی، تغییرات آب‌وهوایی و نیز رشد مازاد بدهی است. ♦♦

منابع:

- International Bank for Reconstruction and Development (2022), The World Bank

مشکلات بدهی زیاد می‌شود که این مشکلات قبلاً مخصوص کشورهای با درآمد پایین بود، این مشکلات به کشورهای با درآمد متوسط نیز انتقال می‌یابد.

حذف همسازی پولی در آمریکا و کشورهای پیشرفته‌ی دیگر همراه با افزایش در هزینه‌های وام‌گیری بعد از آن، موقعیتی را به وجود آورد که کشورهای در حال توسعه نیز به همان سمت حرکت کردند. علاوه بر این، در دو سال بعدی، اکثر کمک‌های مالی که در سال ۲۰۲۰ فراهم شده‌اند برای مبارزه با بیماری همه‌گیر کوید ۱۹ به کار گرفته شدند. علیرغم وجود این تثبیت‌ها، سطوح بدهی هنوز در سطح بالایی باقی مانده است.

تحلیل نشان می‌دهد که شرایط فعلی با شرایط دهه‌ی ۱۹۷۰ از ابعاد گوناگون متفاوت است. دلار قوی شده که این در حال حاضر با دهه‌ی ۱۹۷۰ که دلار ضعیف بود، متفاوت است. قیمت‌های نفت در سال‌های ۱۹۷۳-۱۹۷۴ چهار برابر شد و در سال‌های ۱۹۷۹-۱۹۸۰ دو برابر شد. در حال حاضر، در شرایط تعدیل شده بر اساس تورم، قیمت‌های نفت فقط دوسوم آنچه که در دهه‌ی ۱۹۸۰ بود، می‌باشد. ترازنامه‌های مؤسسات (نهادهای) مالی اصلی در دهه‌ی ۱۹۷۰ ریسک داشتند و در حال حاضر، آن‌ها معمولاً قوی هستند. اقتصادها در حال حاضر، در سراسر جهان نسبت به دهه‌ی ۱۹۷۰، انعطاف‌پذیرتر هستند و چسبندگی‌های ساختاری کم‌تر در دستمزدها و بازارهای نیروی کار دارند. مهم‌تر از همه، سیاست‌گذاران در وضعیت بهتری قرار دارند که از جهت‌های موافق رکود تورمی، جلوگیری می‌کنند. چهارچوب سیاست پولی معتبرتر است و با الزامات ثبات قیمتی مشخص برای بانک‌های مرکزی در بسیاری از کشورهای در حال توسعه و پیشرفته، یکسان است. انتظارات تورمی در بلندمدت، بهتر برآورد می‌شود. سرمایه و تکنولوژی موجود، این ظرفیت را دارند که افزایش‌های عظیم در عرضه را ایجاد کنند، در حالی که انتظارات قیمتی را پایین نگه می‌دارند.

کاهش ریسک رکود تورمی، به معیارهای هدفمند و مؤثر نیاز دارد که توسط سیاست‌گذاران در سراسر جهان مطرح می‌شود. این گزارش، اقدامات سیاست‌گذاران را مطرح می‌کند که چه کارهایی برای اجتناب از بدترین پیامدها انجام می‌دهند و چرا آن اقدام باید سریع انجام شود. در عصر بحران‌های جهانی هم‌پوشان، سیاست‌گذاران در سراسر جهان نیاز دارند که بر اقدامات خود در پنج قسمت کلیدی تمرکز نمایند:

• ابتدا، آسیب به مردمی را که از جنگ اوکراین متأثر شده‌اند، کم کنند که این مورد با هماهنگی واکنش در برابر بحران جهانی که شامل تحویل کمک‌های مالی، پزشکی و مواد غذایی به مناطق جنگ‌زده است، امکان‌پذیر است. هم‌چنین،

بعد از بحران‌های متعدد، نیاز است که رفاه بلندمدت با رشد سریع‌تر و محیطی سیاسی با قوانین پایدارتر ایجاد شود. این مورد دلیل خوبی است که انتظار می‌رود زمانی که جنگ اوکراین تمام می‌شود، تلاش‌ها دوچندان شود و با گروه بانک جهانی، اقتصاد اوکراین بازسازی شود و رشد جهانی دوباره ایجاد گردد. بنابراین، سیاست‌گذاران در هر نقطه‌ای از جهان باید با بحران‌های توسعه‌ای دیگر مقابله کنند که این بحران‌ها همان فاجعه‌ی افزایش قیمت‌های مواد غذایی و انرژی، تهدید به رکود تورمی، افزایش در نابرابری و بی‌ثباتی، تغییرات آب‌وهوایی و نیز رشد مازاد بدهی است.



تورم

نتیجه تخریب طرف عرضه اقتصاد

عمومی قیمت‌ها در اقتصاد است؛ بنابراین اگر افزایش در قیمت یک کالا با کاهش در قیمت کالاهای دیگر جبران شود، هیچ تورم اولیه‌ای^۲ وجود نخواهد داشت، اما این موضوع به این معنا نیست که در کل اقتصاد هیچ تورمی وجود ندارد. برای مثال اگر قیمت اقلام غذایی ضروری در حال افزایش باشد، اما قیمت کیف‌های دستی و آیفون‌ها در حال کاهش باشد، افراد فقیرتر چون به دنبال اقلام ضروری‌اند، حتی اگر تورم اولیه صفر باشد، تورم را تجربه خواهند کرد. تأثیر ناخوشایند افزایش قیمت‌ها می‌تواند مردم را به سمتی سوق دهد که آن‌ها ارقام تورمی رسمی که از سوی مقامات اعلام می‌شود را قبول نداشته باشند؛ زیرا این تورم را منطبق با تجربه‌ی خود نمی‌دانند و فکر می‌کنند که تورم واقعی بالاتر از ارقام رسمی است که توسط دولت اعلام می‌شود.

زمانی که شرایط اقتصادی معمولی است، طرف عرضه‌ی

The Economist

♦ مترجم: محبوبه خادم نعمت‌اللهی
دانشجوی دکتری اقتصادسنجی دانشگاه علامه طباطبائی تهران

این موضوع که «زمانی که طرف عرضه‌ی اقتصاد را خراب می‌کنید، نتیجه تورم می‌شود» به‌وضوح روشن است، اما چهل سال از اعتقادات پول‌گرایان^۱ می‌گذرد که باعث شده است مردم این موضوع ساده را نادیده بگیرند و به آن توجه نکنند.

زمانی که عرضه‌ی یک کالا مختل می‌شود؛ یعنی به‌اندازه‌ی کافی از آن کالا برای پاسخ‌گویی به نیازهای مردم و به عبارت بهتر تقاضای موجود وجود ندارد، قیمت افزایش می‌یابد و افراد فقیرتر را از بازار خارج می‌کند و در نتیجه، تقاضا را تا سطحی که عرضه کافی می‌باشد کاهش می‌دهد. البته افزایش در قیمت کالا به دلیل اختلال در عرضه‌ی آن، لزوماً باعث ایجاد تورم نمی‌شود؛ تورم در واقع افزایش سطح



آسیب‌دیده در اقتصاد لزوماً باعث ایجاد تورم می‌شود
زمانی که عرضه‌ی اقتصاد به‌صورت کلی آسیب می‌بیند به عبارتی عرضه‌ی کالاها و خدمات برای پاسخ‌گویی به تقاضای اقتصاد ناکافی باشد، بنابراین یک افزایش در سطح قیمت‌ها به‌ناچار وجود خواهد داشت؛ به عبارتی در شرایط معمولی اقتصادی، لزوماً طرف عرضه‌ی آسیب‌دیده در اقتصاد باعث ایجاد تورم می‌شود.

جمله‌ی معروف میل‌تون فریدمن^۳ که تورم را همیشه و همه جا یک پدیده‌ی پولی می‌داند^۴، به نظر می‌رسد بدان معناست که تورم ناشی از آسیب طرف عرضه‌ی اقتصاد یا اتفاق نمی‌افتد و یا این‌که اگر اتفاق بیفتد برای مدت کوتاهی می‌باشد، اما به دلایلی همیشه قسمت دوم این جمله حذف می‌شود. عبارت کامل به‌صورت زیر بیان می‌شود: **«تورم که همیشه و همه‌جا یک پدیده‌ی پولی می‌باشد، بدان معناست که تنها با افزایش سریع‌تر مقدار پول نسبت به تولید، افزایش می‌یابد.»**

در طول دوره‌ی همه‌گیری کرونا، دولت‌ها و بانک‌های مرکزی بین خودشان مقدار زیادی از پول در گردش را افزایش داده‌اند، به‌طور هم‌زمان به دستور دولت و یا صرفاً به دلیل کمبود تقاضا بخش‌های بزرگی از طرف عرضه بسته شدند چرا که مردم کمتر در جامعه حضور داشته و بیشتر در خانه‌ها قرنطینه شدند.

مشخص است که عرضه‌ی پول بسیار سریع‌تر از تولید افزایش یافت، درحالی‌که تولید به‌طور قابل‌ملاحظه‌ای کاهش یافت، اما هیچ تورمی وجود نداشت. در مقابل، قیمت‌های مصرف‌کننده در طول دوره‌ی همه‌گیری کرونا کاهش یافت، هرچند این موضوع تا حد زیادی مورد توجه قرار نگرفت. علاوه بر این، زمانی که شما اجازه ندارید در هر مکانی رانندگی کنید و یا خانه‌هایتان را ترک کنید، چگونه می‌توانستید بفهمید که قیمت بنزین به زیر یک لیتر در هر لیتر رسیده است؟

علی‌رغم وجود یک مشوق پولی بزرگ، دوره‌ی همه‌گیری کرونا یک دوره‌ی تنزل قیمت‌ها^۵ نیز به شمار می‌رود، اما این موضوع بدان معنا نیست که فریدمن اشتباه کرده است. تورم تقریباً در این زمان به تأخیر افتاده بود، اما غایب نبود. اکثر پول جدیدی که چاپ می‌شد برای این‌که در گردش باشد، در این زمان ذخیره شد و اکثر این پول به سمت بازارهای مالی با افزایش گسترده در قیمت‌ها سرارزیر شد. بازارهای مالی^۶ نیز همانند بازارهای کالا و خدمات عرضه و تقاضا دارند.

زمانی‌که اقتصاد بعد از دوره‌ی همه‌گیری کرونا بازسازی شود و تقاضایی که با وجود قرنطینه و دیگر

محدودیت‌ها سرکوب شده بود، دوباره شکل بگیرد، غیرممکن است که در این اقتصاد، تورم وجود داشته باشد. دولت‌ها و بانک‌های مرکزی، به تقاضای مردم پاسخ می‌دهند، اما از طرف عرضه حمایت‌های لازم را به عمل نمی‌آورند. بسیاری از کسب‌وکارها که بسته شده‌اند، دوباره باز نمی‌شوند. افرادی که نجات یافته‌اند باید با اقدامات پیشگیرانه در برابر بیماری کرونا از خود محافظت کنند که این کار، هزینه‌های آن‌ها را بالا می‌برد. بسیاری از افراد مذکور، نیروی کار ندارند زیرا که نیروی کار آن‌ها، شغل‌های جدید را در دوره‌ی همه‌گیری کرونا در بخش‌های در حال رشد مانند مراقبت‌های بهداشتی قبول می‌کنند یا این‌که کار خود را به دلیل ترس از سرایت بیماری ترک می‌کنند. در نتیجه، اختلالات شدید در شبکه‌های حمل‌ونقل و نیز کشتی‌رانی شکل می‌گیرد و قیمت کالاهایی مانند الوار بالا می‌رود.

برای اقتصادهای مختلف خوب است که یک دوره از تورم بالا را داشته باشند بعد از این‌که یک شوک شدید تنزل قیمت به آن اقتصادها وارد می‌شود.

اکثر ما به تورم به‌عنوان یک شیطان ترسناک نگاه می‌کنیم که باید در همه‌ی هزینه‌ها از آن اجتناب شود، درحالی‌که برای اقتصادها خوب است که یک دوره از تورم بالا را داشته باشند بعد از این‌که یک شوک شدید تنزل قیمت به آن اقتصادها وارد می‌شود و اقتصاد سریعاً بهبود می‌یابد. تورم میزان تغییر در قیمت‌ها است و زمانی‌که قیمت‌ها سریعاً از پایین‌ترین حد به بالاترین حد می‌رسند، نرخ تورم می‌تواند بسیار بالا باشد. این مورد، اثر پایه^۷ نام دارد و برای مدت کوتاهی اتفاق می‌افتد و باید چنین تورمی توسط بانک‌های مرکزی و روزنامه‌نگاران نادیده گرفته شود. گاهی اوقات، قیمت‌ها قبل از بازگشت به سطح پایین اولیه‌ی خود، اندکی بالاتر از حد می‌روند که قبل از کاهش قیمت غیرعادی است و باید نادیده گرفته شود. گاهی اوقات تقاضا از عرضه بیشتر می‌شود زمانی‌که طرف عرضه با یک شوک ضعیف می‌شود و مازاد تقاضا، سرمایه‌گذاری در کسب‌وکار را تشویق می‌کند که برای بهبود طرف عرضه‌ی اقتصاد ضروری می‌باشد و در نهایت، افزایش نرخ‌های بهره برای پایین آوردن تورم هنگام آسیب دیدن طرف عرضه، سرمایه‌گذاری در کسب‌وکار را محدود می‌کند که یک سیاست اشتباه می‌باشد؛ بنابراین بهتر است که مردم در برابر تورم بالاتر طاقت بیاورند و سیاست‌هایی وضع شود که به بهبود طرف عرضه‌ی اقتصاد از طریق کاهش مالیات‌ها و نیز کاهش محدودیت‌ها و قوانین برای کسب‌وکارهای کوچک کمک کند.

اکثر ما به تورم به‌عنوان یک شیطان ترسناک نگاه می‌کنیم که باید در همه‌ی هزینه‌ها از آن اجتناب شود، درحالی‌که برای اقتصادها خوب است که یک دوره از تورم بالا را داشته باشند بعد از این‌که یک شوک شدید تنزل قیمت به آن اقتصادها وارد می‌شود و اقتصاد سریعاً بهبود می‌یابد.

مشکل اصلی در این زمان، وجود عقاید اقتصادی رایج است. برای مثال، دارندگان بانک مرکزی امروزه تصور می‌کنند که تعدیل اهرم‌های پولی همیشه و هر جا، تورم را کنترل می‌کنند و طرفداران سیاست مالی نیز اعتقاد دارند که افزایش مالیات‌ها و کاهش مخارج دولت همیشه و هر جا، تورم را کنترل می‌کنند، اما زمانی که مشکل اصلی، طرف عرضه‌ی اقتصاد است که آسیب‌دیده و دائم با شوک‌های منفی ضربه می‌بیند، افزایش نرخ‌های بهره، افزایش مالیات‌ها و نیز کاهش مخارج دولت فقط مشکل را روزبه‌روز بدتر می‌کند و بانک‌های مرکزی می‌خواهند این مشکل را رفع کنند.

دولت‌ها و بانک‌های مرکزی باید برای حفظ طرف عرضه‌ی اقتصاد در برابر شوک‌ها تلاش کنند.

دولت‌ها نیاز به سیاست‌هایی دارند که سرمایه‌گذاری در کسب‌وکار را تشویق کنند و باعث توسعه‌ی مهارت‌ها و نیز رشد بهره‌وری شوند و همچنین، با همکاری با هم موانع تجارت را برطرف کنند و اختلالاتی که به علت بحران جنگ به وجود آمده توسط دولت انگلیس ناشی از شورش و رفتار طرفدار عدم مداخله در سیاست کشورهای دیگر است، به حداقل برسانند. علاوه بر این، سیاست‌های پول‌گراها از جمله گفته‌ی فریدمن نیاز است مدنظر قرار گیرد. می‌توان سخن کوتاه و مؤثر فریدمن را به‌صورت زیر بازنویسی کرد:

تورم همیشه و در همه‌جا یک مشکل طرف عرضه است و می‌تواند با افزایش سریع‌تر در تولید نسبت به تقاضا رفع شود.

حال بهترین زمان برای الگوی اقتصادی جدید آن است که به طرف عرضه‌ی اقتصاد توجه کند و به بازسازی طرف عرضه بپردازد.

توضیح مفاهیم:

(۱) طرف عرضه (supply side): برای حل مشکلات اقتصادی، نباید به طرف تقاضای مؤثر در اقتصاد توجه داشت بلکه باید به طرف عرضه توجه کرد. مثلاً برای علاج کمبود کالا در بازار باید کوشید که با افزایش تولید یا واردات به حجم عرضه کالا اضافه کرد. همچنین می‌توان با کاهش نرخ مالیات، تولید را تشویق کرد.

(۲) کاهش قیمت (Deflation): کاهش در مقدار پول یک کشور که کاهش قیمت‌ها و توقف در افزایش قیمت‌ها را به دنبال دارد.

(۳) اقتصاد طرف عرضه (supply side economics): اقتصاد طرف عرضه، ایده‌ای است که بیان می‌کند اگر دولت، مالیات‌ها را کاهش دهد، تولیدکنندگان قادر هستند که کالاهای بیشتری را تولید کنند و این حالت وضعیت اقتصادی یک کشور را بهبود می‌دهد. ♦♦

تورم اخیر در انگلستان، با افزایش محدودیت‌ها برای تجارت، کساد بازار نیروی کار به دلیل محدودیت‌های مهاجرت و نرخ ارز کاهش یافته شکل گرفته و برخلاف تورم ناشی از همه‌گیری کرونا، اثرات آن‌ها بی‌خطر و یا کوتاه‌مدت نیستند که این نوع تورم، برکسیت^۸ نامیده می‌شود.

تورم موجود روزبه‌روز شدیدتر می‌شود و در این زمان جنگ بین تولیدکننده‌ی اصلی سوخت‌های فسیلی و یکی از بزرگ‌ترین صادرکنندگان اقلام غذایی اصلی در جهان شکل می‌گیرد درحالی‌که عرضه‌ی گاز و حبوبات در حال حاضر به‌طور جدی کاهش یافته و قیمت‌ها سریع افزایش می‌یابند. همچنین، تحریم‌های غرب علیه روسیه، زنجیره‌های عرضه را در سطح جهانی مختل کرده است و اگرچه انگلیس به‌طور مستقیم در جنگ درگیر نمی‌باشد، تحت تأثیر قرار گرفته و با قیمت‌های بالاتر انرژی، قیمت‌های بالاتر سوخت‌ها و قیمت‌های بالاتر مواد غذایی و دیگر اقلام مصرفی مواجه شده است.

علاوه بر این، محصولی که هدف تولید آن، منفجر کردن کشور دیگر است اساساً نامولد می‌باشد. برای مثال، برنامه‌ی دولت انگلیس برای افزایش هزینه‌های دفاعی که امنیت ملی را بهبود دهد و می‌توانست حتی کسری تجاری خیلی بزرگ را کاهش دهد تا حدی که انگلیس، تسلیحات خود را به کشورهای مرزی ناتو^۹ بفروشد، هیچ کاری برای کمک به عرضه‌ی کالاها و خدمات برای برآورد تقاضا انجام نداده است. جان مینارد کینز^{۱۰} در کتاب خود در سال ۱۹۴۰ درباره چگونگی پرداخت هزینه‌های یک جنگ می‌گوید: زمانی که جمعیت غیرنظامی به‌طور کامل در تولید کالاهایی که هیچ‌کس نتوان خرید آن را ندارد به کار گرفته می‌شود، تورم به‌ناچار بالا می‌رود و جنگ‌ها نمونه‌ی بارز تورمی هستند و تورم را به وجود می‌آورند.

بسیاری از مردم، تورم امروز را با دهه‌ی ۱۹۷۰ مقایسه می‌کنند و شباهت‌هایی بین این دو دوره مانند جنگ می‌یابند.

بسیاری از مردم، تورم امروز را با دهه‌ی ۱۹۷۰ مقایسه می‌کنند و شباهت‌هایی بین این دو دوره مانند جنگ می‌یابند. برای مثال، افزایش ناگهانی زیاد در قیمت نفت در سال‌های ۱۹۷۳ و ۱۹۷۹ به علت جنگ‌ها در خاورمیانه رخ داد و هزینه‌های آمریکا برای جنگ با ویتنام، تورم را ایجاد کرد که این کار نیکسون^{۱۱} رئیس‌جمهور را مجبور کرد که سیستم استاندارد طلا را موقتاً کنار بگذارد و این در حالی بود که در دهه‌ی ۱۹۷۰، اتحادیه‌های قوی نبود و هیچ علامتی از ماریپیج قیمت-دستمزد^{۱۲} وجود نداشت. باین‌وجود، دولت‌ها مجبور شدند که درآمدهای خانوار را قطع کنند.

دارندگان بانک

مرکزی امروزه

تصور می‌کنند که

تعدیل اهرم‌های

پولی همیشه و

هر جا، تورم را

کنترل می‌کنند

و طرفداران

سیاست مالی نیز

اعتقاد دارند که

افزایش مالیات‌ها

و کاهش مخارج

دولت همیشه

و هر جا، تورم را

کنترل می‌کنند،

اما زمانی که

مشکل اصلی،

طرف عرضه‌ی

اقتصاد است که

آسیب‌دیده و

دائم با شوک‌های

منفی ضربه

می‌بیند، افزایش

نرخ‌های بهره،

افزایش مالیات‌ها

و نیز کاهش

مخارج دولت

فقط مشکل

را روزبه‌روز

بدتر می‌کند و

بانک‌های مرکزی

می‌خواهند این

مشکل را رفع

کنند.



KHAMENEL.IR

راهکارهای بهبود وضعیت کارگران و رفع مشکلات آنها

در صف مقدم تولید

بخشی از بیانات رهبرانقلاب در دیدار جمعی از کارگران (۱۴۰۱/۰۴/۱۹) به سه نقطه‌ی اساسی در برنامه‌ریزی برای حل مشکلات جامعه‌ی کارگری اختصاص داشت که نکات اصلی مربوط به این سه موضوع در این اطلاع‌نگاشت مرور شده است.

۱. زمینه‌سازی برای افزایش فرصت‌های شغلی

نیاز کشور به افزایش فرصت‌های شغلی



امکان افزایش فرصت‌های شغلی



لزوم سرمایه‌گذاری و ورود بخش خصوصی



ورود دولت به معنای مدیریت کارآمد



ضرورت اشراف آماری کامل دولت



توسعه‌ی شرکت‌های دانش بنیان



۲. تنظیم رابطه‌ی درست بین کار و سرمایه

نیاز قطعی به مهارت کارگر و دانش، مدیریت و سرمایه‌ی کارآفرین



مشخص کردن و اختصاص سهم عادلانه‌ی کارگر و کارآفرین



لزوم برخورداری کارگر از یک زندگی شرافتمندانه



حل مشکلات ناشی از قوانین و سیاست‌های کار و کارگری



وضع قانون عادلانه برای اصلاح قرارداد‌های موقت و رفع ناامنی شغلی



جلوگیری از واردات بی‌رویه و قاچاق



ترجیح جنس داخلی بر جنس خارجی از سوی مردم



مصرف نکردن جنس خارجی توسط دولت



۳. امنیت شغلی



تولید

- + توسعه بسیار کم‌رنگ بخش معدن
- + کرمان؛ استان صادرات ارزش افزوده
- + خطای سیاست‌های حمایتی دولت از صنایع در ایران
- + در اندیشه آینده با برنامه تحول کشاورزی منطقه
- + هنوز مشوقی برای رشد تولید نداریم
- + شکل‌گیری صنعت فولاد چقدر منطبق بر نتایج آمایش سرزمین است؟



گفت وگو با «فریال مستوفی» عضو هیئت نمایندگان، رییس کمیسیون پول و سرمایه و رییس مرکز خدمات سرمایه‌گذاری اتاق تهران

توسعه بسیار کم‌رنگ بخش معدن

دولت باید با اجرای درست سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی سیاست‌های کلی نظام و ایجاد اعتماد و حمایت از سرمایه‌گذاران با حفظ مسئولیت‌پذیری آنان و کاهش تصدی خود همراه با حضور کارآمد، به سمت خصوصی‌سازی حرکت کند و مانند دیگر کشورهای جهان از تصدی‌گری اقتصاد دولتی در معادن بکاهد. فریال مستوفی عضو هیئت نمایندگان اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران، رییس کمیسیون پول و سرمایه اتاق تهران و رییس مرکز خدمات سرمایه‌گذاری اتاق مذکور در گفت‌وگو با ما همچنین می‌گوید که در حال حاضر فضای کسب‌وکار در بخش صنایع و معادن بسیار نامطلوب است و بازگشت این حوزه به شرایط نرمال نیازمند سرمایه‌گذاری‌های بزرگ است که متأسفانه با توجه به شرایط موجود در کشور و سیاست‌های ناکارآمد، جلب اعتماد سرمایه‌گذاران ممکن نشده و اوضاع سرمایه‌گذاری هر روز بدتر و پیچیده‌تر می‌شود. در شرایط حاضر نه تنها امیدی به جذب سرمایه‌گذار خارجی نیست بلکه شاهد موج خروج سرمایه داخلی از کشور نیز هستیم.

او یادآوری می‌کند که برای بهره‌مندی از ظرفیت معادن کوچک و متوسط مقیاس باید حمایت همه‌جانبه از سوی دولت به عمل آید. اعطای کمک‌های فنی و اعتباری در بخش معادن، نقش مؤثری در افزایش میزان سرمایه‌گذاری در این حوزه دارد. این کمک‌ها به معادن غیرفعال کشور نیز که دارای پروانه بهره‌برداری هستند از سوی ارگان‌های مسئول و با یک‌پارچگی حمایت سازمان‌های ذی‌ربط از جمله وزارت صمت، بانک عامل و صندوق بیمه سرمایه‌گذاری می‌تواند آن‌ها را به چرخه تولید بازگرداند. آرزوی هر کشوری داشتن چنین ذخایر غنی است که بتواند از محل فعال کردن آن، توسعه خود را رقم بزند. عدم مدیریت صحیح، عدم یکپارچگی سازمان‌ها و ارگان‌های ذی‌ربط معدنی عامل بسیاری از مشکلات معدنی کشور است.

وی استفاده از فناوری‌ها، تکنولوژی و تجهیزات نوین در اکتشاف و استخراج معادن و فرآوری مواد معدنی در کشور را چندان مناسب نمی‌داند و از استفاده از تجهیزات به‌شدت قدیمی و فرسوده در داخل معادن یاد می‌کند و این‌که عمق اکتشاف در کشورمان، ۲۰ متر و تقریباً در حدود یک‌چهارم میانگین جهانی است. عدم نوسازی ماشین‌آلات معدنی، فعالیت بسیاری از معادن را به دلیل بهره‌وری پایین، غیراقتصادی کرده است.

مستوفی نبود منابع مالی را از عمده‌ترین مشکلات بخش معدن و صنایع معدنی می‌داند و این‌که از اولویت‌های اصلی دولت باید حل این مشکل باشد. توسعه مراکز و امکانات پژوهشی کشور در کلاس بین‌المللی، فراهم کردن امکانات و تجهیزات مناسب، به‌کارگیری افراد با تحصیلات بالا و مهندسی و محققان مطلع و خبره از دیگر اولویت‌هاست.



بیشتر معادن
بزرگ در اختیار
دولت قرار دارد،
دولت باید با
اجرای درست
سیاست‌های اصل
۴۴ قانون اساسی
وسیاست‌های
کلی نظام، ایجاد
اعتماد و حمایت
از سرمایه‌گذاران
با حفظ
مسئولیت‌پذیری
آنان و کاهش
تصدی خود
همراه با حضور
کارآمد، به سمت
خصوصی‌سازی
حرکت کند و
مانند دیگر
کشورهای جهان
از تصدی‌گری
اقتصاد دولتی در
معادن بکاهد؛
زیرا تجربه تاریخی
به خوبی گواه
این نکته است
که ورود و رقابت
دولت و نهادهای
شبه‌دولتی
به زمینه‌های
سرمایه‌گذاری
و تصدی‌گری
با هدف کسب
سود و منافع رویه
پسندیده‌ای در
اقتصاد کشور
نبوده و تنها به
اتلاف منابع ملی
منجر شده است.

تصدی‌گری با هدف کسب سود و منافع رویه پسندیده‌ای در اقتصاد کشور نبوده و تنها به اتلاف منابع ملی منجر شده است.

◆ در ایجاد انگیزه‌های لازم برای سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در فصل معدن، چه کرده‌ایم و چه باید کرد؟

در حال حاضر فضای کسب‌وکار در بخش صنایع و معادن بسیار نامطلوب می‌باشد و بازگشت این حوزه به شرایط نرمال نیازمند سرمایه‌گذاری‌های بزرگ است که متأسفانه با توجه به شرایط موجود در کشور و سیاست‌های ناکارآمد، نتوانسته‌ایم اعتماد سرمایه‌گذاران را جلب کنیم و اوضاع سرمایه‌گذاری هر روز بدتر و پیچیده‌تر می‌شود. در شعار مطرح می‌شود که از تولید و بخش خصوصی حمایت می‌کنیم، اما در تصمیم‌گیری هیچ نشانه‌ای از حمایت دیده نمی‌شود و بخش خصوصی تاوان تصمیمات دولت را می‌دهد. نگاه دولت مآبانه به بخش معدن و دخالت فراوان دولت در این حوزه باعث شده است که ورود سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی به این بخش به سختی صورت پذیرد و مانع رشد معدن و صنایع معدنی و با حتی عقب‌گرد در این حوزه باشد. قبل از هرگونه اقدام برای جذب سرمایه‌گذار، دولت می‌بایست موانع موجود را حل و فصل نماید و اجرای سیاست‌های درست

◆ بخش معدنی کشور در چه موقعیتی از مزیت نسبی و رقابت بین‌المللی قرار دارد و دامنه رقابت تجاری در آن تا چه حد از مرزهای داخلی فراتر رفته است؟

پتانسیل ذخایر معدنی کشور ما به گونه‌ای است که می‌توان در هر گوشه این کشور پهناور به ذخایر گران‌بها، غنی و متنوع معدنی دست یافت که حتی برخی از آن‌ها در جهان دارای بهترین کیفیت هستند، بنابراین بخش معدن از زیر بخش‌های مهم اقتصادی کشور است و نقش مهمی در توسعه اقتصادی ایفا می‌کند مشروط بر اینکه به صورت اصولی و علمی مورد بهره‌برداری قرار گیرد، زیرا می‌تواند تغذیه‌کننده بخش‌های دیگر اقتصاد نظیر صنعت ساختمان، کشاورزی و ... باشد.

هرچند بخش معدن در موقعیتی قرار دارد که مزیت نسبی در برخی از فعالیت‌های آن ایجاد شده و رقابت بین‌المللی در سطح بالایی قرار دارد ولیکن در سال‌های اخیر وسعت ارتباطات بین‌المللی با توجه به شرایط ویژه کشور روندی نزولی پیدا کرده است. به بیان دیگر بخش معدن در روند معکوس تجاری شدن قرار گرفته است. یکی از علت‌های مهم می‌تواند کاهش صادرات و واردات در شرایط تحریم باشد، لذا در شرایط کنونی مهم‌ترین عملکرد این است که ابتدا ساختار اقتصادی و قوانین و مقررات مناسب و سازگار با اقتصاد بین‌الملل به وجود آید و سپس با شناسایی بخش‌هایی از اقتصاد کشور نظیر بخش معدن که از توانایی لازم برای حضور در بازارهای جهانی برخوردارند، حمایت هدفمند صورت پذیرد و فرآیند جهانی‌شدن را در این بخش تسریع نمود.

◆ در رفع موانع و اجرای قانون سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی برای ایجاد تحول در بخش معدن و صنایع معدنی در چه وضعیتی هستیم؟

از اولویت‌های مهم و ضروری که دولت‌ها تاکنون نتوانسته‌اند به درستی آن را به مرحله اجرا درآورند اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی می‌باشد. از آنجایی که بیشتر معادن بزرگ در اختیار دولت قرار دارد، دولت باید با اجرای درست سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی و سیاست‌های کلی نظام، ایجاد اعتماد و حمایت از سرمایه‌گذاران با حفظ مسئولیت‌پذیری آنان و کاهش تصدی خود همراه با حضور کارآمد، به سمت خصوصی‌سازی حرکت کند و مانند دیگر کشورهای جهان از تصدی‌گری اقتصاد دولتی در معادن بکاهد؛ زیرا تجربه تاریخی به خوبی گواه این نکته است که ورود و رقابت دولت و نهادهای شبه‌دولتی به زمینه‌های سرمایه‌گذاری و



و منطقی و هدفمند برای جذب سرمایه‌گذاران را در رأس برنامه خود قرار دهد.

◆ تسهیل سرمایه‌گذاری خارجی در بخش معدن و صنایع معدنی چقدر محقق شده است؟

همان‌گونه که می‌دانیم سرمایه‌گذاری و فعالیت شرکت‌های بزرگ دنیا در هر کشوری در افزایش ثبات اقتصادی آن کشور تأثیرگذار خواهد بود، اما کشور ما به دلیل تحریم‌های اعمال شده از این موقعیت بی‌نصیب مانده است و شرکت‌های بزرگ خارجی به خاطر تحریم اجازه سرمایه‌گذاری و فعالیت در ایران را ندارند.

سرمایه‌گذار چه در معدن و چه در حوزه‌های اقتصادی دیگر، چند خواسته اصلی دارد که تا زمان اجرایی نشدن آن‌ها دست به ریسک نخواهد زد. خواسته نخست، روشن و شفاف بودن دقیق شرایط است؛ یعنی فعال اقتصادی باید بداند دقیقاً در چه حوزه‌ای وارد خواهد شد، سیاست‌های کلان چه حمایت‌هایی از او خواهند داشت و از همه مهم‌تر میزان ثبات در شرایط اقتصادی تا چه حد قابل انکاست. اگر بنا باشد قوانین در کوتاه‌مدت تغییر کنند و شرایط هر بار به شکل دیگری رقم بخورد، نمی‌توان انتظار داشت که سرمایه‌گذار نسبت به ورود به طرح‌ها، استقبال نشان دهد. موضوع دوم نیز همان زیرساخت‌های لازم برای سرمایه‌گذاری است. نمی‌توان از سرمایه‌گذار انتظار داشت خود برای معدن راه‌سازی کند یا وسایل حمل‌ونقل را فراهم آورد، بلکه دولت باید شرایط را مهیا کرده و سپس به ورود سرمایه‌گذاران امیدوار باشد.

سرمایه‌گذاران در بخش معدن و صنایع معدنی همانند سایر بخش‌های اقتصادی دیگر دچار سردرگمی هستند. هیچ سرمایه‌گذاری بدون شناخت از بازار و فضای کسب‌وکار یک کشور و انجام بررسی‌های لازم از وضعیت اقتصادی اقدام به سرمایه‌گذاری نمی‌کند. عدم پایبندی مسئولان به تعهدات، عدم تضمین اجرای قراردادهای نادیده گرفتن حقوق و بخش خصوصی، ریسک سرمایه‌گذاری در کشور را بیش‌ازپیش افزایش داده است.

سرمایه‌گذاری در این حوزه به علت بلندمدت بودن، نیازمند سطح بالایی از ثبات سیاسی و اقتصادی در کشور است که به علت تصمیمات لحظه‌ای و ریسک بالای سیاسی، سرمایه‌گذاران از فعالیت در این بخش امتناع می‌ورزند. وضعیت نابسامان اقتصادی، حل نشدن و انباشته شدن مشکلات در سال‌های اخیر باعث شده است که بازگشت به شرایط نرمال و عادی، نیازمند حجم کلانی از سرمایه‌گذاری باشد که در حال حاضر با توجه به

فضای نامساعد سرمایه‌گذاری در کشور نه‌تنها امیدی به جلب سرمایه‌گذار خارجی نیست بلکه شاهد موج خروج سرمایه داخلی از کشور نیز هستیم.

◆ کارآمدی سیستم بانکی کشور در رابطه با بخش معدن و صنایع معدنی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

یکی از دغدغه‌های بخش معدن و صنایع معدنی بحث تأمین مالی می‌باشد. همان‌گونه که می‌دانیم معدن یک دارایی است که باید ارزش دارایی و پتانسیل آن به‌طور کامل مشخص گردد ولیکن اولین مشکلی که وجود دارد این است که در ایران مالکیت معدن وجود ندارد و فعالان بخش معدن تنها دارنده پروانه بهره‌برداری هستند و دلیل این موضوع هم این است که معادن جزء انفال است. طبقه‌بندی معدن به‌صورت معادن بزرگ، معادن متوسط و معادن کوچک است. مالکیت معادن بزرگ همگی در اختیار دولت قرار دارد و تنها معادن متوسط و کوچک است که اجازه مالکیت خصوصی به آن داده می‌شود، لذا در بحث تأمین مالی شرکت‌های معدنی در داخل کشور بیشتر ماشین‌آلات را به‌عنوان دارایی ثبت کرده‌اند و در ارزیابی کارشناس بانکی محاسبه‌ای برای ارزش معدن صورت نمی‌گیرد و رابطه مشخصی میان تأمین مالی و ارزش واقعی معادن وجود ندارد، بنابراین در تأمین مالی توسط بانک‌ها با مشکل روبه‌رو می‌شوند و ظرفیت و ذخیره معادن مشخص نمی‌شود و ارزش ذاتی معدن قابل مشاهده نیست و بحث‌های فنی که در حوزه معدن وجود دارد باعث می‌شود تأمین مالی آن هم متفاوت باشد و به همین دلیل بانک‌ها تمایلی به تأمین مالی معادن نداشته و بجای تأمین مالی، بیشتر علاقمند به مشارکت هستند.

در همه جای دنیا سیستم بانکی پای ثابت فعالیت‌های تولیدی و اشتغال‌زایی است ولیکن در ایران به دلیل اینکه سیستم بانکی شناختی از فعالیت‌های معدنی ندارند تمایلی هم به ارائه تسهیلات به بخش معدن ندارند و بیشتر ترجیح می‌دهند تسهیلات بانکی را به دیگر صنایع اختصاص دهند و سهم معدن در جذب اعتبارات بانکی در مقایسه با سایر بخش‌ها بسیار پایین است. بانک‌ها پروانه بهره‌برداری معدن کار را به‌عنوان ضمانت تسهیلات نمی‌پذیرند. البته ناگفته نماند که اخیراً موافقت‌هایی در زمینه گسترش روابط بانک‌ها با صنایع معدنی و تسهیل پرداخت تسهیلات به این بخش‌ها صورت گرفته و بانک‌ها مکلف به پذیرش پروانه بهره‌برداری معادن به‌عنوان وثیقه پرداخت وام شده‌اند ولیکن این موضوع

اگر بنا باشد قوانین در کوتاه‌مدت تغییر کنند و شرایط هر بار به شکل دیگری رقم بخورد، نمی‌توان انتظار داشت که سرمایه‌گذار نسبت به ورود به طرح‌ها، استقبال نشان دهد. موضوع دوم نیز همان زیرساخت‌های لازم برای سرمایه‌گذاری است. نمی‌توان از سرمایه‌گذار انتظار داشت خود برای معدن راه‌سازی کند یا وسایل حمل‌ونقل را فراهم آورد، بلکه دولت باید شرایط را مهیا کرده و سپس به ورود سرمایه‌گذاران امیدوار باشد.



تاکنون محقق نشده است و امیدواریم که بانک‌ها در آینده به تعهدات خود عمل کنند و به قبول و پذیرش پروانه بهره‌برداری معادن به‌عنوان وثیقه تمکین کنند.

♦♦ در کل، توجه به معادن کوچک و متوسط مقیاس باتوجه به سهم غالب این بخش از معادن در تولید و اشتغال بخش معدن چقدر ویژه است و اصولاً چه مقایسه‌ای از حمایت‌های قانونی و مالی دولت در معادن بزرگ با معادن کوچک در کشور دارید؟

از اصلی‌ترین موضوعاتی که این روزها در حوزه معدن ایران مطرح می‌باشد و نیاز به توجه و حمایت جدی دارد، توسعه معادن کوچک و متوسط مقیاس است. این معادن که در نقاط مختلف کشور بخصوص مناطق کمتر توسعه‌یافته قرار دارند، گزینه‌ای بسیار مهم برای آینده اقتصادی ایران به شمار می‌روند. رشد اقتصاد غیرنفتی، تأمین نیازهای داخلی، افزایش گزینه‌های صادراتی، اشتغال‌زایی، توسعه مناطق کمتر توسعه‌یافته و جذب سرمایه‌گذار مستقیم خارجی اثرگذار، بخشی از برنامه‌هایی است که دولت در توسعه معادن کوچک آن‌ها را دنبال می‌کند.

معدنکاری در مقیاس کوچک به‌عنوان یک فعالیت اقتصادی معمولاً از تکنولوژی کم سرمایه‌بر و زیاد کاربر بهره می‌برد. تفاوت معادن کوچک در مقایسه با معادن بزرگ در میزان ظرفیت و ذخایر معدنی آن‌هاست، یعنی وقتی ذخیره مواد در یک معدن نسبت به دیگر معادن پایین باشد به آن‌ها معدن کوچک گفته می‌شود. تفاوت دیگر وضعیت مالکیت این معادن می‌باشد. در کشور ما معادن بزرگ در اختیار دولت است و بخش خصوصی می‌تواند با حضور در مناقصه‌های دولتی، تنها بهره‌برداری از آن‌ها را برای مدتی مشخص در اختیار بگیرد، اما در معادن کوچک امکان آن وجود دارد که معدن در اختیار بخش خصوصی و سرمایه‌گذاران غیردولتی قرار بگیرد و آن‌ها فعالیت محوری داشته باشند.

از آنجایی که بخش عمده‌ای از معادن کشور کوچک و متوسط مقیاس هستند، لذا حمایت‌های قانونی از سوی دولت و ارگان‌های دولتی ذی‌ربط لازم و ضروری است. مهم‌ترین مسائل مربوط به معادن کوچک و متوسط مقیاس تأمین مالی آن‌هاست. بسیاری از فعالیت‌های معدنکاری در این معادن به دلیل هزینه‌های بالا و عدم داشتن منابع مالی ادامه فعالیت در آن‌ها صرفه و توجیه اقتصادی نداشته و در نهایت منجر به تعطیلی معادن کوچک گردیده است. مضافاً چالش‌های سازمان‌های دولتی با حوزه معدن مثل سازمان محیط‌زیست و

سازمان منابع طبیعی فعالیت معادن کوچک را سخت‌تر کرده است. لذا جهت بهره‌مندی از ظرفیت معادن کوچک و متوسط مقیاس می‌بایست حمایت همه‌جانبه از سوی دولت در این زمینه به عمل آید.

♦♦ کمک‌های فنی و اعتباری دولت برای بخش معدن و صنایع معدنی در چه ظرفیت‌هایی و با چه روش‌های کارسازی مورد انتظار است؟ در حال حاضر حمایت‌ها در این مورد به لحاظ اندازه و اثربخشی به چه صورتی انجام می‌شود؟

اعطای کمک‌های فنی و اعتباری در بخش معدن، نقش مؤثری در افزایش میزان سرمایه‌گذاری در این حوزه دارد. کمک‌های فنی و اعتباری به بخش معدن می‌بایست در راستای کمک به ارتقای تولید و ارزش‌افزوده معادن، ارتقای ایمنی معادن، حمایت از اکتشاف، کمک به تأمین زیرساخت‌های معدن، افزایش تولید و رشد ارزش‌افزوده بخش معدن و حمایت از بخش خصوصی باشد، لیکن اهداف موردنظر این طرح به نتیجه قابل قبولی نرسیده است.

تسهیلات از محل کمک‌های فنی و اعتباری در صورت نبود مشکلات قانونی مبنی بر قوانین و مقررات بانک‌ها و شرایط اجرایی و فیزیکی طرح‌ها، کمک ویژه‌ای به صنایع معدنی خواهد کرد. اعطای کمک‌های فنی و اعتباری به معادن غیرفعال در کشور که دارای پروانه بهره‌برداری هم

وضعیت نابسامان اقتصادی، حل نشدن و انباشته شدن مشکلات در سال‌های اخیر باعث شده است که بازگشت به شرایط نرمال عادی، نیازمند حجم کلانی از سرمایه‌گذاری باشد که در حال حاضر با توجه به فضای نامساعد سرمایه‌گذاری در کشور نه تنها امیدی به جلب سرمایه‌گذار خارجی نیست بلکه شاهد موج خروج سرمایه داخلی از کشور نیز هستیم.

به‌علاوه در سال‌های اخیر کشور ما به دلیل تحریم، از فناوری و تکنولوژی عقب مانده است. در سال‌های گذشته با ورود هوش مصنوعی و به‌کارگیری ماشین در حوزه‌های مختلف معدنی اعم از اکتشاف، استخراج و بهره‌برداری تحولات مهمی رخ داده است که از آن جمله می‌توان به پهادهای هوشمند و مجهز به انواع سنسورها که در اکتشاف معادن به کار می‌روند، سیستم‌های حفاری خودکار که به‌صورت هوشمند عمل می‌کنند، لودرها و تراک‌های خودران که بدون راننده محموله‌های چندین تنی را جابه‌جا می‌کنند، سیستم‌های فرآوری و جداسازی باطله از ماده معدنی که به‌صورت بهینه و کم‌هزینه عملیات فرآوری را کنترل می‌کنند، اشاره کرد.

◆ **در مقایسه با متوسط جهانی عمق اکتشاف معدن، عمق اکتشاف در کشورمان چه میزان است؟ علت تفاوت چیست؟**
عمق اکتشاف در کشورمان حدود ۲۰ متر و تقریباً حدود یک‌چهارم میانگین جهانی است، درحالی‌که در کشورهای معدنی توسعه‌یافته، عمق اکتشافات به ۸۰ متر هم می‌رسد که این اختلاف به دلیل استفاده کشورهای معدنی دنیا از فناوری‌ها، تکنولوژی و تجهیزات نوین اکتشافی است. باوجود پیشرفت‌های بسیار زیاد در امر استخراج و فرآوری مواد معدنی در سطح جهان، متأسفانه معادن کشور ما

هستند به‌منظور اکتشاف و بهره‌برداری از آن‌ها توسط ارگان‌های مسئول و یکپارچگی سازمان‌های ذی‌ربط از جمله وزارت صمت، بانک عامل و صندوق بیمه سرمایه‌گذاری می‌تواند این معادن را به چرخه تولید بازگرداند.

◆ **رگولاتوری بخش معدن در ایران را با کشورهای بزرگ معدنی چگونه مقایسه می‌کنید؟**

متأسفانه علیرغم داشتن منابع غنی معدنی در کشورمان تاکنون مزیت اقتصادی معدنی در سرنوشت کشور به‌طور جدی دیده نشده است. آرزوی هر کشوری داشتن چنین ذخایر غنی است که بتواند از محل فعال کردن آن، توسعه خود را رقم بزند. عدم مدیریت صحیح، عدم یکپارچگی سازمان‌ها و ارگان‌های ذی‌ربط معدنی عامل بسیاری از مشکلات بخش معدن در کشور است.

معادن در بسیاری از کشورهای معدنی دنیا سهم قابل‌توجهی در تولید ناخالص داخلی به‌عنوان شاخص اساسی در تعیین میزان تولید و درآمد ملی را به خود اختصاص داده‌اند، درحالی‌که باتوجه به آمارهای بانک مرکزی، سهم بخش معدن در تولید ناخالص داخلی کشور ما بسیار ناچیز است. باوجود مواد معدنی متنوع در ایران، صنایع معدنی به‌عنوان یکی از ارکان کارآمد اقتصادی کشور می‌تواند سهم متناسبی را در اقتصاد ملی داشته باشد.



چندان مکانیزه نشده‌اند و اکثر تجهیزات داخل معادن به شدت قدیمی و فرسوده هستند، به طوری که اکتشافات معدنی به روش سنتی با فناوری‌های ۳۰ سال گذشته و به صورت سطحی تا نیمه عمیق انجام می‌شود.

◆ بهره‌برداری بهینه از منابع، ظرفیت‌ها و کارایی اقتصادی بخش معدن و به عبارتی کیفیت مدیریت معدن در کشور را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

همان‌گونه که گفته شد پتانسیل‌های معدنی کشورمان بر اساس آمار و اطلاعات در رده‌های بالای جهانی قرار دارد، اما دستاوردها و ایجاد ارزش افزوده در این بخش نشان‌دهنده عدم استفاده بهینه از این پتانسیل‌ها می‌باشد. اطلاعات ذخایر معدنی نشان می‌دهد در صورتی که برنامه‌ریزی هدفمند و اصولی برای بهره‌برداری از معادن وجود داشته باشد قطعاً می‌تواند در تولید ثروت، ارزآوری و اشتغال نقش بسزایی ایفا کند.

یکی از دلایلی که بخش معدن تاکنون نتوانسته در جایگاه مطلوب قرار گیرد عدم مدیریت صحیح و نگاه دولت مآبانه به معادن و بی‌توجهی به توانمندی‌های بخش خصوصی است در حالی که در تمام کشورهای توسعه‌یافته دولت در بخش معدن تنها تأمین‌کننده زیرساخت‌ها و ناظر فرآیند است و به همین دلیل سهم بالایی از اقتصاد خود را از طریق امتیازات معدنی مدیریت می‌کند. موضوع نوسازی ماشین‌آلات معادن نیز باتوجه به تحریم و شرایط اقتصادی کشورمان فعالیت بسیاری از معادن را به دلیل بهره‌وری پایین غیراقتصادی کرده است و سرمایه‌گذاران انگیزه‌ای برای سرمایه‌گذاری در این بخش ندارند.

◆ معدن و صنایع پایین‌دستی آن یکی از مهم‌ترین حوزه‌های اثرگذار در تولید و تجارت کشور به شمار می‌رود، شما آینده این بخش را چگونه توضیح می‌دهید؟

معدن بخشی است که فعال شدن آن فعالیت دیگر حوزه‌های اقتصادی را نیز به دنبال دارد. از حمل‌ونقل گرفته تا فروش داخلی به کارخانه‌های تولیدی و صادرات محصولات، همگی در کنار معدن فعال خواهند شد. وقتی یک معدن ایجاد می‌شود زنجیره تولید فعالیت خود را آغاز کرده و یک سری از صنایع از همین معدن رونق پیدا خواهند کرد. ایران نیز ظرفیت بالقوه بسیار خوبی در این بخش دارد که متأسفانه با مشکلات موجود در اقتصاد، عملاً بسیاری از آن‌ها بلااستفاده مانده‌اند و توسعه معدن در کشور بسیار کم‌رنگ است. واقعیت این است که سرمایه‌گذاری در بخش معدن بلندمدت است و تغییرات

قوانین و غیرقابل‌پیش‌بینی بودن اقتصاد در کشور عاملی شده تا کمتر کسی رغبت پیدا کند که وارد این حوزه پرریسک شود. در صورتی که یک برنامه‌ریزی دقیق برای توسعه فعالیت‌های معدنی شکل بگیرد، بهبود شرایط مناطق کمتر توسعه‌یافته و اشتغال‌زایی بخشی از خدماتی است که معدن می‌تواند به اقتصاد ایران عرضه کند. افزایش صادرات غیرنفتی با استفاده از مواد معدنی نیز دیگر گزینه‌ای است که در شرایط تحریم، کمک شایانی به اقتصاد کشورمان خواهد کرد البته تمام این اتفاقات تنها زمانی رخ خواهند داد که مشکلات داخلی و نگرانی‌های موجود برای سرمایه‌گذاران برطرف گردد. در این رابطه باید سیاست‌ها و قوانین و مقررات شفاف و ثابتی برای بخش معدن به کار گرفت تا ضمن شفافیت، اطمینان به سرمایه‌گذار برای حضور در این حوزه فراهم شود.

◆ چنانچه توضیحات تکمیلی لازم می‌دانید، عنوان فرمایید.

به‌خوبی می‌دانیم، تنها دارا بودن منابع طبیعی خدادادی نمی‌تواند برای ما امتیازی برای توسعه اقتصادی کشور و مطرح بودن در اقتصاد جهانی باشد. ظرفیت‌های بسیار بالای معادن ایران قابلیت توسعه بیش‌ازپیش را دارند و محصولات معدنی ایران در صورت رفع مشکلات موجود و تکمیل زنجیره تولید، بهترین و مناسب‌ترین حوزه برای رونق اقتصادی کشور است که بدون شک با برنامه‌ریزی اصولی و هدفمند می‌توان انتظار تحقق هدف نهایی از توسعه بخش معدن در اقتصاد را داشت و برای دستیابی به این مهم باید با دنیا ارتباط داشت.

از عمده‌ترین مشکلات بخش معدن و صنایع معدنی نبود منابع مالی است، لذا از اولویت‌های اصلی دولت باید حل این مشکل باشد، در واقع دولت می‌بایست منابع مالی را به سمت تولید هدایت نماید و موجب رونق بخش‌های تولیدی شود. توسعه امکانات پژوهشی کشور در کلاس بین‌المللی و فراهم کردن امکانات و تجهیزات مناسب و به‌کارگیری افراد با تحصیلات بالا، مهندسی خیره و محققین مطلع در زمینه‌های مختلف و توسعه مراکز پژوهشی از دیگر اولویت‌ها می‌باشد.

در مجموع باتوجه به رکود فعلی اقتصاد، مهم‌ترین اقدام دولت، می‌بایست رشد اقتصادی و ایجاد اشتغال باشد، لذا ضروری است برنامه‌ای برای عبور از موانع پیش روی اقتصادی در کشور تدوین و به مرحله اجرا درآید. رشد پایدار و ایجاد اشتغال با تعیین و اعلام بخش‌های اولویت‌دار اقتصادی و با حمایت همه‌جانبه دولت از این بخش‌ها، میسر خواهد شد. ◆◆



در همه جای

دنیا سیستم

بانکی پای ثابت

فعالیت‌های

تولیدی و

اشتغال‌زایی

است ولیکن در

ایران به دلیل

اینکه سیستم

بانکی شناختی

از فعالیت‌های

معدنی ندارند

تمایلی هم به

ارائه تسهیلات

به بخش معدن

ندارند و بیشتر

ترجیح می‌دهند

تسهیلات بانکی

را به دیگر صنایع

اختصاص دهند

و سهم معدن در

جذب اعتبارات

بانکی در مقایسه

با سایر بخش‌ها

بسیار پایین

است.



گفت‌وگو با «سیدمهدی طبیب‌زاده» رییس اتاق کرمان

کرمان؛ استان صادرات ارزش افزوده

اگر دید سنتی نسبت به صنعت تغییر نماید و با آینده‌نگری، رشد تکنولوژی در دنیا را معیار قرار دهیم و به سمت نسل‌های چهارم و بالاتر صنعت حرکت نماییم، می‌توان امیدوار بود که صنعتی پیش‌ران، پیشرفته، بهره‌ور و رقابت‌پذیر خواهیم داشت وگرنه امروزه اگر قیمت آب، انرژی و کارگر در مقیاس جهانی واقعی شود، کدام یک از تولیدات صنعتی کرمان قابلیت رقابت در بازار جهانی را خواهد داشت. دیگر برنامه‌نویسی پنج‌ساله در دنیا منسوخ شده است، برنامه‌های این‌چنینی اسنادی رویایی و غیرعملی می‌شود که فقط برای بایگانی خوب است. یک سؤال اساسی این است که اگر روزی معادن تمام شود و یا استخراج آن‌ها اقتصادی نباشد که امری است حتمی و نیز معادن جدید در مقیاس فعلی کشف نگردد و همچنین با برداشت‌های بی‌رویه غیرقابل‌جبران آب و غیراقتصادی‌تر شدن کشاورزی از حالا چه باید کرد؟ از ترسیم آینده استان نباید غافل شد. مشروح گفت‌وگو با سید مهدی طبیب‌زاده، رییس اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی کرمان را بخوانیم.



اولاً دانش

برنامه‌نویسی

پنج‌ساله در دنیا

منسوخ شده

است. برنامه‌های

این چینی

اسنادی رؤیایی و

غیرعملی می‌شود

که فقط برای

بایگانی خوب

است. برنامه‌های

قبل از انقلاب و

بعد از انقلاب چه

اثری داشته‌اند؟

چند درصد

احکام مندرج

در آن‌ها اجرایی

شده است؟

به کدام یک از

اهداف اصلی

آن‌ها رسیده‌ایم؟

لذا صرفاً برنامه

داشتن و برنامه

پنج‌ساله تدوین

کردن دلیل بر

پیشرفت توسعه

نیست.

♦♦ برترین اولویت‌های اجرایی بخش صنعت استان چه

هستند؟

بهبود محیط کسب‌وکار در حوزه صنعت، استقرار کامل پنجره واحد و کاهش زمان اجرای فرایندهای اخذ مجوزها، فعال‌تر شدن ستاد رفع موانع تولید و اجرای انبوه مصوبات بر زمین‌مانده، تسهیل امور سرمایه‌گذاری، افزایش کیفیت کارشناسی، مهیا نمودن شرایط آسان تأمین مالی، فراهم نمودن زمینه ارتباط صنایع بزرگ و کوچک در قالب نظام فرعی پیمانکاری spx، اجرای کامل زنجیره‌های ارزش در صنایع معدنی، عرضه‌یابی و احصا مشکلات واحدها، فعال نمودن واحدهای راکد، به ظرفیت رساندن بنگاه‌های صنعتی و تعالی صنعت با حرکت به سمت صنایع نسل چهارم.

♦♦ زیرساخت‌های بخش صنعت چقدر متناسب با

تقاضای سرمایه‌گذاری است؟

این دو مورد اصلاً تناسبی ندارند. این جملات زیاد به گوش می‌خورد: «تأمین گاز با مشکل مواجه است»، «متقاضی باید قرارداد منعقد نماید و بپذیرد که فقط چند ماه گاز مصرف نماید»، «در مواقع پیک مصرف، گاز تأمین نمی‌شود»، «آب وجود ندارد، مجوز آب نمی‌دهیم»، «برق نیست، بیش از یک مگاوات شرکت سهامی برق منطقه‌ای و یا شرکت‌های توزیع تعهدی در تأمین برق ندارند»، «کامیون نیست».

لذا با این وضعیت، سرمایه‌گذاری محدود خواهد شد و سرمایه‌گذاری‌های در حال انجام با کمبود منابع مذکور، برای مدتی بلااستفاده خواهند ماند و واحدهای بزرگ و کوچک علی‌رغم آمادگی برای تولید، معطل می‌مانند.

♦♦ چه ارزیابی از توسعه صنعتی استان با نگاه به موقعیت

استراتژیک آن دارید؟

یک جمله از یکی از کارشناسان مالی و متخصص تدوین جداول حساب‌های منطقه‌ای شنیدم که ایشان گفت: «استان کرمان، استان صادرات ارزش‌افزوده است»؛ این بدان معنا است که صنعت استان زنجیره‌های ارزش را ایجاد نموده است و لذا صنعت در بخش‌های کوچک و متوسط عمدتاً صنایع مصرفی است و واسطه‌ای و سرمایه‌ای نیست و در صنایع بزرگ فقط بخشی از زنجیره اجرا شده است.

♦♦ بسترسازی برای ایجاد و گسترش صنایع نو و پیشرفته

در استان را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

در این زمینه تلاش زیادی شده است، اما وقتی که تعداد شرکت‌های دانش‌بنیان، استارت‌آپ‌های موفق موجود در صنعت کم و محدود و سهم اقتصاد نوآور و پیشرفته در تولید ناخالص داخلی راضی‌کننده نبوده و در رده‌بندی‌های کشوری جایگاه نداشته باشد، نشانه عدم توفیق این تلاش‌ها در بسترسازی مناسب است.

♦♦ چگونه می‌توان جریان دانش‌بنیانی را در بخش

صنعت استان ایجاد کرد؟

اولین و مؤثرترین اقدام این است که صنعت‌گر و تولیدکننده این نیاز را احساس کنند؛ یعنی باور داشته باشند که با روش‌های مبتنی بر دانش، ضمن بهره‌وری بالاتر، کالاهای با ارزش‌افزوده بالاتری تولید می‌شود و شرط پایداری و بقا آن‌ها در وضعیت رقابت کامل در بازار این است که در دانش و تکنولوژی دست بالاتری از رقیب داشته باشند، چرا که با حذف تدریجی یارانه‌ها و به وجود آمدن شرایط رقابت کامل، آثاری از صنایع موجود باقی نخواهد ماند که متأسفانه هنوز این احساس نیاز به وجود نیامده است. این ادعا را می‌توان با محدود و ناچیز بودن تقاضای واحدهای صنعتی برای تبدیل به شرکت‌های دانش‌بنیان اثبات کرد. لذا اول باید آموزش‌های لازم ارائه شود و بر دانش مدیران صنایع از

مقیاس کوچک، متوسط و بزرگ با توجه به پتانسیل بالای تولید کرمان می‌تواند صنعت پیشرو و پیشران باشد.

- با توجه به ارزش بسیار بالای آب و محدودیت شدید منابع آبی، صنایع ذخیره‌سازی و استفاده بهره‌ورانه از آب صنایع درخور اهمیت و ارزش آفرین و راهگشا است،
- گردشگری و صنایع خلاق صنایع دستی با قابلیت عرضه در بازارهای ثروتمند اروپایی و آمریکا و شمال شرق آسیا،
- صنایع مدرن احداث گلخانه‌های هیدروپونیک،
- با توجه به حجم بسیار بالای تولید اسیدسولفوریک در زنجیره طولانی از مواد شیمیایی، کودها، تولید خودروهای برقی در مقیاس تولید بالا، که از این دسته پروژه‌ها فراوان می‌توان ذکر کرد.

اگر معیار، روند رشد تکنولوژی در دنیا و با آینده‌نگری باشد و دید سنتی نسبت به صنعت تغییر نماید و با کوچ از وضعیت مثلاً نسل ۱، ۲، ۳ به نسل‌های ۴ و بالاتر صنعت حرکت نماییم، می‌توان امیدوار بود که صنعت پیشران، پیشرفته، بهره‌ور و رقابت‌پذیر خواهیم داشت.

♦♦ در مورد افزایش رقابت‌پذیری و ایجاد فرصت‌های سرمایه‌گذاری در بخش صنعت استان کرمان چه اقداماتی انجام شده است و چه برنامه‌هایی در اولویت اقدامات آتی بخش دیده شده است؟

رقابت‌پذیری وقتی حاصل می‌شود که محصولی با کیفیت و با قیمت تمام‌شده مناسب در زمان تعیین‌شده با بسته‌بندی مدرن و در مقیاس وسیع عرضه گردد. افزایش بهره‌وری، استفاده از تکنولوژی‌های مدرن، کاهش هزینه‌ها برای کاهش قیمت تمام‌شده از جمله کارمزدهای بانکی، تولید در مقیاس وسیع و انبوه، کاهش استهلاک تعمیر و نگهداری به‌موقع، فراهم کردن زمینه حضور در بازارهای بین‌المللی، فراهم نمودن قراردادهای تعرفه ترجیحی، پیوستن به موافقت‌نامه‌های تجاری بین‌المللی، یارانه‌های هدفمند برای توسعه صادرات، کمک به بازاریابی و بازاریابی، عرضه‌یابی و تشخیص درست مشکلات، آموزش تربیت نیروی انسانی ماهر، برقراری ارتباط سیستماتیک صنعت و دانشگاه در زمره اقدامات لازم برای افزایش رقابت‌پذیری است که در حال برنامه‌ریزی و انجام است.

♦♦ مهم‌ترین زمینه‌های مناسب برای توسعه صنعتی استان کرمان چیست؟

امروز دیگر مزیت نسبی خیلی راهگشا نیست، هر کشور

وضعیت و روند توسعه صنعت تکنولوژی در دنیا افزود و این احساس نیاز را در آن‌ها به وجود آورد.

♦♦ تولیدات صنعتی استان واقعاً چقدر در اندازه رعایت استانداردهای لازم جهانی است تا بتواند در بازاریابی فراملی با مشکلات جدی سوای مشکلات سیاسی روبه‌رو نشود؟
با وجود تعداد محدود اقلام صادراتی، صادرکنندگان و کشورهای محدود هدف و کالاهای عمدتاً خام و در ابتدای زنجیره ارزش، کاملاً گویا است که اندازه استاندارد، توان رقابت‌پذیری و تکنولوژی کالاها در حدی نیست که حتی بتوان ذکر کرد. اگر قیمت واقعی آب و انرژی و کارگر در اشل جهانی واقعی شود، کدام یک از تولیدات صنعتی کرمان قابلیت رقابت در بازار جهانی را خواهد داشت؟

♦♦ صنایع پیشران توسعه صنعتی و اقتصادی استان کدامند و ظرفیت‌های سرمایه‌گذاری در آن‌ها چه میزان برآورد می‌شود؟

- صنایع معدنی در شروع زنجیره و برای تبدیل به شمش فولادی در معادن سنگ آهن و کاند مسی در معادن مس و سایر فرآورده‌های معدنی در معادن دیگر لازمه حرکت به سمت پیشران هستند، اما صناعی از فولاد و مس و سایر کالاها از این قبیل می‌تواند پیشران باشد که کالاهای تکنولوژیک بوده و قابلیت صادرات به بازارهای پرقابلیت بین‌المللی را داشته باشد. تعداد انبوهی از صنایع پایین‌دستی معدنی وجود دارد که ارزش‌افزوده بالایی تولید می‌کنند،

- زنجیره تولید انرژی خورشیدی از تولید سلول، پنل، اینورتر و سایر تجهیزات و احداث نیروگاه خورشیدی در





مندرج در آن‌ها اجرایی شده است؟ به کدام یک از اهداف اصلی آن‌ها رسیده‌ایم؟ لذا صرفاً برنامه داشتن و برنامه پنج‌ساله تدوین کردن دلیل بر پیشرفت توسعه نیست. در کرمان هم بایستی با همین رویکرد نگاه کرد. زحمات فراوانی در هر سطح و در هر دولت کشیده شده است. با تلاش‌های اثربخش، خلق مزیت صورت گرفته، اما چون در یک نظام حکمرانی اقتصادی خوب و جامع عمل نشده، نتیجه آن همه تلاش و پیگیری، از بین رفتن منابع زیاد؛ منابع بین نسلی آب و معادن بوده است.

در حال حاضر توسعه پایدار در کرمان چگونه است؟ بیشتر شاخص‌ها طبق تعاریف استاندارد در ردیف پایین جدول استانی قرار گرفته‌اند؛ لذا تلاش‌های موردی برای ایجاد چند مجموعه اقتصادی به‌عنوان تک‌ستاره‌هایی در آسمان صنعت استان بوده؛ ولی توسعه متوازن ایجاد نکرده است. بی‌انصافی است اگر وضعیت استان را در شرایط نبود این مجموعه‌ها و شرایط بحرانی‌تر در نظر نداشته باشیم. صحبت از پیوسته نبودن و هماهنگ نبودن است و رها شدن زنجیره اقدامات لازم در مقاطع زمانی متفاوت است.

◆ چنانچه توضیحات تکمیلی لازم می‌دانید، عنوان فرمایید.

یک مطلب اساسی را نباید فراموش کرد و آن ترسیم آینده استان است. اگر روزی معادن تمام شود و یا استخراج آن‌ها اقتصادی نباشد که امری حتمی است، معدن جدیدی در اشل‌های فعلی کشف نگردد، با برداشت‌های بی‌رویه غیرقابل‌جبران آب و غیراقتصادی‌تر شدن کشاورزی از حالا چه باید کرد؟ چه برنامه‌ای باید تنظیم کرد تا مطمئن باشیم تداوم تمدن و حیات استان به بهترین وجه و مناسب در هر مقطع زمانی حتمی است؟ ◆◆

و هر شخص که توان خلق مزیت داشته باشد می‌تواند موفق باشد. کشورهایی مثل ژاپن و کره جنوبی مصداق این ادعا هستند. نمی‌توان منطقه‌ای خاص را برای صنعت خاص در نظر گرفت. توسعه‌یافتگی ژاپن، مالزی، کره جنوبی، تایوان، سنگاپور و ... علیرغم عدم برخورداری از مواهب و منابع طبیعی، تنوع اقلیمی و جاذبه خاص تاریخی و گردشگری از جمله پیشرفته‌ترین کشورهای دنیا می‌باشند. کشورهای آفریقایی بعضاً و ایران به‌طور مشخص با وجود منابع طبیعی فراوان، نیروی انسانی تحصیل‌کرده، موقعیت استراتژیک جغرافیایی، تنوع اقلیمی، جاذبه‌های فرهنگی تاریخی طبیعی در جدول کشورهای توسعه‌نیافته قرار دارند، پس نمی‌توان گفت کدام سرزمین و کدام صنعت خوب است مگر این‌که توان خلق مزیت رقابتی در جامعه‌ای فراهم شود و به مواهب و منابع طبیعی به‌عنوان سکوی پرش توجه شود در این صورت رشد اقتصادی شگفت‌آوری ایجاد خواهد شد.

◆ در دوره‌های مختلف برنامه‌های پنج‌ساله توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور و نیز ادعای مستمر مسئولان استان کرمان از توان استان برای تبدیل شدن به قطب صنعتی و اقتصادی یاد شده و می‌شود. اولاً فرصت‌های برخورداری استان کرمان برای این قطب شدن چیست و ثانیاً ارزیابی شما از چگونگی استفاده از این فرصت‌ها تاکنون در مسیر چیست؟

اولاً دانش برنامه‌نویسی پنج‌ساله در دنیا منسوخ شده است. برنامه‌های این‌چنینی اسنادی رؤیایی و غیرعملی می‌شود که فقط برای بایگانی خوب است. برنامه‌های قبل از انقلاب و بعد از انقلاب چه اثری داشته‌اند؟ چند درصد احکام

اگر روزی معادن تمام شود و یا استخراج آن‌ها اقتصادی نباشد که امری حتمی است، معدن جدیدی در اشل‌های فعلی کشف نگردد، با برداشت‌های بی‌رویه غیرقابل‌جبران آب و غیراقتصادی‌تر شدن کشاورزی از حالا چه باید کرد؟ چه برنامه‌ای باید تنظیم کرد تا مطمئن باشیم تداوم تمدن و حیات استان به بهترین وجه و مناسب در هر مقطع زمانی حتمی است؟

خطای سیاست‌های حمایتی دولت از صنایع در ایران

♦ دکتر برمک قنبرپور

عضو هیئت‌مدیره و رئیس کمیسیون آموزش انجمن ملی صنایع پلیمر ایران

مقدمه

طراحی و اجرای سیاست‌های حمایتی از تولید داخلی، به‌طور ویژه از بخش صنعت، به موازات شکل‌گیری اندیشه‌های توسعه اقتصادی در نیمه دوم قرن ۲۰ انجام شد. این مجموعه سیاست‌ها در دو رویکرد متفاوت ارائه و اجرا شدند.

۱- راهبرد جایگزینی واردات که تأکید بر جایگزین کردن تولید داخلی به جای محصولات وارداتی دارد. روش رایج در این رویکرد، وضع انواع تعرفه بر واردات است تا از صنایع داخلی در مقابل رقابت خارجی حمایت کرد (بسیاری از کشورهای آمریکای لاتین از این رویکرد پیروی کردند).

۲- راهبرد توسعه صادرات که نقطه مقابل رویکرد قبلی قرار دارد، با تأکید بر مزیت نسبی کشورها در تولید محصولات، بر آن است که رقابت، کارایی را افزایش می‌دهد. باید تولیدکنندگان را تشویق کرد تا در بازارهای بین‌المللی رقابت کنند. روش‌های رایج این رویکرد، حذف تعرفه، عدم مداخله دولت و اعتماد به سازوکار بازارهاست (بسیاری از کشورهای آسیای شرقی از این رویکرد بهره جستند).

همان‌طور که ملاحظه شد، دو رویکرد فوق، جهت سیاست‌گذاری توسعه صنعتی را در یک کشور مشخص می‌کند. آنچه در دو رویکرد مشترک است، هدف و اعتلای تولید داخلی می‌باشد. سیاست‌های حمایتی ابزارهایی در اختیار دولت هستند که از طریق فعال کردن مکانیزم‌های اقتصادی امکان حمایت از تولید داخل را فراهم می‌آورند. از این رو سیاست حمایتی، طیف وسیعی از ابزار و مشتقات مالی و دایره گسترده‌ای از قوانین، معافیت‌ها، سهمیه‌بندی و تعرفه‌ها می‌باشد که به‌طور مستقیم و غیرمستقیم، زیربخش‌های اقتصادی، از جمله صنعت را هدف گرفته است؛ به این معنا که جهت تداوم بخشیدن به کارکرد اقتصادی بخش صنعت، سیاست‌های حمایتی در قالب ابزار مالی و قوانین حقوقی، بازارهای مرتبط با بخش صنعت را تحت تأثیر قرار می‌دهند. بازارهای مرتبط در این بحث، بازار نهاده‌ها، بازار محصول، بازار نیروی کار و سایر عوامل تولید، بازار سرمایه، بازار انرژی و غیره می‌باشد که هرگونه تغییر در این بازارها خود را به شکل کاهش هزینه تولید در حوزه صنعت نشان می‌دهد. از



راهبرد توسعه
صادرات که نقطه
مقابل رویکرد
قبلی قرار دارد،
با تأکید بر مزیت
نسبی کشورها در
تولید محصولات،
بر آن است که
رقابت، کارایی را
افزایش می‌دهد.

باید تولیدکنندگان

را تشویق کرد

تا در بازارهای

بین‌المللی رقابت

کنند. روش‌های

رایج این رویکرد،

حذف تعرفه،

عدم مداخله

دولت و اعتماد

به سازوکار

بازارهاست

(بسیاری از

کشورهای آسیای

شرقی از این

رویکرد بهره

جستند).

این رو هدف نهایی به‌کارگیری سیاست‌های حمایتی رونق تولید در بخش‌های اقتصادی مختلف می‌باشد.

به غیر از سیاست‌های حمایتی در حوزه اقتصادی (که تسهیلات بانکی در ارائه وام و انواع معافیت‌های مالیاتی دو گونه برجسته از آن است)، در حوزه‌های زیر نیز، سیاست‌های حمایتی شامل عملکرد بخش صنعت می‌شود:

الف- مصوبات حمایتی در زمینه بازاریابی که شامل تدوین استراتژی جامع بازاریابی، تأمین زیرساخت‌های لازم جهت صادرات، توانمندسازی خوشه‌های صادراتی و حمایت از تولید بر پایه سیاست‌های بازاریابی می‌باشد.

ب- ایجاد شهرک‌های صنعتی که شامل مشارکت دولت در زمینه خدمات زیربنایی در شهرک‌ها، اعمال شاخص‌های زیست‌محیطی در شهرک‌ها و ایجاد شهرک‌های تخصصی می‌باشد.

پ- مصوبات در بخش منابع انسانی که شامل توانمندسازی مدیران، برگزاری همایش‌ها جهت بالندگی نیروی انسانی، آموزش کارکنان و غیره می‌باشد.

ت- خوشه‌سازی و ایجاد زنجیره در صنایع؛ ایجاد شهرک‌های

متناسب با صنفاها، ایجاد خوشه برای اصناف، تدوین قوانین جهت حل و فصل اختلاف اصناف و غیره
 ت- مصوبات در زمینه گسترش فناوری اطلاعات (IT)؛ توسعه سایت‌های خبری- آماری- تحلیلی، تهیه نرم‌افزار و سخت‌افزار تخصصی برای هر بخش از خوشه‌های صنعتی، بسترسازی جهت به‌کارگیری از کارشناسان IT و ...

بیان مسئله

پرسش آن است که آیا سیاست‌های حمایتی اثربخشی لازم و مورد قبولی در حوزه‌ی صنعت دارند؟ و اگر خیر، دلایل بروز خطا در اثربخشی و انحراف در دستیابی به نتایج موردنظر در اجرای سیاست حمایتی در حوزه صنعت کدام است؟

پاسخ به پرسش اول؛ در اقتصاد ایران طی سال‌های اخیر، سهم بنگاه‌های اقتصادی متوسط و بزرگ روند ثابت و اندکی نزولی داشته است. به این معنا که مراحل بلوغ بنگاه‌های اقتصادی کوچک موفقیت‌آمیز نبوده است. از این رو، می‌توان نتیجه گرفت توسعه صنعتی تولیدات با ارزش‌افزوده بالا و با فناوری بالا دچار نقصان شده است. این شرایط نشانه‌های بن‌بست توسعه صنعتی در ایران می‌باشد. به‌صورت دقیق‌تر، شاخص‌های زیر، بر این نتیجه‌گیری صحه می‌گذارند:

۱- کیفیت نازل تولیدات (۱۲ درصد از تولیدات داخلی حداقل استاندارد کیفی را دارند)،

۲- عدم بهره‌مندی از صرفه‌های مقیاس (۸۰ درصد بنگاه‌های اقتصادی، کوچک قلمداد می‌شوند، ۷۹ درصد خوشه‌های کسب‌وکار در صنعت در مرحله‌ی جنینی قرار دارند)،

۳- سطح نازل فناوری در تولیدات (۵ درصد صنایع کشور در سطح مکانیزاسیون بالا قرار دارند، ۵ درصد نیروی کار ماهر تلقی می‌شوند، یک درصد فناوری به کاررفته در تولیدات جزو فناوری پیشرفته می‌باشد، ۴۵ درصد تولیدات از حداقل فناوری استفاده می‌کنند)،

۴- اشتغال‌زایی اندک،

۵- میزان وابستگی تولید به واردات،

از این رو می‌توان نتیجه گرفت که اثربخشی سیاست‌های حمایتی در بخش صنعت بسیار ضعیف بوده است. در ادامه به ریشه‌های ضعف در اثربخشی سیاست حمایتی (خطا) پرداخته می‌شود.

پاسخ به پرسش دوم؛ دلایل بروز خطا (انحراف) در اثربخشی یک سیاست حمایتی در بخش صنعت به سطوح مختلفی تقسیم می‌شود. محدودیت‌های اندیشیدن (دانستن) و محدودیت‌های اجرا کردن، اولین سطح اختلاف این دلایل است. در ادامه، با ارائه فهرستی، تصویر اولیه از علل بروز خطا تصریح می‌شود:

- ۱- فقدان اجماع در الگوی اداره‌ی کشور،
- ۲- فقدان اجماع درباره اولویت‌بندی مشکلات کشور،
- ۳- دیدگاه غیرواقع بینانه درباره‌ی خودکفایی،
- ۴- فقدان نگاه نظام‌مند و علمی به موضوع، این که بخش صنعت را یکی از اجزا ساختار اقتصادی یک کشور بدانیم که به‌واسطه بازارها با سایر بخش‌های اقتصادی آن کشور در تعامل متقابل می‌باشد،

۵- ناهماهنگی بین دستگاه‌های اصلی سیاست‌گذاری و گسترده بودن قدرت اجرایی در شوراهای متعدد،

۶- فقدان نگاه بلندمدت؛ با یک مثال می‌توان این موضوع را روشن کرد. از مهم‌ترین اهداف حمایت از تولید داخل در کشورهای در حال توسعه، بالا بردن سطح رفاه جامعه و ایجاد اشتغال می‌باشد. حمایت از تولید، اشتغال ایجاد می‌کند، اما کاهش نرخ بهره‌ی بانکی و اعطای تسهیلات ارزان سبب گرایش تولیدکنندگان به استفاده از فناوری‌های سرمایه‌بر می‌شود که با هدف ایجاد اشتغال در تضاد است. همچنین حمایت‌گرایی در قالب تعرفه‌های بالا و تسهیلات ارزان، سطح عمومی کالاها را افزایش می‌دهد و فقدان رقابت موجب کاهش کیفیت تولیدات می‌شود. بر این اساس، حمایت از تولید داخلی در قالب نرخ بهره پایین و تعرفه بالا با هدف ایجاد اشتغال، در کوتاهمدت آثار مثبتی دارد، اما در بلندمدت، موجب بروز رکود، بیکاری و کاهش کیفیت محصولات می‌شود،

۷- در ایران، دولت با اتکا به درآمدهای نفتی ناکارآمدی سیاست‌های حمایتی را پوشش می‌دهد. این مسئله موجب عدم شفافیت در درک موضوع و انحراف در طراحی و اجرا و صدا البته نتیجه خواهد شد،

۸- چالش فساد-رانت؛ سیاست‌های حمایتی دولت در قالب یارانه و اعطای تسهیلات ارزان، انگیزه لازم را برای برخی گروه‌های جامعه و بنگاه‌ها برای بهره‌گرفتن از این یارانه‌ها به وجود می‌آورد. به این ترتیب فساد به ساختار اداری دولت نفوذ می‌کند و تصمیم سیاست‌گذاران را به گونه‌ای تغییر می‌دهد که منافع گروه اجتماعی مشخصی تأمین شود و نه کلیه اعضا بخش صنعت. از این رو، انحراف در کارایی و نتیجه‌ی سیاست موردنظر به نفع گروه خاصی می‌باشد،

۹- تعارض با سیاست‌های پولی و مالی کشور. سیاست‌های پولی و مالی، رشد اقتصادی و کاهش نرخ تورم را در نظر دارند، اما سیاست‌های حمایتی به یک بخش اقتصاد توجه دارد. تفاوت در مقیاس این دو گروه از سیاست‌ها موجب بروز تضاد در اجرای سیاست‌ها و خنثی شدن آثار آن‌ها می‌شود؛ به‌عنوان مثال، سیاست پولی انقباضی، جهت کاهش نرخ تورم، نرخ بهره بانکی را افزایش می‌دهد. این در حالی است که نرخ بهره بانکی، هزینه تأمین نقدینگی و سرمایه بنگاه اقتصادی می‌باشد. ♦♦

در اقتصاد ایران
 طی سال‌های
 اخیر، سهم
 بنگاه‌های
 اقتصادی متوسط
 و بزرگ روند
 ثابت و اندکی
 نزولی داشته
 است. به این
 معنا که مراحل
 بلوغ بنگاه‌های
 اقتصادی کوچک
 موفقیت‌آمیز
 نبوده است. از
 این رو، می‌توان
 نتیجه گرفت
 توسعه صنعتی
 تولیدات با
 ارزش‌افزوده بالا
 و با فناوری بالا
 دچار نقصان
 شده است. این
 شرایط نشانه‌های
 بن‌بست توسعه
 صنعتی در ایران
 می‌باشد.



مصاحبه با دکتر «احمد احمدپور» رییس سازمان جهاد کشاورزی جنوب استان کرمان

در اندیشه آینده با برنامه تحول کشاورزی منطقه

موضوع اراضی خرد کشاورزی معیشتی از چالش‌های بسیار مهم در کشاورزی جنوب استان کرمان است. در چنین شرایطی، ضریب نفوذ فناوری، بهره‌وری و نیز تاب‌آوری در برابر مخاطرات طبیعی و چالش‌های اقتصادی به نحو نگران‌کننده‌ای اُفت می‌کند، لذا کشاورزان خود برای بقا و رقابت، چاره‌ای جز تجمیع و یکپارچه‌سازی حول تشکیل اتحادیه‌های صنفی و تعاونی‌های تولیدی ندارند. سالانه بیش از ۴،۵ میلیون تن محصول کشاورزی در جنوب استان کرمان تولید می‌شود. در سال‌های اخیر به دلیل کمبود منابع آب، توسعه قابل‌ملاحظه سطوح زیر کشت امکان‌پذیر نبوده است، اما تلاش در جهت افزایش بهره‌وری، تغییر رویکرد در الگوی کشت و اجرا و تسری طرح ارتقای سلامت و کیفیت محصولات گیاهی با اولویت سبزی‌های گلخانه‌ای در دستور کار قرار دارد.

دکتر احمد احمدپور، رییس سازمان جهاد کشاورزی جنوب استان کرمان، حمایت واقعی در امر کشاورزی در دو بخش تولید و فروش محصولات کشاورزی را حائز اهمیت می‌داند و درباره سیاست‌های تولید و بازرگانی و راهبردهای افزایش بهره‌وری در برنامه تحول کشاورزی منطقه می‌گوید که در سال‌های اخیر با هدف تعیین میزان آب مصرفی محصولات گوناگون و بررسی‌های اقتصادی و کارایی مصرف آب، مطالعات زیادی در مرکز تحقیقات و آموزش کشاورزی جنوب استان انجام شده است که نتایج حاصله در سال‌های آینده راهگشا خواهد بود.

او معتقد است که محدودیت‌های اکولوژیک نقش تعیین‌کننده‌ای در تعیین الگوی جاری منطقه نداشته است و مقوله پرچالش اراضی خرد، آب ارزان و دسترسی آسان به آن، مدیریت و حکمرانی نامطلوب منابع آب و عدم وجود نظام صنفی کشاورزی از دلایل ایجاد و تداوم و الگوی نامناسب کشت، شده است و در رفع چالش‌های موجود، مشارکت، تعامل و همکاری تمامی دستگاه‌های مسئول در حوزه آب و مراجع حاکمیتی سیاسی اجتناب‌ناپذیر است و این‌که اگر سازمان جهاد کشاورزی هر استان به‌عنوان تنها ارگان عامل، مسئول پیگیری و اجرای این فرایند شناخته شود، نتیجه‌ای جز آنچه تاکنون محقق شده، نخواهد داشت. شرح کامل گفت‌وگو با دکتر احمدپور در ادامه آورده شده است.



♦♦ چرا در سال‌های اخیر علیرغم وضعیت سخت آب در جنوب استان کرمان، اصرار بر افزایش سطح زیر کشت بوده است، در حال حاضر در این ارتباط چه رویه‌ای اتخاذ شده است؟

در این ارتباط باید بدانیم که در سال‌های اخیر به دلیل کمبود منابع آب اساساً توسعه قابل‌ملاحظه سطوح زیر کشت امکان‌پذیر نبوده است. دیدگاه اصلی وزارت متبوع بر اساس واقعیات موجود، بر حفظ سطوح موجود و تلاش در جهت جایگزینی مزارع فضای باز با کشت‌های گلخانه‌ای بوده است. از سوی دیگر برخی الزامات ابلاغی ملی نظیر کشت‌های استراتژیک شامل گندم و دانه‌های روغنی نیز وجود داشته است که بنا بر نیاز کشور به تأمین غذایی، افزایش ضریب خودکفائی و کاهش وابستگی توسعه، کشت این محصولات در سراسر کشور و از جمله این منطقه اتفاق افتاده است.

اما در دوره جدید بر اساس برنامه تدوین شده مبتنی بر واقعیات اکولوژیک موجود، شرایط تغییرات اقلیمی، کمبود شدید کمی و کیفی منابع آب و تغییر نگاه به آب از یک دارایی به یک امانت برای نسل‌های بعد، افزایش سطوح کشت این محصولات از طریق جایگزینی کشت آن‌ها با محصولات پرخطر نظیر سبزی و صیفی و یا محصولات پرمصرف نظیر ذرت و هندوانه انجام خواهد شد. این فرایند از طریق استقرار و اجرای برنامه کشت‌های قراردادی محصولات استراتژیک، افزایش نرخ خرید تضمینی آن‌ها و تشویق زارعین به جایگزینی این محصولات بجای موارد مذکور و سوق دادن کمک‌های دولتی نظیر نهاده‌ها مانند کود و خدمات فنی به این محصولات، اجرایی خواهد شد.

♦♦ در خصوص مسئله آبیاری باغ‌ها چه اقداماتی صورت گرفته است که بتواند در قبال کم‌آبی، تاب‌آوری باغداری در جنوب استان را افزایش داد؟

در خصوص درختان میوه، مرکبات و نخیلات بیشترین سطح زیر کشت باغات منطقه را به خود اختصاص داده که هم در شرایط دشت و هم کوهستان، بیشتر باغات به سیستم آبیاری تحت فشار مجهز شده‌اند، از طرفی کشت متراکم باغات مرکبات در شرایط دشت و استفاده از سیستم‌های سایبان (شید گاردن) نیز در برنامه کار قرار دارد. استفاده از گونه‌های جایگزین و کم‌آب‌بر مثل انار، زیتون، انگور و... در مناطق کوهپایه نیز در دستور کار قرار گرفته است. ایجاد و توسعه سیستم‌های آبیاری زیر سطحی بویژه در مرکبات دشت، راهکار دیگری است که در سطح تحقیقات جواب داده و پایلوت آن نیز اجرا شده و امید است در آینده در سطح اقتصادی عملیاتی شود.

♦♦ مسئله اراضی خرد در حوزه کشاورزی جنوب استان، چالش بسیار مهمی است. راه‌کارهای علمی و عملی رفع این چالش با توجه به واقعیات اجتماعی و اقتصادی منطقه چیست؟

موضوع اراضی خرد و کشاورزی معیشتی بدون شک از چالش‌های بسیار مهم در کشاورزی جنوب استان است که در تمام زیر بخش‌ها شامل باغات، گلخانه‌ها و زمین‌های زراعی وجود دارد. در این شرایط ضریب نفوذ فناوری بسیار کاهش یافته، بهره‌وری به شدت پایین آمده و توان تاب‌آوری در برابر مخاطرات طبیعی و چالش‌های اقتصادی به نحو نگران‌کننده‌ای افت می‌کند. در این‌گونه اراضی به‌کارگیری بسیاری از فناوری‌های نو اساساً فاقد توجیه اجرایی و اقتصادی است و همچنین دامنه کشت محصولات عمدتاً به محصولات پرخطر نظیر سیب‌زمینی، پیاز، گوجه و هندوانه محدود شده و پرداختن به کشت غلات و دانه‌های روغنی از اساس غیراقتصادی بوده و توسط کشاورز انتخاب نمی‌شود.

در برنامه تحول کشاورزی منطقه جنوب کرمان، حل این چالش در قالب مجموعه‌ای از اقدامات پیشنهاد شده است: استقرار و اجرای مقررات و الزامات مبنی بر تولید محصولات سالم و گواهی شده، برندینگ و رعایت اصول و موازین فروش و صادرات محصولات به بازارهای خارجی، ضروریاتی

سالانه بیش

از چهار و نیم

میلیون تن انواع

محصولات

کشاورزی در

جنوب کرمان

تولید می‌شود

و افزایش

بهره‌وری از

جمله برنامه‌های

محوری این

سازمان محسوب

می‌شود.

انتخاب هر

ساله نمونه‌های

کشوری از این

منطقه در

محصولات باغی

و زراعی، خود

نشان از توان

بالای کشاورزان

در کمیت و تولید

محصول باکیفیت

می‌باشد.



سالانه بیش از چهار و نیم میلیون تن انواع محصولات کشاورزی در جنوب کرمان تولید می‌شود و افزایش بهره‌وری از جمله برنامه‌های محوری این سازمان محسوب می‌شود. انتخاب هر ساله نمونه‌های کشوری از این منطقه در محصولات باغی و زراعی، خود نشان از توان بالای کشاورزان در کمیت و تولید محصول باکیفیت می‌باشد. قرار گرفتن در جایگاه‌های برتر کشوری در تولید بسیاری از محصولات و قابلیت‌های موجود در منطقه، همچنین صادرات محصولات جالیزی و گلخانه‌های جنوب کرمان به کشورهای همسایه و سایر کشورهای اروپایی نشان از کیفیت محصولات در جنوب کرمان دارد.

با وجود این، بالا بودن هزینه‌های تولید ناشی از هزینه نهاده‌ها نظیر بذر، خصوصاً در مورد بذر هیبرید محصولات سبزی و صیفی و گلخانه‌ای که عموماً وارداتی و متأثر از قیمت و نوسانات ارز می‌باشند، اجاره زمین، کارگر، خسارت‌های ناشی از عوامل محیطی مانند سرمازدگی، تگرگ، خشکیدگی، ریزش و ترشیدگی محصولات و غیره باعث شده میزان بهره‌وری موجود در برخی از محصولات نسبت به وضعیت ایده‌آل و حتی متوسط کشور کمتر باشد. از این‌رو تلاش در جهت افزایش بهره‌وری از طریق کاهش هزینه‌های تولید و تغییر رویکرد در الگوی کشت و توسعه کشت‌های متراکم و کاهش سطح محصولات پرآب‌بر و پرخطر در دستور کار قرار دارد. از نظر کیفیت محصولات تولیدی نیز تلاش در جهت اجرا و تسری طرح ارتقاء سلامت و کیفیت محصولات گیاهی با اولویت سبزی‌های گلخانه‌ای در دستور کار قرار دارد.

♦♦ الزامات افزایش بهره‌وری بخش کشاورزی در راستای افزایش کمی و کیفی تولیدات چیست؟

راهبردهای افزایش بهره‌وری کشاورزی منطقه جنوب استان کرمان در برنامه تحول کشاورزی منطقه شامل موارد زیر است:

- افزایش سطح اطلاعات، آگاهی و انتقال دانش و فناوری جدید به مزارع و بهره‌برداران. استمرار، توسعه و افزایش برنامه‌های آموزشی و ترویجی و هماهنگی سیاست‌های اجرایی و حمایتی با این موضوع. باید با آشنایی از تمامی شیوه‌های نوین آموزش و ترویج و بهره‌گیری از آن‌ها در هر منطقه متناسب با شرایط اقلیمی، فرهنگی و اقتصادی و اجتماعی به ارتقاء سطح دانش و آگاهی کشاورزان پرداخت و همزمان سیاست‌های ترغیبی، تشویقی و حتی الزام‌آور در این مسیر اعمال نمود. به‌طور مثال منوط شدن پرداخت تسهیلات اجرای طرح‌های مختلف (احداث گلخانه، اجرای

را به وجود می‌آورد که در این چهارچوب کشاورزان خرد برای بقاء و دست‌یابی به امکان فعالیت و رقابت با زارعین بزرگ و اقتصادی داخلی و نیز سایر کشورها و فروش محصول خود چاره‌ای جز تجمیع و یکپارچه‌سازی حول تشکیل اتحادیه‌های صنفی و تعاونی‌های تولیدی ندارند. تلاش در جهت تشکیل این جمعاعات و نظامات صنفی علاوه بر تسهیل فرایند فروش محصولات، پیگیری مطالبات و ارتباطات با بخش دولتی و سایر بخش‌های غیردولتی را نیز در پی خواهد داشت که از دیگر امتیازات این فرایند است.

♦♦ بدیهی است آموزش مستمر کشاورزان یک‌راه مؤثر در بهبود فعالیت‌های کشاورزی است، این فعالیت در حوزه کشاورزی جنوب استان چقدر فراگیر، جدی و اثربخش است؟

همان‌طور که فرمودید مقوله آموزش بهره‌برداران و ترویج یافته‌ها و فناوری‌های جدید و در واقع افزایش ضریب نفوذ فناوری در جامعه بهره‌برداران یکی از اصول اساسی توسعه کشاورزی و افزایش بهره‌وری در هر برنامه و راهبرد علمی است. در واقع این مبحث یکی از در دسترس‌ترین مقوله‌هایی است که با یک برنامه هدفمند و مدون، با کم‌ترین هزینه طی یک دوره مشخص قابل اجرا است. در برنامه تحول کشاورزی منطقه جنوب کرمان در دوره جدید، به این مقوله به صورت یک فرایند پروژه محور موضوعی یا محصولی پرداخته شده است که متناسب با شرایط فصلی و موقعیت زمانی به شکل متمرکز اجرایی می‌شود. بدین مفهوم که به جای اجرای برنامه‌های آموزشی روتین و پراکنده در طول سال که همواره مطابق عرف معمول اجرا می‌شده و طبیعتاً به دلیل عدم تأمین نیاز موجود هرگز جوابگوی ضرورت نبوده است و نتیجه این می‌شده که اطلاع‌رسانی و آموزش‌های ترویجی از نفوذ و کارایی کمتری برخوردار بوده‌اند، در دوره جدید بر اساس موضوعات مهم مبتلابه منطقه، اولویت‌بندی موضوعات و شرایط زمانی و فصلی، تمام امکانات و توان آموزشی و ترویجی اعم از نیروی انسانی و تجهیزات به‌صورت متمرکز و هدفمند حول آن موضوع لحاظ شده و تا حصول نتیجه مطلوب که همان اطلاع‌رسانی و آموزش کامل جامعه هدف می‌باشد، فرایند ادامه می‌یابد. طبیعی است در چنین حالتی، موضوعات، متعدد و پراکنده نمی‌توانند باشند و برنامه آموزش به‌صورت پروژه تعریف، اجرا و ارزیابی خواهد شد.

♦♦ میزان کمی و کیفی محصولات تولیدی کشاورزی جنوب استان در حال حاضر چه اندازه با شرایط مطلوب بهره‌وری از منابع تولید کشاورزی جنوب استان فاصله دارد؟

بالا بودن هزینه های تولید ناشی از هزینه نهاده‌ها نظیر بذر، خصوصاً در مورد بذر هیبرید محصولات سبزی و صیفی و گلخانه‌ای که عموماً وارداتی و متأثر از قیمت و نوسانات ارز می‌باشند، اجاره زمین، کارگر، خسارت‌های ناشی از عوامل محیطی مانند سرمازدگی، تگرگ، خشکیدگی، ریزش و ترشیدگی محصولات و غیره باعث شده میزان بهره‌وری موجود در برخی از محصولات نسبت به وضعیت ایده‌آل و حتی متوسط کشور کمتر باشد.

خرید مستقیم محصولات از کشاورزان و انتقال به بازارهای هدف. تشویق و ترغیب کشاورزان به ایجاد و توسعه مقوله برندینگ و مارکتینگ محصولات، رعایت دقیق شیوه‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های تولید محصولات گواهی شده (GAP) با قابلیت ورود به بازارهای بین‌المللی.

• مدیریت برنامه محور و منسجم حوزه حفظ نباتات و کاهش هزینه‌های تولید. شناسایی نقاط مهم ورودی به منطقه، ایجاد ساختارهای قرنطینه‌ای در این مناطق برای پوشش دائمی و دقیق تبادلات مواد گیاهی به‌عنوان گام اول و ضرورت انجام نشده باید در دستور کار باشد. تدوین برنامه‌های عملیاتی تخصصی برای مدیریت تلفیقی عوامل خسارت‌زای مختلف با بردهای زمانی کوتاه و بلندمدت با تشکیل گروه‌های علمی تخصصی و استفاده از همه توان نیروی متخصص منطقه گام دوم در این فرایند است. نظارت و مدیریت نهاده‌های مربوط به حفظ نباتات و پایش بازار و جلوگیری از تخلف در عرضه مواد خارج از چهارچوب‌های تأیید شده گام سوم است. بسط و توسعه روش‌های مدیریت نوین کنترل آفت، ایجاد و حمایت از شرکت‌های خصوصی فعال در حوزه تهیه و تولید عوامل بیولوژیک و مواد و لوازم مدیریت آفات به منظور بهبود کیفی و سلامت بیشتر محصول و فضای کار، گام چهارم خواهد بود.

طرح‌های آبیاری تحت فشار، دامداری و ... طی دوره‌های آموزشی مربوطه و افزایش وزن و اهمیت دوره‌های آموزشی سپری شده کشاورزان در فرایندهای انتخاب کشاورزان نمونه سالانه. توسعه مزارع الگویی، ایجاد سایت‌ها و کانون‌های یادگیری، حضور و حمایت از فعالیت شرکت‌های دانش‌بنیان و شتاب‌دهنده‌های تخصصی حوزه کشاورزی نیز می‌تواند سبب ایجاد فناوری‌های خلاقانه جدید، بومی‌سازی فناوری‌های خارجی و ورود این فناوری‌ها به مزارع و عرصه‌های تولید شود.

• توسعه کشاورزی اقتصادی، گذر از کشاورزی معیشتی و رسیدن به کشاورزی اقتصادی با تجمیع و یکپارچه‌سازی مزارع خرد با حفظ مالکیت افراد و ایجاد مجتمع‌های بزرگ امکان‌پذیر است.

• افزایش کارایی مصرف آب. از طریق کاهش سطح زیر کشت محصولات پرآب‌بر، جایگزینی و توسعه کشت‌های متراکم و معرفی محصولات کم‌مصرف و سازگار با شرایط اقلیمی جدید و جابه‌جایی تاریخ‌های کشت از دوره‌های گرم و خشک به فصول پاییز و زمستان برای استفاده از آب سبز.

• حمایت از تولید داخلی نهاده‌ها (بذر، کود و سم) با تکیه بر دانش بومی و توسعه شرکت‌های دانش‌بنیان. امروزه بخش مهمی از عوامل تولید بویژه بذر محصولات سبزی و صیفی و گلخانه‌ای، کود، ماشین‌آلات و تجهیزات و همین‌طور مواد مؤثر آفت‌کش‌ها با صرف هزینه‌های زیاد از خارج تأمین می‌شود. نوسانات قیمت این موارد متناسب با تغییرات قیمت ارز بار سنگینی بر هزینه‌های بهره‌برداران تحمیل کرده و از عوامل مهم کاهش بهره‌وری است. تلاش در جهت تأمین این موارد از طریق سرمایه‌گذاری در بخش‌های علمی و تحقیقاتی و اجرای پروژه‌های تحقیقاتی لازم برای دستیابی به دانش فنی مربوطه، حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان و هسته‌های فناور بخصوص در شرایط فعلی تحریم‌ها و حتی بدون آن‌ها نیز علاوه بر رفع این موارد موجب ایجاد اشتغال و رشد و تعالی بیشتر بخش کشاورزی، خصوصاً در بین قشر عظیم تحصیل کرده و جویای کار بخش کشاورزی در کشور خواهد شد.

• تلاش در جهت بهبود وضعیت بازار و فروش محصولات از طریق اجرای کشاورزی قراردادی و به عبارتی تأمین بازار محصولات قبل از کاشت. ایجاد و یا فعال‌سازی تشکلهای بخش خصوصی در منطقه و یا برقراری ارتباط آن‌ها با تشکلهای ملی و نیز تلاش در جهت ایفای نقش بیشتر و مؤثرتر تعاونی‌های روستایی در جهت



- پیگیری ایجاد و فعالیت منطقه آزاد کشاورزی برای تسهیل فعالیت‌ها و صادرات محصولات کشاورزی،
- جذب سرمایه‌گذاری (داخلی و خارجی) برای تقویت زیرساخت‌ها و روساخت‌های تولید و بازار،
- پیگیری برای ایجاد و توسعه صنایع تبدیلی و نگهداری (سردخانه و انبارهای مجهز)،
- تقویت زیرساخت‌های بازار رسانی محصولات بویژه حمل‌ونقل و کاهش هزینه‌های مربوطه نظیر عوارض متقابل در مرزها و مابه‌تفاوت نرخ سوخت کامیون‌ها از طریق رایزنی با مقامات مسئول.

♦♦ آیا تاکنون موازنه‌ای بین درآمد صادراتی محصولات کشاورزی جنوب استان و ارزش آب مصرفی در تولید آن‌ها شده است یا خیر؟ به لحاظ اقتصادی در این مورد چه تحلیلی دارید؟

بررسی‌های اقتصادی و هزینه و فایده در کشت و تولید محصولات مختلف و درآمد و منافع حاصل از آن‌ها بویژه در ارتباط با مصرف منابع بخصوص آب یکی از مباحث مهم و اولویت‌های مطالعاتی محسوب می‌شود که اساس تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری‌های کلان در هر منطقه و کشور است. در سال‌های اخیر با هدف تعیین میزان آب

♦♦ سیاست مشخص در تولید و بازرگانی بخش کشاورزی جنوب استان که هم کشاورزان و هم سازمان متولی بخش، موظف به اجرای آن هستند چیست؟

مهم‌ترین سیاست‌های تولید و بازرگانی محصولات کشاورزی در جنوب استان طبق برنامه تحول کشاورزی، مبتنی بر موارد زیر است:

- تولید بر پایه نیاز، سلیقه و الزامات بازار هدف. این الزامات شامل شاخص‌های سلامت و رعایت استانداردهای تعریف شده بازار مقصد، رعایت مباحث ظاهری و ریخت‌شناسی محصول مطابق درخواست و سلیقه مقصد، اجرای موارد برندینگ و مارکتینگ همراه با نظارت‌های فنی با شروع از سطح مزرعه است،

• آشنایی با بازارهای مهم و اصلی هدف بویژه خارج از کشور، آموزش و اطلاع‌رسانی به تولیدکنندگان و تغییر دیدگاه تولیدکنندگان،

• اجرای برنامه کشاورزی قراردادی و تأمین بازار محصولات قبل از کاشت، ایجاد و فعال‌سازی تشکل‌های بخش خصوصی در منطقه و برقراری ارتباط آن‌ها با تشکل‌های ملی و نیز تلاش در جهت ایفای نقش بیشتر و مؤثرتر تعاونی‌های روستایی در جهت خرید مستقیم محصولات از کشاورزان و انتقال به بازارها،



همان‌گونه که اشاره شد در حال حاضر مباحث و محدودیت‌های اکولوژیک نقش تعیین‌کننده‌ای در تدوین الگوی کشت جاری منطقه نداشته و بیشتر مباحث درآمد و فروش و دستیابی به حداکثر منفعت ملاک بوده است. مقوله پرچالش کشاورزی معیشتی یا همان اراضی خرد در این مورد بیشترین تأثیر را دارند. چراکه در شرایط این‌گونه اراضی و بدون توجه به مباحث تجمیع و یکپارچه‌سازی اساساً کشت‌های زراعی به سمت‌وسوی محصولات پرمخاطره‌ای پیش می‌رود که امکان کسب بیشترین درآمد از حداقل زمین را برای مالکین خرد فراهم می‌کنند. ارزان و سهل‌الوصول بودن آب، عدم اعمال مدیریت و حکمرانی صحیح بر منابع آب نظیر نصب کنتورهای حجمی و هوشمند بر موتورهای آب، جلوگیری از فعالیت چاه‌های غیرمجاز و عدم وجود نظام صنفی کشاورزی از دلایل ایجاد و تداوم این الگوی نامناسب است. لذا برای رفع این معایب و توجه به شاخصه واقعی کشاورزی یعنی اصول اکولوژیک همراه با شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی، مشارکت، تعامل و همکاری تمامی دستگاه‌های مسئول در حوزه آب، سلامت و بهداشت، منابع طبیعی و مراجع حاکمیت سیاسی را می‌طلبند. اینکه سازمان جهاد کشاورزی هر استان به‌عنوان تنها ارگان عامل، مسئول پیگیری و اجرای این فرایند شناخته شود، نتیجه‌ای جز آنچه تاکنون محقق شده، نخواهد داشت.

♦♦ حمایت منطقی از بخش کشاورزی جنوب استان را چگونه تعریف می‌نمایید؟

حمایت واقعی در دو بخش تولید و فروش محصول قابل پیگیری است. در حمایت از تولید تأمین نهاده‌های موردنظر در زمان مناسب، توسعه کشت قراردادی در محصولات دانه‌های روغنی و سیب‌زمینی، پیاز و گوجه‌فرنگی، اختصاص ارز دولتی برای واردات بذور هیبرید، انتقال دانش فنی به سطح بهره‌برداران، ایجاد صنایع تبدیلی متناسب با تولیدات منطقه، تسهیلات ارزان‌قیمت برای توسعه گلخانه‌ها و اصلاح و احیای باغات، اما در بخش فروش، بازاریابی و شناسایی بازارهای هدف، ایجاد پایانه‌های صادراتی و حمل‌ونقل ریلی و هوایی محصول، کاهش تعرفه‌های صادراتی، حضور فعال در نمایشگاه‌های بین‌المللی برای معرفی محصولات منطقه، حمایت از بخش کشاورزی محقق می‌شود. ♦♦

مصرفی محصولات مختلف و بررسی‌های اقتصادی و کارایی مصرف آب، مطالعات زیادی در مرکز تحقیقات و آموزش کشاورزی جنوب استان روی محصولات مهم منطقه به انجام رسیده و با توجه به اهمیت موضوع تداوم و افزایش تنوع محصولات مورد مطالعه در دستور کار قرار گرفته است. نتایج حاصل از این مطالعات و جمع‌بندی و تحلیل آن‌ها راهگشای ادامه برنامه و مسیر در سال‌های بعد خواهد بود.

♦♦ مهم‌ترین زمینه‌های مناسب برای توسعه کشاورزی صادرات محور در جنوب استان کدامند؟

سبزی‌های گلخانه‌ای بویژه انواع خیار و فلفل، سبزی‌های زراعی شامل سیب‌زمینی، پیاز و گوجه، محصولات باغی شامل انواع مرکبات و خرما بخصوص رقم مخصوص منطقه جنوب استان یعنی کلوته، گیاهان داروئی مانند حنا و وسمه همه از زمینه‌های مناسب و دارای پتانسیل مطلوب و جذاب برای تولید و صادرات محسوب می‌شوند.

♦♦ مدیریت کشت محصول و استفاده از الگوهای مناسب کشت در جنوب استان را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

در حال حاضر چیزی که به‌عنوان الگوی کشت از آن نام برده می‌شود، در حقیقت دامنه‌ای از محصولات است که عمدتاً تحت تأثیر شرایط اقتصادی و تمایل تولیدکنندگان به کسب حداکثر انتفاع و نه مباحث اکولوژیک، مزیت‌ها، محدودیت‌ها و الزامات فنی، ایجاد شده است. وقتی از الگوی کشت صحبت می‌شود باید بدانیم که یک مقوله کاملاً تخصصی و مبتنی بر بسیاری از مؤلفه‌ها و شاخصه‌های متعدد علمی، اکولوژیک، اقتصادی، اجتماعی و حتی سیاسی است که دستیابی به آن نیازمند مطالعات گسترده بر پایه متد علمی است. بر اساس برنامه تدوین شده در طرح تحول کشاورزی جنوب استان، تدوین این برنامه از اصول اساسی است که باید در یک دوره زمانی مشخص به انجام برسد. اجرای الگوی کشت پس از تدوین آن نیز خود یک مقوله بسیار مهم دیگری است که گام بعدی بوده و الزامات و اهرم‌های خاص خود را می‌طلبند که باید در زمان مقتضی و با بهره‌گیری از همه ابزارهای در دسترس نظیر روش‌های تشویقی و ترغیبی و حتی قهری، اجرایی شود.

♦♦ کشاورزی بدون توجه به توان اکولوژیک منطقه در جنوب استان کرمان را چه مرجعی باید به پایان ببرد، رفع این عارضه مهم در کشاورزی جنوب استان چگونه برنامه‌ریزی شده است؟

در سال‌های

اخیر با هدف

تعیین میزان

آب مصرفی

محصولات

مختلف و

بررسی‌های

اقتصادی و

کارایی مصرف

آب، مطالعات

زیادی در مرکز

تحقیقات و

آموزش کشاورزی

جنوب استان

روی محصولات

مهم منطقه به

انجام رسیده

و با توجه به

اهمیت موضوع

تداوم و افزایش

تنوع محصولات

مورد مطالعه

در دستور کار

قرار گرفته است.

نتایج حاصل از

این مطالعات

و جمع‌بندی

و تحلیل آن‌ها

راهگشای ادامه

برنامه و مسیر در

سال‌های بعد

خواهد بود.

هنوز مشوقی برای رشد تولید نداریم

محسن احتشام

رئیس اتاق بیرجند

مقدمه

سال‌ها است که صحبت از اصلاح نظام مالیاتی به نفع تولید، کارآفرینی، اشتغال است، افزایش کارآمدی فعالیت‌های اقتصادی مولد در راستای افزایش تولید ناخالص ملی و دور شدن از فعالیت‌های سوداگری و دلالتی است، اما آنچه در فضای کسب و کار شاهد آن بودیم و هستیم، متأسفانه تغییر بنیادی نظام مالیاتی و ساختارهای اقتصادی در راستای عدالت مالیاتی در بخش‌های مولد جامعه هنوز دیده نمی‌شود و فضای کسب کار و انگیزه‌ای برای تولیدکنندگان مهیا نشده، بلکه ضعف قوانینی که عملاً در کنترل‌ها و فرار مالیاتی دیده می‌شود تا به حال بیشتر به واسطه گران انگیزه داده است. به همین علت سرمایه‌ها میلی جهت حرکت به سمت سرمایه‌گذاری‌های زیر بنایی و اصولی اشتغال و کارآفرینی ندارند.

مالیات ارزش افزوده عملاً از تولیدکنندگان دریافت می‌شود نه از مصرف‌کنندگان، با محاسبه ساده‌ای می‌بینیم نرخ مالیات بر درآمد تولیدکنندگان در قانون ۲۵ درصد است، اما برای بسیاری از تولیدکنندگان با توجه به اینکه ۹ درصد از ارزش افزوده را نمی‌توانند از مصرف‌کننده نهایی دریافت و باید خودشان پرداخت می‌کنند، در نهایت بیش از ۴۵ درصد مالیات پرداخت می‌کنند.

از سوی دیگر در بسیاری از نقاط کشور با ارقامی که برای وصول مالیات بر استان‌ها تعیین شده، باز هم شاهد آن هستیم که فشار اصلی روی تولیدکنندگان و کارآفرین‌ها است و در واقع فشار بر فعالیت‌های کاذب نیست. البته اخیراً اقداماتی برای مقابله با سوداگری انجام شده است که امیدواریم زودتر به نتیجه برسد و بتواند فضای کسب‌وکار را با توجه به تئوری مساواتی که داریم رعایت کند. وضع موجود و شاخص‌های اقتصادی گواه این است که فضای کسب‌وکار مناسب به معنای واقعی برای سرمایه‌گذاری و تلاش مولد وجود ندارد و مشوق‌های لازم در این بخش نداریم. ماده ۱۳۲ قانون معافیت مالیاتی در نقاط محروم کمتر توسعه‌یافته در طرح توسعه واحدهای تولید عملاً اجرا نمی‌شود و تفسیرهای نادرستی از آن می‌شود و تولیدکننده را در توسعه اشتغال جدید و سرمایه‌گذاری از حق قانونی معافیت مالیاتی محروم می‌کنند. این‌ها باید اصلاح شود تا سرمایه‌گذاری و



ماده ۱۳۲ قانون
معافیت مالیاتی
در نقاط محروم
کمتر توسعه یافته
در طرح توسعه
واحدهای
تولید عملاً
اجرا نمی‌شود
و تفسیرهای
نادرستی از
آن می‌شود
و تولیدکننده
را در توسعه
اشتغال جدید
و سرمایه‌گذاری
از حق قانونی
معافیت مالیاتی
محروم می‌کنند.
این‌ها باید
اصلاح شود تا
سرمایه‌گذاری
و اشتغال رونق
گیرد.

اشتغال رونق گیرد.

حاشیه سود تولیدکنندگان در این چند سال از نرخ تورم عقب‌تر بوده است، اما بخش‌های واسطه‌گری هماهنگ با نرخ تورم پیش رفته است. باید به مشکلات تولیدکنندگان در این شرایط بیشتر توجه شود؛ چون توجه به این امر و واقعیت‌های تولیدکنندگان و بخش خصوصی باعث تصمیمات مؤثر و کارآمد می‌شود.

علاوه بر این در سال جدید تأکید بر تولید از سوی رهبر معظم انقلاب سبب شد تا امیدی برای تولیدکنندگان و مدیران صنعت استان خراسان جنوبی فراهم شود، اما این امر حمایت مسئولان از بخش‌های تولیدی و صنعتی را می‌طلبد. تحقق «جهش تولید» با حمایت از بنگاه‌های تولیدی و صنعتی، حذف موانع و هموار کردن راه برای سرمایه‌گذاران، مبارزه با قاچاق کالا و تخفیفات مالیاتی برای بنگاه‌های تولیدی و صنعتی امکان‌پذیر خواهد شد. سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف استان خراسان جنوبی بویژه صنعت، تجارت و گردشگری یکی از راه‌های توسعه رشد اقتصادی، ایجاد درآمد و افزایش فرصت شغلی در منطقه است

چه میزان است.

از آنجایی که مالیات بر ارزش افزوده در حقیقت مالیات بر مصرف است و مالیات بر مصرف باید از مصرف کننده نهایی اخذ شود نه تولیدکننده، بر این اساس بهترین راه جهت حمایت از تولیدکنندگان استان تعیین ضریب مالیات بر ارزش افزوده بر اساس سطح درآمدی استانهاست. همچنین برخی از صنایع استانهای دیگر معاف از مالیات هستند و این توان رقابتی تولیدکننده خراسان جنوبی در مقابل تولیدکنندگان سایر استانها را سلب می کند.

از آنجایی که استان خراسان جنوبی هم‌مرز با کشور افغانستان است و باید تولیدکننده حمایت شود، پیشنهاد می شود، مالیات ارزش افزوده برای واحدهای تولیدی که پروانه تولید و بهره‌برداری دارند و فعال هستند و تولیدکننده‌ای که می‌تواند اشتغال مولد داشته باشد، در حال حاضر مسکوت بماند تا این واحد تولیدی بتواند نفسی تازه کند.

از آنجایی که مهم‌ترین دغدغه در استان کم‌تر برخوردار خراسان جنوبی درآمدزایی و حل مشکل معیشتی می‌باشد؛ لذا با حمایت از تولیدکنندگان استانی و حذف موانع و تسهیل قوانین و ابطال مجوزهای ناکارآمد و فراهم کردن بستر برای سرمایه گذران می‌توان به رونق تولید دست پیدا کرد و مشکلات بیکاری و معیشتی استان را رفع نمود و به دنبال آن موجب تحقق «جهش تولید» شد و این امر همت مسئولان استانی را می‌طلبد. ♦♦



که با فعال بودن چرخ‌های صنعت و فراهم بودن زیرساخت لازم محقق می‌شود، اما نبود نقدینگی، بازار فروش، اخذ مالیات‌های سنگین از واحدهای نوپا از عوامل مؤثر در غیرفعال شدن برخی از واحدهای صنعتی مستقر در شهرک‌های صنعتی استان است که این امر نیازمند توجه ویژه مسئولان کشوری و استانی برای رفع نواقص است.

مهم‌ترین عوامل تحقق «جهش تولید» برای بنگاه‌های تولیدی و صنعتی در خراسان جنوبی به شرح ذیل می‌باشد:

– رفع موانع و مشکلات بر سر راه بنگاه‌های تولیدی و صنعتی استان

رفع مشکلات اقتصادی منطقه و ایجاد عمران و آبادانی در خراسان جنوبی می‌تواند به توسعه یافتگی استان سرعت دهد؛ هرچند حذف موانع از سر راه تولیدکنندگان استان و اجرای معافیت‌های مالیاتی از مواردی است که به گفته سرمایه‌گذاران و فعالان اقتصادی می‌تواند نسخه درمان توسعه صنعت و تولید استان باشد و از تعطیل شدن واحدهای صنعتی و خدماتی جلوگیری کند. ایجاد شهرک‌های صنعتی در کشور ما از قدمت زیادی برخوردار نیست، اما اجتماع سازمان‌یافته واحدهای صنعتی متناسب با استعداد مناطق استقرار زمینه بهره‌وری را از منابع فراهم می‌کند.

– رفع مشکل نقدینگی و سرمایه در گردش

بنگاه‌های تولیدی و صنعتی در استان علاوه بر اینکه با مشکلات نقدینگی و سرمایه در گردش روبرو هستند مشکلات مالیات‌های سنگین نیز مانع رشد این بنگاه‌ها شده است. امروز در این جنگ اقتصادی فعالان واحدهای صنعتی، سربازان این جنگ هستند که مسئولان نباید با مالیات‌های سنگین مانع چرخیدن چرخ این واحدها شوند.

– تسهیل قوانین و حذف مجوزهای ناکارآمد برای حمایت از تولیدکنندگان

کاهش مالیات بر ارزش افزوده دریافتی از تولیدکنندگان و بخشودگی جرایم مالیات، اعمال تعرفه ترجیحی و غیره مشوق‌هایی هستند که می‌توانند تولیدکننده را در جهت تولید بیشتر حمایت کرده و موجب تحقق «جهش تولید» شوند.

– تعیین ضریب مالیات بر ارزش افزوده بر اساس سطح درآمدی استان‌ها

در کشور ما مالیات بر ارزش افزوده در یک چرخه معیوب و نادرست قرار دارد و از این جهت پیشنهاد می‌شود که حداقل در خراسان جنوبی برای واحدهای تولیدی دارای پروانه بهره‌برداری اجرایی نشود. گزارش‌ها حاکی از آن است که حدود ۳۰ درصد از درآمدهای مالیاتی از خراسان جنوبی را مالیات بر ارزش افزوده تشکیل می‌دهد. در حال حاضر باید به این سؤال پاسخ دهیم که سهم واحدهای تولیدی از این میزان مالیات بر ارزش افزوده

سرمایه‌گذاری

در بخش‌های

مختلف استان

خراسان جنوبی

بویژه صنعت،

تجارت و

گردشگری یکی

از راه‌های توسعه

رشد اقتصادی،

ایجاد درآمد و

افزایش فرصت

شغلی در منطقه

است که با فعال

بودن چرخ‌های

صنعت و فراهم

بودن زیرساخت

لازم محقق

می‌شود، اما

نبود نقدینگی،

بازار فروش،

اخذ مالیات‌های

سنگین از

واحدهای نوپا

از عوامل مؤثر

در غیرفعال

شدن برخی

از واحدهای

صنعتی مستقر

در شهرک‌های

صنعتی استان

است که این امر

نیازمند توجه

ویژه مسئولان

کشوری و استانی

برای رفع نواقص

است.

شکل‌گیری صنعت فولاد

چقدر منطبق بر نتایج آمایش سرزمین است؟

◆ قاسم شکری زاده بنگانی

رئیس اداره ارزیابی اثرات زیست‌محیطی بررسی آلودگی هوا و تغییر اقلیم اداره کل حفاظت محیط‌زیست کرمان

مقدمه

اساساً وقتی در خصوص انطباق شکل‌گیری صنعت فولاد بر نتایج آمایش سرزمین بحث می‌کنیم باید به بررسی یک تاریخچه از شکل‌گیری صنعت و روند توسعه علم آمایش در محدوده مورد مطالعه بپردازیم و یک آگاهی نسبی در خصوص موضوعات ارائه دهیم تا بتوان بر اساس استدلال منطقی، روند انطباق موضوعات بر هم بررسی گردد. در زمینه انطباق شکل‌گیری صنعت فولاد با نتایج سند آمایش، ابتدا روند شکل‌گیری و استفاده از علم آمایش سرزمین در جهان و ایران و جایگاه قانونی آن در قوانین و مقررات کشور عزیزمان بررسی و سپس پیشینه شکل‌گیری صنعت فولاد در کشور، نقش و جایگاه فولاد در میان صنایع، تکالیف مشخص شده در خصوص نقش و جایگاه صنعت در برنامه‌های آمایش و میزان انطباق رشد و گسترش صنعت فولاد با سند آمایش استان مورد بررسی قرار می‌گیرد.

روند شکل‌گیری علم آمایش در جهان

بعد از حضور انسان بر روی زمین با توجه به تکیه بر نیروی عقل و تفکر خود شروع به بهره‌برداری در حد نیازهای خود از طبیعت نمود است. انسان در ابتدا به صورت شکارگر، سپس کشاورزی آموخته و پس از آن صنعت را گسترش داده و بدین ترتیب استفاده بی‌حد و حصرش از طبیعت و منابع طبیعی رو به ازدیاد نهاده تا جایی که خیلی از جنگل‌ها نابود، خاک‌ها تخریب و آلودگی افزایش و در پی آن گرسنگی جهانی پدیدار شده و در نتیجه این مسائل و مشکلات، انسان متفکر به دنبال چاره‌جویی بوده که راه‌حل مشکلات را در برنامه‌ریزی برای بهره‌وری مناسب یافته و بر این اساس طرح‌های مدیریت منابع برای بهره‌برداری باصرفه اقتصادی و مستمر از سرزمین متداول و انواع طرح‌های مدیریت مرتع‌داری، شهرسازی، کشاورزی،



در سیر روند

توسعه صنعت

فولاد کشور انتقال

فولاد بندرعباس

در سال ۱۳۵۸ با

مصوبه شورای

انقلاب به مبارکه

اصفهان، اساساً

بدون توجه به

موارد مرتبط بر

آمایش سرزمین بر

اساس مقتضیات

زمان پس از

انقلاب شکوهمند

اسلامی و شاید

مسائل امنیتی و

دفاعی و شاید

سیاسی صورت

پذیرفته است.

دامداری و غیره تدوین و اجرا شد، اما کماکان مشکلات قبل وجود داشت. پس از جنگ جهانی دوم علی‌رغم تدوین و اجرای برنامه‌های متعدد مدیریتی، ادامه داشتن فقر، هدر رفت منابع طبیعی و ضایع شدن محیط‌زیست باعث شد که انسان در جهت چاره‌جویی مجدد باشد و در این بین متوجه شد که برای این‌که بتواند جلوی فقر و ضایع شدن سرزمین را بگیرد، باید هم‌راستا با طبیعت حرکت نموده و از سرزمین به اندازه توان آن بهره‌برداری نماید و این مقدمه‌ای شد برای شکل‌گیری آمایش سرزمین یا برنامه‌ریزی منطقه‌ای در جهان. در ابتدا فرانسویان در سال ۱۹۴۹ میلادی اصلاح آمایش را برای حل مشکلات اقتصادی مانند تعدیل، تمرکز و توزیع بهینه فعالیت‌ها متناسب با قابلیت نواحی به کار بردند و سپس در ادامه در اواخر دهه ۱۹۵۰ و اوایل ۱۹۶۰ آمایش سرزمین توسعه پیدا کرد و علاوه بر مسائل اقتصادی و اجتماعی دخیل در آمایش سرزمین،



باب مذاکراتی در این زمینه را بازنمود و بر این اساس در برنامه عمرانی چهارم، تحولی در نظام برنامه‌ریزی صورت گرفت. سپس در سال ۱۳۵۱ ترکیبی از کارشناسان ایرانی و فرانسوی که به فعالیت‌های مشاوره در زمینه کشاورزی و اشتغال داشتند، گزارشی تحت عنوان طرح یادداشت مربوط به بهره‌وری سرزمین یا تنسيق سرزمین تهیه و به سازمان برنامه ارائه و به دنبال آن قرارداد تهیه طرح آمایش سرزمین با مشاور مذکور منعقد و در نهایت نتایج کاربردی مطالعات آمایش سرزمین تحت عنوان رهنمودهای آمایش سرزمین برای تهیه برنامه عمرانی ششم تهیه و به سازمان برنامه و بودجه در سال ۱۳۵۶ ارائه شد و بر همین اساس برنامه عمرانی ششم با ماهیت آمایشی تهیه شد. پس از انقلاب شکوهمند اسلامی در اوایل دهه ۶۰ بار دیگر ضرورت انجام برنامه‌ریزی آمایشی احساس شد و در سال ۱۳۶۲ انجام این وظیفه توسط سازمان برنامه و بودجه آغاز و اولین گزارش نهایی مرحله اول طرح پایه تحت عنوان خلاصه و جمع‌بندی مطالعات منتشر و منجر به مصوباتی از سوی دولت و شورای اقتصاد شد. در سال ۱۳۶۸ مطالعات طرح کالبد ملی توسط مسکن و شهرسازی آغاز و نتیجه مطالعات با عنوان طرح‌ریزی کالبد ملی و منطقه‌ای

در رویکرد جدید آمایش، به ارزیابی همه‌جانبه سرزمین با استفاده از چهار پارامتر توان اکولوژیکی، تکنولوژی، نیروی انسانی و منابع مالی پرداخته شد. پیشگامان اجرای برنامه همه‌جانبه و تمرکز یافته آمایش سرزمین با رویکرد جدید در جهان، استرالیا و کانادا و در رده بعدی هلند بودند که در اواخر دهه ۱۹۵۰ و اوایل ۱۹۶۰ اقدام به تأسیس دفتر آمایش سرزمین کرده و اینک تمام مراحل آن را پشت سر گذارده‌اند؛ یعنی به‌طور دقیق می‌دانند که توان سرزمین آن‌ها برای استفاده مختلف انسان و توسعه چگونه است و هرگونه اطلاعات در مورد اجرای پروژه‌ای بهره‌وری را در هر نقطه از کشور سریعاً می‌توانند در اختیار استفاده‌کننده قرار دهند.

روند توسعه آمایش سرزمین در ایران

در ایران فکر برنامه‌ریزی آمایشی در دهه ۴۰ مطرح و در بهمن ۱۳۴۵ گزارشی تحت عنوان مسئله افزایش جمعیت شهر تهران و نکاتی پیرامون عمران کشور توسط مطالعات و تحقیقات دانشگاه تهران منتشر و پس از این گزارش، سازمان برنامه و بودجه کشور در اواخر دهه ۴۰ با اعزام کارشناسانی به فرانسه و دعوت از مدیران مسئول برنامه‌ریزی در فرانسه،

استانی را تهیه کند و پس از تصویب شورای عالی، آمایش سرزمین را از سال دوم اجرای قانون برنامہ به اجرا در آورد. علاوه بر این شورای عالی آمایش سرزمین، به استناد بند الف ماده ۳۲ قانون احکام دائمی برنامہ های توسعه کشور، در سال ۱۳۹۸ سند توسعه منطقه ساحلی مکران را تصویب نمود و در سال ۱۳۹۹، در راستای عمل به تکلیف جزء ۱ بند الف ماده ۲۶ قانون برنامہ ششم توسعه کشور و به استناد بند الف ماده ۳۲ قانون احکام دائمی برنامہ های توسعه کشور، سند آمایش سرزمین، شامل سند ملی و اسناد استانی که ممهور به مهر دبیرخانه شورای عالی آمایش سرزمین گردیده است را مصوب نموده و در حال حاضر ملاک عمل برنامہ های توسعه ای کشور می باشد.

روند شکل گیری صنعت فولاد در ایران

اقدامات لازم برای ایجاد واحد فولادسازی در ایران به قبل از سال ۱۳۱۰ برمی گردد. بدین منظور بر اساس مطالعات انجام گرفته در اطراف کرج، زمین وسیعی جهت اجرای پروژه در نظر گرفته شد و با کشور آلمان جهت تأمین تجهیزات و ماشین آلات مذاکره و قرارداد منعقد شد که با شروع جنگ جهانی دوم این عملیات ناتمام ماند. حدود سه دهه بعد بخش خصوصی در حومه اهواز چند واحد نورد مقاطع ساختمانی و یک واحد تولید فولاد از طریق ذوب قراضه های آهنی ایجاد کرد و دولت نیز جهت مطالعات برای تأسیس ذوب آهن تحت نام شرکت ملی ذوب آهن ایران با شوروی سابق در سال ۱۳۴۴ قراردادی منعقد کرد. از سال ۱۳۴۶ در دشت طبس استان اصفهان عملیات اجرایی ذوب آهن اصفهان جهت تولید فولاد از طریق احیا

چهارچوب نظری و شرح خدمات انتشار یافت. نهایتاً پس از کشوقوس های فراوان در سال ۱۳۸۲، سیاست های کلی برنامہ چهارم مشمل بر ۵۲ ماده ابلاغ شد که ماده ۱۹ آن آمایش سرزمین بود. در سال ۱۳۸۳ ضوابط ملی آمایش سرزمین توسط هیئت وزیران تصویب شد و مرکز ملی آمایش در سازمان مدیریت و برنامہ ریزی شروع به فعالیت نمود و در سال ۱۳۸۵ استان ها نسبت به تهیه طرح پایه آمایش سرزمین اقدام نمودند و پس از آن با توجه به رکودی که در پیشبرد فعالیت های مرتبط با آمایش سرزمین با انحلال مرکز ملی آمایش سرزمین رخ داد و نهایتاً مجدداً در برنامہ پنجم توسعه بر اساس مفاد ماده ۱۸۲ قانون برنامہ پنجم وظیفه مستمر شورای آمایش سرزمین علاوه بر استقرار نظام یکپارچه برنامہ ریزی و مدیریت توسعه سرزمین که یک وظیفه موردی و مقطعی به حساب می آمد، تصویب برنامہ ها و طرح های توسعه سرزمینی در سطوح ملی، منطقه ای و استانی لحاظ گردید و در پی آن در تشکیلات جدید معاونت برنامہ ریزی و نظارت راهبردی، دفتری به عنوان تلفیق برنامہ، آمایش و توسعه منطقه ای ایجاد و بر این اساس شرح خدمات مرحله جدید به عنوان برنامہ ریزی و سیاست گذاری مطالعات برنامہ آمایش توسط دفتر مذکور تهیه و پیگیری شد. در سال ۱۳۹۵ بر اساس ماده ۳۲ قانون احکام دائمی کشور مقرر گردید به منظور استقرار نظام راهبری توسعه سرزمین و نظارت بر اجرای آن شورای عالی آمایش سرزمین تأسیس گردد و در سال ۱۳۹۶ به استناد جزء یک بند الف ماده ۲۶ قانون برنامہ ششم توسعه، دولت موظف گردید در طول سال اول اجرای قانون برنامہ، سند آمایش سرزمین ملی و



بررسی روند تطابق شکل‌گیری صنعت فولاد با برنامه‌های آمایشی

همان‌گونه که در روند شکل‌گیری آمایش سرزمین اشاره شده، ارائه گزارشی تحت عنوان مسئله افزایش جمعیت شهر تهران و نکاتی پیرامون عمران کشور توسط مطالعات و تحقیقات دانشگاه تهران همزمان با احداث واحد ذوب‌آهن اصفهان در سال ۱۳۴۶ بوده و با توجه به خریداری و دیوی ماشین‌آلات اولین کارخانه در اطراف کرج، شاید نگاه مسئولین وقت به گزارش مذکور و روند تمرکززدایی از اطراف تهران بوده و شاید مسائل دیگر، ولی در هر حال انتقال کارخانه فولاد از اطراف تهران کمک شایانی به کاهش تمرکز در اطراف پایتخت و توسعه متوازن جمعیت کشور بوده است. پس از تأسیس شرکت ملی صنایع فولاد ایران در سال ۱۳۴۹ جهت تولید فولاد از طریق احیا سنگ‌آهن توسط گاز طبیعی با دو واحد فولاد خوزستان و فولاد بندرعباس ظاهراً شاید نگاه بر تمرکززدایی از مرکز، استفاده از منابع آب دریا، هزینه کمتر واردات مواد اولیه و کاهش هزینه صادرات بوده، ولی هنوز رویکردی آمایشی و برنامه مدونی برای توسعه کشور تدوین نشده بوده و اولین گزارش تحت عنوان رهنمودهای آمایش سرزمین برای تهیه برنامه عمرانی ششم در سال ۱۳۵۶ تدوین گردیده است. در سیر روند توسعه صنعت فولاد کشور انتقال فولاد بندرعباس در سال ۱۳۵۸ با مصوبه شورای انقلاب به مبارکه اصفهان، اساساً بدون توجه به موارد مرتبط بر آمایش سرزمین بر اساس مقتضیات زمان پس از انقلاب شکوهمند اسلامی و شاید مسائل امنیتی و دفاعی و شاید سیاسی صورت پذیرفته است و بعد از گذشت ۲۰ سال قرارگیری طرح احداث مجتمع فولاد هرمزگان در سال ۱۳۷۸ در دستور کار شورای اقتصاد و احداث آن در سال ۱۳۸۵ احتمالاً با توجه به مجاورت با آب‌های نیلگون خلیج همیشه فارس جهت دسترسی آسان به آب‌های آزاد، نزدیکی به مخازن عظیم گاز عسلویه، مجاورت با ذخایر سنگ‌آهن گل‌گهر و امکان تهیه آهن اسفنجی از محل واردات، وجود مجتمع بندری شهید رجایی و حمل‌ونقل جاده‌ای و ریلی مناسب در منطقه تا حدود زیادی متناسب با پتانسیل و توان منطقه بوده، ولی هنوز برنامه آمایش مدونی تا سال ۱۳۸۳ در کشور وجود نداشته، اما در این زمان تصمیم‌گیری‌ها تا حدود زیادی با تکیه بر رویکردهای آمایشی بوده است. پس از آن در دولت‌های بعد توسعه فولادهای هشتگانه در نقاط مختلف کشور از جمله قاین، سبزوار، سپید دشت چهارمحال، نیریز فارس، میانه، بافت کرمان، شادگان خوزستان و بافق یزد با نگاه آمایشی نبوده و صرفاً در جهت محرومیت زدایی

سنگ‌آهن توسط کک زغال‌سنگ آغاز به کار کرد که در نهایت در سال ۱۳۵۰ تولید فولاد به بهره‌برداری رسید. در سال ۱۳۴۹ شرکت ملی صنایع فولاد ایران جهت تولید فولاد از طریق احیا سنگ‌آهن توسط گاز طبیعی با دو واحد فولاد خوزستان و فولاد بندرعباس تأسیس گردید. واحد فولاد خوزستان با سه روش احیا مستقیم پروفور، میدرکس، HYL در زنجیره فولاد قرار گرفت و واحد پروفور آن در سال ۱۳۵۶ به بهره‌برداری رسید و عملیات اجرایی تکمیلی به علت انقلاب و جنگ با تأخیر و بهره‌برداری از آن به سال ۱۳۷۰ موقوف گردید. در حال حاضر روش احیا مستقیم پروفور منسوخ شده و فولاد خوزستان در ردیف دوم تولیدکننده فولاد به روش احیا مستقیم، روش‌های میدرکس و HYL فعال می‌باشد.

فولاد بندرعباس نیز در سال ۱۳۵۸ با مصوبه شورای انقلاب به مبارکه اصفهان منتقل و تحت نام فولاد مبارکه فعالیت‌های اجرایی آن ادامه یافت و در حال حاضر با روش احیا مستقیم به نام میدرکس به عنوان واحد نخست تولید فولاد به روش احیا مستقیم فعال می‌باشد. قابل ذکر است که بعد از انقلاب دو شرکت ذوب‌آهن ایران و صنایع فولاد ایران درهم ادغام شده و شرکت ملی فولاد ایران تأسیس گردید. از دیگر واحدهای تولید فولاد به روش احیا مستقیم میدرکس فولاد خراسان می‌باشد که در نیشابور استان خراسان رضوی به بهره‌برداری رسیده است. از دیگر واحدهای تولید فولاد شامل فولاد هرمزگان در بندرعباس، فولاد چادرمو و فولاد ارفع در اردکان، فولاد گل‌گهر در گل‌گهر سیرجان، فولاد زرنند کرمان و فولادهای هشتگانه که در نقاط مختلف کشور از جمله قاین، سبزوار، سپید دشت چهارمحال، نیریز فارس، میانه، بافت کرمان، شادگان خوزستان و بافق یزد قرار دارند. همچنین دو واحد فولادی جهت تولید فولادهای آلیاژی یکی در اصفهان به ظرفیت سالانه ۶۰ هزار تن و دیگری در یزد بنام شرکت فولاد آلیاژی ایران با ظرفیت سالانه ۲۴۰ هزار تن در حال حاضر بهره‌برداری می‌شوند.

تا سال ۱۳۹۷ ظرفیت تولید فولاد خام کشور به سالانه ۳۳ میلیون تن رسیده است و تولید فولاد بالفعل آن در سال ۲۰۱۷ به رقم ۲۱/۷ میلیون تن در سال بوده است و به رتبه چهاردهم در سطح جهانی رسیده است و رشد آن نسبت به سال ۲۰۱۶ معادل ۲۱/۴ درصد بوده است. پیش‌بینی شده است که در افق ۱۴۰۴ تولید ۵۵ میلیون تن در سال و برآورد صادرات سالانه فولاد ۲۰ - ۱۵ میلیون تن باشد. در حال حاضر مصرف سرانه فولاد در کشور حدود ۲۶۰ کیلوگرم می‌باشد.

با بررسی اسناد
آمایش سرزمین
و روند توسعه
فعالیت‌های
صنعتی خصوصاً
صنایع فولاد به
این جمع‌بندی
می‌رسیم که اصولاً
در اسناد تهیه
شده تاکنون،
استراتژی توسعه
صنعتی قابل
اتکا و بایسته
تدوین نگردیده
که برنامه ریزان
بتوانند در قالب
آن توسعه صنعت
را برنامه‌ریزی
نمایند و هرگونه
توسعه صورت
گرفته به صورت
پراکنده و بر
اساس مزیت‌های
نسبی مدنظر
سرمایه‌گذاران و
گاهی تصمیمات
سیاسی
دولتمردان بوده
است.

در تأمین نیازهای آبی برای توسعه صنایع فولادی خود با محدودیت مواجه بوده‌اند و به جهت چاره‌جویی برای حل مشکلات اقدام به استفاده از راهکارهای جدید شیرین سازی و انتقال آب دریا، تصفیه فاضلاب‌های شهری با هزینه‌های گزاف نموده‌اند، گرچه توسعه این فعالیت‌ها مبتنی بر اسناد آمایش و پایداری محیطی نبوده، اما توسعه و ادامه فعالیت‌ها در این مناطق از یک‌سو منجر به توازن جمعیتی و جلوگیری از مهاجرت و از سمت دیگر با توجه به محدودیت توان محیطی و رشد گسترش صنعت و متعاقب آن رشد جمعیت در محیط با توان محدود، ناپایداری بلندمدت را در پی خواهد داشت.

به‌طور کلی با بررسی اسناد آمایش سرزمین و روند توسعه فعالیت‌های صنعتی خصوصاً صنایع فولاد به این جمع‌بندی می‌رسیم که اصولاً در اسناد تهیه شده تاکنون، استراتژی توسعه صنعتی قابل اتکا و بایسته تدوین نگردیده که برنامه ریزان بتوانند در قالب آن توسعه صنعت را برنامه‌ریزی نمایند و هرگونه توسعه صورت گرفته به‌صورت پراکنده و بر اساس مزیت‌های نسبی مدنظر سرمایه‌گذاران و گاهی تصمیمات سیاسی دولتمردان بوده است.

در حال حاضر در سند ملی آمایش مصوب سال ۱۳۹۹ به موضوعاتی نظیر قلمروهای مستعد توسعه، آب قابل برنامه‌ریزی، ظرفیت برد محیطی که تاکنون به‌خوبی موردتوجه قرار نگرفته بود، پرداخته شد و مقرر شده پهنه‌هایی از سرزمین که با توجه به توان اکولوژیکی، آب برنامه‌ریزی مصوب، ظرفیت برد، دسترسی به زیرساخت‌ها، ادامه فعالیت‌های موجود، امکان استقرار فعالیت جدید و جمعیت را با رعایت ملاحظات زیست‌محیطی دارا می‌باشند، با تدقیق نتایج با آمایش استانی تدوین شود، اما اسناد آمایش استانی تهیه شده، کماکان با نگاه بخشی‌نگری بدون نگاه به نقش و جایگاه هر استان در مجموعه کار ملی تهیه شده و نحوه تدقیق نتایج آمایش استانی با آمایش ملی نامشخص و رویکرد دولت در جهت الزام رعایت نتایج آمایش سرزمین نامشخص می‌باشد و جهت ادامه رشد و توسعه صنعت فولاد علاوه بر این‌که هرگونه احداث واحدهای صنعتی جدید در پهنه‌های مستعد مطابق با سند آمایش انجام گردد، بایستی محدودیت منابع آب، کاهش ذخایر معدنی نیز موردتوجه قرار گیرد و در جهت توازن و پایداری ارزیابی‌های استراتژیک زیست‌محیطی توسعه صنعتی در محدوده‌های جغرافیایی مشخص مطالعه و برنامه‌ریزی گردد. ♦♦

از بخش‌های کمتر توسعه‌یافته کشور برنامه‌ریزی شده است، هرچند که در سندهای آمایش ملی و استانی تهیه شده نیز راهبردی قابل‌ملاحظه‌ای برای توسعه صنعتی خصوصاً صنایع فولاد در نظر گرفته نشده بوده و اساساً برنامه ریزان، اسناد آمایش را در برنامه‌ریزی کمتر ملاحظه عمل قرار داده‌اند. شکل‌گیری سایر مجتمع‌های صنعتی معدنی دخیل در تولید فولاد کشور نظیر چادرملو، گل‌گهر در این دوران نیز با توجه به وجود ذخایر معدنی، جلوگیری از خام‌فروشی و توسعه اقتصاد منطقه‌ای بوده که بر این اساس در این معادن اقدام به فرآوری اولیه و ثانویه سنگ معدن نموده و پس از مدتی تأمین خوراک اولیه کارخانه‌های بزرگ این مجموعه‌ها نیز نسبت به تکمیل زنجیره فولاد و احداث کارخانه‌های فولادسازی در مجاورت محدوده‌های معدنی اقدام نموده‌اند که غالباً بدون لحاظ نمودن مسائل آمایش سرزمین و صرفاً بر اساس مسائل اقتصاد منطقه‌ای، تأمین اشتغال جوامع محلی، بهره‌گیری از زیرساخت‌های ریلی و امکان تأمین گاز از مناطق تولید گاز در جنوب کشور توجه گردیده، اما این طرح‌ها دائماً



بازرگانی و خدمات



- + از تولید داده تا تولید ارزش
- + الزامات و پیش‌نیازهای توسعه تجارت و مرادفات استان کرمان با کشور عمان
- + موانع تاریخی توسعه تجارت ایران
- + بازاریابی صادراتی
- + ضرورت اصلاح قانون بسیار کهنه بیمه

از تولید داده تا تولید ارزش



♦ دکتر مزده سلاجقه

رئیس بخش علم اطلاعات و دانش شناسی و رئیس آزمایشگاه پژوهشی سواد اطلاعات دانشگاه شهید باهنر کرمان

چکیده

هدف از انجام این پژوهش شرح فرایند تولید داده تا تولید ارزش در محیط‌های کسب‌وکار است. سؤالی که این پژوهش درصدد پاسخ دادن به آن است، عبارت است از: برای تولید ارزش و فایده و یا به عبارتی، کالای باارزش در محیط‌های کسب‌وکار چه معیارهایی لازم است؟ یا به عبارت دیگر محیط‌های کسب‌وکار در عصر امروز چه موقع می‌توانند با اطلاعات، کالا، خدمات و اطلاعات مفید و باارزش تولید کنند؟ محیط‌های کسب‌وکار تولیدی، خدماتی، با آگاهی از معیارهای ارزشمند و یا کیفیت اطلاعات، می‌توانند خدمات باکیفیت، کالاهای باکیفیت و اطلاعات باکیفیت ارائه و در نتیجه رضایت مشتری را به دنبال داشته باشند. نتیجه می‌گیریم که محیط‌های کسب‌وکار، وقتی داده به ارزش تبدیل می‌شود و سود و فایده و یا به عبارت دیگر ارزش مادی و معنوی تولید می‌کنند که در درجه اول مسائل و مشکلات جهت انجام پژوهش و تولید اطلاعات، اولاً بر اساس نیاز انتخاب شوند، دوم، داده‌های گردآوری شده دارای کیفیت لازم جهت استفاده در تصمیم‌گیری‌های زندگی در همه بخش‌ها باشند، در تحلیل داده‌ها، معیارهای دقت و صحت و مرتبط بودن داده‌ها موردنظر قرار گرفته شود تا در نتیجه به اطلاعات باکیفیت تبدیل شوند. اطلاعات در صورتی می‌تواند به مهارت و دانش و در نتیجه کالا و خدمات تبدیل شود که دارای کیفیت لازم باشد. در صورتی که فقط برای حفظ کردن و فقط خواندن و نمره گرفتن باشد، هیچ تغییری صورت نمی‌گیرد. در صورتی دانش و کالا و خدمات در محیط‌های کسب‌وکار به ارزش تبدیل می‌شود که باعث ارتقاء کیفیت و استانداردهای جامعه در زمینه‌های مختلف از نظر مادی و معنوی و در نتیجه توسعه در سطح ملی و بین‌المللی شود.

مقدمه

در هر عصری هدف از انجام پژوهش علمی، می‌تواند تولید

مدیریت

کسب‌وکارها با یک

رویکرد کل‌نگر

برای رسیدن به

هدف نهایی،

نیاز به داده

پردازش شده و

تولید اطلاعات

دارد. مجموعه‌ای

از داده‌های

ساختاریافته،

نیمه ساختاریافته

و بدون ساختار

وجود دارد که

روزبه‌روز در حال

افزایش هستند؛

بنابراین، بیشتر

داده‌ها باید

جمع‌آوری شوند

و بر اساس هدفی

که محیط عملیاتی

برای رسیدن

به آن تلاش

می‌کند در ذهن

متخصصین و

نیروی انسانی این

محیط عملیاتی،

تجزیه و تحلیل یا

پردازش شوند و به

اطلاعات تبدیل

شوند.

اطلاعات، تولید خدمات و تولید کالا و در نتیجه تولید ارزش و فایده و ایجاد کسب‌وکار باشد. برای انجام پژوهش‌های علمی نیاز به بعضی امکانات و زیرساخت‌ها است. از جمله این امکانات و زیرساخت‌ها می‌توان به بودجه، نیروی انسانی متخصص، فن‌آوری‌های اطلاعاتی، منابع اطلاعاتی و مهم‌تر از همه داده‌ها را به‌عنوان مواد خام در پژوهش اشاره کرد. هر پژوهش برای هدف خاص، برای رفع نیاز خاص، حل مشکل خاص و یا رسیدن به نظریه جدید و یا تولید علم جدید و یا کالا و در نهایت تولید ارزش و سود برای محیط‌های کسب‌وکار مختلف انجام می‌شود. برای رسیدن به اهداف سازمان‌ها و ارزش و فایده، لازم است امکانات لازم برای انجام پژوهش‌ها، دارای کیفیت و کمیت لازم باشند. از جمله این امکانات، نیروی انسانی خبره و ماهر در امر پژوهش، بودجه کافی، شناخت نیاز و تهیه داده باکیفیت، به‌عنوان ماده خام در پژوهش است. ماده خام باکیفیت، اطلاعات باکیفیت تولید می‌کند



تولید ارزش و فایده نهایی در محیط‌های کسب‌وکار برای توسعه در همه زمینه‌های باشد، مشابه با فرایند جستجوی طلا است، زیرا این اطلاعات ارزش کمی دارد، مگر اینکه راه‌هایی برای غربال کردن آن‌ها پیدا کنیم تا آن‌ها را به اطلاعات معناداری تبدیل کنیم و از طریق این اطلاعات بتوانیم تصمیم‌های معناداری بگیریم.

جهت همگام شدن با جریان اصلی اطلاعات در سازمان‌ها در سراسر جهان، یک دوره جدید شروع شده است. کلان داده‌ها و فناوری‌های تجزیه و تحلیل پیشرفته، در زمینه عملیات تجاری و مشتریان، نگرشی نو را ارائه می‌دهند و ما را قادر می‌سازند تا نه تنها کارایی عملیات، سطح خدمات، درآمد و مدل‌های تجاری را بهبود بخشیم، بلکه مشتری محوری را نیز تقویت کنیم.

نظام‌های اطلاعاتی با استفاده از فن‌آوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی، امکان دستیابی به حجم بی‌سابقه‌ای از داده‌ها را برای شرکت‌ها فراهم می‌کنند. این‌که این داده‌ها را از نظام‌های مدیریت اطلاعات، داده‌های مشتری، باخورد مشتری، داده‌های بازار، یا رسانه‌های اجتماعی فراهم می‌کنند، فرقی نمی‌کند. به‌رحال، مشکل اصلی، یافتن راهی برای تبدیل، استفاده و افزایش ارزش داده‌های گردآوری شده به داده‌هایی با ارزش تجاری است. گارتنر تخمین زد که رسیدن به «فلات بهره‌وری» در فضای کلان داده ۵ تا ۱۰ سال طول می‌کشد.

اکنون به داده‌ها، بیش از آنچه سیستم‌ها برای همگام

و اطلاعات باکیفیت دانش باکیفیت و دانش باکیفیت کالای باکیفیت و در نتیجه ارزش و فایده تولید می‌شود. مسئله‌ای که این پژوهش درصدد پاسخ دادن به آن است، این است که برای تولید ارزش و فایده و یا به عبارتی، کالای با ارزش چه معیارهایی لازم است و موانع موجود بر سر فرایند تبدیل داده تا دانش در محیط‌های کسب‌وکار چیست؟ یا به‌عبارت‌دیگر در محیط‌های کسب‌وکار چه موقع می‌توان با اطلاعات، کالا، خدمات و اطلاعات مفید و با ارزش تولید کرد؟ سازمان‌ها تولیدی، خدماتی، یا آگاهی از معیارهای ارزشمند و یا کیفیت اطلاعات، می‌توانند خدمات باکیفیت، کالاهای باکیفیت و اطلاعات باکیفیت ارائه و در نتیجه رضایت مشتری را به‌دنبال داشته باشند. اطلاعات قدرت است، اما به شرطی که فاصله میان دانستن و انجام دادن و عملی کردن فعالیت‌ها بر اساس اطلاعات تولید شده کم شود. اکنون وارد عصری شده‌ایم که عصر «داده‌های بزرگ» نامیده می‌شود، داده‌هایی که بسیار کاراتر از داده‌های تجاری و بازرگانی است که بخش فناوری اطلاعات بیشتر شرکت‌ها برای رویارویی با آن آماده شده‌اند. اکنون حجم وسیعی از داده‌ها از رسانه‌های اجتماعی و همچنین کانال‌های مختلف دریافت می‌شوند، زیرا از طریق رسانه‌های اجتماعی مختلف و از کانال تلفن‌های همراه مقدار زیادی داده منتشر می‌شود و به دست همه افراد جامعه می‌رسد. فرایند تهیه اطلاعات معتبر که دارای ارزش و فایده برای تولید دانش و در نتیجه

ظهور فن‌آوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی جدید که هر روز در حال تغییر هستند، درک و شناخت معنای این اصطلاحات در دنیای کسب‌وکار و اقتصاد دارای اهمیت است. کدام یک از این مفاهیم است که می‌تواند برای مردم، سهامداران، کارگران، مصرف‌کنندگان، شما و همه افراد جامعه، سودآور و ارزش‌آفرین باشد. داده‌ها و اطلاعات، سرمایه‌های مهمی برای ایجاد ارزش در سطوح مختلف هستند. از آن‌ها باید نگه‌داری شود، همان‌طور که از همه دارایی‌های باارزش محافظت می‌کنیم، باید با آن‌ها با دقت رفتار شود. داده‌ها، معنای خود را از هدفی که برای آن گردآوری و منطبق با هدف است، می‌گیرند و به‌عنوان کالای اقتصادی تبدیل می‌شوند و به‌این‌ترتیب داده‌ها یک دارایی تجاری محسوب می‌شوند. داده‌ها به کسب‌وکارها کمک می‌کنند تا از روش‌های کسب درآمد جدید بهره ببرند و حتی مدل‌های کسب‌وکار خود را تغییر دهند. به‌عبارت‌دیگر درک ارزش بالقوه داده‌ها و اطلاعات و توانایی سرمایه‌گذاری روی همه آن‌ها، اغلب حتی با تشخیص فرصت‌های ازدست‌داده در استفاده از منابع داده‌ای که در اختیار داشته و ممکن است به آن‌ها توجه نکرده باشید، دارای اهمیت است.

تعریف مفاهیم داده تا خرد: سلسله‌مراتب داده، اطلاعات، دانش و خرد^۱

در مدل یا هرم از داده تا خرد که برای مدیریت دانش در نظر گرفته شده است، چهار اصطلاح داده، اطلاعات، دانش و خرد مورد توجه قرار گرفته‌اند. مدل یا هرم داده تا خرد یک مدل سلسله‌مراتبی است که به ترتیب در پایین‌ترین سطح آن داده‌ها، بعد اطلاعات، سپس دانش و در بالاترین

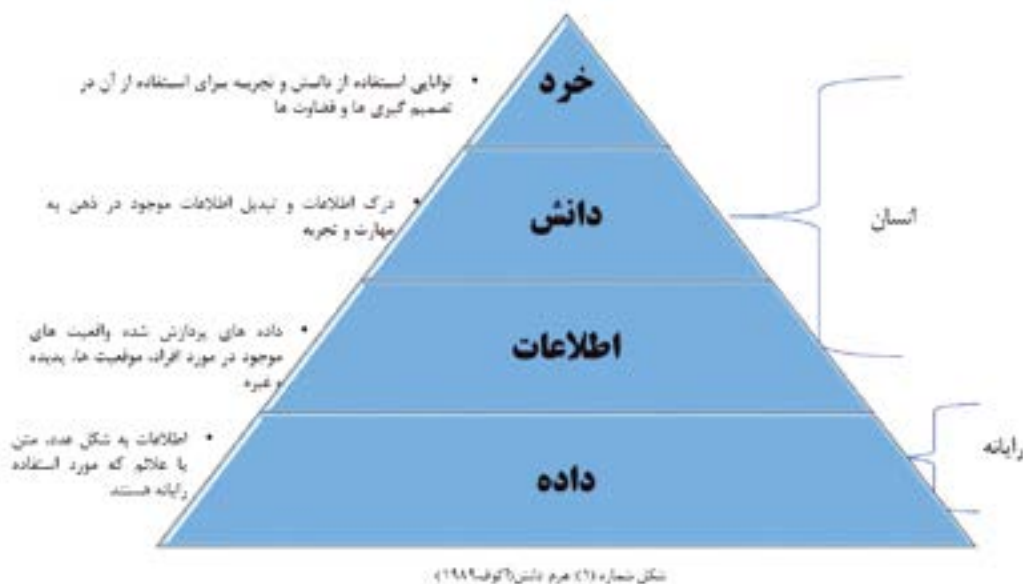
شدن با این داده‌ها طراحی شده‌اند، دسترسی داریم. می‌توانیم از این اطلاعات برای بهبود تصمیم‌گیری استفاده کنیم، اما تنها در صورتی که بدانیم چه چیزی می‌خواهیم و هدفمان چیست و رابطه را با چرایی و علت اشتباه نگیریم. در این پژوهش به ترتیب، به مفاهیم داده، اطلاعات، دانش و خرد و سپس از فرایند تبدیل داده به اطلاعات، اطلاعات به دانش و دانش به خرد، موانع موجود بر سر راه تبدیل داده به دانش و ارائه چند راهکار و در نهایت نتیجه‌گیری از داده تا ارزش پرداخته خواهد شد.

از داده تا خرد

بدون شک اصطلاحاتی چون داده، اطلاعات، محتوا و دانش را مکرر به کار می‌بریم. علاوه بر این ممکن است اصطلاحات دیگری نیز در این رابطه به کار ببرید. «انواع» و «ویژگی‌های مختلف داده، اطلاعات و محتوا مانند محتوای بدون ساختار و داده‌های بدون ساختار، داده‌های ساختاریافته، داده‌های جریان‌ی، داده‌های بزرگ و اطلاعات نیمه ساختاریافته را توصیف می‌کنند.

در عصر اطلاعات که عصر هرج‌ومرج اصطلاحات و واژه‌ها است، زندگی می‌کنیم. عصری که در آن داده‌ها، محتوا، اطلاعات و دانش قدرت محسوب می‌شوند و ارزش و قدرت آن‌ها، در استفاده و به‌کارگیری آن‌ها در همه بخش‌های زندگی اعم از صنعتی، کسب‌وکار اجتماعی، اقتصادی و غیره است. عصری که در آن تجزیه‌وتحلیل کلان داده فرایندی کلیدی محسوب می‌شود و داده‌های معتبر، باارزش و مرتبط برای رسیدن به هدف و نتیجه‌گیری بیش از همیشه دارای اهمیت هستند. در عصر اطلاعات به دلیل

این ایده که «دانش عین قدرت است» جدید نیست، اما در سطح جهانی، در نتیجه پیشرفت سریع فناوری اطلاعات، این موضوع، اکنون بیش از هر زمان دیگری صادق است. به‌طور فزاینده‌ای، دانش (از جمله ظرفیت ایجاد آن) به ورودی اصلی اقتصادی تبدیل می‌شود که در نهایت، اهمیت زمین، سرمایه و نیروی کار را جایگزین می‌کند.



شکل شماره ۱: هرم دانش (کوفه، ۱۹۹۹)

آن نیست بلکه به معنای این است که بنیاد و خشت اول برای تولید اطلاعات است که بر اساس آن اطلاعات تولید و با داشتن اطلاعات دانش تولید می‌شود و با داشتن دانش خرد. وقتی که یک فرایند تجاری و یا هدف را دارید، این فرایند و هدف با داده، اطلاعات، محتوا و بینش به انجام می‌رسد. داده پایه است تا داده نباشد اطلاعات ایجاد نمی‌شود تا اطلاعات نباشد، دانش ایجاد نمی‌شود و تا دانش ایجاد نشود هیچ ارزش مادی یا معنوی ایجاد نمی‌شود. داده ماده خام و خشت اول است که اگر بی کیفیت باشد- تا ثریا می‌رود دیوار کج- اطلاعات بی کیفیت، دانش بی کیفیت و در نتیجه ناشستن ارزش و خرد را به دنبال دارد.

برای اینکه داده‌ها به اطلاعات تبدیل شوند، باید عملیاتی شود و در متن قرار گیرند، طبقه‌بندی، محاسبه و یکپارچه شوند (داونپورت و پروساك، ۳، ۲۰۰۰). بنابراین اطلاعات، داده‌های مرتبط و هدفمند هستند (بالی و همکاران، ۲۰۰۹). اطلاعات ممکن است یکسری گرایش‌ها و دیدگاه‌ها را در محیط‌های عملیاتی منتقل کند، یا شاید الگویی از فروش را برای یک دوره زمانی مشخص نشان دهند. اساساً اطلاعات «در پاسخ به سؤالاتی می‌آید که با کلماتی مانند چه کسی، چه چیزی، کجا، چه زمانی و چقدر آغاز می‌شوند (آکوف، ۱۹۹۹)». در حال حاضر فناوری‌های اطلاعات، ابزاری مفید برای تبدیل داده به اطلاعات به سرعت و سهولت هستند، به خصوص در شرکت‌های بزرگ‌تر که مقادیر زیادی اطلاعات در بخش‌های مختلف و عملیاتی تولید می‌کنند، بسیار ارزشمند است. مغز انسان به‌طور عمده برای کمک به زمینه‌سازی و جهت دادن به استفاده از فناوری‌ها در تبدیل داده به اطلاعات از نیازهای اساسی تبدیل اطلاعات است.

مدیریت کسب‌وکارها با یک رویکرد کل‌نگر برای رسیدن به هدف نهایی، نیاز به داده پردازش شده و تولید اطلاعات دارد. مجموعه‌ای از داده‌های ساختاریافته، نیمه ساختاریافته و بدون ساختار وجود دارد که روزبه‌روز در حال افزایش هستند؛ بنابراین، بیشتر داده‌ها باید جمع‌آوری شوند و بر اساس هدفی که محیط عملیاتی برای رسیدن به آن تلاش می‌کند در ذهن متخصصین و نیروی انسانی این محیط عملیاتی، تجزیه و تحلیل یا پردازش شوند و به اطلاعات تبدیل شوند.

داده و اطلاعات سرمایه‌های مهمی برای ایجاد ارزش در سطوح ممکن و متفاوت هستند. برای محافظت از آن‌ها باید همانند سایر سرمایه‌های مهم در زندگی عمل کنیم. با داده و اطلاعات باید با احتیاط رفتار شود چون آن‌ها

سطح آن خرد قرار گرفته است (آکوف، ۱۹۸۹). همان‌طور که می‌دانید تحولات و تغییرات زیادی در فضای داده و اطلاعات صورت گرفته است، از سیستم‌های ضبط اسناد گرفته تا سیستم‌های معنایی، شناختی، تجزیه و تحلیل داده‌ها، متن‌کاوی، داده‌کاوی و هوش مصنوعی. از حجم بسیار زیاد داده‌ها و منابع اطلاعاتی گوناگون و فرایندهای پیچیده دستیابی به آن‌ها توسط کسب‌وکارهای مختلف و نیروی انسانی در همه تخصص‌ها و کاربران با نیازهای متفاوت مانند تولیدکننده، مصرف‌کننده، پژوهشگر، کارگر و کاربران بی‌شمار از طریق منابع الکترونیکی مانند پایگاه‌های اطلاعاتی، کتابخانه‌های دیجیتال، شبکه‌های اجتماعی مختلف با استفاده از رسانه‌های مختلف تلویزیون، گوشی‌های همراه، رایانه‌ها و غیره استفاده می‌شود و منجر به تغییر انتظارات کاربران مختلف می‌شوند. با این حال، در حال حاضر لازم است تا داده‌ها، اطلاعات و دانش مورد ارزیابی قرار گیرند تا نه تنها از داده‌ها و اطلاعات معتبر و مرتبط استفاده کنیم، بلکه از آن‌ها به روشی هوشمندانه برای انجام عمل و اقدامات مؤثر استفاده کنیم (هیترو و متر، ۲۰۲۰).

تعریف داده، اطلاعات، دانش و خرد

در هرم داده تا خرد، مشاهده می‌شود که خرد در نوک هرم، بعد از آن دانش، بعد از دانش، اطلاعات و سپس داده و در پایین‌ترین بخش هرم فراداده معنایی قرار دارند. در این هرم منظور از داده‌ها، نمادها یا نشانه‌هایی در نظر گرفته می‌شوند که نشان‌دهنده محرک‌ها یا سیگنال‌هایی هستند که «تا زمانی که در یک محیط عملیاتی مورد استفاده قرار نگیرند، استفاده معناداری از آن‌ها نمی‌شود.» از داده تعاریف زیادی شده است. یکی از این تعاریف این است که: داده‌ها مجموعه‌ای از علائم و نمادهایی هستند که به‌خودی‌خود بی‌معنی هستند و در تصمیم‌گیری‌ها از آن‌ها استفاده نمی‌شود. مثلاً اگر یک سنسور بگوید ۲۸ درجه سانتی‌گراد است، این داده است. اگر شخصی در وبسایت شما ایمیل خود را برای ثبت‌نام در خبرنامه شما وارد کند، این داده است. با تمام این داده‌ها به این ترتیب شما هیچ‌چیز نمی‌دانید. این صرفاً یک واقعیت خام مانند یک عدد یا یک رشته متن است. داده‌ها حقایقی هستند که روی موضوعی خاص تأکید دارند، اما به‌هیچ‌وجه سازمان‌دهی نشده‌اند و اطلاعات زیادی در مورد الگوها، زمینه‌ها و روابط معنادار پدیده‌ها و غیره ارائه نمی‌دهند. اینکه داده در پایین هرم است به معنای بی‌اهمیت بودن

زمانی داده به ارزش تبدیل می‌شود و سود و فایده و یا به عبارت دیگر ارزش مادی و معنوی تولید می‌کند که مسائل و مشکلات جهت انجام پژوهش و تولید اطلاعات، اولاً بر اساس نیاز انتخاب شوند، دوم، داده‌های گردآوری شده دارای کیفیت لازم جهت استفاده در تصمیم‌گیری‌های زندگی در همه بخش‌ها باشند و در تحلیل داده‌ها، معیارهای دقت و صحت و مرتبط بودن داده‌ها مورد نظر قرار گرفته شود تا در نتیجه به اطلاعات با کیفیت تبدیل شوند.



مختلف (ضمنی یا صریح) و محتوای متفاوت دانش ایجاد می‌شود. این فرایند اجتماعی و معرفتی منجر به ایجاد چهار شیوه تبدیل دانش می‌شود که عبارتند از: جامعه‌پذیری (از دانش ضمنی فردی به دانش ضمنی گروهی)، برونی‌سازی (از دانش ضمنی به دانش آشکار)، ترکیب (از دانش صریح فردی به دانش آشکار سیستمی) و درونی‌سازی (از دانش آشکار به دانش ضمنی) (نوناکا، ۱۹۹۶).

این ایده که «دانش عین قدرت است» جدید نیست، اما در سطح جهانی، در نتیجه پیشرفت سریع فناوری اطلاعات، این موضوع، اکنون بیش از هر زمان دیگری صادق است. به‌طور فزاینده‌ای، دانش (از جمله ظرفیت ایجاد آن) به ورودی اصلی اقتصادی تبدیل می‌شود که در نهایت، اهمیت زمین، سرمایه و نیروی کار را جایگزین می‌کند (دیویس، ۱۹۹۴).

خرد عبارت است از ترکیب دانش و تجربه و حتی فراتر از ترکیب این دو بخش. در اصل، خرد از طریق یادگیری دانش و تجربه عملی در زندگی روزمره رشد می‌کند که هر دو یعنی دانش و تجربه عملی به‌وسیله اعتقاد اخلاقی فیلتر می‌شوند (کوستا، ۱۹۹۵).

سینکزنت میهالی و ناکامورا^۵ (۲۰۰۵) خرد را در دو مفهوم توصیف می‌کنند، یکی محتوای خرد و دیگری توانایی تفکر و یا عمل خردمندانه. به عبارت دیگر خرد یک بخش اطلاعاتی دارد و یک بخش فرایندی. دانش و خرد هر دو، با ماهیت و ساختار اطلاعات سروکار دارند، منظور از ماهیت اطلاعات، کیفیت اطلاعات است و از بعد ساختار، منظور فرایند ایجاد اطلاعات جدید است. خرد توانایی شناخت در سطح بالاتری از دانش را دارد و از دانش ذهنی برای فراهم کردن دانش مرتبط با موقعیت خاص و محیط عملیاتی که احتمالاً شکل عینیت را به خود می‌گیرد، استفاده می‌کند (گولدرگ، ۲۰۰۵). از سوی دیگر، به نظر می‌رسد که آگاهی یک جریان است که نشان‌دهنده ارتباط آن با آگاهی از دانش ذهنی است. به‌عنوان فرآیند، خرد نشان‌دهنده ویژگی ذهن انسان برای آگاهی از ماهیت و ساختار اطلاعات است. از سوی دیگر خرد همیشه با تفکر نظام‌مند و شناخت نظمی، فراتر از وابستگی متقابل چرخه حیات و یا حتی جهان در ارتباط است. همین‌طور، آگاهی از ماوراءالطبیعه، آگاهی عادی را محدود می‌کند و حساسیت و آگاهی را نسبت به دانش ذهنی تجسمی، شهودی و یا معنوی افزایش می‌دهد. افزایش حساسیت و آگاهی نسبت به دانش ذهنی منجر به افزایش شناخت روابط متقابل مرتبط با اطلاعات می‌شود (بنت و بنت، ۲۰۰۸).

معنای خود را از هدف می‌گیرند و به کالای اقتصادی تبدیل می‌شوند، همچنین با وجود داده‌ها است که دارای سرمایه تجاری هستیم. درک ارزش بالقوه داده و اطلاعات و توانایی سرمایه‌گذاری روی آن‌ها دارای اهمیت است.

دانش ارتباط نزدیکی با انجام کار دارد و متضمن دانش و تجربه است. دانشی که هر فرد به دست می‌آورد حاصل عمل به اطلاعات او است و محصولی که تولید می‌کند برگرفته از دانش و تجربه او و هنجراهایی است که در اختیار دارد. او با استفاده از آن دانش و تجربه خود اطلاعات جدیدی که وارد محیط عملیاتی می‌شود را ارزیابی می‌کند (داونپورت و پروساک، ۲۰۰۰). تعریف گمبل و بلک ول (۲۰۰۱) از دانش که دقیقاً مبتنی بر تعریف داونپورت و پروساک (۲۰۰۰) است، چنین است: «دانش ترکیبی پویا از تجربه ساخت‌یافته، ارزش‌ها، اطلاعات زمینه‌ای یا عملیاتی، بینش متخصصین و شهود بنیادی است که محیط و چارچوبی را برای ارزیابی و تلفیق تجربیات و اطلاعات جدید فراهم می‌کند. از اطلاعات منتشر شده توسط دانشمندان سرچشمه گرفته و برای انجام عملی خاص استفاده می‌شود.»

معرفت‌شناسی غربی به‌طور سنتی دانش را به‌عنوان «باور واقعی» تعریف کرده است. با اینکه، این تعریف به‌خوبی پذیرفته شده، ولی مهارت‌های فیزیکی یا دانش تجسم شده را در بر نمی‌گیرد. دانش «مجموعه معنی‌داری از اطلاعات است که یک باور واقعی موجه و یا یک مهارت فنی تجسم‌یافته را شامل می‌شود». بنابراین، خلق دانش «فرایند انسانی فعال برای توجیه باور شخصی نسبت به حقیقت و یا تجسم یک مهارت فنی از طریق تمرین است». دو نوع دانش وجود دارد: دانش ضمنی (مانند شهود، مدل‌های ذهنی بیان نشده، یا مهارت‌های فنی تجسم‌یافته) و دانش آشکار (مجموعه‌ای معنی‌دار از اطلاعات ارائه‌شده به زبان ساده مانند اعداد یا نمودارها). ژاپنی‌ها تمایل دارند دانش را در درجه اول «ضمنی» در نظر بگیرند، یعنی برقراری ارتباط فردی در حوزه‌های خاص و برای برقراری ارتباط با دیگران با رایانه. از سوی دیگر، غربی‌ها تمایل دارند دانش را «به‌صراحت» ببینند، یعنی پردازش رسمی، عینی و نه‌چندان دشوار با رایانه. این دو نوع دانش کاملاً از هم جدا نیستند، بلکه هر دو نوع دانش مکمل یکدیگرند. آن‌ها در فعالیتهای خلاقانه افراد یا گروه‌ها با یکدیگر تعامل دارند و با یکدیگر تبادل می‌کنند که این فرض کلیدی نظریه پویای خلق دانش سازمانی است. به‌طور دقیق‌تر، فرض می‌کنیم که دانش سازمانی جدید، توسط تعاملات انسانی بین افراد با انواع

اطلاعات در صورتی می‌تواند به مهارت و دانش و در نتیجه کالا و خدمات تبدیل شود که دارای کیفیت لازم باشد. در صورتی دانش و کالا و خدمات به ارزش تبدیل می‌شود که باعث ارتقا کیفیت و استانداردهای تولید شده در محیط‌های کسب‌وکار مختلف از نظر مادی و معنوی و در نتیجه توسعه آن کسب‌وکار در سطح ملی و بین‌المللی شود.

نباشند به دو مرحله قبل یعنی تحلیل مسئله برمی‌گردیم. بعد از مرحله گردآوری داده در صورت داشتن داده‌های باکیفیت، با نرم‌افزارهای مناسب هر نوع داده (کمی، کیفی و غیره)، روش پژوهش و ابزار گردآوری، آن‌ها را تحلیل می‌کنیم. مواردی که در مرحله تحلیل لازم است مورد توجه قرار گیرند، عبارتند از استفاده از نرم‌افزارهای مناسب هر داده، شناسایی داده‌ها برای تعیین نوع تحلیل، آیا تحلیل آماری لازم است یا کیفی و یا سایر موارد؟

پس از تحلیل داده‌ها، یافته‌های حاصله بر اساس استدلال منطقی و تطبیق آن‌ها با اهداف و فرضیات، مطابقت آن‌ها با واقعیات موجود و مقایسه آن‌ها با پژوهش‌های انجام‌شده در سایر محیط‌های کسب‌وکار مرتبط با یافته‌ها به بحث گذاشته خواهد شد. در پایان این مرحله داده به اطلاعات در شکل‌های مختلف مانند مقاله، پایان‌نامه، کتاب و غیره تبدیل‌شده و معنادار شده که پس از انتشار آن‌ها توسط ناشران می‌توان از آن در تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها و تولید دانش و کالا در محیط‌های کسب‌وکار مورد استفاده قرار داد. بعد از این‌که اطلاعات به شکل‌های مختلف تولید شد، با توجه به فرمت انتشاراتی آن‌ها، در پایگاه‌های اطلاعاتی

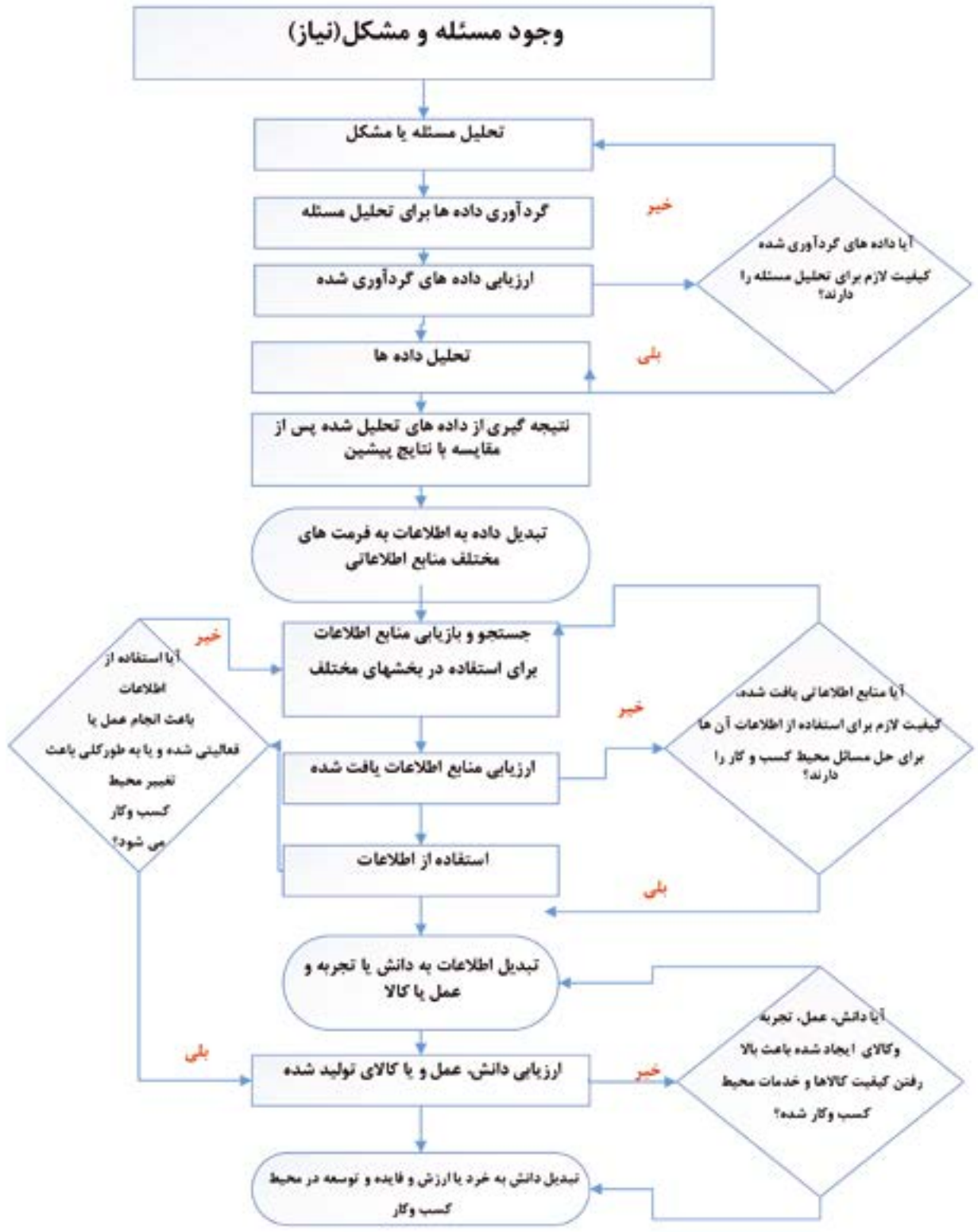
از داده تا ارزش در محیط کسب‌وکار

محیط‌های کسب‌وکار برای رسیدن از داده به ارزش، باید یک فرایند پویا و منظم از انتخاب داده تا انجام عمل و فعالیت برای تولید ارزش و خرد را دنبال کنند. شکل شماره (۲)، فرایند تبدیل داده به ارزش در محیط کسب‌وکار را نشان می‌دهد. در مرحله اول این فرایند، نیاز و یا به عبارتی مسئله و مشکلی دارد که به‌صورت واقعی در محیط کسب‌وکار باید باشد تا برای رفع این نیاز و یا حل مشکل، پژوهش انجام شود. مرحله اول مهم‌ترین مرحله و بنیادی‌ترین و یا به‌عبارت‌دیگر خشت اول است. به این دلیل که اگر نیاز یا مسئله درست تشخیص داده نشود، داده‌های باکیفیت و مرتبط گردآوری نخواهد شد.

مرحله دوم این فرایند تحلیل مسئله در محیط عملیاتی کسب‌وکار است. تحلیل نیاز یا مسئله از چند بعد لازم است مورد ارزیابی قرار گیرد: اول تعریف مسئله و نیاز اطلاعاتی، با تعریف آن، ابعاد مسئله و اهداف یا فرضیات مشخص و نقشه راه مشخص می‌شود و در یک حوزه موضوعی دقیقاً مسائلی که حل آن به جامعه کمک می‌کند، انتخاب می‌شود، سوم این‌که آیا واقعاً نیاز به بررسی مسئله و مشکل وجود دارد؟ یا به عبارتی ضرورت دارد یا نه؟ از طرف دیگر نتایج این بررسی در کجاها مورداستفاده خواهد بود و یا به عبارتی اهمیت این مسئله چیست؟

مرحله بعد از شناخت نیاز یا مسئله و ابعاد آن از نظر ضرورت انجام پژوهش یا حل مسئله است، اهمیت و تشریح مسئله، فرایند گردآوری داده‌های مرتبط با مسئله متناسب با محیط کسب‌وکار است. در این مرحله پژوهشگر، داده‌های خام که حکم مواد خام را برای رسیدن به هدف پژوهش که تولید اطلاعات است را با ابزار متفاوت گردآوری می‌کند. این ابزار با توجه به حوزه موضوعی پژوهش در محیط کسب‌وکار، روش پژوهش و اهداف پژوهش متفاوت هستند. بعضی از این ابزار عبارتند از مشاهده، مصاحبه، پرسشنامه و غیره. پس از گردآوری داده‌ها، ضرورت دارد تا برای یافتن نقاط قوت و ضعف داده‌های گردآوری‌شده ارزیابی صورت گیرد. لازم است تا داده‌های گردآوری‌شده از نظر دقت، صحت و مرتبط بودن داده‌های گردآوری‌شده با مسئله یا نیاز مورد ارزیابی قرار گیرند. هر چه داده‌هایی که گردآوری می‌شوند، دارای صحت و دقت بالاتر باشند و کاملاً با مسئله و ابعاد آن ارتباط داشته باشند، اطلاعاتی که جهت تصمیم‌گیری و تولید عمل و کالا استفاده می‌شوند، دارای کیفیت بالاتری خواهند بود. در این مرحله اگر داده‌ها دارای کیفیت لازم برای رسیدن به هدف بودند، به مرحله بعد یعنی تحلیل داده می‌رویم و اگر دارای کیفیت لازم





شکل شماره (۳): فرایند داده تا ارزش

بعد یعنی تولید ارزش، سود مادی و معنوی و رشد و توسعه در محیط کسب‌وکار راه می‌یابیم. در غیر این صورت به مرحله جستجو و بازیابی منابع برمی‌گردیم.

پس نتیجه می‌گیریم که زمانی داده به ارزش تبدیل می‌شود و سود و فایده و یا به عبارت دیگر ارزش مادی و معنوی تولید می‌کند که مسائل و مشکلات جهت انجام پژوهش و تولید اطلاعات، اولاً بر اساس نیاز انتخاب شوند، دوم، داده‌های گردآوری شده دارای کیفیت لازم جهت استفاده در تصمیم‌گیری‌های زندگی در همه بخش‌ها باشند و در تحلیل داده‌ها، معیارهای دقت و صحت و مرتبط بودن داده‌ها موردنظر قرار گرفته شود تا در نتیجه به اطلاعات باکیفیت تبدیل شوند. اطلاعات در صورتی می‌تواند به مهارت و دانش و در نتیجه کالا و خدمات تبدیل شود که دارای کیفیت لازم باشد. در صورتی دانش و کالا و خدمات به ارزش تبدیل می‌شود که باعث ارتقا کیفیت و استانداردهای تولید شده در محیط‌های کسب‌وکار مختلف از نظر مادی و معنوی و در نتیجه توسعه آن کسب‌وکار در سطح ملی و بین‌المللی شود.

موانع موجود بر سر راه تبدیل دانش مکتوب یا به عبارتی اطلاعات به عمل و کالا و در نتیجه ارزش عبارتند از: (۱) شکاف میان دانستن و عمل کردن، (۲) بیشتر از آن که عمل کنیم، حرف می‌زنیم و حرف زدن را با عمل کردن یکی می‌دانیم، (۳) سازمان‌هایی که دانش عملکردی را به کار نمی‌بندند غالباً به گونه‌ای رفتار می‌کنند که وضعیت فعلی سازمان تقلید کاملی از گذشته است، (۴) سازمان‌هایی که در تبدیل دانش به عمل موفق نبودند، بر آن‌ها جوی از ترس و ناامیدی حاکم است که خود مانعی بزرگ بر سر راه تبدیل دانش به عمل است، (۵) سنجش کردن و فرایند اندازه‌گیری، فرایند ارزیابی درست طراحی نشده و نظام‌های سنجش پیچیده و غیرضروری از بزرگ‌ترین موانع موجود بر سر راه تبدیل دانش به عمل هستند، (۶) میزان رقابت در هر جامعه و یا سازمان تا حد زیادی امری است انتخابی و نتیجه اجتناب‌ناپذیر بعضی از ویژگی‌های ذاتی بشر نیست.

راهکارهای پیشنهادی برای خروج از این موانع بر اساس مطالب فوق عبارتند از: (۱) چرایی را قبل از چگونگی درک کنید، (۲) تعهد به عمل، (۳) ساده‌سازی، (۴) سرمایه‌گذاری روی یادگیری، (۵) با ترس روبه‌رو شوید، ترس یکی از بزرگ‌ترین عوامل فلج‌کننده موفقیت و پیشرفت است، (۶) کمال‌گرایی را از خود دور کنید و (۷) اندازه‌گیری درست پدیده‌ها، برای تشویق عمل باید اطمینان حاصل کنیم که پدیده‌ها را درست می‌سنجیم. ♦♦

تخصصی و بین‌رشته‌ای و توسط بعضی موتور کاوش‌ها مانند گوگل، سازمان‌دهی (نمایه‌سازی و چکیده‌نویسی و یا طبقه‌بندی موضوعی) می‌شوند و ایجاد امکانات جستجو برای آن‌ها فراهم می‌گردد.

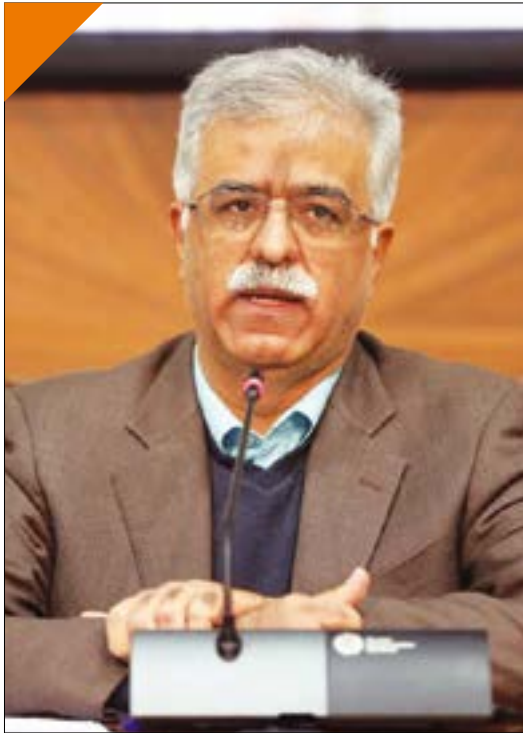
بعد از تولید اطلاعات به شکل‌های مختلف اطلاعاتی و ایجاد پایگاه‌های اطلاعاتی مرحله بعد یعنی جستجو و بازیابی منابع اطلاعاتی است. در این مرحله فرد بر اساس نیاز به اطلاعات برای تصمیم‌گیری و حل مشکلات زندگی و برنامه‌ریزی و یا استفاده آن برای انجام پژوهش جدید و تولید اطلاعات جدید و یا برای تولید مهارت و دانش، منابع اطلاعاتی موردنیاز خود را جستجو و بازیابی می‌کند. در صورت یافتن منابع از مراکز مختلف در این مرحله لازم است تا منابع از نقطه‌نظرهای مختلف مانند، اعتبار ناشر و نویسنده، ارتباط با نیاز اطلاعاتی در محیط کسب‌وکار، جدید بودن اطلاعات، تعداد استنادات، رتبه علمی نشریه (ضریب تأثیر) پایگاهی که آن را نمایه می‌کند و محتوای منبع مورد ارزیابی قرار گیرد. در صورتی که اطلاعات از کیفیت و اعتبار و روزآمدی لازم برخوردار بود و با نیاز محیط کسب‌وکار موردنظر بود، به مرحله بعد یعنی استفاده از اطلاعات می‌رویم و در صورت نداشتن کیفیت و عدم ارتباط با نیاز به مرحله قبل یعنی جستجوی منابع برمی‌گردیم.

مرحله بعد، استفاده از اطلاعات است. اطلاعات در همه بخش‌های محیط‌های کسب‌وکار، مانند سایر کالاهای اساسی مانند غذا و آب و غیره برای ادامه حیات بشر ضروری است. محیط‌های کسب‌وکار به تعداد نیازهایی که در بخش‌های مختلف زندگی دارد، از اطلاعات استفاده می‌کند. با مطالعه اطلاعات به‌منظور فقط آموزش و یادگیری و حفظ کردن اطلاعات با شیوه‌هایی فعلی آموزش در مدارس و دانشگاه‌ها پس از استفاده از اطلاعات، دانش و مهارت تولید نخواهد شد و در نتیجه تغییری صورت نخواهد گرفت. در صورتی اطلاعات در محیط‌های کسب‌وکار تغییر ایجاد می‌کند که به عمل، تجربه، دانش و یا کالا و یا اطلاعات جدید برای کسب‌وکار تبدیل شود.

دانش یا کالا و یا هر محصولی که پس از استفاده از اطلاعات تولید می‌شود، نیاز به ارزیابی دارد، دانش و کالای تولیدشده، با توجه به تغییراتی که در جامعه ایجاد کردند، تغییر سبک زندگی مردم، کیفیت زندگی مردم و یا کیفیت کالا در جهت تولید ثروت در جامعه و به‌طورکلی ارزیابی کیفیت زندگی مردم از نظر مادی و معنوی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. اگر دانش و کالا یا خدمت تولیدشده، توسعه مادی و معنوی محیط‌های کسب‌وکار و ارتقاء کیفیت کالا و یا خدمات تولید شده را به همراه داشته باشد، به مرحله

عمان

الزامات و پیش‌نیازهای توسعه تجارت و مراودات استان کرمان با کشور عمان



♦ محسن ضرابی

رئیس اتاق مشترک بازرگانی ایران و عمان و رئیس هیئت‌مدیره شرکت راه‌سازی و ساختمانی ۱۱۵

توسعه بازارهای هدف صادراتی نیازمند فراهم آوردن پیش‌نیازهایی در سطوح درون‌سازمانی، استانی، ملی و توسعه زیرساخت‌ها از جمله حمل‌ونقل جاده‌ای، ریلی و زمینی، سیاست‌گذاری‌های کلان اقتصادی، تدوین نقشه راه توسعه تجارت خارجی و نیز مقررات زدایی در این حوزه می‌باشد و بدون اتخاذ تدابیر لازم و تدارک زیرساخت‌های موردنیاز، علی‌رغم برخورداری استان از تمامی ظرفیت‌های معدنی، کشاورزی و صنعتی، صحبت از توسعه تجارت خارجی استان کرمان در حد شعار بوده و توفیقی حاصل نخواهد شد.

یکی از معضلات اساسی که ما در حوزه صادرات به کشور عمان همواره با آن روبه‌رو می‌باشیم، عدم وجود نیروی متخصص با دانش و تجربه مناسب در واحدهای تولیدی کشور و وضعیت مطالعه بازار، بازاریابی، برندینگ و به‌طور کلی چگونگی ورود به بازارهای بین‌المللی می‌باشد و این معضل از آنجایی نشئت می‌گیرد که متأسفانه در کشور، نگاه تخصصی به امر بازرگانی بین‌الملل وجود ندارد و همین مهم سبب شده است که علی‌رغم برخورداری کشور از واحدهای تولیدی توانمند با سطح کیفیت و قیمت قابل رقابت، نتوانند به بازارهای جهانی و منطقه‌ای به‌خوبی ورود کنند و در موارد متعددی شاهد آنیم که به سبب عدم تسلط بر چگونگی تنظیم اسناد و قراردادهای تجاری، چگونگی استفاده از بیمه‌های صادراتی، ضوابط دآوری در قراردادهای تجاری، تجار با دعوای حقوقی عیدیه‌ای مواجه می‌شوند.

نکته مهم دیگری که همواره به‌عنوان یکی از معضلات اساسی در امر صادرات ذکر می‌شود، عدم برخورداری از بسته‌بندی مناسب صادراتی و در کلاس جهانی خصوصاً در محصولات کشاورزی می‌باشد؛ به‌عنوان مثال، استان کرمان از پتانسیل بالایی در تولید کیفی انواع خرما برخوردار است و به‌طور اخص در ایام ماه مبارک

رمضان، رطب مضافتی بم با قابلیت بالایی برای صادرات به کشورهای حوزه خلیج فارس و از جمله عمان روبه‌روست، لیکن گاهی تجار عمان از بسته‌بندی ضعیف رطب مضافتی صادراتی ایران گله‌مند بوده و متأسفانه امکان عرضه در فروشگاه‌های زنجیره‌ای عمان وجود نداشته و یا ناچارند با قیمت‌های بسیار پایین عرضه نمایند.

از سوی دیگر، ورود به بازار هرکشور، مستلزم شناخت نوع فرهنگ حاکم بر کشور، رفتار مصرف‌کننده، شناخت محصولات رقابتی وارداتی از سایر کشورها به عمان و نوع قیمت‌گذاری‌ها می‌باشد که این مهم نیز جز با مطالعه میدانی و حضور در بازار یک کشور امکان‌پذیر نمی‌باشد.

با توجه به گلوگاه‌های ذکر شده که اساساً بازمی‌گردد به چالش‌های مرتبط با شرکت‌ها و واحدهای تولیدی

به‌عنوان متولی فعالان اقتصادی بخش خصوصی ایران در عمان و نیز تعامل مثبت اتاق مشترک با اتاق عمان در ساماندهی اعزام و پذیرش هیئت‌های تجاری، ایجاد ارتباط با تجار عمانی در رشته فعالیت‌های مختلف، شناساندن پتانسیل‌های تولیدی ایران و فراهم آوردن حمایت‌های یارانه‌ای و تخفیف برای حضور فعالان اقتصادی کشور در نمایشگاه‌های تخصصی عمان، تنوع محصولات صادراتی به کشور عمان افزایش قابل توجهی یافته است به‌گونه‌ای که امروز شاهد صادرات انواع محصولات معدنی اعم از کانی‌های فلزی و غیرفلزی، میوه و محصولات کشاورزی، مواد غذایی، آزیان، انواع مصالح ساختمانی اعم از کاشی و سرامیک، سیمان، کلینکر، چینی‌آلات و شیرآلات بهداشتی، سیم و کابل و تجهیزات الکتریکی، انواع محصولات سلولزی، مبلمان و تجهیزات آشپزخانه به‌عنوان مهم‌ترین اقلام صادراتی ایران به عمان می‌باشیم.

استان کرمان دارای پتانسیل بالقوه‌ای در حوزه مواد معدنی، میوه و محصولات کشاورزی و تجهیزات صنعتی و مصالح ساختمانی می‌باشد که تمامی این موارد

صادراتی کشور، ساماندهی و ایجاد شرکت‌های مدیریت صادرات (EMC) با محوریت اتاق‌های بازرگانی که به‌صورت تخصصی زنجیره تأمین از تولیدکنندگان تا بازاریابی، برندسازی و صادرات محصول نهایی را مدیریت و عملیاتی نمایند از اهمیت بسزایی برخوردار است. گام بعدی در امر صادرات، مطالعه بازار و شناسایی کالاها و خدماتی است که از پتانسیل مناسبی برای ورود به کشور هدف برخوردار است. تا سال ۱۳۹۲ و پیش از تشکیل اتاق مشترک ایران و عمان و عدم فراهم آمدن زیرساخت‌های تجاری میان دو کشور همچون برقراری خطوط حمل مستقیم دریایی و هوایی، حذف ویزای ورود برای شهروندان ایران، تسهیل ثبت شرکت در عمان، عمده‌ترین محصولات صادراتی ایران به عمان را فرآورده‌های پتروشیمی، کانی‌های فلزی و حجم محدودی محصولات کشاورزی تشکیل می‌داد. لیکن در حال حاضر با فراهم آمدن زیرساخت‌های اقتصادی، ارتباط تنگاتنگ سازمان توسعه تجارت به‌عنوان متولی سیاست‌گذاری تجارت خارجی کشور با بخش خصوصی و همکاری صمیمانه این سازمان با اتاق مشترک





می‌تواند به شرط فراهم آوردن زیرساخت‌های موردنیاز از بازار بسیار خوبی در عمان برخوردار باشند، اما باید در نظر بگیریم توسعه صادرات بازار کرمان نیازمند ایجاد یکسری زیرساخت‌ها در داخل استان می‌باشد. یکی از مهم‌ترین زیرساخت‌ها، توسعه شبکه حمل‌ونقل زمینی از استان کرمان به بنادر جنوبی کشور است که در حال حاضر یک مشکل جدی برای استان قلمداد می‌شود. از سوی دیگر صدور بخشنامه‌های دست‌وپاگیر در سال‌های گذشته و ایجاد ممنوعیت‌های صادراتی، چالش دیگری است که می‌طلبد تا وزارت صمت درصد حذف بخشنامه‌هایی که مانع صادرات می‌شود، گردد. یکی از این بخشنامه‌ها ممنوعیت صادرات دام زنده است، صادرات دام زنده می‌تواند نقش مهمی در درآمدزایی استان داشته باشد. کشور عمان سالانه بالغ بر ۵۰۰ میلیون دلار دام زنده سبک وارد می‌کند. تا سال ۹۷ و پیش از اعمال ممنوعیت‌های صادراتی دام زنده، میزان صادرات دام زنده سبک ایران به عمان بالغ بر ۱۷۹ میلیون دلار بود و با اعمال ممنوعیت‌ها از سال ۹۷، عملاً بخشی از دام زنده سبک ایران به صورت غیررسمی و قاچاق در حال صادرات به کشور عمان بوده و بخشی دیگر نیز توسط سایر کشورها تأمین شده است که این مهم سبب از دست دادن بازار و جایگزینی با سایر کشورها به جای ایران گردید، حال آن‌که براساس اعلام اتحادیه تولیدکنندگان و صادرکنندگان دام زنده، در حال حاضر در داخل با مازاد دام زنده سبک روبه‌رو هستیم. در شرایط فعلی، امکان صادرات دام زنده سبک وجود دارد، لیکن محدودیت‌های ناشی از بخشنامه‌های ستاد تنظیم بازار، مانعی بر سر راه تحقق این مهم می‌باشد. از سویی دیگر، در صورت صادرات دام زنده، امکان واردات نهاده‌های دامی نیز به صورت تهاوتی وجود دارد که با واردات این نهاده امکان افزایش تولید دام زنده سبک و سنگین با توجه به ظرفیت کشور فراهم می‌گردد.

همچنین، با توجه به اینکه استان کرمان یک استان معدنی می‌باشد، اما در حال حاضر با توجه به بخشنامه‌های وزارت صمت، صادرات محصولات معدنی و فولادی تنها محدود به تولیدکنندگان شده و صادرکنندگان و فعالان اقتصادی بخش خصوصی کشور تحت شرایط بسیار خاص و با ارائه تعهدنامه‌هایی توسط تولیدکنندگان مبنی بر برگشت ارز حاصل از صادرات، امکان صادرات را خواهند داشت و این در حالی است که بسیاری از واحدهای تولیدی فرآورده‌های معدنی و فولادی ایران

بسیاری از واحدهای تولیدی فرآورده‌های معدنی و فولادی ایران تحت تحریم‌های ظالمانه آمریکا بوده و شرکت‌های عمانی از عقد قراردادهای تجاری به صورت مستقیم با این گروه از شرکت‌ها امتناع نموده و بخش خصوصی است که می‌تواند در مورد بازاریابی، بازاریابی و مذاکرات و تنظیم قراردادهای تجاری با کشور عمان اقدام نماید که عملاً امروزه صادرکنندگان این بخش خصوصی به دلیل ممنوعیت‌های ناشی از بخشنامه‌های وزارت صمت به تدریج در حال از دست دادن بازارهای صادراتی فرآورده‌های معدنی و فولادی ایران در عمان هستند.

تحت تحریم‌های ظالمانه آمریکا بوده و شرکت‌های عمانی از عقد قرارداد تجاری به صورت مستقیم با این گروه از شرکت‌ها امتناع نموده و بخش خصوصی است که می‌تواند در مورد بازاریابی، بازاریابی و مذاکرات و تنظیم قراردادهای تجاری با کشور عمان اقدام نماید که عملاً امروزه صادرکنندگان این بخش خصوصی به دلیل ممنوعیت‌های ناشی از بخشنامه‌های وزارت صمت به تدریج در حال از دست دادن بازارهای صادراتی فرآورده‌های معدنی و فولادی ایران در عمان هستند.

در حوزه محصولات کشاورزی، نظر به قرابت جغرافیایی استان کرمان به بنادر جنوبی و دسترسی آسان به بازار کشور عمان و اساساً حوزه خلیج فارس، پتانسیل غنی تولیدی میوه و محصولات کشاورزی بویژه در جنوب استان و نیز راه‌اندازی پایانه صادراتی جنوب کرمان، توسعه صادرات محصولات کشاورزی می‌تواند به عنوان یکی از ارزآورترین حوزه‌های کلیدی توسعه صادرات به عمان محسوب شود، اما متأسفانه همان‌گونه که پیش‌تر نیز اشاره شد، ما با خلاء جدی وجود شرکت‌های مدیریت صادرات توانمند در استان جهت ساماندهی زنجیره عرضه تا صادرات محصول نهایی روبه‌رو هستیم.

از سوی دیگر، حضور در نمایشگاه‌های تخصصی عمان به عنوان یک شاهراه اساسی برای ورود به بازار عمان شناخته می‌شود. در کشور عمان سالانه بین ۸ تا ۱۲ نمایشگاه تخصصی برگزار می‌شود که با توجه به فرهنگ عمانی‌ها که یک فرهنگ کاملاً دیداری است، به فعالان اقتصادی استان، فعال در زمینه‌های مواد غذایی، محصولات کشاورزی، معدنی، مصالح ساختمانی و صنعت ساختمان و تولیدات صنعتی توصیه می‌شود در نمایشگاه‌های تخصصی عمان شرکت نموده و نسبت به معرفی محصولات خود بپردازند.

همچنین، می‌توانم این نوید را بدهم که در حال حاضر با تفاهم‌نامه همکاری سه‌جانبه‌ای که بین اتاق مشترک ایران و عمان، سازمان صنایع کوچک و شهرک‌های صنعتی ایران و سازمان توسعه تجارت منعقد شده است، در کنار تمامی رایزنی‌هایی که اتاق مشترک جهت اخذ تخفیف با مجریان نمایشگاه‌های تخصصی عمان جهت حضور شرکت‌های ایرانی به عنوان غرفه‌دار به عمل می‌آورد، امکان تخصیص پارانه به واحدهای تولیدی مستقر در شهرک‌های صنعتی جهت حضور در نمایشگاه‌های تخصصی عمان، تبلیغ در رسانه‌ها و نصب بنر در کشور عمان و همچنین ثبت برند و ثبت شرکت نیز بر اساس این تفاهم‌نامه وجود دارد. ♦♦

موانع تاریخی توسعه تجارت ایران



وزن نفت، دولت و کنترل قیمت در اقتصاد ایران همچنان برجسته است. رهایی از وابستگی به نفت، مستلزم پیشرفت در بخش کشاورزی، صنعت و خدمات است. توانایی در تولید رقابتی در سطح بازار جهانی، از راه آزاد کردن استعدادها و ابتکارها، امکان پذیر است. ایجاد فضای مساعد برای کسب و کار، جذب سرمایه گذاری خارجی و پیشبرد همگرایی اقتصادی در سطح منطقه ای و عضویت فعالانه در سازمان تجارت جهانی پیش شرط رفع موانع تجاری است.



فریدون شیرین کام
محقق تاریخ اقتصادی

چکیده

«موانع تجارت، عقب‌ماندگی، صنعتی شدن، حمایت از تولید داخل، صادرات غیرنفتی، قصه اندوهناکی است که دائماً تکرار می‌شود، به نظر می‌رسد برای برون‌رفت از آن در ۳۳ سال اخیر بورس فعال، شرکت‌های دولتی واگذار، سازمان خصوصی‌سازی تأسیس و اصل ۴۴ قانون اساسی، باز تفسیر شد. قانون حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی، مقررات-زدایی و رقابت‌پذیری به تصویب رسید. مناطق تجارت آزاد و غیره در چند نقطه شکل گرفت. تولید و قیمت‌گذاری بسیاری از کالاها به بازار سپرده شد. نرخ ارز شناور و در سال ۱۳۸۰ یکسان‌سازی نرخ ارز انجام شد. قیمت حامل‌های انرژی برای جلوگیری از اتلاف انرژی و کاهش یارانه، چند بار تغییر کرد. قوانین کارگری با هدف رشد و توسعه اقتصادی و سرانجام گسترش صادرات غیرنفتی و تجاری، اصلاح گردید. با همه این اقدامات وزن نفت، دولت و کنترل قیمت در اقتصاد ایران همچنان برجسته است. رهایی از وابستگی به نفت، مستلزم پیشرفت در بخش کشاورزی، صنعت و خدمات است. توانایی در تولید رقابتی در سطح بازار جهانی، از راه آزاد کردن استعدادها و ابتکارها، امکان‌پذیر است. ایجاد فضای مساعد برای کسب‌وکار، جذب سرمایه‌گذاری خارجی و پیشبرد همگرایی اقتصادی در سطح منطقه‌ای و عضویت فعالانه در سازمان تجارت جهانی پیش شرط رفع موانع تجاری است. اقتصاد ایران در دوره جنبش ملی شدن نفت ۱۳۳۲-۱۳۳۰ قادر نبود ۴۰ میلیون دلار صادرات غیرنفتی مازاد، جایگزین تحریم داشته باشد، همچنان بر اثر تحریم ترامپ، ۶۵ سال بعد نمی‌تواند ۵۰ میلیارد دلار صادرات مازاد داشته باشد تا جایگزین درآمدهای ناشی از نفت شود. با همه سرمایه‌گذاری‌های گسترده‌ای که در تاریخ ۱۰۰ صدسال ایران صورت گرفته است، ایران در میان ۱۵۰ شرکت و برند بزرگ بین‌المللی جایگاهی ندارد.»

موانع تجارت

اقتصاد ایران از دو مانع بزرگ نقش برجسته دولت و فرزند زمانه خود نبودن و از چند مشکل بوروکراتیک رنج می‌برد.

۱- تجارت دولتی و تلاش برای توسعه اقتصادی

حکومت رضاشاه در نیمه اول زمامداری‌اش، تجارت آزاد را عامل تضعیف اقتصاد ملی می‌دانست، دولتی شدن تجارت خارجی در سال‌های ۱۳۲۰-۱۳۱۰ و ۵۰ سال بعد، سال‌های ۱۳۶۹-۱۳۵۹ به صورت گسترده به اجرا درآمد تا از صنایع و تولید داخلی حمایت شود و از واردات کالای غیرضروری جلوگیری



موانع توسعه تجارت در هر دوره‌ای «قاجار، پهلوی و جمهوری اسلامی» متفاوت است. گرچه برخی عوامل بنیادی مثل دولت متمرکز، فقدان آزادی‌های مدنی، وابستگی به اقتصاد نفت و... در ۱۳۶ سال اخیر، همچنان بر حیات اقتصادی و اجتماعی ایران مسلط است. ایران دوره ناصری از دسترسی به جاده و راه آهن محروم بود، دانشگاه و نیروی انسانی ماهر نداشت منابع لازم برای سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها به شدت محدود بود. مداخله و نفوذ گسترده‌ای از سوی روسیه و انگلیس در تصمیم‌گیری سیاسی ایران اعمال می‌شد.

شود. غیرازاین دو مرحله، در صد سال گذشته انواع موانع مثل محدودیت و ممنوعیت ورود کالا، تعرفه و عوارض بالا در برابر تجارت آزاد وضع گردید.

وجود سؤال به صورت گسترده، گواهی بر برنامه‌ریزی ناکام دولت‌ها دارد. از زمانی که اولین ایرانیان مثل شوشتری در آغاز قرن ۱۹، پایشان به اروپا رسید، مقایسه غرب با ایران، در زمینه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی طرح شده است. مشهورترین آن‌ها گفت‌وگوی عباس میرزا، ولیعهد ۱۶ ساله، با ژویر فرستاده ناپلئون در سال ۱۸۰۶ م / ۱۱۸۴ ش است. «ای فرنگی بگو، این قدرتی که اروپایی‌ها را بر ما مسلط کرده چیست و موجب ضعف ما و ترقی شما شده؟ شما در به کار بردن قوای عقلیه متبحرید و ما در جهل، غوطه‌ور و به‌ندرت آتیه را در نظر می‌گیریم.» هم‌اکنون ۲۱۶ سال از این پرسش می‌گذرد، به نظر می‌رسد، داستان گذار به پیشرفت تجاری، سخت‌تر از آن است که ما در طی بیش از ۷ نسل تصور می‌کردیم. سفرنامه‌هایی که پیش از مشروطیت توسط حاج سیاح، نوشته شد در نقد همین وضعیت است «مال‌التجاره ایران، پنبه، ابریشم، خشکبار، پوست، برنج و ماهی است. مال‌التجاره روسیه قند و شکر، کبریت، کاغذ، شیشه و بلور و ... در اندک زمان، صنایع ایران را نابود و اهل ایران را پریشان و گرسنه خواهد کرد.» و زین‌العابدین مراغه‌ای در نقد کار جمعی نکردن و عدم تأسیس کارخانه نوشت «چرا تجار با هم شراکت نکرده، یک فابریک «کارخانه» کرباس فروشی و چیت سازی،

قندسازی در وطن خودشان احداث نمی‌کنند، که مردگانشان را بدان کفن کنند. این‌ها تاجر نیستند، مزدوران فرنگ‌اند و بلکه دشمن وطن خودشان هستند. نقود مملکت را بار کرده، به ممالک خارجه می‌ریزند و امتعه فرنگستان را به وطن نقل می‌دهند» (علی باقری، ص ۲۱۶)، داوری‌های زود و ارزیابی‌های غیرعلمی، نتوانست افقی برای رهایی بگشاید. باوجود ده‌ها کارخانه‌ای که طی سه دهه در ایران تأسیس شده بود. ابریشم، تریاک، پنبه، پوست، برنج، خشکبار، فرش، پسته و ... عمده محصولات صادراتی غیرنفتی ایران تا سال ۱۳۴۰ بود.

اصلاح‌گرایان با نوشتن سفرنامه، قصه، شعر، نمایشنامه، روزنامه، ترجمه متون گوناگون و ... دیدگاه‌های خود و راه‌های برون‌رفت از این موقعیت نامطلوب را توضیح دادند. نگاهی به متون تاریخی ۲۰ سال پیش از مشروطه تا زمان حال (حدود ۱۳۶ سال) به ما نشان خواهد داد که صدها کتاب، مقاله، سخنرانی، طرح پژوهشی، نوشته و ده‌ها فیلم، ساخته شده و بیش از ۱۱ برنامه ۵ ساله به اجرا درآمده است، اما گذار به توسعه صنعتی، همچنان امکان‌پذیر نشده است. اگر توسعه را به تعبیر حسین عظیمی «بازدهی و بهره‌وری فعالیت در ساعت کار، تولید متکی به دانش نه منابع، استفاده از ۵۰ درصد ظرفیت‌های علمی، فنی بر اساس زمان تاریخی و نهادینه شدن توان تولید در داخل» بدانیم، شکاف قابل توجهی در تولید ناخالص ملی ایران، با کشورهای پیشرفته «با وجود مصرف

منابع عظیم نفت و گاز» وجود دارد. «عظیمی، ص ۲۲۵» بین سال‌های ۱۷۵۰ م تا ۱۹۱۴ م ارزش پولی تجارت جهانی پنجاه برابر شد، یعنی از ۷۰۰ میلیون دلار به حدود ۴۰ میلیارد دلار افزایش یافت. (تافلر، ص ۱۲۱) در همین زمان تجارت ایران، وابسته به صادرات مواد اولیه و عمدتاً اقتصاد دیمی بود. روسیه مهم‌ترین بازار تجاری و صادراتی ایران بود رشد تجاری بین دو کشور بین سال‌های ۱۸۲۸ تا ۱۹۱۴ م هفت و نیم برابر افزایش داشت. (انتنر، ص ۱۴۵) موانع توسعه تجارت در هر دوره‌ای «قاجار، پهلوی و جمهوری اسلامی» متفاوت است. گر چه برخی عوامل بنیادی مثل دولت متمرکز، فقدان آزادی‌های مدنی، وابستگی به اقتصاد نفت و ... در ۱۳۶ سال اخیر، همچنان بر حیات اقتصادی و اجتماعی ایران مسلط است. ایران دوره ناصری از دسترسی به جاده و راه‌آهن محروم بود، دانشگاه و نیروی انسانی ماهر نداشت منابع لازم برای سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها به شدت محدود بود. مداخله و نفوذ گسترده‌ای از سوی روسیه و انگلیس در تصمیم‌گیری سیاسی ایران اعمال می‌شد.

تحولات زیادی در زمینه سخت‌افزاری «ساخت جاده، راه‌آهن، توسعه فرودگاهی، گسترش ارتباطات، توسعه دانشگاه‌ها و تربیت نیروی انسانی ماهر و ...» در ۱۲۰ سال گذشته در ایران فراهم شده است. با همه این‌گام‌ها، چرا توسعه صنعتی و تجاری رخ نداده است؟ مشکل از کجا ناشی می‌شود؟



۲- فرزند زمانه نبودن

در هر زمان تاریخی توسعه معنای خاص خود را دارد. در نیمه قرن ۱۹ راه آهن در غرب گسترش یافت. استفاده از ماشین بخار به صورت گسترده در صنایع مورد بهره‌برداری قرار گرفت. داشتن راه آهن یک مزیت برای صاحبان آن بود. برخورداری از راه آهن در قرن ۲۱ همان مزیت قرن ۱۹ را ندارد. توسعه اقتصادی زمانی رخ می‌دهد که کشورها، متناسب با هر دوره تاریخی حکومت و جامعه خود را توانمند و تجهیز نمایند. شکاف تاریخی بین خود و کشورهای پیشرفته را همچون کره جنوبی، تایوان، سنگاپور و... کاهش دهند. نوآوری و تحولات سازمانی متناسب با دنیای جدید رخ دهد. نگاهی به محصولات صادراتی و حجم تجاری ایران در مقایسه با ترکیه، مالزی، تایلند، ویتنام و... گواهی بر اقتصاد ضعیف ایران نسبت به سایر کشورها و عدم تطابق تاریخی آن با سایر کشورهای پیشرو می‌باشد.

بنیادی‌ترین موانع تجارت ایران، فقدان مزیت نسبی در بازار رقابتی است. نوآوری در هیچ حوزه کالایی در صنایع داخلی مشاهده نمی‌شود. وابستگی به دانش فنی، شرکت‌های خارجی گسترده است. ناکارایی تحقیق و پژوهش، به مانع بزرگی در سطح تولید قابل رقابت محصولات صنعتی منجر شد. تولید غیرمناسب با استانداردهای بین‌المللی، بازاریابی سنتی و ناتوانی در رقابت قیمتی، نقش مهمی در محدودیت بازار صادراتی ایران ایفا می‌کند. دولت در طی ۵۰ سال انواع معافیت مالیاتی در زمینه سرمایه‌گذاری، تحقیق، جوایز برای صادرات، وام‌های کم‌بهره و... به اجرا درآورد. بی‌ثباتی در سیاست‌گذاری داخلی و بحران‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، نتوانست نتایج روشنی

از سیاست‌های حمایتی در توسعه تجارت به دست آورد. نمایندگان بازرگانی ایران در سفارت‌خانه‌ها، نقش مهمی در توسعه فعالیت اقتصادی ایفا نمی‌کنند. بخش بزرگی از بوروکراسی مرتبط با تجارت به صورت ناکارا و کند عمل می‌کند، گویی برای توسعه تجارت آموزش ندیده‌اند.

۳- وابستگی تولید و تجارت به نفت

نفت از منابع مهم تأمین ارز ایران برای واردات، سرمایه‌گذاری و... در صد سال اخیر می‌باشد بیش از ۷۰ درصد ارز ناشی از صدور نفت، مشتقات نفتی، میعانات گازی و پتروشیمی می‌باشد. کم‌وزیاد شدن قیمت در سطح بین‌المللی، به کاهش و افزایش منابع برای سرمایه‌گذاری منجر می‌شود. اقتصاد به صورت زائیده‌ای از موقعیت نفت، در نوسان است.

صادرات غیرنفتی ایران ۶۰۰ میلیون دلار در سال ۱۳۵۶ بود، در حالی که درآمدهای نفتی با چند جهش از ۹۵۸ میلیون دلار در سال ۱۳۴۸ به ۱۸ میلیارد در سال ۱۳۵۴ افزایش یافت. مصرف داخلی به دلیل درآمدهای ناشی از نفت، متناسب با زمانه، در بین طبقه متوسط خصوصاً کارکنان نظامی و بوروکراسی، به بهبود شاخص‌های رفاهی منجر شد. در فقدان این درآمد، رفاه اجتماعی در حد پاکستان و بنگلادش تنزل می‌کرد. مجموع صادرات غیرنفتی ایران در طی برنامه ۵ ساله اول ۱۳۶۸-۱۳۷۲ حدود ۱۲ میلیارد دلار بود. این حجم صادرات برای یک جمعیت ۵۰ میلیونی سال ۱۳۷۰ نشانگر ضعف اقتصاد ایران در سطح ملی است. با وجود اینکه آموزش عالی ایران بیش از ۱۴ برابر افزایش یافت. سرمایه‌گذاری‌های زیادی در زمینه زیرساخت‌ها صورت گرفت و جمعیت ایران به بیش از ۶۲ میلیون نفر افزایش یافت.



در مقایسه با کشورهای غیرنفتی مثل ترکیه، مالزی و تایلند به توانمندی اقتصاد ایران منجر نگردید. در چنین وضعیتی سهم نفت در تولید ناخالص داخلی از ۲۵ درصد در ۱۳۸۴، به ۹،۴ درصد در اواسط نود شمسی بر اثر تحریم تنزل یافت.

۴- عدم عضویت در سازمان تجارت جهانی

توسعه در فضای بسته ایجاد نمی‌شود، یادگیری و رشد، حاصل ارتباط بین‌المللی و پیوند با بنگاه‌های صاحب تکنولوژی است. جهان در حال تحول در زمینه‌های گوناگون علمی و فنی است. فقدان بستر مناسب در زمینه استفاده از تجارت الکترونیک «متن، صدا، تصویر، مذاکرات، قرارداد، تبلیغات، پرداخت‌ها و...» شکاف بین کشورها را روزبه‌روز بیشتر می‌کند. دنیای «الکترونیک و ارتباطات شبکه اینترنت» بر مدارس و شرکت‌های تجاری گسترش یافته است. اگر می‌خواهیم در جهان رو به رشد، قادر به رقابت در صحنه تجاری باشیم به تعبیر آلوین تافلر به «حکومت‌های ساده‌تر، کاراتر و دموکراتیک‌تر نیاز می‌باشد تا شکاف تاریخی بین تولیدکننده و مصرف‌کننده را پر کند». نظام اقتصادی «تولید برای مصرف شخصی» فردا را به وجود می‌آورد. (تافلر، ۱۳۷۴، ص ۱۷).

بخش عمده کالاهایی که در نظام جهانی مبادله می‌شود غیر از صادرات نفت، اسلحه و ورود و خروج نیروی کار، جزء قوانین سازمان تجارت جهانی می‌باشند. کشورهای ترکیه، مالزی و ... با تحولاتی که در نظام اقتصادی و اجتماعی و همکاری با نظام جهانی داشته‌اند، ظرفیت‌های خود را گسترش دادند. اندونزی ۱۳۹۹، مالزی بیش از ۲۲۰ میلیارد دلار در سال‌های اخیر صادرات داشتند. ترکیه صادراتش را «از سه میلیارد دلار در سال ۱۹۸۰» به ۱۴۳ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۶ افزایش داد. رشد قابل‌توجه صادرات کارخانه‌ای، ماشین‌آلات و تجهیزات الکترونیکی، بیانگر همکاری بخش‌های مختلف اداری، سیاسی و اقتصادی می‌باشد. در حالی که تعداد بسیار محدودی از کشورها به عضویت سازمان تجارت جهانی درآمدند، ایران طی سال‌های ۱۳۶۵-۱۳۵۲ به‌عنوان عضو ناظر در گات حضور داشت. پس از آن در یک وقفه ۱۳ ساله حق ناظر خود را از دست داد. آمریکا مخالفت خود را با عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی از ۱۹۹۵ م/۱۳۷۳ در بیش از ۲۰ نشست اعلام کرد. وقتی کشوری عضو سازمان تجارت جهانی نیست، در واردات و صادرات، محدودیت‌های زیادی بر آن از نظر هزینه تحمیل می‌شود. موقعیت تجار و محصولات ایران در رقابت با سایر کشورها، تضعیف می‌شود. بیش از ۲۵ سال است که درخواست عضویت از سوی تصمیم‌گیران مطرح می‌باشد، به دلیل اولویت نداشتن اقتصاد در نظام سیاست‌گذاری، تاکنون به سرانجام نرسیده است. در چنین موقعیتی، صادرات دچار محدودیت و قاچاق کالا گسترش می‌یابد. اقتصاد بر اساس

صادرات ایران به ۴ میلیارد دلار در سال ۱۳۸۰ افزایش یافت. برای نشان دادن افزایش صوری صادرات غیرنفتی، تعریف صادرات، توسط دولت احمدی‌نژاد، تغییر کرد، مشتقات نفت و میعانات گازی و... به‌عنوان صادرات غیرنفتی اعلام شد. نیمی از صادرات غیرنفتی از مشتقات نفت و میعانات گاز، مواد پلیمری و انواع مواد پتروشیمی (حدود ۲۴ میلیارد دلار) در سال ۱۴۰۰ می‌باشد که قیمت آن متناسب با بهای انرژی، کم و زیاد می‌شود. صادرات فولاد و سیمان وابسته به سوخت ارزان می‌باشد. آنچه در آغاز قرن پانزدهم شمسی حائز اهمیت است، ایران از صادرکننده بسیاری از محصولات غذایی و کشاورزی، به واردکننده آن‌ها بدل شده است. ابریشم، پنبه، توتون، برنج، دام زنده و مواد غذایی بین سال‌های ۱۸۳۵ تا ۱۹۶۰ م، به روسیه، هند و عثمانی صادر می‌شد هم‌اکنون بیش از ۳۰ تا ۸۰ درصد برنج، روغن، چای، قند و شکر، سویا و انواع نهادهای غذایی و دارویی «مربوط به صنعت طیور و دامداری»، پنبه، توتون و ابریشم «حدود ۱۰ میلیارد دلار»، وارد می‌شود. کشور هرگاه با خشک‌سالی مواجه شود نیازمند واردات قابل‌توجهی گندم می‌باشد. کیفیت واردات و صادرات حائز اهمیت است. واردات ۴۰ میلیون تن به ارزش ۵۲ میلیارد دلار و صادرات ۱۲۲ میلیون تن به ارزش ۴۸ میلیارد دلار در سال ۱۴۰۰، بیانگر ماهیت واردات و صادرات ایران است. صادرات از نظر کمی رشد قابل‌توجهی داشت. تحلیل کیفی صادرات ایران از نظر، وزن، ارزش، ماهیت، به نظرات متفاوتی از سوی اقتصاددانان منجر شد. کالای با ارزش‌افزوده «سه برابر» وارد می‌شود و کالاهای با ارزش‌افزوده پایین صادر می‌گردد. طی یک قرن، ماهیت صادرات ایران در برابر واردات از نظر شکاف ارزشی تغییری نکرده است. درآمد صادراتی ایران از نفت در سال ۱۳۵۷-۱۳۵۴ از چین و هند «با ۱۷ برابر جمعیت ایران» در همین سال‌ها بیشتر بود. کسب حدود ۶۱۸ میلیارد دلار در بین سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ (کل دوره ۶۷ سال پیش از انقلاب ۱۳۲ و دوره ۸ ساله خاتمی ۱۶۳ میلیارد دلار) نشانگر، بالاتر بودن درآمدهای صادراتی ایران از هندوستان و اندونزی، در همین سال‌ها بوده است. سیاستمدار ایرانی دوره پهلوی و پس از انقلاب نیازی به صادرات کالا - مگر در زمان کاهش قیمت نفت - نداشت. سهم بخش کشاورزی، صنعت و خدمات، بودجه عمرانی و سیاست‌گذاری اجتماعی، متناسب با افزایش و کاهش قیمت و تحریم‌ها، کم‌وزیاد می‌شود. سرمایه‌گذاری صنعتی، مبتنی بر درآمدهای نفتی و سازمان اجتماعی مبتنی بر آن، به بهبود ظرفیت تولید و تجارت منجر نشد. مصرف یک‌میلیون هشتصد هزار بشکه نفت و گاز روزانه در داخل کشور و فروش ۳۰۰ هزار بشکه مشتقات نفتی روزانه، تولید صنعتی با قیمت‌های پایین انرژی مثل سیمان، فولاد، آلومینیوم و پتروشیمی...

بنیادی‌ترین
مانع تجارت
ایران، فقدان
مزیت نسبی
در بازار رقابتی
است. نوآوری
در هیچ حوزه
کالایی در صنایع
داخلی مشاهده
نمی‌شود.
وابستگی به دانش
فنی، شرکت‌های
خارجی گسترده
است. ناکارایی
تحقیق و پژوهش،
به مانع بزرگی
در سطح تولید
قابل رقابت
محصولات
صنعتی منجر شد.
تولید غیرمناسب
با استانداردهای
بین‌المللی،
بازاریابی سنتی
و ناتوانی در
رقابت قیمتی،
نقش مهمی در
محدودیت بازار
صادراتی ایران ایفا
می‌کند.



لبنان، افغانستان و یمن انواع فعالیت‌های سرمایه‌گذاری و اقتصادی داشته است. یک دهه بعد، با برخی از این کشورها قطع رابطه شد، برخی روابط بسیار محدود و در کشورهای دیگر، تجارت صادرکننده، قادر به بازگرداندن ارز، نیستند.

راه‌حل

اصلاحات بزرگ، نیازمند نیروی سیاسی و اجتماعی وسیع، منابع مادی و شرایط بین‌المللی سازگار می‌باشد. به نظر می‌رسد در آینده نزدیک، چنین نیرو و ظرفیتی وجود ندارد. فرض رفع موانع تجاری نیازمند تغییرات زیر می‌باشد:

۱- ساختارهای اقتصادی و اجتماعی متناسب با تحولات تکنولوژیکی و سازمانی دنیای معاصر، تغییر یابد.

۲- اقتصاد ایران از درآمد نفتی به‌عنوان یک متغیر تعیین‌کننده تولید و توزیع، رهایی یابد.

۳- بی‌ثباتی در حوزه سیاست‌گذاری اقتصادی کاهش یابد، بوروکراسی کارا، حرفه‌ای و دور از فساد، برقرار گردد.

۴- روابط بین‌المللی مبتنی بر همکاری و پیوند با شرکت‌های صاحب فناوری امکان‌پذیر گردد، در این صورت توسعه شرکت‌های داخلی و گسترش تجارت همچون ویتنام، تایلند، مالزی و... امکان‌پذیر می‌شود. ♦♦

منابع

- محمدحسین ادیب «بحران‌های اقتصاد ایران» آموزه، اصفهان، ۱۳۷۹.
- مروین ل. انتنر «روابط بازرگانی روس و ایران ۱۸۲۸-۱۹۱۴» احمد توکلی، بنیاد افشار، ۱۳۶۹.
- محمد بهکیش «اقتصاد ایران در بستر جهانی‌شدن» نی ۱۳۸۱.
- آلبین تافلر «موج سوم» شهین دخت خوارزمی، فاخته، چاپ دهم، ۱۳۷۴.
- فاروق خرابی «سیاست و اجتماع در شعر عصر مشروطه» دانشگاه تهران، ۱۳۸۰.
- فریدون خاوند «صادرات ایران از اینجا رانده» ۲۹ اردیبهشت ۱۳۹۹، IRAN FARDA.COM.
- حسین عظیمی «کارکردهای نظام سیاسی در فرایند توسعه» جهاد دانشگاهی دانشکده اقتصاد تهران، ۱۳۸۴.
- «کتاب توسعه ج ۱۳، تابستان ۱۳۸۲، جهانی‌سازی و اقتصاد، ۱۳۸۲»
- ابراهیم رزاقی «آشنایی با اقتصاد ایران»، نی، ۱۳۸۱.
- چارلز عیسوی «تاریخ اقتصادی ایران ۱۳۳۱-۱۲۱۵ ق» یعقوب آزدن، گستره، ۱۳۶۲.
- ویلم فلور «صنایع کهن در دوره قاجار» علیرضا بهارلو، پیکره، ۱۳۹۳.
- محمدحسن گنجی «تحولات جدید اقتصادی در ایران» دانشگاه تهران، ۱۳۹۱.

یارانه و یارانه طراحی می‌شود، همین مسئله راهنمای درستی، برای سرمایه‌گذاری، تولید و مصرف‌کننده فراهم نمی‌کند. بر همین اساس، بسیاری از صنایع ناکارا با استفاده از منابع یارانه‌ای همچنان با وجود زیان ده بودن، به حیات خود ادامه می‌دهند. «کتاب توسعه، جهانی‌سازی و اقتصاد، ص ۲۲-۵» مشکلات ناشی از عدم پذیرش مالکیت معنوی و عدم پذیرش FATF و تحریم‌های ناشی از شورای امنیت، اروپا و آمریکا، نقل و انتقال ارز، تکنولوژی و ماشین‌آلات با کارکرد چندگانه «در بخش نظامی و غیرنظامی» محدودیت‌های گسترده‌ای در ۱۷ سال گذشته برای تجارت شرکت‌های ایرانی ایجاد کرده است. عضویت در سازمان تجارت، فرصت دسترسی به بازار جهانی، استفاده از مشاوره و کمک‌های سازمان، بهبود وضعیت حقوق مالکیت و دستیابی به دانش فنی بین‌المللی را تسهیل می‌کند.

۵- بی‌ثباتی سیاست‌ها

وضعیت برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری در ایران به‌گونه‌ای است که فعال تجاری و صنعتی نمی‌تواند دو سال بعد را پیش‌بینی کند. ثبات اقتصاد کلان، حقوق مالکیت و نفوذ قرارداد و اعتماد عمومی به نهادها شرط توسعه می‌باشد. اعتماد، خوش‌بینی به حاکمیت، امید و بهبود شرایط در آینده از نشانه‌های مثبت اقتصادی می‌باشد که باعث سرمایه‌گذاری می‌شود. (تجارت فردا، ش ۴۵۹، ۱۸ تیر ۱۴۰۱ چهارچرخ پنجر توسعه، عباسی) اما شاخص اقتصادی ایران در ده سال اخیر در زمینه خروج سرمایه، نیروی انسانی ماهر، کاهش سرمایه‌گذاری، سقوط ارزش پول ملی، افزایش بیکاری، تورم و پیش‌بینی‌ناپذیری شرایط آینده، وضعیت مطلوبی ندارد. رشد اقتصادی در این ده‌ساله نزدیک به صفر بوده است. درحالی‌که ترکیه اقتصادش دو برابر و چین ۵،۲ در همین دوره ده‌ساله رشد داشته است. محدود کردن تولید صنعتی به دلیل قطع برق در تابستان و قطع گاز در زمستان، مانع برنامه‌ریزی واحدهای تولیدی می‌گردد. درحالی‌که در دولت خاتمی، روابط منطقه‌ای و بین‌المللی ایران بهبود یافت و طرح گفت‌وگوی تمدن‌ها شعار دولت بود. در دولت بعد شش قطعنامه در شورای امنیت علیه ایران به تصویب رسید. دولت احمدی‌نژاد مدعی صادرات دو میلیارد و هفتاد میلیون دلار خدمات فنی و مهندسی و کالاهای غیرنفتی از طریق بانک توسعه صادرات «صادرات واگن، ساخت تصفیه‌خانه و خط لوله انتقال آب به سودان»، «صادرات اتوبوس و سمند و خط انتقال برق به آذربایجان»، «احداث بزرگراه در ترکمنستان»، «احداث اتوبان و سد در تاجیکستان»، «احداث شش واحد سیلو در سوریه»، «احداث خط مونتاز سمند در سنگال»، «کارخانه سیمان و ساخت مسکن انبوه در ونزوئلا» «احداث پنج واحد نیروگاه در نیجریه» «ساخت پارلمان و مراکز تجاری در جیبوتی»، (توسعه صادرات، ش ۷۷، ص ۳ و ۲) و در عراق،

برای نشان دادن
افزایش صورتی،
صادرات غیرنفتی،
تعریف صادرات،
توسط دولت
احمدی‌نژاد،
تغییر کرد،
مشقات نفت و
میعانات گازی و...
به‌عنوان صادرات
غیرنفتی اعلام
شد. نیمی از
صادرات غیرنفتی
از مشتقات نفت
و میعانات گاز،
مواد پلیمری
و انواع مواد
پتروشیمی (حدود
۲۴ میلیارد
دلار) در سال
۱۴۰۰ می‌باشد
که قیمت آن
متناسب با
بهای انرژی، کم
و زیاد می‌شود.
صادرات فولاد و
سیمان وابسته
به سوخت ارزان
می‌باشد.

بازاریابی صادراتی

آشنایی با گام‌ها، مراحل و نحوه بازاریابی صادراتی در بازارهای اروپایی (۲)



♦ دکتر نعمت اسماعیلی*

مدیرعامل شرکت ارزیابان نام‌آور توسعه رویدادهای فناوری (اینترتک)

همان‌طور که در مطلب ارائه‌شده در شماره ۱۳ آورده شده است، مراحل صدور کالا را می‌توان به شرح زیر فهرست نمود:

بخش اول: فراهم کردن دانش تا روشن شود برای شروع مراحل صادرات می‌بایست چه نکاتی را رعایت نماییم؟
بخش دوم: چگونه مشتری مناسب پیدا کنیم و تحقیقات بازار انجام دهیم؟

بخش سوم: فرایند و مراحل صادرات در گمرک و سایر مراجع در داخل کشور و خارج از کشور چگونه است؟
بخش چهارم: چه نکاتی را در بسته‌بندی کالا، حمل و بیمه می‌بایست در نظر گرفت؟

بخش پنجم: تمهیدات لازم برای دریافت پول و تضامین لازم صادراتی چگونه است؟

بخش ششم: تشریفات صادرات و گام‌های اجرایی آن و مذاکرات تجاری

بخش اول از مراحل صدور کالا در شماره ۱۳ فصلنامه «سپهر اقتصاد کرمان» به چاپ رسید، در ادامه و در این شماره به صورت مفصل به بخش دوم از این مراحل پرداخته شده است.

مقدمه

گزارش‌ها و اخبار مختلف حاکی از آن است که عدم تسلط به زبان، ناآشنا بودن با فرهنگ مصرف مردم، عدم شناخت عوامل تصمیم‌گیری و مسلط نبودن به قوانین و مقررات، مشکل عمده صادرکننده‌های ایرانی برای صادرات به اروپا و سایر نقاط هدف آن‌هاست. مروری بر مطالب قبلی نشان می‌دهد که فقدان دانش و دسترسی نداشتن به اطلاعات بازرگانی نیز باعث نگرانی و هراس بسیاری از مدیران شرکت‌های تولیدکننده نسبت به صادرات است و به همین دلیل از ورود به این بخش امتناع می‌ورزند و یا موقعیت‌های برنده را از دست می‌دهند. کاهش

برای جستجو و

شناسایی بازار

هدف مناسب

از ابزارهای

گوناگونی استفاده

می‌شود که

معروف‌ترین

سایت

trademap

نامیده می‌شود

که توسط سازمان

توسعه تجارت

جهانی (WTO)

ایجاد شده

است. در این

پلتفرم داده‌ها و

اطلاعات خام

تجارت کالاها در

بین کشورهای

مختلف دنیا

به صورت دقیق

و قابل درک

جمع‌آوری گردیده

است.

آمار صادرات موفق به اروپا در سال قبل گواهی بر تأیید گفته‌های بالا است. افراد معمولاً برای تصمیم‌گیری درباره انجام کارهای مهم تحقیقات می‌نمایند تا اطلاعات خود را افزایش دهند، تصمیمات مهمی از قبیل ازدواج، سرمایه‌گذاری در پروژه، خرید ملک، راه‌اندازی کسب‌وکار و نظایر آن. بدیهی است خروج محصول و سرمایه از کشور و جایگاه‌یابی در خارج از وطن نیازمند تحقیق و مطالعه است. تحقیقات بازار در امر صادرات، دیدگاه روشنی از وضعیت کالا، رقابت و آنچه در کشور هدف اتفاق می‌افتد تا محصول را به دست تولیدکننده برساند، نمایان می‌سازد. تحقیقات بازار به شما می‌گوید که برای ورود به بازار خارجی چگونه مهیا شوید، چه محصولی را صادر کنید، آیا کشور انتخاب شده برای محصول شما مناسب است یا خیر، عوامل تأثیرگذار بر این بخش بازار چه هستند؟ و جزئیات بخش‌بندی و جایگاه‌یابی را مشخص می‌نماید.

خام تجارت کالاها در بین کشورهای مختلف دنیا به صورت دقیق و قابل درک جمع‌آوری گردیده است. آگاهی از اینکه یک محصول تا چه اندازه مورد استقبال کشوری قرار گرفته است و به چه میزانی خریداری شده و چه کسانی تمایل به خرید آن نشان داده‌اند، برای انتخاب جایگاه جدید توسط محصول تازه‌وارد باارزش واقع خواهد شد. مرکز تجارت بین‌المللی ITC مرکزی است که فعالیت‌هایش به روند جهانی‌سازی صنایع کوچک و متوسط کمک می‌کند و اصلی‌ترین منبع دریافت اطلاعات trademap بخش تجاری سازمان ملل (un comtrade) است که نام مستعاری برای پایگاه داده‌های بین‌المللی سازمان ملل متحد می‌باشد و بیش از ۱۷۰ کشور بخش آمار سازمان ملل متحد (USDN) را تشکیل می‌دهند. این کشورها به صورت سالیانه گزارش‌ها بین‌المللی خود را به تفکیک کالا و خدمات به این سازمان ارائه می‌دهند. با توجه به اعتبار منبع، کافی است میزان مصرف محصول موردنظرشان را در هر کدام از کشورهای اروپایی بررسی نمایید. لازم به ذکر است تحقیقات بازار شامل بخش‌های دیگری مثل درخواست خرید، وضعیت رقبا و رفتار آن‌ها، بسته‌بندی و قیمت‌گذاری محصول و ... است که در نتیجه تحقیقات اولیه، تحقیقات ثانویه، تحقیقات کمی و کیفی به دست خواهند آمد.

بسیاری از صاحبان کسب‌وکار نگران این هستند که چگونه محصول خود را در بازارهای خارجی به فروش برسانند. گاهی اوقات فرصت فروش مستقیم به خریداران از طریق وب‌سایت و یا مراجعه خریدار به غرفه نمایشگاهی ایجاد می‌شود یا ممکن است روابطی با خرده‌فروشان داشته باشند که امکان فروش در خارج از کشور را دارند. این‌ها همه راه‌هایی است که متوجه خواهید شد که محصول و خدمات پتانسیل صادراتی شدن را دارند، ولی روشن است که این مقدار، حجمی نیست که واحد تولید و فروش بین‌المللی سازمان‌ها برای آن برنامه‌ریزی کرده‌اند. با توجه به اینکه، گفت‌وگو درباره تمام گروه‌های محصول در اینجا ممکن نیست، صرفاً به روند صادرات میوه و سبزیجات در اروپا و از CBI با حفظ منبع بسنده می‌نماییم، سایر محصولات و خدمات مراحل مشابهی با اطلاعات خاص به خود را دارا هستند

چگونه مشتری مناسب پیدا کنیم و تحقیقات بازار انجام دهیم؟

بازار میوه و سبزیجات فرآوری شده یکی از بزرگ‌ترین بخش‌های مواد غذایی اروپا است. ارزش واردات آن

با این مقدمه اگر منابع و دانش کافی برای صادرات را ندارید، توصیه اکید بر آن است که از راهنمایی مشاورین مجرب استفاده نمایید و یا از خدمات تجاری شرکت‌های مدیریت صادرات بهره ببرید. یادآور می‌شوم که فرآیند صادرات مستلزم سرمایه‌گذاری اولیه است، بنابراین مدیر هر واحد کسب‌وکار پس از دریافت گزارش تحقیقات بازار باید بودجه لازم برای پیاده‌سازی استراتژی و راهبردهای صادرات را تأمین نماید پس اگر به دنبال راه‌کارهای رایگان و یافتن افرادی هستند که قول و وعده صادرات بدون طی شرایط استاندارد را به شما می‌دهند، بدانید که زمان شما بیهوده سپری خواهد گردید!

پیدا کردن مشتری و جستجوی بازار هدف مناسب، دو موضوع متفاوت هستند و در اینجا فاصله بین لغات مشتری و بازار از نظر تئوری‌های مدیریت جدا تعبیر خواهد شد. برای جستجو و شناسایی بازار هدف مناسب از ابزارهای گوناگونی استفاده می‌شود که معروف‌ترین سایت trademap نامیده می‌شود که توسط سازمان توسعه تجارت جهانی (WTO) ایجاد شده است. در این پلتفرم داده‌ها و اطلاعات



پیشنهاد فروش منحصربه‌فرد ایجاد کنید؛ به عبارت دیگر: به خریداران خود نشان دهید که چرا پیشنهاد شما منحصربه‌فرد و متفاوت از رقبای شماست. شایستگی‌های اصلی خود را از نظر محصول، پردازش و نام تجاری با ذکر دلیل به‌وضوح بیان کنید. تعریف درست پیشنهاد شما زمان موردنیاز برای ایجاد لیستی از خریداران مرتبط را کاهش می‌دهد؛ به‌عنوان مثال، اگر فقط ده تن محصول را تحویل می‌دهید که کل بار به یک کانتینر کامل نمی‌رسد، می‌توانید خریدارانی را که فقط کالا به اندازه کانتینر کامل می‌خرند را از لیست طولانی خود حذف کنید و لیستی محدودتر برای خود بسازید. برخی از خریداران ممکن است به یک نوع خاص یا سطح کیفیتی نیاز داشته باشند که شما نتوانید ارائه دهید، در این صورت می‌توانید در زمان صرفه‌جویی کنید و روی آن‌ها تمرکز نکنید. همچنین، اگر بتوانید نوع خاصی از محصول را ارائه دهید (مثلاً ارگانیک)، لازم نیست در میان خریدارانی که فقط محصولات معمولی را تجارت می‌کنند، جستجو کنید.

نکات:

- در تعریف پیشنهاد خود دقیق باشید. هرگز چیزی را پیشنهاد نکنید که نمی‌توانید ارائه دهید. در عوض، روی محصولات اصلی و رقابتی خود تمرکز کنید که در حجم کافی در دسترس هستند. این باعث صرفه‌جویی در زمان شما در فرآیند ایجاد لیست خریداران مرتبط می‌شود.
- در تعریف مشخصات محصول خود دقیق باشید. شما می‌توانید از یک الگوی مشخصات کلی محصول (pdf) برای محصولات غذایی استفاده کنید. به‌طور خاص از استانداردهای شناخته شده بین‌المللی برای تعریف بهتر پیشنهاد خود استفاده کنید. به‌عنوان مثال می‌توان به استانداردهای Codex Alimentarius و استانداردهای UNECE برای میوه‌ها و سبزیجات خشک و آجیل خوراکی اشاره کرد.

۲. تحقیقات بازار مناسب را برای درک خریداران انجام دهید

گام بعدی در فرآیند یافتن خریداران باید تحقیقات بازار باشد. در فرآیند تحقیقات بازار، ابتدا باید مشخص کنید که کدام بازار اروپایی بهترین پتانسیل را برای محصول شما دارد. توجه داشته باشید که بزرگ‌ترین بازارها یا نزدیک‌ترین بازارها لزوماً بهترین انتخاب نیستند. همچنین باید عواملی مانند رشد بازار، سطح رقابت، الزامات رایج خریداران، الزامات قانونی، رقابت قیمت و روندهای مؤثر بر تقاضا را در نظر بگیرید. می‌توانید نحوه

تقریباً ۴۰ میلیارد یورو است و هزاران بازیکن را در خود جای داده است. راه‌های زیادی برای شناسایی خریداران بالقوه در بین همه این بازیکنان وجود دارد. نکات زیر راهنمای کوتاه اما مفصلی را در مورد چگونگی و مکان یافتن خریداران برای محصولات میوه و سبزیجات فرآوری شده در اختیار شما قرار می‌دهد. این نکات همچنین به شما در شناسایی خریداران بالقوه در بازارهای اروپایی کمک می‌کند. باین‌حال، پیدا کردن یک خریدار تضمین نمی‌کند که محصولات خود را به آن‌ها بفروشید. این به عوامل زیادی بستگی دارد که برخی از آن‌ها خارج از کنترل شما هستند و شما باید قادر باشید سفارش درست از نادرست را تشخیص دهید.

نکات ضروری و مهم برای یافتن خریداران در بازار اروپا

۱. قبل از جستجوی خریداران، پیکرو بدنه سازمان خود و محصولتان را به‌درستی شناسایی و تعریف نمایید.
۲. تحقیقات بازار مناسب را برای درک خریداران انجام دهید.
۳. تصمیم بگیرید که کدام نوع خریداران با محصول شما تطبیق دارند.
۴. به خریداران بالقوه خود کمک کنید تا شما را در اینترنت پیدا کنند.
۵. در نمایشگاه‌های تجاری و رویدادهای صنعتی شرکت کنید تا با خریداران خود رودررو ملاقات کنید.
۶. خریداران را در میان اعضای انجمن‌ها پیدا کنید.
۷. یک لیست اولیه با استفاده از پایگاه داده شرکت تهیه کنید.
۸. در پلتفرم‌های دیجیتال B2B عضو شوید و محصولات خود را به خریداران نمایش دهید.
۹. سازمان‌هایی را بیابید که می‌توانند از صادرات شما پشتیبانی کنند.
۱۰. نام واردکنندگان پیشرو را بیابید، مشورت کنید و پیوسته نکات صادراتی بیشتری را جستجو کنید.

۱. قبل از جستجوی خریداران، پیکرو بدنه سازمان خود و محصولتان را به‌درستی شناسایی و تعریف نمایید

قبل از شکار خریداران، مهم است که دقیقاً دو جنبه مربوط به پیشنهاد خود را تعریف کنید. در مرحله اول، محصولی را که ارائه می‌دهید، با عبارات قابل اندازه‌گیری به‌وضوح تعریف کنید. این موارد شامل عواملی مانند توضیحات محصول، کیفیت دقیق، کمیت، فناوری مربوطه، گواهی‌ها، قیمت‌ها و شرایط تحویل است. در مرحله دوم، یک

راه‌های زیادی
برای شناسایی
خریداران بالقوه
در بین همه این
بازیکنان وجود
دارد. نکات زیر
راهنمای کوتاه اما
مفصلی را در مورد
چگونگی و مکان
یافتن خریداران
برای محصولات
میوه و سبزیجات
فرآوری شده در
اختیار شما قرار
می‌دهد. این
نکات همچنین به
شما در شناسایی
خریداران بالقوه
در بازارهای
اروپایی کمک
می‌کند.
باین‌حال، پیدا
کردن یک خریدار
تضمین نمی‌کند
که محصولات
خود را به آن‌ها
بفروشید. این
به عوامل زیادی
بستگی دارد که
برخی از آن‌ها
خارج از کنترل
شما هستند و
شما باید قادر
باشید سفارش
درست از نادرست
را تشخیص دهید.



انتخاب بهترین بازارها را با استفاده از ابزارهای آماری مانند AccessYMarkets و TradeMap بیاموزید. بعد از اینکه بهترین بازارها را شناسایی کردید، گام بعدی باید جستجوی خریداران در موتورهای جستجو مانند گوگل باشد. به یاد داشته باشید که از گزینه‌های جستجوی پیشرفته برای محدود کردن جستجوها به نتایج دقیق‌تر و خاص‌تر استفاده کنید. برای مثال، می‌توانید جستجوی خود را فیلتر کنید تا فقط صفحاتی را ببینید که در بازار انتخابی شما منتشر شده‌اند. همچنین می‌توانید به زبان بازار هدف خود جستجو کنید. اگر به زبان بازار هدف خود صحبت نمی‌کنید، می‌توانید از سرویس ترجمه گوگل استفاده کنید.

۳. تصمیم بگیرید که کدام نوع خریداران مناسب با پیشنهاد شما هستند

واردکنندگان را می‌توان بر اساس معیارهای مختلفی دسته‌بندی کرد. درک این نکته مهم است که همه این دسته‌ها برای صادرکنندگان نوظهور از کشورهای درحال توسعه مناسب نیستند؛ به‌عنوان مثال، برخی از شرکت‌های اروپایی در حال حاضر روابط طولانی‌مدت با صادرکنندگان پیشرو از کشورهای تولیدکننده بزرگ‌تر دارند. آن‌ها حتی گاهی اوقات برای کشورهای خاصی تبلیغ می‌کنند و حاضر نیستند با شما همکاری کنند تا روابط فعلی خود را خراب نکنند.

همچنین خریدارانی وجود دارند که دائماً به دنبال تأمین‌کنندگان جدید هستند تا وابستگی خود را به کشورهای که بر بازار جهانی تسلط دارند کاهش دهند. این شرکت‌ها ممکن است برای پیشنهاد شما مناسب‌تر باشند، بویژه اگر محصولی را ارائه می‌دهید که معمولاً با کشور مبدأ شما مرتبط نیست. از سوی دیگر، این خطر وجود دارد که آن خریداران به شما متعهد نشوند و اگر قیمت‌های بهتر یا محصولات با کیفیت بالاتری از نظر فرآیند، ترکیب یا پایداری پیدا کنند، محصولات خود را در جای دیگری خریداری کنند.

خریداران را می‌توان به چند دسته طبقه‌بندی کرد. به خاطر داشته باشید که این طبقه‌بندی‌ها قانون نیستند، زیرا بسیاری از خریداران فعالیت‌های مختلفی انجام می‌دهند و ممکن است در بیش از یک دسته قرار گیرند. به‌طور کلی می‌توان آن‌ها را بر اساس معیارهای زیر طبقه‌بندی کرد:

• محصول و بخش تعیین شده: برخی از واردکنندگان با طیف وسیعی از محصولات تجارت می‌کنند (به‌عنوان مثال

شرکت‌های عرضه‌کننده بخش خرده‌فروشی)، درحالی‌که برخی فقط با یک نوع محصول (به‌عنوان مثال سبزیجات منجمد) سروکار دارند. معمولاً تمرکز روی واردکنندگان متخصص آسان‌تر است، زیرا آن‌ها با محصولات، بازار و رقابت آشنا هستند و می‌توانند شما را از تحولات مهم بازار مطلع کنند.

• پردازش در برابر بازرگانی: برخی از شرکت‌ها محصولات را به‌عنوان مواد تشکیل‌دهنده محصولات نهایی وارد می‌کنند. بسیاری از آن‌ها خودشان محصولات وارد نمی‌کنند، بلکه از عمده‌فروشان اروپایی خرید می‌کنند. با این حال، برخی از شرکت‌ها هستند که ممکن است به‌طور مستقیم مواد را وارد کنند (به‌عنوان مثال پوره یا کنسانتره برای تولید آبمیوه). بازرگانان عمده‌ای نیز وجود دارند که محصولات را بدون تغییر وارد کرده و مجدداً می‌فروشند. تاجران عمده و عمده‌فروشان گزینه ارجح برای تأمین‌کنندگان کشورهای درحال توسعه هستند، زیرا آن‌ها گزینه‌های بیشتری برای فروش محصولات دارند.

• تخصص بخش‌بندی بازار: برخی از شرکت‌ها به امکانات بسته‌بندی مجهز هستند و می‌توانند مستقیماً به خرده‌فروشان (با نام تجاری یا برچسب خصوصی خود) بفروشند. سایر شرکت‌ها در تأمین بخش خدمات غذایی (هتل‌ها، رستوران‌ها، پذیرایی، مؤسسات) تخصص دارند. اگرچه بسیاری از تأمین‌کنندگان از کشورهای درحال توسعه ترجیح می‌دهند مستقیماً به بخش خرده‌فروشی عرضه کنند، اما این امر به دلیل فشار زیاد برای قیمت‌های پایین‌تر و کیفیت بالا و تقاضای گواهی‌نامه می‌تواند بسیار دشوار باشد. تأمین‌کنندگان تخصصی بخش خدمات می‌توانند گزینه خوبی باشند زیرا تحت فشار زیاد خرده‌فروشان قرار نخواهند داشت.

• تأمین‌کنندگان بازار بخش‌بندی شده: شرکت‌هایی که با تأمین‌کنندگان محصولات خاص مانند محصولات ارگانیک، حلال، قومی و نژادی یا پایدار کار می‌کنند. این شرکت‌ها می‌توانند برای تأمین‌کنندگانی که نمی‌توانند با فشار قیمت و مقادیر زیاد عرضه شده توسط تأمین‌کنندگان بزرگ رقابت کنند، مناسب باشند. یک مشکل رایج این است که بازار برخی از این محصولات مثلاً دارای گواهی (Demeter) کاملاً محدود است.

به نظر می‌رسد واردکنندگان تخصصی غالب‌ترین نوع خریداران باشند. واردکنندگان تخصصی با تأمین‌کنندگان جدید مرتبط هستند، زیرا تأمین مستقیم بخش خرده‌فروشی بسیار سخت است و نیاز به سرمایه‌گذاری زیادی در کیفیت و تدارکات دارد. با این حال، برای

برخی از
واردکنندگان با
طیف وسیعی
از محصولات
تجارت می‌کنند
(به‌عنوان مثال
شرکت‌های
عرضه‌کننده
بخش
خرده‌فروشی)،
درحالی‌که برخی
فقط با یک
نوع محصول
(به‌عنوان مثال
سبزیجات
منجمد) سروکار
دارند. معمولاً
تمرکز روی
واردکنندگان
متخصص آسان‌تر
است، زیرا آن‌ها
با محصولات،
بازار و رقابت
آشنا هستند و
می‌توانند شما را
از تحولات مهم
بازار مطلع کنند.

طریق بهینه‌سازی موتورهای جستجو (SEO) انجام داد. سئو فرآیند بهبود دید آنلاین یک وبسایت در نتایج یک موتور جستجو است. داشتن یک وبسایت خوب ضروری است، اما برای شما مهم‌تر است که اطمینان حاصل کنید که خریداران اروپایی به راحتی می‌توانند شرکت شما را پیدا کنند. اگر شخصی به دنبال محصولی است که شما ارائه می‌دهید، پیشنهاد شما باید در صفحه اول موتورهای جستجوی اصلی ظاهر شود. خریداران اروپایی با تایپ نام محصول در موتور جستجو (معمولاً گوگل) به جستجوی تأمین‌کنندگان جدید می‌پردازند. در کنار نام محصول، کلماتی مانند «صادرکننده»، «تولیدکننده» یا «تأمین‌کننده» را اضافه می‌کنند. گاهی اوقات از نام کشور نیز استفاده می‌شود، به خصوص اگر خریدار به دنبال محصولاتی با موقعیت جغرافیایی خاص باشد. یک مثال جستجو ممکن است این باشد: «تولیدکننده آجیل گردو همدان». باید درک کنید که قرار گرفتن شرکت شما در صفحه اول نتایج جستجو برای این نوع جستجو بسیار مهم است. ایجاد یک وبسایت اولین قدم و اساس فعالیت‌های تبلیغاتی آنلاین شماست. با این حال، به‌تنهایی برای ارتقای موفقیت‌آمیز کافی نیست. شما باید از شبکه‌های اجتماعی

تولیدکنندگان مجهز و رقابتی قیمت، بسته‌بندی و لیبل‌گذاری سفارشی می‌تواند به‌عنوان یک گزینه مثبت قلمداد گردد. با این حال، بسته‌بندی با لیبل سفارشی بیشتر توسط واردکنندگانی انجام می‌شود که با زنجیره‌های خرده‌فروشی در اروپا قرارداد دارند. نکات:

اگر صادرکننده باتجربه‌تری هستید، می‌توانید مستقیماً به بازاریابی بفروشید که معمولاً توسط واردکنندگان اروپایی ارائه می‌شوند که این نیاز به تلاش بسیار بیشتری دارد و شما باید خریداران را متقاعد کنید که از مکان‌های دور خرید کنند.

توجه داشته باشید که فروش مستقیم به کانال‌های خرده‌فروشی، اغلب به معنای سرمایه‌گذاری بالاتر (مانند اجاره انبار در بازار هدف)، مشارکت در تماس‌های خرید رقابتی و امکان تحویل مقادیر کم به صورت مکرر (مانند هفتگی) و در کوتاه‌مدت است.

۴. به خریداران بالقوه خود کمک کنید تا شما را در اینترنت پیدا کنند

پس از اینکه محتوای محصولات و آنچه عرضه می‌نمایید را تعریف کردید و نیازهای خریداران را به خوبی درک نمودید، زمان آن رسیده است که پیشنهاد فروش منحصربه‌فرد خود را در اینترنت قابل مشاهده کنید. بهترین راه این است که با وبسایت خود شروع کنید. در حالت ایده آل، وبسایت شما باید توجه بازدیدکنندگان در بازارهای هدف خود را به خود جلب کند، میل به کالای شما ایجاد کند و در نهایت بازدیدکننده را به مشتری پولی تبدیل کند. این کار را می‌توان با قرار دادن پیشنهاد فروش منحصربه‌فرد با یک پیام قوی در صفحه اصلی وبسایت، با تصاویر، ویدیوها و متن جالب انجام داد. یکی از نمونه‌های تبلیغات آنلاین موفق، ARDO، یک شرکت بلژیکی سبزیجات منجمد است. صفحه اصلی آن‌ها کاملاً واضح است که شرکت چه چیزی را ارائه می‌دهد. همچنین، دو دکمه جلب‌توجه «محصول یاب» و «اطلاعات بیشتر» درست در صفحه اصلی وجود دارد تا بازدیدکنندگان را تشویق کند تا بیشتر به وبسایت ARDO نگاه کنند. اشتراک خبرنامه را ارائه می‌دهد و صفحات شبکه اجتماعی آن (فیس بوک، لینکدین، اینستاگرام و یوتیوب) را تبلیغ می‌کند. پیشنهادهاى فروش منحصربه‌فرد آن‌ها نیز قابل مشاهده است (نوآوری، کارآفرین سال، پایداری).

پس از ایجاد یک وبسایت، باید آن را برای خریداران بالقوه خود بیشتر در معرض دید قرار دهید. این را می‌توان از



۵. در نمایشگاه‌های تجاری و رویدادهای صنعتی شرکت کنید تا با خریداران خود رودررو ملاقات کنید

رویدادهای تجارت مواد غذایی در اتحادیه اروپا شامل برخی از بزرگ‌ترین نمایشگاه‌ها در سراسر جهان است. در سال ۲۰۱۹، ANUGA نمایشگاه پیشرو مواد غذایی در جهان ۷۵۹۰ غرفه‌دار و حدود ۱۷۰۰۰۰ بازدیدکننده را گرد هم آورد. شرکت‌ها از رویدادهای تجاری برای تبلیغ پیشنهاد خود، یافتن خریداران بالقوه و ملاقات با مشتریان فعلی استفاده می‌کنند. یکی از مزیت‌های اصلی نمایشگاه تجاری این است که شرکت‌ها می‌توانند مشتریان بالقوه را رودررو ملاقات کنند. این امر مهم است، زیرا به ایجاد اعتماد کمک می‌کند.

به خاطر داشته باشید که شرکت در یک رویداد تجاری در خارج از کشور می‌تواند پرهزینه باشد؛ بنابراین، شما باید تنها پس از محاسبه هزینه و فایده، در مشارکت در رویداد سرمایه‌گذاری کنید. به جای نمایشگاه، می‌توانید از رویدادهای منتخب بازدید کنید و خریداران بالقوه را در میان شرکت‌های نمایشگاهی از اروپا جستجو کنید. قبل از بازدید، لیست غرفه‌داران را مطالعه کنید و با خریداران احتمالی قرار ملاقات بگذارید. همچنین برقراری ارتباط با خریداران قبل از برگزاری نمایشگاه باعث صرفه‌جویی در زمان لازم برای اولین معرفی شده و ارتباط آسان‌تر می‌شود.

جدای از نمایشگاه‌های تجاری، برخی از بهترین فرصت‌ها برای ایجاد شبکه با خریداران بالقوه را می‌توان در کنفرانس‌ها و نشست‌های سالانه انجمن‌های اروپایی مرتبط یافت. هر یک از زیربخش‌های موجود در اروپا در قالب انجمن‌های اروپایی و بین‌المللی سازمان‌دهی شده است. انجمن‌های تجاری خاصی برای محصولات فرآوری شده (مربا، کنسرو و منجمد)، آب میوه‌ها و میوه‌های خشک و آجیل خوراکی وجود دارد. نمایشگاه‌های تجاری پیشرو که باید از آن‌ها بازدید کنید به شرح زیر است:

- **Anuga**، بزرگ‌ترین نمایشگاه تجارت مواد غذایی و نوشیدنی در جهان. هر سال در شهر کلن آلمان برگزار می‌شود و میزبان بخش‌های مربوطه از جمله بخش نوشیدنی‌ها برای کنسانتره‌ها و پوره‌های آب میوه، بخش غذای منجمد (برای میوه‌ها و سبزیجات منجمد) و غذاخوری‌ها است. بخش غذای خوب (برای مربا، آجیل خوراکی، میوه‌های خشک و کنسرو).

- **SIAL** هر سال در پاریس، فرانسه برگزار می‌شود. این یک نمایشگاه تجاری عمومی از غذا و نوشیدنی است که تمرکز زیادی بر فرانسه دارد. دارای بخش‌هایی مشابه برای

هم استفاده کنید. پلتفرم‌های رسانه‌های اجتماعی یک ابزار ارتباطی در زمان واقعی برای شرکت شما برای تعامل با خریداران بالقوه خارج از کشور است. محبوب‌ترین شبکه‌های اجتماعی توصیه شده لینکدین، فیس بوک، یوتیوب، توئیتر و اینستاگرام هستند.

نکات:

- برای ایجاد محتوا برای وبسایت خود، روی مهارت‌های نوشتن محتوا سرمایه‌گذاری کنید یا با افراد حرفه‌ای قرارداد ببندید. اگر می‌خواهید خودتان این کار را انجام دهید، می‌توانید کتاب‌های آموزشی یا دوره‌های آنلاین زیادی را در پلتفرم‌های آموزش الکترونیکی LinkedIn Learning پیدا کنید.

- با مشاوران سئو ارتباط برقرار کنید. همچنین روی آموزش شخصی و آموزش کارکنان خود در تکنیک‌های سئو سرمایه‌گذاری کنید (برای مثال استفاده از کلمات کلیدی، برچسب‌ها، تجزیه و تحلیل و تبلیغات گوگل) برای اطلاعات بیشتر در مورد کارهایی که می‌توانید با لینکدین انجام دهید، به مرکز یادگیری لینکدین بروید.

- از توئیتر در طول نمایشگاه‌های تجاری برای افزایش دید در بین خریداران بالقوه استفاده کنید. علاوه بر این، پرداخت به ازای هر توئیت یک ابزار بازاریابی ویروسی مؤثر است که در آن کاربر می‌تواند با توثیق مجدد پیام شما یک جایزه برنده شود.



تجاری مهم مشترک را در چین بعلاوه برزیل و در هند به نام Anufood برگزار می‌کند. نمایشگاه تجاری که علاقه تجار اروپایی را در آفریقا جلب می‌کند، غذا آفریقا (قاهره، مصر) است و برگزارکننده نمایشگاه تجاری آلمان، شرکت Fairtrade Messe، سه نمایشگاه تجاری مختلف را در نیجریه، غنا و اتیوپی برگزار می‌کند.

۶. خریداران را در میان اعضای انجمن‌ها پیدا کنید

گروه‌های محصول در اروپا اغلب دارای چندین انجمن صنعتی هستند که منافع شرکت‌های عضو را نمایندگی می‌کنند. این انجمن‌ها می‌توانند منابع خوبی برای یافتن خریداران بالقوه باشند، زیرا معمولاً شبکه‌های گسترده‌ای دارند. برخی از آن‌ها حتی عضویت بین‌المللی و شرکت در کنفرانس‌های سالانه را ارائه می‌دهند، جایی که تأمین‌کنندگان می‌توانند مستقیماً با خریداران بالقوه ملاقات کنند.

یک راه خوب برای شروع تعامل با انجمن‌ها در سطح بین‌المللی و اروپایی این است که به دنبال امکانات عضویت باشید. انجمن‌های اروپایی اطلاعات مربوط به اعضای انجمن ملی را در وبسایت‌های خود قرار می‌دهند. به نوبه خود، انجمن‌های ملی اطلاعاتی را در وبسایت‌های خود در مورد اعضای خود ارائه می‌دهند که می‌توانند شرکت‌های هدف شما باشند (لیست زیر را ببینید).

مهم‌ترین انجمن‌های صنفی میوه و تره‌بار فرآوری شده عبارتند از:

• انجمن آب میوه اروپا AIJN: انجمنی تحت عنوان چتر برای صنعت اروپا با عضویت بین‌المللی. اطلاعاتی در مورد قوانین اروپا، دستورالعمل‌های محصول، پایداری و موارد دیگر ارائه می‌دهد.

• انجمن اروپایی صنایع فرآوری میوه و سبزیجات (PROFILE): آماری در مورد بخش میوه و سبزیجات فرآوری شده اروپا، اطلاعاتی در مورد قوانین و فهرستی از شرکت‌ها و انجمن‌های ملی ارائه می‌دهد.

• FRUCOM: فدراسیون اروپایی تجارت میوه‌های خشک و آجیل خوراکی، میوه‌ها و سبزیجات فرآوری شده، محصولات شیلات فرآوری شده، ادویه‌جات ترشی جات و عسل است. فهرست اعضا را جستجو کنید تا انجمن‌ها و شرکت‌های ملی را بیابید. FRUCOM اجازه عضویت برای شرکت‌ها و انجمن‌های غیراروپایی را می‌دهد.

• انجمن اسنک اروپا: نماینده تولیدکنندگان و بازرگانان اسنک شور اروپایی از جمله آجیل‌های خوراکی است.

میوه‌ها و سبزیجات فرآوری شده مانند Anuga، از جمله Organic Food و Pavilions of the World. In food • Food Ingredients Europe (FIE) یک نمایشگاه تجاری کوچک‌تر با تمرکز انحصاری بر مواد تشکیل‌دهنده، از جمله مواد خام و محصولات نیمه‌تمام ارائه‌شده برای فروش به صنایع غذایی. این نمایشگاه هر ساله در مکانی متفاوت در اروپا برگزار می‌شود.

• Biofach یک نمایشگاه تجاری با تمرکز انحصاری بر محصولات ارگانیک تأیید شده است. برای چنین جایگاه خاصی به طرز شگفت‌انگیزی بزرگ است و هر سال در ماه فوریه در نورنبرگ آلمان برگزار می‌شود. صادرکنندگان را می‌توان در بخش‌های دارای غرفه‌های بین‌المللی اسکان داد Biofach همچنین شامل یک کنفرانس سالانه در مورد تحولات در صنعت جهانی ارگانیک است.

• محصولات طبیعی و ارگانیک اروپا، یک نمایشگاه تجاری نسبتاً کوچک در مقایسه با سایر نمایشگاه‌هاست و فرصت‌های خوبی را برای محصولات طبیعی که دارای برجسب «طبیعی» یا «ارگانیک» هستند، ارائه می‌دهد که هر سال در لندن برگزار می‌شود.

• ISM Sweets & Snacks نمایشگاه تجاری پیشرو بین‌المللی برای شیرینی‌ها و تنقلات هر سومین سال در شهر کلن آلمان برگزار می‌شود. برای تأمین‌کنندگان صنعتی میوه خشک و آجیل خوراکی مناسب است.

• PLMA نمایشگاه تجاری پیشرفته بین‌المللی برای تولیدکنندگان OEM. هر ساله در آمستردام هلند برگزار می‌شود. این مناسب‌ترین نمایشگاه تجاری برای شرکت‌هایی است که مایل به عرضه محصولات به زنجیره‌های خرده‌فروشی اروپایی هستند. برای انجام این کار، شرکت‌ها باید گواهی استانداردهای ایمنی را داشته باشند و الزامات خاص خرده‌فروشان را از نظر ایمنی، کیفیت و درخواست‌های اجتماعی و زیست‌محیطی برآورده کنند. برای مشتریان خرده‌فروشی خاص، باید تجهیزات بسته‌بندی و برجسب‌گذاری خاصی داشته باشند.

خریداران اروپایی نه تنها از نمایشگاه‌های مجاور بازدید می‌کنند، بلکه به مکان‌های خارج از اتحادیه اروپا نیز سفر می‌کنند تا به دنبال تأمین‌کنندگان جدید باشند. مرتبط‌ترین نمایشگاه‌های تجاری با حضور تاجران میوه و سبزیجات فرآوری شده اروپایی در خارج از اروپا عبارتند از Gulfood دبی، امارات متحده عربی که هر سال تکرار می‌شود و FOODEX ژاپن (توکيو، ژاپن، سالانه) و غذای جهانی مسکو (مسکو، فدراسیون روسیه، سالانه) و Koelnmesse، برگزارکننده ANUGA، همچنین دو نمایشگاه

اگر صادرکننده

با تجربه‌تری

هستید،

می‌توانید

مستقیماً به

بازارهایی

بفروشید که

معمولاً توسط

واردکنندگان

اروپایی ارائه

می‌شوند که این

نیاز به تلاش

بسیار بیشتری

دارد و شما باید

خریداران را

متقاعد کنید که

از مکان‌های دور

خرید کنند.

توجه داشته

باشید که

فروش مستقیم

به کانال‌های

خرده‌فروشی،

اغلب به معنای

سرمایه‌گذاری

بالاتر (مانند

اجاره انبار در

بازار هدف)،

مشارکت در

تماس‌های خرید

رقابتی و امکان

تحويل مقادیر

کم به صورت مکرر

(مانند هفتگی)

و در کوتاه‌مدت

است.



که تبلیغ می‌کنند پیگیری کنید و جدیدترین نسخه‌ها یا یافته‌های تحقیقاتی آن‌ها را بررسی کنید.

• به لیست اعضای هر انجمن نگاه کنید، زیرا آن‌ها می‌توانند چشم‌اندازهای بالقوه‌ای را برای کمپین بازاریابی شما در اختیار شما قرار دهند. با دقت به وبسایت‌های اعضا نگاه کنید تا ببینید آیا آن‌ها متناسب با پروفایل شما هستند یا نه. بهتر است یک لیست کوتاه از خریداران بالقوه بالا داشته باشید تا یک لیست طولانی بدون انتظار بیشتر.

۷. یک لیست اولیه با استفاده از پایگاه‌های داده شرکت تهیه کنید

پایگاه داده عمومی و خاص، یافتن نام و مخاطبین خریدار را برای تأمین‌کنندگان آسان‌تر می‌کند. این باید اولین قدم باشد که شما برای شروع به جستجوی خریداران برمی‌گزینید. به خاطر داشته باشید که هیچ پایگاه داده‌ای کامل نیست لذا سعی کنید ترکیب داده‌های تجاری را با سایر نکات ارائه شده در این سند استفاده کنید تا جستجوی خود را کوتاه‌تر و آسان‌تر کنید.

محبوب‌ترین پایگاه‌های داده شرکت در اروپا عبارتند از:

• **EUROPAGES:** در این پایگاه داده می‌توانید فهرست شرکت‌های اروپایی بر گروه محصول و بخش جغرافیایی جستجو کنید (به‌عنوان مثال «میوه خشک» یا «آب میوه و سبزیجات»). می‌توانید نتایج خود را فیلتر کنید و تنها شرکت‌هایی را انتخاب کنید که تاجر هستند و نه تولیدکننده (به‌عنوان مثال «نماینده»، «توزیع‌کننده» یا «عمده‌فروش»).

• **Wer liefert:** به معنی (Who Delivers What) یک بازار آنلاین پیشرو بین کسب‌وکارها (BYB) در آلمان، سوئیس و اتریش. محصولات یا شرکت‌ها را جستجو کنید و نتایج خود را بر اساس اندازه و فعالیت شرکت فیلتر کنید. علاوه بر نام‌های انگلیسی، از نام‌های آلمانی محصولات در جستجوی خود می‌توانید استفاده کنید.

• **Organic-Bio:** پایگاه داده شرکت‌های خریدوفروش محصولات ارگانیک

• **Kompass:** پایگاه داده بزرگ شرکت‌ها در این پلتفرم می‌توانید چندین فیلتر را برای یافتن خریداران بالقوه اعمال کنید و در صورت اشتراک گرفتن اطلاعات در دسترس هستند. با تایپ نام محصول و انتخاب «واردکنندگان» در لیست نتایج، جستجوی اولیه را رایگان و محدود شده انجام دهید.

• **Frozen BYB:** یک بازار آنلاین برای مواد غذایی منجمد

لیست اعضا را جستجو کنید تا انجمن‌های ملی و شرکت‌های آجیل را بیابید.

• **شورای بین‌المللی آجیل و میوه خشک INC:** آمار و اطلاعات در مورد صنعت بین‌المللی آجیل و خشکبار. برای دسترسی به پایگاه داده اعضا، باید مشترک شوید.

بزرگ‌ترین انجمن‌های تجاری در بازارهای اروپایی پیشرو برای میوه و سبزیجات فرآوری شده عبارتند از:

• **Waren-Verein:** انجمن واردکنندگان و واسطه‌های آلمانی میوه و سبزیجات فرآوری شده، عسل و محصولات مرتبط. **Waren Verein** هر سال یک نشست تجاری اروپایی با فرصت‌های شبکه‌ای را سازمان‌دهی می‌کند.

• **NZV:** انجمن هلندی برای تجارت میوه‌های خشک، آجیل، ادویه‌جات ترشی جات و محصولات مرتبط (فقط به زبان هلندی). برای اطلاع از عضویت و اعضا می‌توانید با دبیرخانه انجمن تماس بگیرید.

• **NDFTA:** انجمن ملی تجارت میوه خشک بریتانیا. فرصت‌های شبکه‌سازی را فراهم می‌کند، مصرف را ترویج می‌کند و اعضا را در مورد تحولات قانونی آگاه می‌کند. می‌توانید لیست اعضا را جستجو کنید یا عضو شوید.

• **UNILET:** انجمن فرانسوی شرکت‌های میوه و سبزیجات منجمد (فقط به زبان فرانسه). فهرستی از شرکت‌های میوه و سبزیجات منجمد فرانسوی را در فهرست اعضا پیدا کنید

• **VEGEBE:** انجمن بلژیکی تولیدکنندگان و بازرگانان منجمد و سبزیجات. برای یافتن شرکای بالقوه، فهرست اعضا را جستجو کنید

• **ADEPALE:** صنعت میوه و سبزیجات فرآوری شده فرانسه (فقط به زبان فرانسه). برای یافتن شرکای بالقوه در بخش‌های میوه و سبزیجات کنسرو شده، منجمد و آماده شده، فهرست اعضا (پیروان) را جستجو کنید.

• **VDF:** انجمن آب میوه آلمان (فقط به زبان آلمانی). برای یافتن تولیدکنندگان آب میوه (شرکت‌های بسته‌بندی و مخلوط کردن) یا تأمین‌کنندگان مواد خام (مانند فروشندگان پوره یا کنسانتره) می‌توانید لیست اعضا را جستجو کنید.

بیشترین تقاضا برای میوه و سبزیجات فرآوری شده در اروپا مربوط به آلمان، هلند، فرانسه، بریتانیا و ایتالیا است. شما باید جستجوی خود را بر روی انجمن‌های بخش در آن کشورها متمرکز کنید.

نکات:

• انجمن‌های میوه و سبزیجات فرآوری شده پیشرو که در بالا ذکر شده است را دنبال کنید. رویدادهای مرتبطی را

مرتبط‌ترین

[نمایشگاه‌های](#)

[تجاری با حضور](#)

[تاجران میوه و](#)

[سبزیجات فرآوری](#)

[شده اروپایی](#)

[در خارج از](#)

[اروپا عبارتند از](#)

[Gulfood دبی،](#)

[امارات متحده](#)

[عربی که هر سال](#)

[تکرار می‌شود و](#)

[FOODEX](#)

[ژاپن \(توکیو،](#)

[ژاپن، سالانه\) و](#)

[غذای جهانی](#)

[مسکو \(مسکو،](#)

[فدراسیون](#)

[روسیه، سالانه\)](#)

[Koelnmesse](#)

[برگزارکننده](#)

[ANUGA](#)

[همچنین دو](#)

[نمایشگاه تجاری](#)

[مهم مشترک را](#)

[در چین بعلاوه](#)

[برزیل و در هند به](#)

[نام Anufood](#)

[برگزار می‌کند.](#)

حال افزایش است. طبق تحقیقات McKinsey از اکتبر ۲۰۲۰، تنها ۳۰ درصد از خریداران BYB می‌خواهند شخصاً با یک تأمین‌کننده ارتباط برقرار کنند، ۷۰ درصد دیگر مدیران خرید قبل از تصمیم‌گیری فقط از ارتباطات آنلاین استفاده می‌کنند. همچنین کاهش هزینه‌ها کسب‌وکارهای بیشتری را مجبور می‌کند تا به‌صورت آنلاین منابع خود را تأمین کنند، این روند به توسعه سریع بازارهای آنلاین جدید BYB کمک می‌کند. شرکت بریتانیایی هوکودو فهرستی از بازارهای BYB اروپا را منتشر نموده است؛ برای مثال طبق این فهرست، ۳۰ بازار آنلاین BYB در اروپا وجود دارد که در تجارت محصولات کشاورزی و غذایی تخصص دارند. برخی از بازارهای BYB دائمی هستند، درحالی‌که برخی دیگر محدود به زمان هستند و به رویدادهای تجاری خاص متصل هستند.

از بازارهای BYB می‌توانید برای افزایش شانس خود در یافتن خریداران استفاده کنید. شما باید خریداران را در خارج و همچنین در داخل یک پلتفرم جستجو کنید. اگرچه اکثر پلتفرم‌ها ابزارهای مختلفی را برای همسان‌سازی BYB ایجاد کرده‌اند، ولی بسیاری از معامله‌گران بین‌المللی (هنوز) در بازارهای BYB نیستند.

۹. سازمان‌هایی را بیابید که می‌توانند از صادرات شما پشتیبانی کنند

بسیاری از سازمان‌های حمایت از کسب‌وکار (BSOs) وجود دارند که از فعالیتهای صادراتی حمایت می‌کنند. آن‌ها در کشور یا بازار هدف شما واقع شده‌اند یا می‌توانند فعالیتهای پشتیبانی را در سطح بین‌المللی انجام

است و در صورت اشتراک گرفتن در دسترس است، اگرچه برخی از جستجوهای ساده را می‌توان رایگان انجام داد.

- GreenTrade: یک بازار آنلاین برای مواد غذایی ارگانیک است که آگهی‌هایی تحت عنوان «خریدار فعلی» در اختیار قرار می‌دهد که هر کدام یک درخواست خرید است.

نکات:

- هنگام تهیه لیست شرکت‌هایی که از پایگاه‌های داده استفاده می‌کنند، ایمیل یکسانی را برای همه آن‌ها ارسال نکنید. این توسط اکثر خریداران «هرزنامه» در نظر گرفته می‌شود.
- وبسایت‌های شرکت‌هایی که در پایگاه‌های داده پیدا کرده‌اید را به‌دقت مطالعه کنید. همچنین، اطلاعات اضافی درباره آن شرکت‌ها را جستجو کنید تا بهتر متوجه شوید که آیا آن‌ها برای شرکت شما مناسب هستند یا خیر. جستجو را به زبان کشوری که دفتر مرکزی شرکت هدف شما در آن قرار دارد انجام دهید.
- پس از ارسال اولین ایمیل، با یک تماس تلفنی پیگیری کنید تا میزان پاسخگویی را افزایش دهید و بررسی کنید که آیا شرکت مورد تماس واقعاً به شما مربوط است یا خیر.

۸. در پلتفرم‌های دیجیتال BYB عضو شوید و محصولات خود را به خریداران نمایش دهید

اکثر همکاری‌های بلندمدت هنوز پس از معرفی اولیه، تجزیه و تحلیل نمونه‌ها و بازدید از کارخانه شکل می‌گیرند. با این حال، به دلیل محدودیتهای سفر ناشی از همه‌گیری بیماری کووید ۱۹، میزان تجارت آنلاین در



با بودجه دولتی که از BSO ها در بهبود خدمات برای شرکت‌های صادرکننده، تقویت ساختار نهادی خود و همچنین اتصال آن‌ها به یک شبکه گسترده حمایت می‌کند.

• میز ترویج واردات- (IPD): سازمانی با بودجه دولتی از آلمان که هدف آن ارائه تبلیغات پایدار و ساختاریافته برای واردات برخی محصولات و خدمات از کشورهای منتخب شریک است. آن‌ها منافع واردکنندگان آلمانی را با منافع صادرکنندگان در بازارهای رو به رشد و در حال ظهور گرد هم می‌آورند.

• مرکز تجارت بین‌المللی- (ITC): آژانس سازمان ملل متحد مستقر در ژنو که به حمایت از بین‌المللی سازی شرکت‌های کوچک و متوسط در سراسر جهان اختصاص دارد. بیشتر فعالیت‌ها با هدف حمایت از صادرکنندگان کشورهای در حال توسعه است.

• شبکه اروپای سازمانی- (EEN): توسط کمیسیون اروپا با هدف کمک به شرکت‌ها با انواع محصولات و خدمات برای نوآوری و رشد بین‌المللی تأسیس شده است.

اگرچه BSO های ذکر شده در بالا می‌توانند به شما در فعالیت‌های صادراتی کمک کنند، اما همیشه باید احتمال حمایت آن‌ها از ایران را بررسی کنید. سازمان‌هایی مانند آژانس‌های ترویج صادرات، اتاق‌های بازرگانی یا سفارتخانه‌های کشور شما در بازارهای هدف می‌توانند در فعالیت‌های تبلیغاتی به شما کمک کنند.

فراموش نکنید که با سازمان‌های محلی در داخل کشور خود تماس بگیرید. مؤسسات محلی، مانند اتاق‌های بازرگانی منطقه‌ای، آژانس‌های توسعه منطقه‌ای، یا دفاتر پشتیبانی کسب‌وکار در شهرها و نواحی محلی نیز می‌توانند با شما تماس بگیرند و شرکت شما را در پروژه‌های پشتیبانی صادرات مشارکت دهند.

۱۰. نام واردکنندگان پیشرو را بیابید، مشورت کنید و پیوسته نکات صادراتی بیشتری را جستجو کنید

زندگی در بازارها جریان دارد و هر لحظه ممکن است اتفاق جدیدی رخ دهد که در کار شما تأثیر داشته باشد؛ لذا لازم است با مراجعه به مواردی که در بخش‌های فوق ارائه گردید، تلاش کنید تا اطلاعات بیشتری در مورد مکان فروش محصول و واردکنندگان آن منطقه که خریداران شما هستند، پیدا کنید، رقبا را زیر نظر داشته باشید و تیم کاری خودتان را تقویت نمایید، حاصل سیاست‌گذاری سازمان خود را در دوره‌های معین اندازه‌گیری و ارزیابی نمایید و برای گام‌های بعدی آماده شوید. ♦♦

می‌دهند. برخی از این سازمان‌ها برنامه‌های ترویج صادرات را به‌طور خاص به اروپا تمرکز کرده‌اند و مناطق خاصی را هدف قرار داده‌اند. سازمان‌های ملی ترویج صادرات معمولاً فعالیت‌هایی مانند تحقیقات بازار، شرکت در نمایشگاه‌های تجاری یا فعالیت‌های همسان‌سازی را حمایت مالی می‌نمایند. شناخته‌شده‌ترین BSO های بین‌المللی حامی صادرکنندگان در کشورهای در حال توسعه عبارتند از:

• مرکز ترویج واردات از کشورهای در حال توسعه- (CBI): سازمانی با بودجه دولتی که از بیش از ۸۰۰ کارآفرین برای تبدیل شدن به صادرکنندگان موفق در بازار اروپا حمایت می‌کند. آن‌ها اطلاعات بازار را برای محصولات و خدمات مختلف، برنامه‌های آموزشی صادرات و پشتیبانی فنی ارائه می‌دهند، سیاست‌گذاران را اطلاع‌رسانی کرده و تحت تأثیر قرار می‌دهند و واردکنندگان را در توسعه و اجرای برنامه‌های خود مشارکت می‌دهند.

• برنامه ارتقای واردات سوئیس- (SIPPO): سازمانی



گفت‌وگو با دکتر «عبدالواحد بنانی» رییس شورای هماهنگی بیمه‌های بازرگانی استان کرمان و سرپرست منطقه ۱۰ بیمه آسیا جنوب شرق کشور

ضرورت اصلاح قانون بسیار کهنه بیمه

عدم اطمینان از آینده شغلی در شبکه گسترده فروش مهم‌ترین چالش شرکت‌های بیمه‌ای در کشور است. در این شبکه با احتساب کارمندان و بازاریابان بالغ بر ۲۰۰ هزار خانوار فعالند که در حدود ۹۰ درصد فروش صنعت بیمه کشور را برعهده دارند. در حال حاضر در صنعت بیمه، تعداد محدودی از شرکت‌ها در قالب بخش خصوصی واقعی فعالیت دارند و عمدتاً شامل شرکت‌های خصولتی و وابسته به واحدهای بزرگ خدماتی مانند بانک‌ها، بنیادها و یا واحدهای صنعتی بزرگ هستند که به‌ندرت شاهد نوآوری و ابتکار در آن‌ها هستیم. بیمه یک صنعت بین‌المللی است، لذا باید تلاش کنیم تا در این صنعت به استانداردهای بین‌المللی برسیم. ایران جزو ۳۰ اقتصاد برتر دنیاست، اما در رتبه پنجاهم (۵۰) صنعت بیمه جهان از لحاظ دریافت حق بیمه قرار دارد. ضریب نفوذ بیمه در ایران ۲,۲ درصد است، درحالی‌که ضریب نفوذ جهانی بیمه در حدود ۱۰ درصد است. تبدیل بیمه‌نامه‌های کاغذی به تراشه‌های الکترونیکی، تقویت مؤسسات ارزیابی خسارت همسو با بازارهای بین‌المللی بیمه، تأسیس مؤسسات داوری و بویژه اصلاح و به‌روزرسانی قانون بیمه پس از ۹ دهه، مهم‌ترین الزامات تحول در صنعت بیمه کشور است. مشروح کامل گفت‌وگو با دکتر عبدالواحد بنانی، سرپرست منطقه ۱۰ بیمه آسیا جنوب شرق کشور و رییس هماهنگی بیمه‌های بازرگانی استان کرمان را در ادامه مطالعه نماییم.

در صنعت بیمه
نیاز شدید
به اصلاح و
تبیین قوانین و
آیین‌نامه‌های
جدید می‌باشد.
از اولین و آخرین
قانون بیمه کشور
بدون هیچ‌گونه
اصلاحات و
تغییرات حدوداً
۹ دهه می‌گذرد
که در این مدت
طولانی مفاهیم
بیمه و رابطه
بیمه‌گر، بیمه‌گذار
و بیمه‌شده و
تبادل واریز حق
بیمه، پرداخت
وجه خسارت
بیمه‌شدگان و
زیان دیدگان،
مسائل حقوقی
فی‌مابین طرفین
و دادگاه‌ها، نحوه
ارزش‌گذاری
قیمت دیه
متوفیان
تصادفات
راندگی و ...
دچار تغییرات
شگرف شده
است.



بیمه‌نامه می‌توان گفت در بحث خسارت معمولاً انطباق کامل با مفاد قانون و آیین‌نامه‌ها وجود دارد، در صورت

♦♦ ارزیابی شما از چگونگی عملکرد شرکت‌های بیمه در انطباق با مفاد قانون و آیین‌نامه‌ها چیست؟

این‌که اینجانب به‌عنوان یک کنشگر به سؤالات شما پاسخ گو می‌باشم، یا به‌عنوان سرپرست بیمه آسیا منطقه جنوب شرقی کشور و یا رییس شورای هماهنگی شرکت‌های بیمه‌ای پاسخ متفاوتی وجود دارد. اگر به‌عنوان یک کنشگر اقتصادی و بیمه‌ای بخواهم بحث نمایم، باید بگویم در صنعت بیمه نیاز شدید به اصلاح و تبیین قوانین و آیین‌نامه‌های جدید می‌باشد. از اولین و آخرین قانون بیمه کشور بدون هیچ‌گونه اصلاحات و تغییرات حدوداً ۹ دهه می‌گذرد که در این مدت طولانی مفاهیم بیمه و رابطه بیمه‌گر، بیمه‌گذار و بیمه‌شده و تبادل واریز حق بیمه، پرداخت وجه خسارت بیمه‌شدگان و زیان دیدگان، مسائل حقوقی فی‌مابین طرفین و دادگاه‌ها، نحوه ارزش‌گذاری قیمت دیه متوفیان تصادفات راندگی و ... دچار تغییرات شگرف شده است که نیاز به اصلاح و یا تبیین قانون جدید منطبق بر نیازهای جاری از جمله بیمه‌نامه‌های اینترنتی و آنلاین و امضای الکترونیکی اوراق بیمه از طرف بیمه‌گذاران از ضرورت‌های صنعت بیمه در حال حاضر می‌باشد. اگر به‌عنوان یک فعال و یک کارشناس صنعت بیمه بخواهم پاسخگو باشم از دو دیدگاه خسارت و صدور



مغایرت، دستگاه‌های نظارتی از جمله سازمان‌های بازرسی و دادگاه‌ها با داشتن اختیارات کامل می‌توانند شرکت‌هایی که از قوانین سرپیچی می‌نمایند را به چالش بکشاند و برایشان پرونده‌سازی نمایند؛ بنابراین با استقرار شورای هماهنگی بیمه‌ها در هر استان می‌توان با مراجعه به این شورا مسائل و مشکلات مربوطه را تا حدود زیادی حل نمود. در اینجا لازم به یادآوری می‌باشد که شورای هماهنگی ارتباط تنگاتنگی با مجموعه دادستانی، دادسرا و مجموعه دادگاه‌های عمومی استان دارد و با تعامل دوطرفه مشکلات مردم با صنعت بیمه در حداقل زمان ممکن قابل حل می‌باشد.

در مورد صدور بیمه‌نامه با توجه به اینکه فعالیت در صنعت بیمه همراه با رقابت می‌باشد، متأسفانه بعضی از شرکت‌های بیمه بویژه در رشته‌های زیان‌ده مانند قراردادهای بیمه‌های درمان تکمیلی و بیمه‌های مسئولیت، تعهداتی که به بیمه‌گذاران ارائه می‌دهند با آیین‌نامه‌های شورای عالی و تصویب‌نامه‌های هیئت‌وزیران مطابقت نمی‌نمایند که این مسئله بخصوص برای بیمه‌گذاران می‌تواند مشکل ایجاد نماید؛ چون شورای هماهنگی بیمه در استان به دلیل عدم تطابق با آیین‌نامه‌ها، حقی برای بیمه‌گذاران قائل نمی‌شود و بیمه‌گذاران جهت دریافت خسارت خود بایستی پروسه طولانی دادگاه‌ها که گاهی چندین سال به طول می‌انجامد را طی نمایند و در مورد بیمه‌گران متخلف نیز محاسبات فنی و اکچوئری آن‌ها به هم می‌ریزد.

ارکان بیمه مرکزی ایران شامل مجمع عمومی، شورای عالی بیمه، هیئت عامل و بازرسان می‌باشد. مهم‌ترین رکن بیمه مرکزی ایران شورای عالی بیمه است. این شورا دارای ۱۰ عضو بوده و ریاست آن به عهده رئیس کل بیمه مرکزی ایران ولی فاقد حق رأی می‌باشد. مدیرعامل بیمه ایران و یک نفر مدیرعامل از سایر شرکت‌های بیمه عضو این شورا هستند، بنابراین ۷ نفر از اعضای تصمیم‌گیرنده در صنعت بیمه از خارج از این صنعت تعیین می‌شوند

دارای ۱۰ عضو بوده و ریاست آن به عهده رئیس کل بیمه مرکزی ایران ولی فاقد حق رأی می‌باشد. مدیرعامل بیمه ایران و یک نفر مدیرعامل از سایر شرکت‌های بیمه عضو این شورا هستند، بنابراین ۷ نفر از اعضای تصمیم‌گیرنده در صنعت بیمه از خارج از این صنعت تعیین می‌شوند؛ این افراد شامل معاونین وزارت امور اقتصاد و دارایی، بازرگانی، جهاد کشاورزی کار و امور اجتماعی، یک نفر نماینده از اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران و دو نفر کارشناس حقوقی و کارشناس مطلع در امر بیمه به انتخاب مجمع بیمه مرکزی ایران هستند. به موجب ماده ۱۷ همین قانون، وظایف شورا عبارت است از: رسیدگی و اظهار نظر نسبت به صدور یا لغو پروانه مؤسسات بیمه، تصویب نمونه ترازنامه، تعیین انواع معاملات بیمه و شرایط عمومی بیمه‌های مختلف، تعیین کارمزد و حق بیمه کلی رشته‌های بیمه و تصویب آیین‌نامه‌های لازم برای هدایت صنعت بیمه کشور. این شورا در واقع هدایت‌کننده صنعت بیمه در کشور می‌باشد که سیاست‌های کلان بیمه‌ای را تصویب و از طریق بیمه مرکزی ایران به شرکت‌های بیمه ابلاغ می‌نماید؛ بنابراین به‌طور خلاصه می‌توان گفت که بیمه مرکزی ایران به‌عنوان یک دستگاه نظارتی و نماینده شورای عالی بیمه، سکان‌دار و هدایت‌کننده صنعت بیمه کشور است. هر چه شورای عالی بیمه قوی‌تر داشته باشیم (بخصوص نماینده اتاق بازرگانی) می‌تواند نقش ارزنده‌تری در این صنعت داشته باشد تا مسیر پیشرفت و رشد این صنعت سریع‌تر و پویاتر هموار گردد.

◆ نظارت بیمه مرکزی بر شرکت‌های بیمه‌ای را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

نظارت بیمه مرکزی بر شرکت‌های بیمه، درون‌سازمانی محسوب می‌گردد که معمولاً مراتب نظارتی به‌صورت محرمانه به شرکت‌هایی که آیین‌نامه‌های شورای عالی بیمه را رعایت نمی‌نمایند، ابلاغ می‌گردد. دلیل محرمانه بودن آن‌هم این است که اگر علنی گردد می‌تواند بیمه‌گذاران یک شرکت بیمه را دچار نگرانی نسبت به وضعیت بیمه‌نامه‌های خود نماید و این امر موجب خروج پرتفوی بیمه‌گذار از آن شرکت بیمه و نهایتاً ورشکستگی آن شرکت بیمه می‌گردد. با توجه به صورت‌های مالی و گزارش‌های آماری بورس (کدال) تعدادی از شرکت‌های بیمه در وضعیت مناسبی قرار ندارند و متأسفانه دارای زیان انباشته بالایی نسبت به حقوق صاحبان سهام هستند که اگر اقتصاد کشور از حالت تورمی خود خارج گردد و ما به یک نرخ ثابت در رشد اقتصادی و نرخ تورم

◆ بیمه مرکزی چه نقش سازنده‌ای در صنعت بیمه ایفا می‌کند؟

شروع رسمی صنعت بیمه در کشور از آبان ماه ۱۳۱۴ با تأسیس بیمه ایران آغاز شد. از همان زمان متولی نظارتی بر این صنعت وزارت امور اقتصاد و دارایی بوده است. این وزارتخانه اختیارات خود را در بحث نظارت و اتکایی به عهده بیمه ایران گذاشته است که این امر موجب اعتراض سایر شرکت‌های بیمه که قریب به ۳۰ شرکت بیمه ایرانی و خارجی بوده است، گردید (به دلیل رانت اطلاعاتی از بیمه‌گذاران بزرگ به دلیل اشراف اطلاعاتی بر قراردادهای بزرگ صنعت بیمه، هم از بعد نظارت و هم از بعد اتکایی) که منجر به تصویب قانون تأسیس بیمه مرکزی ایرانی در تاریخ ۱۳۵۰/۰۳/۳۰ گردید. ارکان بیمه مرکزی ایران شامل مجمع عمومی، شورای عالی بیمه، هیئت عامل و بازرسان می‌باشد. مهم‌ترین رکن بیمه مرکزی ایران شورای عالی بیمه است، این شورا

بیمه مرکزی ایران است، در این صورت بیمه‌گذار با ورود به اپلیکیشن استارت‌آپ به گزینه معرفی نمایندگان دسترسی می‌یابد و شبکه فروش نیز از استارت‌آپ منفعی خواهد داشت و از این طریق اقدام به معرفی مشتری به استارت‌آپ می‌کند، منافع بیمه‌گذار نیز با انجام هزینه کمتر و صرفه‌جویی در وقت تأمین‌شده و درآمد نماینده بیمه هم پابرجا است.



● طرح: وحید ولی‌زاده ●

تک‌رقمی (همانند اقتصاد سایر کشورها) برسیم، مطمئناً حیات این‌گونه شرکت‌های بیمه با چالش زیاد و یا حتی ورشکستگی مواجه می‌گردد؛ بنابراین لازم است بیمه مرکزی به‌عنوان نهاد نظارتی هشدارهای لازم را قبل از وقوع این رویداد انجام دهد.

البته مردم و بازرگانان عزیز هم باید آگاه باشند و مطالعات بیمه‌ای خود را افزایش دهند و فقط دنبال پیدا کردن بیمه‌گری نباشند که حق بیمه کمتری دریافت می‌کند. از قدیم گفته‌اند هیچ ارزانی بی‌علت نیست. اتفاقاً شرکت‌های بیمه که با ارزان‌فروشی دنبال جذب بازارهای جدید می‌گردند و صدور بیمه‌نامه با اقساط بلندمدت انجام می‌دهند از جمله شرکت‌های زنده در صنعت بیمه کشور هستند.

♦♦ مهم‌ترین چالش‌های شرکت‌های بیمه‌ای در کشور چیست؟

عدم اطمینان از آینده شغلی شبکه گسترده فروش اعم از نماینده حقیقی و نمایندگان حقوقی هم از بُعد فعالیت استارت‌آپ‌ها و هم از بُعد هزینه‌های اداری و جاری می‌تواند دغدغه این عزیزان باشد. از آنجایی که علمای صنعت بیمه در جهان می‌گویند بیمه خریدنی نیست و فروختنی است. علی‌رغم وجود استارت‌آپ در شبکه بزرگ فروش در کشور که با احتساب کارمندان و بازارباپان آن بالغ بر ۲۰۰ هزار خانوار می‌باشد و حدود ۹۰ درصد فروش صنعت بیمه کشور را به عهده دارند، از وظایف بیمه مرکزی ایران و شورای عالی بیمه است که استرس و دغدغه این خانواده بزرگ را برطرف نماید؛ بنابراین بایستی هر چه سریع‌تر با اعمال نظارت بیشتر در صدور بیمه‌نامه‌های زیان‌ده از طریق افزایش حق بیمه، موجب سودآوری این رشته شده و در نتیجه با افزایش نرخ کارمزد، هزینه‌های اداری و جاری آن‌ها پوشش داده شود و از خروج سالانه تعداد زیادی از نمایندگان در این صنعت جلوگیری گردد.

♦♦ در مورد وجود و عملکرد شرکت‌های استارت‌آپی فعال در صنعت بیمه کشور و استان کرمان توضیح دهید.

با وجود شرکت‌های استارت‌آپی در صنعت بیمه هم هزینه‌های بیمه‌گر و بیمه‌گذار کاهش می‌یابند و هم در زمان صرفه‌جویی صورت می‌گیرد. از طرفی در کشور ما پدیده بیکاری بیداد می‌کند و دولت‌ها بایستی سالانه حداقل حدود یک‌میلیون شغل جدید ایجاد نمایند لذا با ساماندهی بهتر می‌توانند با این معضل برخورد نمایند. پیشنهاد بنده ایجاد یک استارت‌آپ ملی تحت نظارت

♦♦ ارزیابی شما از چگونگی پرداخت خسارت در شرکت‌های بیمه‌ای چیست و اصولاً این پرداخت‌ها چقدر وافی به مقصود است؟

واقعیت امر این است که تکریمی از خسارت دیدگان و زیان دیدگان در هیچ شرکت بیمه‌ای اعم از دولتی و خصوصی انجام نمی‌گیرد. معمولاً کارمندان واحد خسارت شرکت‌های بیمه برخورد خوبی با مشتریان خود ندارند و حتی نمایندگان فروش را هم از همراهی و دخالت در سرعت بخشی در پرداخت خسارت بر حذر می‌دارند. خسارت‌دیدگان به لحاظ میزان خسارت دریافتی، ناراضی به نظر می‌رسند.

البته میزانی از نارضایتی مربوط به آگاهی مشتریان واحد خسارت از اطلاعات قیدشده در شرایط عمومی بیمه‌نامه‌ها است که معمولاً در ظهر هر بیمه‌نامه چاپ می‌شود یا به صورت استثنائات بیمه‌نامه، اعمال ماده ده قانون بیمه (کم بیمگی و یا تشدید خطر) بحث خودروهای نامتعارف، اعمال بازیافتی، فرانشیز و استهلاک است که منجر به نارضایتی آن‌ها می‌گردد. این مهم به ضعف شبکه فروش در زمان فروش بیمه‌نامه مربوط می‌شود که کلیه اطلاعات لازم را به بیمه‌گذاران در هنگام خرید بیمه‌نامه ارائه نمی‌نمایند، ولی انتظار می‌رود با ورود شرکت‌های ارزیابی خسارت و نمود جایگاه واقعی آن‌ها در صنعت بیمه ضمن رعایت تکریم ارباب‌رجوع، خسارت واقعی بیمه‌شدگان نیز پرداخت گردد؛ این یک خواسته واقعی آحاد مردم از صنعت بیمه کشور می‌باشد.



♦♦ در حدود ۳۳ شرکت در صنعت بیمه کشور فعالیت دارند، اول آیا از نظر تعداد، شرکت‌های موجود کافی است و یا جای افزایش تعداد این دسته از شرکت‌ها در کشور وجود دارد و دیگر اینکه شما چقدر به توفیق شرکت‌های بیمه‌ای خوش بین هستید؟

این ایده که صنعت بیمه و بانک طبق اصل ۴۶ قانون اساسی از بخش دولت خارج گردد و اجازه ورود بخش خصوصی به این صنعت داده شود یک ایده قابل قبول و فوق‌العاده‌ای بوده است. هدف، کاهش تصدی‌گری دولت در بخش‌های بازرگانی است که مبین این شعار معروف است که دولت تاجر خوبی نیست و نمی‌تواند هزینه‌ها را کنترل نماید. شرکت‌های دولتی عمدتاً زیان‌ده هستند، اگر خصوصی شوند از طریق نظارت بیشتر، کاهش هزینه‌ها و ایجاد انگیزه‌های مالی و نوآوری سودآور می‌گردند. متأسفانه در حال حاضر در صنعت بیمه تعداد محدودی از شرکت‌های بیمه، خصوصی واقعی هستند و عمدتاً یا خصولتی و وابسته به واحدهای بزرگ خدماتی مانند بانک‌ها، بنیادها و یا واحدهای صنعتی بزرگ هستند؛ بنابراین به ندرت شاهد نوآوری و ابتکار که از ویژگی‌های بخش خصوصی می‌باشد در آن‌ها هستیم.

بنابراین باید هدف بیمه‌های خصوصی ایجاد تحول، خلاقیت و نوآوری باشد و حتی در صورت نیاز از مشاوران خارجی نیز بهره‌مند شوند (به میزانی که قانون اجازه می‌دهد سهامدار خارجی داشته باشند).

در مورد افزایش شرکت‌های بیمه، بایستی توسط دستگاه‌های نظارتی امکان ایجاد حداقل پنج بیمه خصوصی فراهم گردد. متأسفانه در صنعت بیمه در کشور به دلیل عدم ارتباط با کشورهای توسعه‌یافته، هیچ‌گونه خلاقیت و نوآوری شاهد نیستیم و به نظر اینجانب تنها با مشارکت مشاوران خارجی از کشورهای توسعه‌یافته، تحول در صنعت بیمه میسر می‌گردد؛ چون بیمه یک صنعت بین‌المللی است و خیلی از صنایع کشور از جمله پتروشیمی، دریانوردی و کشتیرانی، کشتی‌سازی، پروژه‌های مهندسی و صنعتی و حمل‌ونقل‌های بین‌المللی واردات و صادرات کالا با شرایط یکنواخت تحت شرایط بیمه‌گران خارجی می‌باشند. لذا اگر بخواهیم در این صنعت به استانداردهای بین‌المللی برسیم که البته اکنون با آن فاصله زیادی داریم، بایستی از این ظرفیت‌ها استفاده شود.

♦♦ توسعه صنعت بیمه در کشور در گرو چه سیاست‌ها و تحقق چه مطالباتی است؟

توسعه صنعت بیمه در کشور در گرو داشتن سیاست‌های تخصصی و زیرساخت‌های لازم است. در حال حاضر اقتصاد ایران جزو ۳۰ اقتصاد برتر دنیا است که در صورت توفیق در توافق برجام به رتبه حدود ۱۷ در اقتصاد دنیا ارتقاء پیدا می‌کند، اما از لحاظ صنعت بیمه در دنیا جایگاه مطلوبی ندارد و در جایگاه ۵۰ ام این صنعت در جهان به لحاظ دریافت حق بیمه به واحد دلار قرار دارد؛ پس یک‌فصله دو برابری بین رتبه جهانی صنعت بیمه در ایران با رتبه جهانی اقتصاد آن وجود دارد که این فاصله را می‌توان در ضریب نفوذ بیمه در ایران به میزان ۲,۲ درصد در مقایسه با ضریب نفوذ بیمه در جهان که حدود ۱۰ درصد است نیز مشاهده کرد. برای رسیدن به جایگاه واقعی صنعت بیمه، کار بسیار دشواری در پیش می‌باشد. بالا رفتن سطح اعتماد و اطمینان جامعه از صنعت بیمه و در پی آن ارتقاء فرهنگ بیمه همراه با تولید بیمه‌های خرد از راهکارهای ورود بیمه به همه خانواده‌ها است. نقش رسانه‌ها بویژه رسانه‌های نوشتاری و گفتاری، فصلنامه‌های تخصصی صنعتی، خدماتی، بازرگانی (مانند فصلنامه سپهر اقتصاد کرمان)، ارتقاء دانش فنی کارشناسان صنعت بیمه از طریق برگزاری بردهای تخصصی آموزشی بیمه، توسعه شرکت‌های دانش‌بنیان، هدایت شرکت‌های بیمه به سمت فناوری اطلاعات و استفاده از فضای اینترنت در شبکه‌های مجازی، استفاده از تراشه‌های الکترونیکی به جای فروش سنتی بیمه‌نامه‌های کاغذی و ساخت اپلیکیشن‌های بیمه‌ای که نیاز آحاد جامعه را بدون نیاز به مراجعه حضوری و فیزیکی در شعبه بیمه حتی تا مرحله پرداخت خسارت تأمین نماید، شاید از مهم‌ترین راه‌های منجر به ارتقای فرهنگ بیمه و توسعه صنعت بیمه باشد. طرح‌های نوین بیمه‌ای مانند بیمه محصولات، بیمه سایت‌های بازرگانی و تجاری که مورد حمله هکرها قرار می‌گیرند (پوشش بیمه با اهداف سیاسی نباشد) و انواع طرح‌های جدید در فروش بیمه‌نامه‌های زندگی که منافع بیشتری برای بیمه‌گذار ایجاد می‌نماید نیز در مسیر توسعه صنعت بیمه مؤثرند.

◆◆ مهم‌ترین مطالبات از صنعت بیمه چیست و این صنعت در حال حاضر چه میزان از مطالبات بیمه‌گذاران را پاسخگو است؟

ارزش قائل شدن برای بیمه‌گذاران، اهمیت دادن به وقت و کاهش بروکراسی‌های اداری، استفاده از فناوری اطلاعات و صدور بیمه‌نامه و پرداخت خسارت در کمترین زمان ممکن از طریق ایجاد زیرساخت‌ها و بسترهای مناسب اینترنتی و عدم نیاز به مراجعه حضوری یکی از خواسته‌های بحق مشتریان

شرکت‌های بیمه می‌باشد. همین ارائه طرح‌های جدید بیمه مبنی بر تأمین نیاز روزمره مشتریان یکی از مطالبات بیمه‌گذاران می‌باشد. در خصوص پاسخگویی شرکت‌های بیمه به مطالبات بیمه‌گذاران، می‌توان گفت در رشته‌هایی که مربوط به آحاد جامعه می‌باشد مانند بیمه‌های تکمیلی درمان و بیمه‌های شخص ثالث اتومبیل و انواع بیمه‌های مسئولیت تا حد زیادی موجبات رضایتمندی بیمه‌گذاران فراهم گردیده است، اما در سایر بیمه‌های اختیاری عدم آگاهی و عدم دانش فنی بیمه‌گذاران و عدم توضیح کامل شبکه فروش در هنگام فروش بیمه‌نامه منجر به کسورات مختلف از خسارت بیمه‌گذاران می‌شود که نارضایتی زیادی را در این خصوص ایجاد می‌نماید.

◆◆ الزامات تحول در صنعت بیمه کشور چیست؟

الف. تبدیل بیمه‌نامه‌های کاغذی به تراشه‌های الکترونیکی تا بیمه‌گذار بتواند تعهدات بیمه‌نامه و نیازهای بیمه‌ای خود را حتی در مورد خسارت از طریق این اپلیکیشن که قابل نصب بر روی تلفن همراه می‌باشد، انجام دهد.
ب. مدیرعامل بیمه مرکزی ایران که در حال حاضر توسط دولت انتخاب می‌شود، بایستی توسط یک مجمع متشکل از نمایندگان دولت و نمایندگان بخش خصوصی با احتساب دوسوم آراء انتخاب گردد تا تصمیمات بیمه مرکزی صرفاً متأثر از تصمیمات دولت نباشد و در واقع همان استقلال بیمه مرکزی ایران حفظ گردد و همانند یک بنگاه اقتصادی که نیازهای بازار را رصد می‌نماید، خارج از چارچوب دولت بدون بروکراسی‌های اداری بتواند مبتنی بر نیازهای بازار اقدامات لازم را انجام دهد.
ج. تقویت مؤسسات ارزیابی خسارت، همسو با بازارهای بین‌المللی بیمه و همچنین صدور مجوز تأسیس مؤسسات دوری جهت کاهش زمان رسیدگی به دعاوی بیمه و کم هزینه نمودن شکایات از شرکت‌های بیمه.

◆◆ چنانچه توضیحات تکمیلی لازم می‌دانید، عنوان فرمایید.

از فصلنامه وزین سپهر اقتصاد کرمان که چنین زمانی را در اختیار اینجانب قرار داد که تا حدودی مشکلات و نارسایی‌های صنعت بیمه را بیان نمایم، تشکر ویژه دارم. جا دارد از تمام کسانی که در این صنعت خالصانه زحمت می‌کشند سپاس و قدردانی خود را ابراز نمایم. امید است این فصلنامه که یک فصلنامه موفق در حوزه اقتصادی و اجتماعی و مایه فخر استان کرمان است، چون برگ زرین و درخشان در جمع مجلات و فصلنامه‌های تخصصی کشور همچنان بدرخشد. ◆◆

در خصوص پاسخگویی شرکت‌های بیمه به مطالبات بیمه‌گذاران، می‌توان گفت در رشته‌هایی که مربوط به آحاد جامعه می‌باشد مانند بیمه‌های تکمیلی درمان و بیمه‌های شخص ثالث اتومبیل و انواع بیمه‌های مسئولیت تا حد زیادی موجبات رضایتمندی بیمه‌گذاران فراهم گردیده است، اما در سایر بیمه‌های اختیاری عدم آگاهی و عدم دانش فنی بیمه‌گذاران و عدم توضیح کامل شبکه فروش در هنگام فروش بیمه‌نامه منجر به کسورات مختلف از خسارت بیمه‌گذاران می‌شود که نارضایتی زیادی را در این خصوص ایجاد می‌نماید.

وضعیت جهانی تجارت و جایگاه ایران

ISNA

تجارت در کشورهای نوظهور و در حال توسعه در سال گذشته با رشد نسبی همراه بود و کشورهای در حال توسعه رتبه بالاتری نسبت به دیگر کشورها داشتند



کشورهای نخست از نظر رشد تجارت بین‌قاره‌ای

- برزیل** ۳۴ درصد به مبلغ ۲۷۹ میلیارد دلار
- هندوستان** ۴۲ درصد به مبلغ ۳۹۲ میلیارد دلار
- آفریقای جنوبی** ۴۵ درصد به مبلغ ۱۲۴ میلیارد دلار
- روسیه** ۴۷ درصد به مبلغ ۴۹۰ میلیارد دلار (قبل از بحران اوکراین)

وضعیت ایران و ترکیه

- ترکیه** ۳۴ درصد به مبلغ ۲۲۶ میلیارد دلار
- ایران** ۶۴ درصد صادرات کالا و ۹۰ درصد صادرات نفت، رشد ۸۲ میلیارد دلار



رشد صادرات کالا در مقایسه با ایران



افزایش واردات کالا



خبرگزاری دانشجویان ایران - ایسنا

منبع داده‌ها: اتاق بازرگانی تهران - ISNA / Design : Mehdi Barzandeh



جامعه

- + آب؛ اقتصاد دریامحور در الگوی ایرانی- اسلامی
- + ظرفیت گردش مالی بازیافت در ایران
- + به سوی استفاده از انرژی‌های پاک
- + آینده شهرنشینی در کرمان



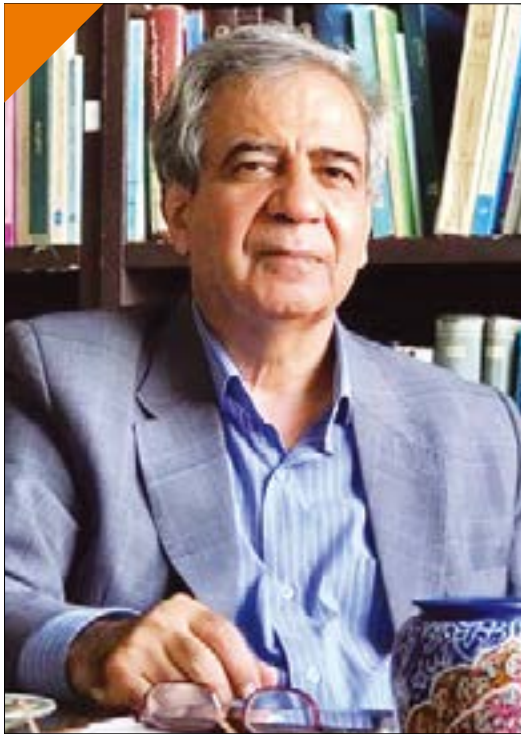
گفت‌وگو با دکتر «محمد حسین پاپلی یزدی» جغرافی دان، محقق و نویسنده ایرانی

آب؛ اقتصاد دریامحور در الگوی ایرانی-اسلامی

قانون موجود، افزایش جمعیت و چگونگی وضعیت تکنولوژی عوامل بی‌ثبات کننده آب در کشور هستند. هدر رفت آب در شبکه‌ها زیاد است و همچنین تکنولوژی آب و آبیاری ضعیف است. در کشاورزی آب زیادی مصرف می‌شود و در صنعت نیز صنایع آبر را در مناطقی که آب نیست، مستقر کرده‌ایم.

دکتر محمدحسین پاپلی یزدی جغرافی‌دان، محقق و نویسنده در گفت‌وگو با ما همچنین می‌گوید: حفاظت از منابع آب فقط به آموزش مردم بستگی ندارد، بلکه این مسئله فرار از مسئولیت است. بعد از ۴۰ سال سابقه و ۳۰ سال درست کردن تعاونی، می‌گوییم ۸۰ درصد گناه بر گردن همین مسئولینی است که نمی‌خواهند مردم مطلع شوند. مهم‌تر از مسئله آموزش، ابزار لازم است که ما اصلاحات لازم را در قالب ساختار شرکتی هم برای آب و هم برای فاضلاب در بخشی از مشهد انجام داده‌ایم.

او معتقد است که مافیای آب مثل سایر مافیاهای دیگر وجود دارد و یادآوری می‌کند که توجه به سواحل و استقرار صنایع سنگین در کنار آب ضروری است که به تبع آن از فشار برداشت آب زیرزمینی کم می‌شود و فاصله آبی که شیرین می‌کنیم تا جمعیت حداکثر ۳۰ تا ۴۰ کیلومتر است نه ۱۸۰۰ کیلومتر. راه‌کار در موضوع آب در سطح کلان، جابه‌جایی جمعیت، صنعت و سرمایه‌های عظیم و هدایت سرمایه‌ها به سمت سواحل جنوبی است و گر نه فاجعه اتفاق می‌افتد، همان‌طور که دارد اتفاق می‌افتد و در سطح خرد نیز راهکار بازنگری در قوانین و هموار کردن مسیر است. شرح کامل این گفت‌وگو را مطالعه کنیم.



در صورتی که

چند هزار سال

قبل، آب دست

مردم بوده و آن

را مدیریت کرده و

مالک آن بودند.

حریم قنوات و

رودخانه‌ها و ...

در اختیار حقایق

داران، مالکین و

زارعین آن بوده

است و اجازه

نمی‌دادند در

اطراف حریم

قنوات کاری

انجام شود،

اما بعد دولت

همه‌کاره شد و

اینجاست که

بحران تازه شروع

می‌شود. در حال

حاضر نزدیک به

۳۰۰ تا ۴۰۰ هزار

چاه غیرمجاز در

کشور حفر شده

است.

◆ عوامل بی‌ثبات کننده و منشأ از دست رفتن آب و نزدیک

شدن به شرایط ناپایداری آن در کشورمان چیست؟

اولین عامل قانون است، قانونی که آب را در سال ۱۳۴۷ ملی کرد و در سال ۱۳۶۱ طبق قانون توزیع عادلانه آب، آن را جزء مشترکات دانسته و اختیار آن را به حکومت داده است. ماده یک این قانون می‌گوید که بر اساس اصل ۴۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، آب دریاها و آب‌های جاری در رودها و انهار طبیعی و دره‌ها و هر مسیر طبیعی دیگر اعم از سطحی و زیرزمینی، سیلاب‌ها، فاضلاب‌ها، زه‌آبها، دریاچه‌ها، مرداب‌ها، برکه‌های طبیعی، چشمه‌سارها، آب‌های معدنی و منابع آب‌های زیرزمینی از مشترکات بوده و در اختیار حکومت اسلامی است و طبق مصالح عامه از آن‌ها بهره‌برداری می‌شود. مسئولیت حفظ، اجازه و نظارت بر بهره‌برداری از آن‌ها به دولت محول شده است.

طبق این قانون فقط دولت مجری است و مردم هیچ‌کاره هستند، در صورتی که چند هزار سال قبل، آب دست مردم بوده و آن را مدیریت کرده و مالک آن بودند. حریم قنوات و رودخانه‌ها و ... در اختیار حقایق داران، مالکین و زارعین آن بوده است و اجازه نمی‌دادند در اطراف حریم قنوات کاری انجام شود، اما بعد دولت همه‌کاره شد و اینجاست که بحران تازه شروع می‌شود. در حال حاضر نزدیک به ۳۰۰ تا ۴۰۰ هزار چاه غیرمجاز در کشور حفر شده است؛ چون مردم، میراب‌ها، مقلی‌ها و دیگران هیچ‌کاره‌اند و مأمورین دولتی معمولاً نمی‌توانند پیشگیری کنند و اجازه می‌دهند فرد چاه را حفر کند و بعد که درخت آن بزرگ می‌شود تازه به فکر می‌افتند که کاری انجام بدهند. تا زمانی که حق مردم به مردم برنگردد، این مسئله به‌سادگی حل نمی‌شود. لذا اصل قضیه قانون و حکومتی بودن آب است، هرچند که در رژیم گذشته آب دولتی بوده، اما الان حکومتی است.

عامل دوم افزایش جمعیت است. جمعیت آب مصرف می‌کند و این‌طور نیست که اگر جمعیت دو برابر شد، مصرف آب دو برابر شود، بلکه مصرف آب می‌تواند سه تا چهار برابر افزایش پیدا کند؛ چون افزایش جمعیت باعث افزایش خدمات می‌شود و خدمات و صنایع نیاز به آب دارند. عامل سوم تکنولوژی است. تکنولوژی‌ها در کشور ما چه در زمینه کشاورزی و چه صنعت، قدیمی و لذا آب بر هستند.

◆ کارآمدی شبکه توزیع آب بویژه در بخش کشاورزی را چگونه

ارزیابی می‌کنید؟

در مورد اینکه چند درصد آب کشور در کشاورزی مصرف می‌شود، بین وزارت نیرو، وزارت جهاد و صاحب‌نظران اختلاف‌نظر وجود دارد. در حال حاضر همه‌جا عنوان می‌شود

که ۹۰ درصد آب کشور صرف کشاورزی می‌شود و راندمان آبیاری در ایران ۳۰ درصد است، در حالی که عده‌ای این اعداد را قبول ندارند و معتقدند که آبی که صرف کشاورزی می‌شود، حداکثر ۷۵ درصد بیشتر نیست و راندمان هم خیلی بیشتر از ۳۰ درصد است. بعضی از اساتید برجسته مثل آقای دکتر امین‌علیزاده معتقدند که راندمان ۷۰ درصد است. لذا ارزیابی دقیق زمانی اتفاق می‌افتد که وزارت نیرو و وزارت جهاد به‌طور مشترک آمار دقیقی ارائه دهند، ولی آنچه مسلم است مصرف آب در کشور ما در زمینه‌های کشاورزی، صنعت، خدمات و سایر بخش‌ها زیاد است. در کشاورزی هنوز استفاده از تکنولوژی در مراحل ابتدایی است و درصد مزارعی که با آبیاری مدرن از جمله بارانی، قطره‌ای، زیرسطحی و غیره کار می‌کنند نسبت به کل کشور کم است و این موضوع سرمایه و صبر زیادی می‌خواهد. در بسیاری از مناطق با وجود فعالیت‌های زیادی که جهاد کشاورزی انجام داده هنوز شبکه‌های آبیاری دچار مشکلاتی هستند، حتی شبکه‌های آبیاری دشت بزرگ قزوین که مثلاً در ۴۰ سال قبل بسیار خوب انجام شده، شکستگی‌هایی دارد و در این منطقه هدر رفت آب زیادی صورت می‌گیرد.

لذا هم هدررفت آب، در شبکه‌ها زیاد است و هم تکنولوژی آب و آبیاری ما ضعیف است. در کشاورزی آب زیادی مصرف می‌شود و در صنایع نیز ما به سمت صنایع سنگین آب بر حرکت



کرده‌ایم، بنابراین با مشکلاتی روبه‌رو هستیم و مهم‌تر از آن، صنایع آب‌بر را در مناطقی که آب نیست، مستقر کرده‌ایم تا مثلاً از آبی مثل رودخانه زاینده‌رود استفاده شود، در صورتی که این صنایع باید در کنار دریا مستقر شوند.

◆ به نظر شما محاسبه و برآورد میزان مصرف آب در بخش‌های مختلف چقدر مبتنی بر روش‌های علمی است؟

نمی‌توان گفت برآوردهایی که در رابطه با میزان مصرف آب توسط وزارت نیرو، وزارت جهاد کشاورزی و صاحب‌نظران دانشگاهی انجام شده است مبتنی بر روش‌های علمی نیست، بلکه این برآوردها یکپارچه نیستند؛ چون هر سازمانی و هر گروهی با شاخص‌ها، پارامترها، نحوه محاسبه و حتی محل محاسبه خاصی بررسی را انجام می‌دهد. بنابراین نتایج آن یکسان نمی‌شود؛ مثال مشابه اینکه در کشور ما بسیاری از آمارهای ارائه‌شده توسط بانک مرکزی و مرکز آمار در مورد تورم، یکسان نیست؛ بنابراین اتفاق نظر در این موارد واجب و ضروری است.

◆ در مورد سیاست‌گذاری یادگیری اجتماعی برای حفاظت از منابع آب روی چه موضوعاتی تأکید می‌کنید؟

در ابتدا آموزش کارشناسان دولتی و ایجاد ایمان و باور در اعضای وزارت نیرو، چه کارشناسان آبفا و چه شرکت‌های آب باید مدنظر قرار گیرد. این‌که مرتب بگویم آموزش به اجتماع و در ذهنمان اجتماع جدای از کارمندان دولت باشد، درست نیست. تا زمانی که کارشناس خود دستگاه دولتی آموزش لازم نبیند و ایمان و اعتقاد به کار خود نداشته باشد، کار پیش نمی‌رود.

من در مدت سی سال، بیش از شصت تعاونی ایجاد کرده‌ام که برخی از این تعاونی‌ها بیش از هزار نفر عضو دارند که اگر مدیران عامل، کارشناسان و معاونین وزرا اجازه می‌دادند این تعاونی‌ها کار کنند، موجب صنعتی و مدرن شدن شیوه‌ها و کاهش مصرف آب می‌گردید. در واقع بزرگ‌ترین مشکل ما در ایجاد این تعاونی‌ها خود سازمان تعاون روستایی و کارشناسان شرکت‌های آب هستند. مردم خیلی سریع پای کار می‌آیند، ولی وقتی خود مدیرعامل شرکت آب ظرفیت اجتماعی مردم را نادیده می‌گیرد و یا از دید سیاسی نگاه می‌کند و دیدگاهش این است که می‌توان «توی سر مردم متفرق هم زد»، اجازه نمی‌دهند تعاونی شکل بگیرد. چون با انسجام گرفتن مردم باید به آن‌ها جواب بدهند و تنها در صورتی موافق تشکیل تعاونی هستند که تعاونی‌ها ابزاری برای گرفتن پول حقه‌های دولت باشند. در طول این سی سال که ما تعاونی تشکیل دادیم، مدیرعاملان شرکت‌هایی

بودند که دیدگاهشان این بود که اصلاً مردم نباشند. درست است با تشکیل تعاونی‌ها و انسجام مردم، مشکلات کوچکی برای آن‌ها به وجود می‌آید، اما متفرق بودن مردم مشکلات بزرگ‌تری برای آب ایجاد می‌کند. اگر از من سؤال کنند که کدام مدیران عامل به این شکل فکر می‌کرده و جلوی شکل‌گیری تعاونی‌ها را گرفته و از آموزش و دخالت مردم جلوگیری کرده‌اند به شما خواهم گفت، اما در مقابل هستند مدیران عاملی که به‌خوبی به وظایف خود عمل کردند. آقای سید مرتضی حسینی مدیرعامل وقت شرکت آب خراسان بزرگ و آقای محمد علایی مدیرعامل شرکت آب خراسان شمالی و خراسان رضوی خیلی خوب کار کرده‌اند، ولی بودند مدیران عاملی که هر چه این عزیزان درست می‌کردند، آن‌ها خراب کردند.

در مجموع مسئله فقط به آموزش مردم بستگی ندارد، بلکه این مسئله فرار از مسئولیت است، بعد از چهل سال سابقه کار و ۳۰ سال تعاونی درست کردن، می‌گویم ۸۰ درصد گناه برگردن همین مسئولین است که نمی‌خواهند مردم مطلع باشند.

ولی اگر اجتماع، منظور عامه مردم است، عامه مردم در مصرف آب زیاده‌روی می‌کنند. درست است که آب شرب نسبت به آب کشاورزی که حدود ۹۰ درصد را شامل می‌شود به ۱۰ درصد هم نمی‌رسد؛ می‌توان گفت تقریباً حدود ۶ تا ۷ درصد، ولی آب شرب آب سیاسی و آب گرانی است. آبی که این‌همه شبکه دارد و مورد تصفیه قرار می‌گیرد، آب حساسی است و اگر آلوده شود مردم مریض می‌شوند. بنابراین لازم است در مورد حفاظت و مصرف آن به مردم آموزش داده شود. مهم‌تر از مسئله آموزش، ابزار لازم است؛ برای مثال فاصله پکیج‌ها تا حمام در مشهد ۲۲ متر است، کسی که در حمام است و شیر آب را باز می‌کند، آب باید مسیر ۲۲ متری را طی کند و این ۲۲ متر برای یک نفر نیست بلکه برای سه میلیون نفر است.

موضوع بعد در حال حاضر سیفون‌ها در بسیاری از نقاط ایران هنوز ۲۰ لیتری هستند، در صورتی که در بعضی از کشورها حتی در سوئد و نروژ که آب زیاد است، سیفون‌ها دو و نیم لیتر آب و بقیه حجم آن‌ها با باد است و حتی در مناطقی سیفون‌ها ایرباس هستند و با ۲۰۰ سی‌سی آب درست شده‌اند. در مورد سازوکار کولرها نیز شرایط غیراستاندارد به شکلی دیگر در کشور است. بنابراین علاوه بر آموزش باید شرکت‌هایی باشند و با مراجعه به درب خانه مردم شیرآلات، سیفون‌ها و ... را کنترل کنند و در صورت نیاز سیستم‌ها را عوض کنند و اگر این موضوع مخارجی دارد و مردم نمی‌توانند یکجا بپردازند، شرکت آبفا در ابتدا این هزینه‌ها را تقبل کند و بعد از مردم به‌صورت

در مورد اینکه چند درصد آب کشور در کشاورزی مصرف می‌شود، بین وزارت نیرو، وزارت جهاد و صاحب‌نظران اختلاف نظر وجود دارد. در حال حاضر همه جا عنوان می‌شود که ۹۰ درصد آب کشور صرف کشاورزی می‌شود و راندمان آبیاری در ایران ۳۰ درصد است، در حالی که عده‌ای این اعداد را قبول ندارند و معتقدند که آبی که صرف کشاورزی می‌شود، حداکثر ۷۵ درصد بیشتر نیست و راندمان هم خیلی بیشتر از ۳۰ درصد است.

و قاعدتاً به آب نیاز دارند، اما کسی نمی‌خواهد که جمعیت را به اجبار به کنار آب ببرد، بلکه باید مانند شهرهای دبی و کویت در کنار سواحل خلیج فارس و دریای عمان ایجاد اشتغال کرد، بندر و شهر ساخت و زمانی که در منطقه‌ای زمینه اشتغال فراهم باشد مردم خودبه‌خود به آنجا می‌روند. لذا توجه به سواحل و استقرار صنایع سنگین در کنار آن ضروری است که به تبع آن از فشار برداشت آب زیرزمینی کم می‌شود و فاصله آبی که شیرین می‌کنیم تا جمعیت حداکثر ۳۰ تا ۴۰ کیلومتر است نه اینکه ۱۸۰۰ کیلومتر.

در مجموع در جهت کاهش مصرف آب شهری و کشاورزی علاوه بر توجه به آموزش و به‌کارگیری تکنولوژی که حدود ۴۰ سال است در مملکت صحبت از آن می‌شود ولی با وجود صرف بودجه‌های عظیم هنوز هیچ اتفاقی در کاهش این اعداد نیفتاده است. پیشنهاد بنده که به‌عنوان اولین بار مطرح شد و همچنین نظر سایر صاحب‌نظران دیگر بحث تمدن دریایی، موضوعات اقتصاد دریا محور در الگوی ایرانی اسلامی است که این موضوع ۳۰ سال پیش مطرح شد. به عبارتی یکی از راه‌های نجات کشور این است که در کنار کشاورزی مدرن در یک زمان ۲۵ ساله، حدود ۴۰ درصد جمعیت کشور را در سواحل جنوبی بویژه بین بندرعباس، میناب، جاسک و چابهار که آب‌وهوا بهتر و امکانات بیشتری است، مستقر نماییم تا بدین‌وسیله از فشار بر آب زیرزمینی کم شود.

ماهیانه با افزودن مبلغی به قبض آن‌ها دریافت کند. ما این موضوع را در بخشی از مشهد با ایجاد چنین شرکت‌هایی هم برای آب و هم برای فاضلاب انجام داده‌ایم.

♦♦ از وجود مافیای در حوزه آب در کشور، بویژه در نقل‌های دانشگاهی و بخصوص در زمینه سدسازی و انتقال بین‌حوزه‌ای یاد می‌شود، نظر شما چیست؟

بنده اولین کسی هستم که راجع به مافیای آب صحبت کردم. مافیای آب هم مثل سایر مافیاهای دیگر در کشور وجود دارد. مافیا گروه‌ها یا شرکت‌های بزرگ یا بعضی از مدیران وزارت نیرو یا حتی جهاد یا شرکت‌های خیلی قدر دولتی و خصوصی هستند که برای چرخش مالی مجموعه خود، ایجاد اشتغال و نگهداری اشتغالشان شروع به ارائه طرح‌هایی می‌کنند که این طرح‌ها خیلی برای مملکت مفید نیستند و یا اینکه ظرفیت موردنیاز را خیلی بیشتر در نظر می‌گیرند؛ برای مثال سدی که ۱۰۰ میلیون مترمکعب بیشتر ظرفیت ندارد را با ظرفیت ۲۵۰ میلیون مترمکعب معرفی می‌کنند. حال ممکن است در طول ۲۰ سال، یک سال سیل بیاید و اتفاق بدی بیفتد و قبلاً آب در رودخانه رها می‌شده است. بنابراین در مورد شبکه و سدسازی و دیگر چیزها این گروه‌های مافیایی بیش از اینکه به فکر منافع ملی، منافع اجتماعی، محیط‌زیست و تأمین آب صحیح باشند، به فکر اداره شرکت و منافع خودشان هستند. جالب است بدانید چند وقت پیش من در رابطه با زنجیره صنعت دزدی صحبت کردم، اگر دزدها اعتصاب کنند بین ۵۵۰ هزار تا ۶۰۰ هزار نفر در ایران بیکار می‌شوند.

♦♦ جمعیت مناطقی که تحت پوشش آب منابع زیرزمینی هستند - یعنی ۷۱ درصد جمعیت ایران - در واقع ۷۰ درصد کل آب موردنیاز کشور را مصرف می‌کنند با توجه به اینکه ۹۰ درصد برداشت آب توسط بخش کشاورزی صورت می‌گیرد، چه باید کرد؟ اول باید این آمارها را بررسی کرد که این آمارها درست است یا خیر و اینکه این آمارها را بر اساس چه شاخص‌هایی منتشر می‌کنند. همان‌طور که قبلاً هم عرض کردم اول باید یک اتفاق نظر در مورد آمارها صورت گیرد.

در دنیا جمعیت را کنار آب مستقر می‌کنند، اما کشور ما جزء نادر کشورهایی است (شاید بتوان گفت تنها کشوری است) که به جای اینکه جمعیت را کنار آب مستقر نماید، تلاش دارد آب را به کنار جمعیت انتقال دهد؛ یعنی به جای اینکه صنایع فولاد را در جاسک و سواحل مکران مستقر کنیم، آن‌ها را در یزد، اصفهان، کرمان و ... مستقر کردیم و می‌خواهیم آب را از بندرعباس یا دریای عمان به یزد، بیرجند یا کرمان بیاوریم. در واقع ۲۵ درصد جمعیت کشور در هشت شهر ساکن هستند



**◆◆ به نظر شما شکل‌گیری صنعت فولاد در ایران چقدر منطبق****بر نتایج آمایش سرزمین است؟**

در مورد میزان مصرف آب در صنایع فولاد بحث بر سر این موضوع نیست که کارخانه فولاد فلان شهر چقدر آب یا فاضلاب استفاده می‌کند. بلکه موضوع این است که راه‌اندازی یک کارخانه فولاد در یک منطقه به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم هزاران شغل ایجاد می‌کند و این گروه‌ها نیز به آب نیاز دارند. در واقع آن‌ها فقط آب موردنیاز خود کارخانه را حساب می‌کنند و آب موردنیاز کارگران و جمعیتی که به آن منطقه در وسط کویر اضافه می‌شود و شغل‌هایی که به‌واسطه این کارخانه ایجاد می‌شود را حساب نمی‌کنند.

بخش خصوصی می‌گوید که ما پول آب را پرداخت می‌کنیم و آن را به هر جایی انتقال می‌دهیم، اما آبی که با هزینه مثلاً متری ۱۵ هزار تومان به یزد به کرمان یا به اصفهان می‌رسد، با مصرف گازی که یک پنجاهم قیمت جهانی است، منتقل می‌شود. یعنی با گازی که در دنیا فرض کنید با قیمت هر مترمکعب یک دلار فروخته می‌شود، در داخل کشور ما حدود دو سنت به فروش می‌رسد، نیروگاه درست می‌شود و با برق ارزان، آب پمپاژ می‌شود. بنابراین اگر بنا باشد یارانه نباشد و برق و گاز واقعی باشد هزینه انتقال پنجاه برابر می‌شود. که در حال حاضر از جیب ملت و منابع طبیعی کشور برداشته می‌شود.

◆◆ چه ابتکاراتی برای کاهش آسیب‌پذیری حوزه آب می‌تواند**اثر بخش باشد؟**

در حال حاضر با مراجعه به سایت‌های معتبر، بیش از هزاران ابتکار موجود است، از کارهایی که دانشمندان روی ژنتیک گیاه انجام می‌دهند که به‌واسطه آن بذره‌های جدیدی که وارد بازار می‌شود با آب کمتر، محصول بیشتر را تولید می‌کنند و حتی بذرهایی تولید می‌شود که نسبت به بذره‌های سنتی زمان کمتر و به‌تبع آن آب و انرژی کمتری نیاز دارند تا پروسه پخت آن‌ها صورت بگیرد، گرفته تا استفاده از تکنولوژی‌های کم‌آب‌بر، توجه به اجتماعی که آمادگی جهت مصرف بهینه آب پیدا کند، قانونی که حمایت کند و کارشناسی که به‌درستی کار انجام دهد. من باز هم تأکید می‌کنم که دستگاه دولتی و کارشناسان ما حتی قانونی را هم که موجود است درست عمل نمی‌کنند و اصلاً به اجتماع اهمیت نمی‌دهند. مدیرعامل یک شرکت آب که من نام ایشان را ذکر نمی‌کنم می‌گوید «آقای دکتر برای ما در دروس درست نکنید، چه کار به مردم دارید، ما قانون داریم، نیروی انتظامی داریم و پولدوز هم داریم!» بنابراین توجه به اجتماع ۵۰ درصد کار است و سایر ابتکارات دیگر نیز در ادامه اهمیت دارد.

◆◆ در مواجهه با چالش مدیریت منابع آب زیرزمینی و نیز**آب‌های سطحی با توجه به روندی که در کشورهای پیشرفته وجود دارد، مهم‌ترین مسئولیت‌ها و تعهدات مردم و حکمرانی****در کشورمان چیست؟**

در وزارت نیرو به مدت سی سال، بودجه آب‌های زیرزمینی حدود ۳ تا ۵ درصد و بودجه آب‌های سطحی ۹۵ درصد بوده است. چون از ابتدا آب‌های زیرزمینی و تأسیسات آن در اختیار مردم بوده است، ولی آب‌های سطحی، سد و شبکه‌های آن در مالکیت دولت است و دولتی که سد گرفته و درست عمل کند، ولی به گرفتن حقابه از چاهی که در مالکیت مردم است بیشتر فشار می‌آورد. بنابراین در ابتدا ضروری است که وزارت نیرو، بودجه آب‌های زیرزمینی را افزایش دهد که البته در سال‌های اخیر این کار انجام شده و این عدد به حدود ۷ تا ۱۰ درصد رسیده است. معلوم است در وزارتخانه‌ای که ۹۰ درصد بودجه در اختیار کارشناس آب‌های سطحی است، این کارشناس سد و شبکه‌های مختلف می‌سازد و کارشناسی که ۱۰ درصد بودجه در اختیارش است نمی‌تواند روی چاه‌های عمیق کاری انجام دهد؛ در صورتی که در زمینه چاه‌های عمیق می‌توان صدها کار مفید انجام داد که یکی از آن حفاری‌ها است. بسیاری از شرکت‌های حفاری، بازنشسته‌های وزارت نیرو هستند که با سرمایه‌های کم، ماشین‌آلات و ابتکارات قدیمی که دارند، چاه‌هایی که حفر می‌شود غیراستاندارد است و وزارت نیرو اجازه نمی‌دهد تعاونی‌ها روی آن نظارت کنند و در واقع مافیایی را ایجاد کرده‌اند. در مورد تجربه سایر کشورها باید گفت در برخی مناطق دنیا شرکت‌هایی که روی آب‌های زیرزمینی کار می‌کنند هزاران ابزار دارند ولی در کشور ما این شرکت‌ها حداکثر با پنج دستگاه کار می‌کنند و لذا توان تحول تکنولوژیکی و مدیریتی را ندارد. در کشور ما چرخه اداری جابه‌جایی یک چاه یا کف شکنی یک چاه را بررسی کنید که چقدر مردم باید اذیت شوند تا این کار صورت گیرد در مورد جابه‌جایی قنات نیز وضع به همین شکل است.

در مجموع، راهکار در موضوع آب، در سطح کلان جابجایی جمعیت، صنعت و سرمایه‌های عظیم و هدایت سرمایه‌ها به سمت سواحل جنوبی است وگرنه فاجعه اتفاق خواهد افتاد، همین‌طور که دارد اتفاق می‌افتد. در سطح جزء نیز نیاز به بازنگری در مورد قوانین و هموار کردن مسیر است. البته اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی بخصوص در بخش کشاورزی در تهران فعال است، اما نیاز است که همه دست‌به‌دست هم دهیم. ◆◆

نمی‌توان گفت
برآوردهایی که
در رابطه با میزان
مصرف آب توسط
وزارت نیرو، وزارت
جهاد کشاورزی
و صاحب‌نظران
دانشگاهی
انجام شده
است مبتنی بر
روش‌های علمی
نیست، بلکه این
برآوردها بکارچه
نیستند؛ چون
هر سازمانی
و هر گروهی
با شاخص‌ها،
پارامترها، نحوه
محاسبه و حتی
محل محاسبه
خاصی بررسی را
انجام می‌دهد.



ظرفیت گردش مالی بازیافت در ایران

استفاده حداکثری از فرایند بازیافت و مقایسه با کشورهای پیشرو در این زمینه



♦ دکتر حسین وحیدی

عضو هیئت‌علمی گروه پژوهش محیط‌زیست پژوهشکده علوم محیطی دانشگاه
تحصیلات تکمیلی صنعتی و فناوری‌های پیشرفته

مقدمه

با افزایش جمعیت میزان تولید پسماند روزبه‌روز افزایش می‌یابد. علی‌رغم مشکلات محیط زیستی که پسماندها در جامعه ایران به وجود آورده‌اند، همواره به‌عنوان یک منبع ثروت نیز شناخته می‌شود. بین افزایش ثروت یا تولید ناخالص داخلی یک کشور و افزایش تولید پسماند رابطه مستقیم وجود دارد. توسعه فعالیت اقتصادی و تولید برای رسیدن به رفاه بیشتر بایستی با کاهش مصرف جهانی و کاهش اثرات استخراج منابع طبیعی همراه باشد. همه این دلایل، ایستادگی و تلاش برای کاهش تولید پسماند، توسعه صنعت بازیافت و افزایش کارآمدی اقتصاد چرخشی را مهم می‌سازد.

برای درک مناسب‌تر اندازه و مقیاس منبع ثروت از این دیدگاه می‌توان موضوع را دید که تمامی صنعت داخلی کشور و واردات کالا همگی عمدتاً به‌منظور رفع نیاز روزمره

می‌دهد، یکی از عوامل اصلی رشد بازار است. در آمریکا، حدود ۱,۱ میلیون شغل در حوزه بازیافت پسماند وجود دارد و سهم این بخش از تولید ناخالص داخلی (GDP) آمریکا، بین ۳۷ تا ۲۳۶ میلیارد دلار برآورد شده است. به‌طور کلی تخمین زده می‌شود که با بازیافت تمام پلاستیک تولیدشده در جهان در طول یک سال، می‌توان در هر سال ۲۰۰ میلیارد دلار ارزش افزوده ایجاد کرد. این رقم، کمابیش به‌اندازه تولید ناخالص داخلی ایران در سال ۱۳۹۹ است. همان‌طور که گفته شد، متأسفانه آمار دقیقی از وضعیت بازار اقتصادی مدیریت پسماند در ایران وجود ندارد که یکی از مهم‌ترین دلایل آن سهم عمده بازار غیررسمی و ضعف بسیار زیاد بازار رسمی در ایران است. شکی نیست که بازار غیررسمی در ایران بسیار بزرگ و قابل توجه است و شاید بیش از ۹۸ درصد بازیافت پسماندهای شهری از این جریان مدیریت می‌شود.

طبق تخمین کلی که اتحادیه صنایع بازیافت ایران در سال ۱۴۰۱ منتشر کرده است، ارزش هشت قلم از پسماندهای خانگی و شهری (شامل کاغذ، سه گروه پلاستیک، شیشه، آهن، لاستیک، آلومینیوم) در کشور به سه میلیارد دلار در سال رسیده است که اگر آمار مربوط به پسماندهای الکترونیکی، صنعتی، نفتی و معدنی را به لیست اضافه کنیم، ظرفیت بازار و رقم آن خیلی بالاتر می‌رود. پس به‌هیچ‌عنوان نمی‌توان بازار مدیریت پسماند را نادیده گرفت و از آن چشم‌پوشی کرد. طبق برخی مطالعات در صورت مشارکت شهروندان در مدیریت پسماند بازدهی مالی قابل توجهی به دنبال خواهد داشت. طبق پیش‌بینی‌ها، سهم هر خانوار ایرانی از محل دور نریختن پسماند ارزشمند تا حدود ۱۱۰ هزار تومان می‌تواند باشد. همچنین، رسمی شدن مبادلات و اخذ مالیات از محل مدیریت مناسب پسماندها می‌تواند تا حدود ۳۵۰۰ تا ۴۵۰۰ میلیارد تومان درآمد قابل تحقق برای شهرداری‌ها به دنبال داشته باشد.

مقایسه ایران با سایر کشورها

کشورهای پیشرفته و برخی کشورهای درحال توسعه نزدیک به ۷۰ درصد پسماندهای تولیدی خود را بازیافت می‌کنند که این میزان در کشور ما نزدیک به ۱۷ درصد است. در طول دهه‌های گذشته بسیاری از کشورها نسبت به مضرات این معضل آگاه شده و مدیریت آن را در دستور کار قرار داده‌اند. این اقدامات نتایج خوبی داشته است و حالا پسماندها در حکم طلایی است که به منبع درآمد بسیاری از کشورها و حتی خانواده‌ها تبدیل شده است؛ اما آمارها وضعیت خوبی از کشور ما در این حوزه نشان نمی‌دهد.

مردم است که قسمت قابل توجهی از آن در نهایت در چرخه مصرف به پسماند تبدیل می‌شود؛ به‌عنوان مثال، قسمت بسته‌بندی محصولات و مصارف روزانه مردم همه در چرخه مصرف به پسماند تبدیل می‌شوند که در کل حجم بسیار زیادی را به خود اختصاص می‌دهند. لذا با همین دیدگاه می‌توان به ارزش روزانه مدیریت صحیح پسماندها پی برد. متأسفانه آمار رسمی و دقیقی از بازار مدیریت پسماند در ایران وجود ندارد، ولی در ادامه با مراجعه به برخی آمارها سعی در تخمین ظرفیت بازار پسماند و صنعت بازیافت خواهیم داشت. همچنین در انتها به بررسی راهبردی تولید ثروت از پسماند و مقایسه وضعیت ایران نسبت به سایر کشورها پرداخته خواهد شد. لازم به ذکر است، چالش‌های پسماندهای صنعتی، کشاورزی، عفونی و پزشکی در این بحث مورد توجه قرار نگرفته است.

تخمین وضعیت بازار رسمی و غیررسمی پسماندها در ایران

اندازه بازار جهانی مدیریت پسماند در سال ۲۰۲۱ به ۴۲۳,۴ میلیارد دلار تخمین زده شد و پیش‌بینی می‌شود تا سال ۲۰۲۶ به ۵۴۲,۷ میلیارد دلار برسد که در طول دوره پیش‌بینی با ۵,۱ درصد رشد می‌کند. برنامه‌های رو به رشد آموزشی و افزایش آگاهی همگانی که اهمیت و نیاز به مدیریت پسماند و تفکیک پسماند را در جامعه توسعه





شکل ۱- مقایسه وضعیت بازیافت و تولید پسماندهای شهری بین کشورهای ایران، آلمان و سوئیس

عمومی به منظور بهبود تفکیک از مبدأ پسماندها و همچنین کاهش از مبدأ آن‌ها می‌باشد. هرچند ضعف‌های زیرساختی و تجهیزات هم سهم بالایی در عدم موفقیت این حوزه دارد ولی می‌توان با افزایش مشارکت همگانی از تولید پسماند مخلوط و آلوده تا حد زیادی جلوگیری کرد. به هر میزان پسماند شهری جمع‌آوری شده تفکیک از مبدأ شده باشد و آلودگی کمتری به دلیل اختلاط پسماندهای ایجاد شود هزینه‌های بعدی مدیریت و پردازش کمتر و ارزش افزوده بیشتری در مقیاس کلان ایجاد خواهد شد. حتی اگر جمع‌آوری و پردازش پسماندهای تفکیک‌شده از طریق جریان غیررسمی انجام شود در کل با توجه به عدم افت قیمتی و کاهش هزینه‌های جریان غیررسمی، تولید ثروت بیشتری در جامعه ایجاد خواهد شد. بهبود سطح آگاهی و افزایش مشارکت شهروندان نیاز به توجه ویژه دولت داشته و بایستی سعی در رفع مشکلات مانند دخیل نبودن شهروندان در جریان مالی مدیریت پسماندها، عدم آموزش مناسب، عدم وجود زیرساخت‌ها و تجهیزات لازم و ... شود. به‌طور خلاصه می‌توان اشاره داشت که ضعف علمی، مدیریتی، سرمایه‌گذاری و بودجه‌بندی نادرست در شهرداری‌ها دلیل اصلی عدم موفقیت توسعه زیرساخت‌های شهری در حوزه مدیریت پسماند می‌باشد که بایستی در جای خود به تفصیل مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

*** پیشرفت‌های تکنولوژی و کوتاه شدن چرخه عمر محصولات الکترونیک منجر به افزایش تولید پسماند می‌شود** چرخه عمر معمولی محصول الکترونیکی شامل توسعه محصول، معرفی، رشد، بلوغ و دفع یا بازیافت است. یک

هنوز بسیاری از ابتدایی‌ترین اقدامات مدیریت پسماند که یکی از آن‌ها تفکیک از مبدأ است، در کشور اجرایی نشده است؛ این در حالی است که تولید روزانه پسماند هم روزبه‌روز در حال افزایش است.

بر اساس آمارها سازمان دهیاری‌ها و شهرداری‌های کشور، تولید سالانه پسماندهای شهری ایران بیش از ۲۰ میلیون تن است. متوسط سرانه تولید پسماندهای شهری در ایران ۲۴۰ کیلوگرم در سال است. بیشترین تولید سرانه پسماند مربوط به پایتخت کشور، تهران می‌شود؛ در این شهر به ازای هر نفر تا ۴۵۰ کیلوگرم پسماند شهری در سال تولید می‌شود. در خصوص پسماندهای صنعتی، تولید پسماند در صنعت نفت، گاز و پتروشیمی هم به‌طور خاص چالشی کلیدی است. بعضاً این پسماندها در رده خطرناک قرار می‌گیرند و لازم است فرایندهای خاص تصفیه و بازیافت در مورد آن‌ها انجام شود که بازار اقتصادی قابل توجیهی نیز به دنبال خواهد داشت.

میزان تولید پسماند در ایران سالانه در حدود ۲۰ میلیون تن است که حدود ۸۰ درصد آن سهم مناطق شهری و ۲۰ درصد سهم مناطق روستایی می‌باشد. در حدود ۱۷ درصد پسماندهای شهری به چرخه بازیافت هدایت می‌شوند درحالی‌که در مناطق روستایی بازیافت تقریباً صفر می‌باشد. طبق آمار سازمان UNIDO در سال ۲۰۱۶ حدود ۳۲۰۰ تن پسماند در روز وارد چرخه بازیافت می‌شود. قابل‌ذکر است، سایر پسماندهای صنعتی و همچنین نخاله‌های ساختمانی در این آمار ورود داده نشده است. برای مثال، در سال ۲۰۱۶ در حدود ۶۰ میلیون تن سهم تولید نخاله‌های ساختمانی در ایران بوده است. طبق آمار سازمان UNIDO در سال ۲۰۱۶ کشور آلمان و سوئیس در حوزه شهری به ترتیب ۱،۵ و ۳ برابر ایران تولید پسماند دارند (شکل ۱). درحالی‌که میزان بازیافت این کشورها نسبت به ایران در حدود ۳ برابر است. به همین نسبت سهم بازار مدیریت پسماند نیز در این کشورها بیشتر بوده و این درحالی‌که است که عمده بازار ایران در چرخه غیررسمی جریان داشته ولی در آلمان و سوئیس به‌صورت رسمی گردش مالی جریان دارد.

چالش‌های حوزه اقتصادی صنعت بازیافت و تولید ثروت از پسماندها

*** ضعف در آموزش همگانی و در نتیجه عدم موفقیت در کاهش و تفکیک از مبدأ پسماندهای خانگی** یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های مدیریت پسماندهای خانگی در کشورهایی مانند ایران، ضعف شدید در آموزش‌های

در صورت مشارکت

شهروندان در

مدیریت پسماند

بازدهی مالی

قابل توجهی به

دنبال خواهد

داشت. طبق

پیش‌بینی‌ها،

سهم هر خانوار

ایرانی از محل دور

نریختن پسماند

ارزشمند تا حدود

۱۱۰ هزار تومان

می‌تواند باشد.

همچنین، رسمی

شدن مبادلات

واخذ مالیات از

محل مدیریت

مناسب پسماندها

می‌تواند تا حدود

۳۵۰۰ تا ۴۵۰۰

میلیارد تومان

درآمد قابل تحقق

برای شهرداری‌ها

به دنبال داشته

باشد.



محصول الکترونیکی یا به دلیل پایان چرخه عمر خود، پیشرفت‌های فناوریانه یا تغییر نیازهای مصرف‌کنندگان به مرحله بازیافت می‌رسد. پیشرفت سریع در فناوری منجر به تولید محصولات الکترونیکی جدید و نسخه‌های ارتقا یافته محصولات موجود مانند لپ‌تاپ، تلفن همراه و تلویزیون می‌شود. به همین ترتیب، افزایش قدرت خرید افراد منجر به کاهش ماندگاری محصولات الکترونیکی می‌شود. هرساله نسخه‌های جدیدی از موبایل و سایر محصولات الکترونیکی عرضه می‌شود. نسخه‌های قدیمی‌تر یا دور ریخته می‌شوند یا از طریق وبسایت‌ها به‌منظور استفاده مجدد فروخته می‌شوند؛ بنابراین با کاهش چرخه عمر محصولات الکترونیکی، پسماندهای الکترونیکی بیشتر و بیشتری تولید می‌شود. این انباشت پسماندهای الکترونیکی نیاز به بازیافت محصولات الکترونیکی و مدیریت پسماندهای الکترونیکی را تحریک می‌کند. از زمان معرفی رایانه‌های شخصی و تلفن‌های همراه، میانگین طول عمر دستگاه‌های مصرفی و قطعاتی که در آن‌ها قرار می‌گیرد به سرعت در حال کاهش است. در ابتدا انتظار می‌رفت که بیش از ۴۰ سال دستگاه‌های الکترونیکی در چرخه مصرف باشند، در صورتی که متوسط طول عمر وسایل الکترونیکی به ۱،۵ تا ۱۳ سال کاهش یافته است که اکثریت آن‌ها به‌طور متوسط ۴ تا ۵ سال هستند.

* نبود چارچوب لازم برای جمع‌آوری و تفکیک پسماند

تفکیک پسماند به تفکیک مواد خشک و تر اشاره دارد که راه را برای سایر فرآیندهای مدیریت پسماند مانند کمپوست سازی، بازیافت و سوزاندن هموار می‌کند. یکی از اهداف کاهش از مبدأ تولید پسماند جلوگیری از دفن و در نهایت جلوگیری از آلودگی زمین، آب‌وهوا است. جمع‌آوری و تفکیک صحیح پسماند به‌منظور بازیافت اقلامی مانند پلاستیک‌ها، پت، نایلون، کاغذ، فلزات و محصولات چوبی حیاتی است. روش‌های نامناسب ذخیره، تفکیک از مبدأ و جمع‌آوری پسماندها تهدید بزرگی برای شهرداری‌ها و سایر ارگان‌های ذی‌ربط دخیل در مدیریت پسماند است. اختلال و عدم کارآمدی هر یک از موارد ذکر شده، قسمت قابل‌توجهی از پتانسیل زنجیره تأمین مواد برای صنایع پردازش و بازیافت را از بین می‌برد و از بیشینه شدن ظرفیت مالی بازارهای مالی مدیریت پسماند جلوگیری می‌کنند.

کشورهای توسعه‌یافته مانند ایالات متحده، استرالیا، ژاپن و آلمان با موفقیت چارچوب‌های مدیریت پسماند را پیاده‌سازی کرده‌اند که امکان مدیریت مؤثر پسماندها

و تضمین نتایج مولد از آن‌ها را از طریق بازیافت فراهم می‌کند. کشورهای مانند مصر، ترکیه، آفریقای جنوبی، نیجریه، برزیل و همچنین کشورهای خاورمیانه مانند ایران هنوز چارچوب مدیریت پسماند را استاندارد و سازمان‌دهی نکرده‌اند که تا حد زیادی باعث مدیریت نادرست پسماندهای شهری می‌شود. تفکیک انواع مختلف پسماند باید در مبدأ انجام شود که به بازیابی مقدار قابل‌توجهی از پسماندهای قابل بازیافت کمک می‌کند و در مجموع تلاش و زمان را بسیار کاهش می‌دهد. عمده‌ترین مشکلاتی که بر مدیریت پسماندهای جامد تأثیر می‌گذارد، عدم برنامه آموزش همگانی مناسب و فراگیر، نبود زیرساخت‌های منابع برای تفکیک از مبدأ و جمع‌آوری متناسب با آن و در نتیجه گسترش و قدرت گرفتن چرخه غیررسمی مدیریت پسماند و عدم نظارت و مدیریت سیستم است. این موضوعات به نوبه خود منجر به مخاطراتی مانند تخریب محیط‌زیست، آلودگی آب، آلودگی خاک و آلودگی هوا می‌شود و رشد بازار مدیریت پسماند را مهار می‌کند.

* بازیافت پلاستیک پرهزینه‌تر از تولید پلاستیک جدید است

مواد اولیه موردنیاز برای تولید پلاستیک‌ها مواد پتروشیمی مانند نفت و گاز طبیعی است. مشکل بازیافت پلاستیک، تولید جریان خالصی از مواد بازیافتی است. به‌عنوان مثال، پلاستیک‌های PET ارزش استفاده مجدد به‌عنوان ظروف بسته‌بندی ندارند ولی آن‌ها را می‌توان در محصولات دیگر، مانند صنعت نساجی و لباس‌های پشمی بازیافت کرد. برخی نکات باعث می‌شود که در بسیاری موارد قیمت تمام‌شده فرایند بازیابی و بازیافت پت‌ها نسبت به هزینه استفاده از مواد اولیه پت درجه اول بیشتر و لذا فرایند بازیافت غیراقتصادی شود. برخی از موارد قابل‌ذکر عبارتند از وجود مواد افزودنی و رنگی در پسماندهای پت، آغشته بودن پت‌ها به سایر مواد آلاینده مانند پسماندهای آلی یا شیمیایی، عدم امکان جداسازی ۱۰۰ درصد پت‌ها از سایر مواد همراه و در نتیجه وجود ناخالصی در محصول بازیافتی.

همچنین، در کشورهایی مانند ایران، تفکیک پت از پسماند مخلوط بسیار مشکل، زمان‌بر و پرهزینه است و در صورت توسعه تفکیک از مبدأ هزینه‌زمان و انرژی زیادی صرفه‌جویی خواهد شد. جداسازی پلاستیک از انواع مختلف جریان‌های پسماند، یک فرایند مشکل‌ساز در بازیابی انرژی از طریق فرآیندهای مختلف ترموشیمیایی است. دسته‌بندی پلاستیک‌ها یک گام اساسی در فرایند مدیریت پسماند است. لذا دسته‌بندی و جداسازی

کشورهای
توسعه‌یافته مانند
ایالات متحده،
استرالیا، ژاپن و
آلمان با موفقیت
چارچوب‌های
مدیریت پسماند
را پیاده‌سازی
کرده‌اند که امکان
مدیریت مؤثر
پسماندها و
تضمین نتایج
مولد از آن‌ها را
از طریق بازیافت
فراهم می‌کند.
کشورهایی
مانند مصر،
ترکیه، آفریقای
جنوبی، نیجریه،
برزیل و همچنین
کشورهای
خاورمیانه
مانند ایران
هنوز چارچوب
مدیریت پسماند
را استاندارد و
سازمان‌دهی
نکرده‌اند که تا
حد زیادی باعث
مدیریت نادرست
پسماندهای
شهری می‌شود.

نتیجه‌گیری

بدون شك و تردید، بازیافت پسماندها یکی از کلیدی‌ترین شاخص‌های اقتصاد چرخشی و توسعه پایدار می‌باشد، به طوری که این موضوع یکی از پایه‌های شهرهای هوشمند در دنیا معرفی شده است. تولید ثروت، کاهش مصرف مواد اولیه، تولید اشتغال، حفظ محیط‌زیست و افزایش توان اکوسیستمی از مهم‌ترین فواید بازیافت و اقتصاد چرخشی می‌باشند. متأسفانه، جریان‌ها و متولیان رسمی کشور در توسعه صنعت بازیافت خصوصاً برای پسماندهای شهری موفق نبوده و عمده سهم بازار را جریان‌های غیررسمی بدون نظارت و عملکرد اصولی به خود تخصیص داده است. طبق آمارهای رسمی بین‌المللی، همه کشورها به دلیل اشتغال‌زایی و تولید ثروت و جلوگیری از هدر رفت منابع، سعی در افزایش سهم صنایع بازیافتی در افزایش گردش جریان مواد با ارزش بازیافتی در صنعت دارند. امید است تا با توجه به بحران‌های اقتصادی سال‌های اخیر، این نگرش در کشور ایران نیز بیشتر مورد توجه قرار گیرد و شاهد ساماندهی و کارآمدی بیشتر صنعت بازیافت در کشور باشیم و چالش‌های حوزه پسماندهای شهری را به فرصت‌های اقتصادی تبدیل کنیم. ♦♦

پلاستیک (با توجه به درجات، انواع و ترکیب مواد افزودنی مختلف آن) در مقایسه با ساخت پلاستیک جدید از پتروشیمی‌ها که بسیار ارزان‌تر یا مقرون به صرفه است، بسیار کاربر و پرهزینه است.

* بخش دفن پسماند بزرگ‌ترین سهم بازار از نظر نوع خدمات در بازار مدیریت پسماند است

محل‌های دفن پسماند مدرن که به صورت اصولی و مهندسی ساخته و مدیریت می‌شوند عنصر لاینفک در دفع پسماندهای جامد شهری و صنعتی به شمار می‌روند. محل‌های دفن پسماند برای اطمینان از عملکرد درست و جلوگیری از انتشار آلاینده‌های محیط زیستی بایستی طبق استانداردهای ملی طراحی، مکان‌یابی، بهره‌برداری و نظارت شوند. متأسفانه، کشور ایران در حوزه توسعه و ساخت محل‌های دفن بهداشتی بسیار ضعیف عمل کرده و حتی می‌توان مدعی شد که در کشور هیچ محل دفن استاندارد شهری وجود ندارد. این مکان‌ها قابلیت ارائه خدمات و تولید ثروت را دارند که یکی از ضعف‌های کشور در عدم موفقیت در حوزه پسماند را می‌توان نبود محل‌های دفن استاندارد دانست. در کشورهای توسعه‌یافته روز به روز سهم محل‌های دفن از اقتصاد بازار مدیریت پسماند رو به افزایش است.

* افزایش نقش کسب‌وکارهای آنلاین از سهم بازار مدیریت پسماند

تجارت موفق بسیاری در حوزه توسعه کسب‌وکارهای آنلاین در مدیریت پسماندهای شهری در دنیا وجود دارد. نوآوری، دسترسی آسان و سهولت بیشتر ارائه خدمات دلایل اصلی استقبال مردم از این کسب‌وکارها هستند. همچنین سرعت عملکرد، سهولت نظارت و کاهش هزینه‌های راهبری و مدیریت ناوگان‌های جمع‌آوری و تفکیک پسماند و بهبود تفکیک از مبدأ پسماندهای با ارزش جذابیت حمایت از این کسب‌وکارها را برای شهرداری و بخش دولتی افزایش داده است. تجارب مختلفی در این خصوص در کشور ایران وجود دارد که عمده چالش‌ها و عدم موفقیت آن‌ها عمدتاً بر عدم هماهنگی، ضعف قوانین مالکیت پسماند، تضاد منافع با پیمانکاران نظیف شهری و عدم انجام به موقع تغییرات و حمایت‌های بخش دولتی از خصوصی برمی‌گردد. با تمام تفاسیر، سهم این بازار روز به روز بیشتر شده و امید است تا با حمایت بیشتر خصوصاً در حوزه قانون‌گذاری موانع توسعه این کسب‌وکارها برداشته شده و نقش پررنگ‌تری در بازار اقتصادی کشور ایفا کنند.





گفت‌وگو با «ایمان احمدی» مدیرعامل شرکت مهندسی مشاور مشاهیر نیرو جنوب و عضو هیئت مدیره انجمن سازندگان و تأمین‌کنندگان کالا و خدمات انرژی‌های تجدیدپذیر (ساتکا)

به سوی استفاده از انرژی‌های پاک

انرژی‌های پاک در جهان تمام نمی‌شوند و منابع پایداری دارند. برخی کشورها برای سال ۲۰۳۰ و برخی نیز برای سال ۲۰۵۰ هدف‌گذاری کرده‌اند که مصرف سوخت فسیلی خود را به صفر برسانند.

ایران به لحاظ تابش و تعداد روزهای آفتابی از پتانسیل بالایی در انرژی خورشیدی برخوردار است. در محدوده مرکزی و متمایل به شرق کشور، ناحیه‌ای وجود دارد که موسوم به دوزنقه طلایی انرژی خورشیدی است.

از تقریباً ۷۵ هزار مگاوات نیروگاهی ایران در حدود یک‌هزار مگاوات آن تجدیدپذیر است؛ کشورمان از لحاظ میزان انرژی در رتبه پایینی قرار دارد. متأسفانه اقتصاد انرژی در کشور ما به جهت سیاست‌های نادرست و تصمیم‌گیری‌های اشتباه و خلق‌الساعه فلج شده است. دولت به‌جای تسهیل شرایط ورود سرمایه‌گذاران، برعکس، شرایط را به قدری سخت گرفته است که فقط نه تعداد معدودی خصولتی‌ها که در واقع نهادهایی که به صورت دستوری تکلیف می‌شوند، سرمایه‌گذاری می‌کنند و بخش خصوصی به این قضیه ورود نمی‌کند و از سرمایه‌گذاری در این امر باز مانده است.

برای استان کرمان در افق ۱۴۰۴، احداث دو هزار مگاوات انرژی تجدیدپذیر در برنامه دولت است. در این استان در حال حاضر ۷۰۰ نیروگاه کوچک خانوادگی وجود دارد و شهر راور و روستای ده علی تقریباً با ۱۵۰ نیروگاه به‌عنوان نماد میزبان خورشید در کشورند.

مسئله‌ای که وجود دارد، این است که صنعت انرژی تجدیدپذیر ما به‌شدت وابسته به ارز و متأثر از نوسانات ارزی است. در دنیا از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۰ هر کیلووات نیروگاه خورشیدی از ۱۸۰۰ دلار به ۶۰۰ دلار افت کرده است، اما در کشور ما در مدت پنج سال بیشتر از سه برابر شده است؛ هر کیلو وات نیروگاه در سال ۱۳۹۵، شش میلیون تومان هزینه در برداشت که در حال حاضر به ۲۰ میلیون تومان رسیده است.

روزمرگی‌ها، وابستگی به منابع نفتی و محدودیت‌های ارزی از موانع بزرگ فراراه رشد انرژی‌های تجدید پذیر است.

اینک شرح کامل گفت‌وگو با ایمان احمدی مدیرعامل شرکت مهندسی مشاور مشاهیر نیرو جنوب و عضو هیئت‌مدیره انجمن ساتکا را بخوانیم.



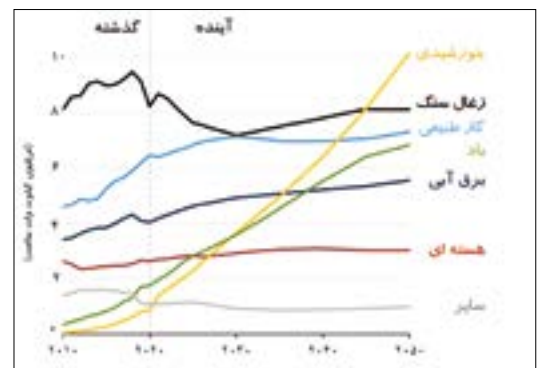
◆ مزایای استفاده از انرژی پاک چیست؟

انرژی‌های پاک بیشتر به انرژی‌های تجدید پذیر یا Renewable Energy در دنیا معروف هستند. عمده منابع این انرژی‌ها، انرژی خورشیدی و بادی است. انرژی حاصل از آب را جزء انرژی‌های پاک به حساب می‌آورند، اما از نظر تجدید پذیری چون این انرژی قابل تجدید نیست، بعضی اوقات آن را از سایر موارد جدا می‌کنند. انرژی که از بیومس‌ها به دست می‌آید، انرژی امواج دریا و انرژی زمین‌گرمایی نیز جزء انرژی‌های تجدید پذیر هستند. در شکل شماره (۱) تولید خالص برق جهانی براساس منابع مختلف آورده شده است. انرژی‌های پاک انرژی‌هایی هستند که در جهان تمام نمی‌شوند و منابع پایدار دارند. محاسن مربوط به این انرژی‌ها از چند جهت قابل بررسی است:

- **لایتنامی بودن؛** دانشمندان بررسی کردند که خورشید تا میلیاردها سال می‌تواند انرژی اهدا کند و هیچ منبع انرژی دیگری وجود ندارد که تا این حد پایدار باشد، بنابراین از جمله مهم‌ترین مزیت انرژی‌های تجدیدپذیر، پایداری آن‌ها است.

- **قابل اعتماد بودن؛** تا زمانی که خورشید بتابد، باد وجود دارد و تا زمانی که ماه و زمین در این وضعیت قرار داشته باشند، جزر و مد و امواج دریا وجود خواهد داشت، همچنین تغییرات سیاسی در جهان و جنگ و بحران‌های اقتصادی و از این قبیل موارد بر تابش خورشید و انرژی‌های تجدیدپذیر تأثیری ندارد، بنابراین یکی از مهم‌ترین مزایای انرژی‌های پاک، قابل اعتماد بودن این منابع از تأمین انرژی است.

- **در دسترس بودن؛** استحصال انرژی‌های تجدیدپذیر، کار آن‌چنان سختی نیست انرژی خورشیدی و بادی کاملاً در دسترس بوده و در اختیار بشر هستند. در حال حاضر نفت و گاز وجود دارد و در سطوح بالا هستند، اما در سال‌های آینده که برای استخراج باید عمق بیشتری را بررسی کرد، استخراج نفت خیلی سخت می‌شود و این موضوع دسترسی به منابع انرژی را سخت‌تر می‌کند.



شکل شماره (۱): تولید خالص برق جهانی بر اساس منبع

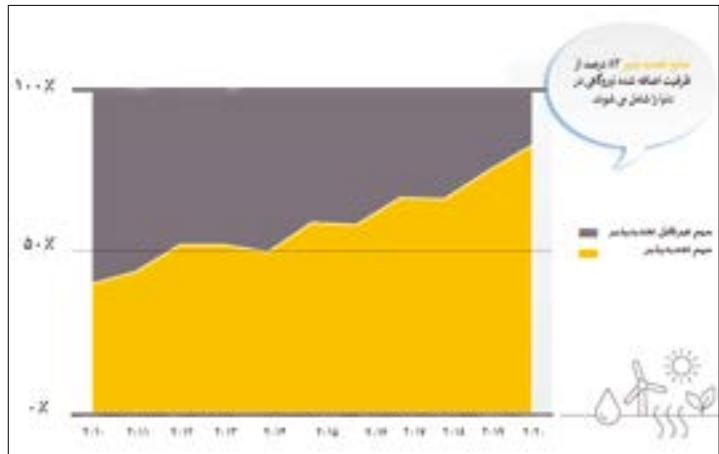
- **پاک بودن؛** منابع انرژی‌های تجدیدپذیر از خود طبیعت هستند و به خود طبیعت بازمی‌گردند؛ لذا آلودگی آن‌چنانی نخواهند داشت. البته دانشمندان انرژی جهان بر پاک بودن این انرژی‌ها به معنای کاملاً صدهم درصد اعتقادی ندارند، چون در نیروگاه‌های بادی نویزهایی که ایجاد می‌شود در فرکانس‌های پایین یا بالا - که شاید ما انسان‌ها متوجه آن نشویم - حیوانات را آزار می‌دهد. در مورد انرژی‌های خورشیدی، موضوع امحای پنل‌های خورشیدی و مهم‌تر از آن باتری آن‌ها که ترکیبی از سرب، اسید و یون‌ها هستند، چالش برانگیز است؛ بنابراین انرژی‌های پاک هم چالش‌هایی دارند، اما این چالش‌ها به اندازه‌ای که چالش کربن در دنیا محیط‌زیست را با مشکل مواجه کرده، بزرگ نیستند.

تمامی این مزیت‌ها موجب شده که کل دنیا به سمت استفاده از انرژی‌های پاک حرکت کند. با توجه به آمار ارائه شده در سال ۲۰۲۰، تقریباً ۸۳ درصد از ظرفیت اضافه‌شده به ظرفیت نیروگاهی دنیا از منابع تجدیدپذیر بوده است که این موضوع نشان می‌دهد که دنیا هدف‌گذاری خود را بر توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر گذاشته است و برنامه‌ای برای اضافه کردن منابع انرژی‌های الکتریکی از منابع فسیلی ندارد، مابقی یعنی عدد ۱۷ درصد مربوط به کشورهای مانند کشور ما است که برنامه آن‌چنانی در این خصوص ندارند (شکل شماره (۲)).

در مورد انرژی‌های خورشیدی، موضوع امحای پنل‌های خورشیدی و مهم‌تر از آن باتری آن‌ها که ترکیبی از سرب، اسید و یون‌ها هستند، چالش برانگیز است؛ بنابراین انرژی‌های پاک هم چالش‌هایی دارند، اما این چالش‌ها به اندازه‌ای که چالش کربن در دنیا محیط‌زیست را با مشکل مواجه کرده، بزرگ نیستند.

۱۱ درصد از انرژی اتمی و ۴ درصد از سوخت مایع استفاده می‌شود (شکل شماره ۳)، اما هدف‌گذاری که دنیا برای مصرف انرژی در سال ۲۰۵۰ دارد، نزدیک به ۶۰ درصد استفاده از انرژی الکتریکی از منابع تجدیدپذیر است.

با توجه به پیشرفت‌های حاصله در تکنولوژی فتوولتائیک و ارزان شدن این تکنولوژی‌ها رشد استفاده از انرژی‌های خورشیدی در دنیا خیلی چشمگیر از مابقی تجدیدپذیرها است؛ به طوری که در پایان سال ۲۰۱۵، میزان ظرفیت نیروگاه‌های بادی منصوبه دنیا از نیروگاه‌های خورشیدی بیشتر بوده، ولی از ۲۰۱۶ به بعد سهم نیروگاه‌های خورشیدی بیشتر شده که این موضوع نشان می‌دهد که دنیا به استفاده از انرژی‌های خورشیدی روی آورده است (شکل شماره ۴).



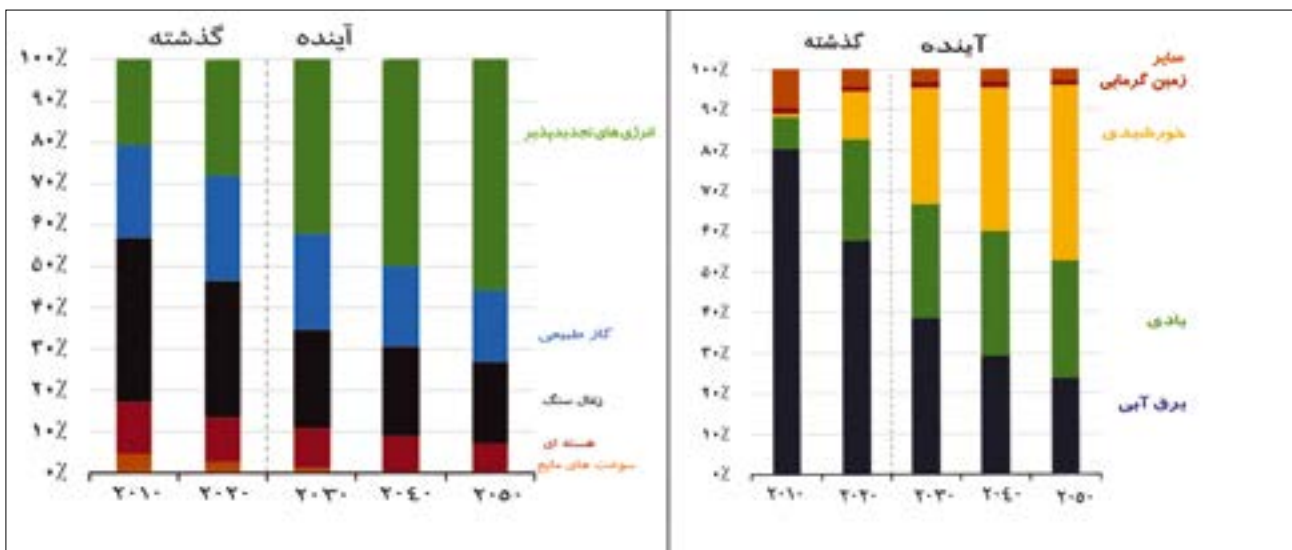
شکل شماره (۲): سهم انرژی‌های تجدید پذیر از توسعه ظرفیت تولید برق

◆ اگر ممکن است هزینه‌های راه‌اندازی و نیز نگهداری در بخش انرژی‌های تجدیدپذیر به‌عنوان نمونه، انرژی خورشیدی با انرژی‌های فسیلی را مقایسه فرمایید.

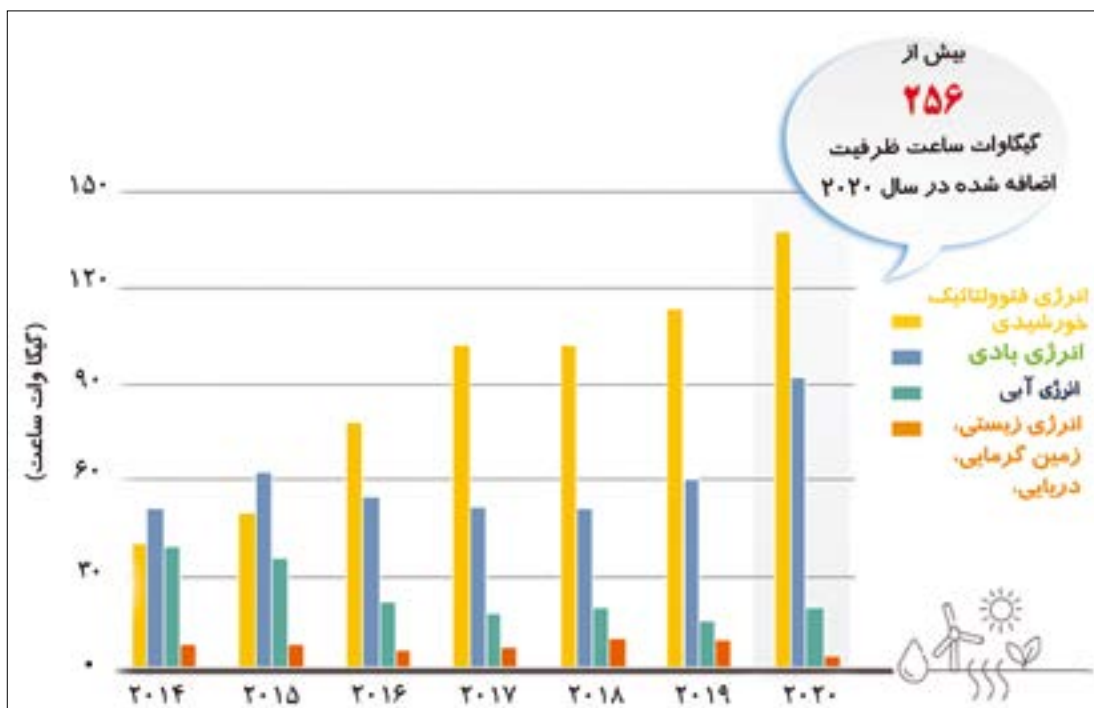
ذکر این نکته ضروری است که در موضوع هزینه‌ها حتماً باید هزینه‌های راه‌اندازی و هزینه نگهداری را به‌صورت جداگانه بررسی کرد. در بخش انرژی‌های تجدیدپذیر- در اینجا انرژی خورشیدی- هزینه راه‌اندازی و سرمایه‌گذاری اولیه بسیار بیشتر از هزینه‌های نگهداری است و می‌توان گفت هزینه نگهداری تقریباً نزدیک به صفر است، اما در مورد انرژی‌های فسیلی هزینه‌های سرمایه‌گذاری کمتر و نیاز به نگهداری بیشتری دارد، دلیل این امر در این است که ما در سیستم‌های خورشیدی هیچ سیستم متحرکی را نداریم و سیستم کاملاً استاتیک است. چون سیستم‌های دینامیک و قطعات متحرک هستند که هزینه‌های نگهداری را ایجاد می‌کنند و هزینه تعمیرات را بالا می‌برند.

در دنیا در حال حاضر برخی کشورها برای توسعه انرژی تجدید پذیر هدف‌گذاری‌هایی داشته‌اند، از جمله کشور دانمارک برای سال ۲۰۳۰ و برخی کشورهای توسعه‌یافته دیگر برای سال ۲۰۵۰ هدف‌گذاری کرده‌اند که با استفاده از منابع تجدیدپذیر انرژی، مصرف سوخت فسیلی خود را به صفر برسانند.

استفاده ۱۰۰ درصدی از منابع تجدیدپذیر انرژی در یک کشور مستلزم پیشبرد پروژه Electrification (برقی سازی یا برق‌رسانی) است، این پروژه سال‌ها در دنیا کلید خورده است و هدف از انجام آن، این است که در کلیه منابع انرژی از برق استفاده شود؛ در این صورت است که می‌توان مصرف سوخت فسیلی را به صفر رساند. با توجه به آمار منتشر شده در پایان سال ۲۰۲۰، ۲۷ درصد از انرژی الکتریکی مصرفی جهان از منابع تجدیدپذیر تأمین شده است که از این مقدار ۱۶ درصد منابع آبی است و حدود ۱۱ درصد سهم باد و خورشید است، حدود ۲۶ درصد گاز طبیعی، ۳۲ درصد زغال سنگ و



شکل شماره (۳): سهم انرژی‌های تجدید پذیر از انرژی الکتریکی جهان



شکل شماره (۴): ظرفیت اضافه شده انرژی‌های تجدیدپذیر بر اساس تکنولوژی‌های مختلف

در موضوع

پتانسیل

برخورداری کشور

ما از انرژی‌های

پاک صحبت‌های

زیادی می‌شود؛

گروهی می‌گویند:

اگر کل کویر لوت

را پنل قرار دهیم،

می‌توانیم برق

یک سوم جهان

را تولید کنیم.

به اعتقاد بنده

این موارد بیشتر

به شعار و قصه

نزدیک است

تا به واقعیت.

برای مثال یک

تولیدکننده کفش

که ظرفیت تولید

دو میلیون جفت

کفش در طول

روز را دارد، نباید

تنها به ظرفیت

تولید فکر کند

بلکه باید به

بازار فروش،

حمل و نقل و

موارد دیگر مربوط

به محصول خود

به عبارتی به ابعاد

دیگر موضوع نیز

توجه کند.

نقاط کشور به جز نوار شمالی و محدوده جنوبی دریای خزر که روزهای ابری زیادی دارد، مابقی تعداد روزهای آفتابی زیادی وجود دارد. در محدوده مرکزی کشور و متمایل به شرق، ناحیه‌ای وجود دارد که مرسوم به دوزنقه طلایی انرژی خورشیدی است که این منطقه شامل شمال استان کرمان، بخشی از استان یزد، استان فارس و بخشی از استان اصفهان و کهگیلویه و بویراحمد است که بیشترین پتانسیل انرژی خورشیدی کشور در این مناطق است. از نظر میزان تابش در این منطقه، تقریباً پنج و نیم کیلووات ساعت بر مترمربع تابش در روز است (شکل شماره ۱). ارتفاع زیاد از سطح دریا در این منطقه یک پارامتر مثبت برای تولید انرژی الکتریکی از سلول‌های فتوولتائیک است. از نظر تعداد روزهای آفتابی در این دوزنقه طلایی، استان کرمان بالای ۳۰۰ روز آفتابی را تجربه می‌کند.

در موضوع پتانسیل برخورداری کشور ما از انرژی‌های پاک صحبت‌های زیادی می‌شود؛ گروهی می‌گویند: اگر کل کویر لوت را پنل قرار دهیم، می‌توانیم برق یک سوم جهان را تولید کنیم. به اعتقاد بنده این موارد بیشتر به شعار و قصه نزدیک است تا به واقعیت. برای مثال یک تولیدکننده کفش که ظرفیت تولید دو میلیون جفت کفش در طول روز را دارد، نباید تنها به ظرفیت تولید فکر کند بلکه باید به بازار فروش، حمل و نقل و موارد دیگر مربوط به محصول خود به عبارتی به ابعاد دیگر موضوع نیز توجه کند. در بحث انرژی و انرژی‌های تجدیدپذیر نیز این موضوع

در مجموع سیستم‌های سولار یا فتوولتائیک خورشیدی، سیستم‌های کاملاً استاتیکی هستند و هزینه‌های نگهداری آن‌ها در حد یک تمیزکاری و نگهداری خیلی ساده است، اما در سیستم‌های فسیلی ترکیب گرما، آب و سیستم‌های چرخان وجود دارد که هر سه این مورد باعث بالا رفتن هزینه‌های نگهداری می‌شود. در مورد هزینه‌های راه‌اندازی در انرژی خورشیدی، تقریباً ۵۵ درصد سهم سرمایه‌گذاری اولیه مربوط به پنل‌ها است، بین ۲۰ تا ۲۵ درصد سهم اینورتر (مبدل انرژی الکتریکی dc به ac) است و مابقی، هزینه‌های مربوط به نصب، راه‌اندازی، استراکچر، کابل و تجهیزات حفاظتی است، البته این اعداد، تکنولوژی به تکنولوژی و سایز به سایز متفاوت است.

در بخش انرژی‌های فسیلی به ازای هر یک مگاوات توان حدود ۳۵۰ هزار دلار نیاز سرمایه‌گذاری و در واقع هزینه‌های راه‌اندازی است، اما در انرژی‌های خورشیدی این مقدار به حدود ۶۰۰ هزار دلار سرمایه نیاز دارد.

◆ در مورد پتانسیل برخورداری کشورمان از انرژی‌های پاک و

چگونگی بهره‌برداری از این پتانسیل توضیح دهید.

قرارگیری فلات ایران جزو فلات‌های مرتفع دنیا و قرارگیری کشورمان در یک عرض جغرافیایی نسبتاً مناسب از نظر تابش و تعداد زیاد روزهای آفتابی موجب شده است که کشور ما از پتانسیل بالایی در مورد انرژی‌های پاک برخوردار باشد. در کلیه

نیم ساعت در روز است، حال اگر یک مگاوات ظرفیت منصوبه بادی و یک مگاوات ظرفیت منصوبه خورشیدی را در نظر بگیرید؛ سهم ظرفیتی هر دو یکی است، اما سهم انرژی بادی سه یا چهار برابر بیشتر است؛ بنابراین در تکنولوژی‌های مختلف متفاوت است. یکی از اقدامات خوبی که قبلاً در وزارت نیرو به صورت سالانه انجام می‌شد، چاپ ترانزنامه انرژی کشور بوده است که اطلاعات آن در اختیار کارشناسان ذریبط قرار می‌گرفت، اما از سال ۱۳۹۵ این ترانزنامه چاپ نشده است و این نقصان اطلاعات خیلی از کارشناسان را دچار مشکل کرده است.

♦♦ دولت در استان کرمان احداث چه میزان برق از انرژی‌های تجدید پذیر را در برنامه قرار داده است و پیشرفت این برنامه در چه وضعی است؟

دولت در استان کرمان با افق ۱۴۰۴، احداث دو هزار مگاوات انرژی تجدیدپذیر را در برنامه دارد که تفاهم‌نامه آن در دوره قبلی استانداری کرمان - آقای دکتر زینی وند - با رییس سازمان انرژی‌های تجدیدپذیر و بهره‌وری انرژی برق (ساتبا) - آقای دکتر کمانی - امضا شد. از لحاظ پیشرفت در حال حاضر این تفاهم‌نامه در مرحله برگزاری مناقصه جهت انتخاب سرمایه‌گذار است که در خارج از استان تصمیم‌گیری و برگزاری مناقصه انجام می‌شود. قرار بود در روز ۱۹ مردادماه مناقصه بازگشایی شود که با وجود چند بار تمدید، گویا دیروز برگزار شده است. دلیل تاخیر در برگزاری به شرایط موجود در مناقصه؛ ماده ۱۲ و محل بازپرداخت هزینه برق تولیدی توسط دولت و همچنین شرایط و ضمانت‌نامه‌های سخت‌خواسته شده برای سرمایه‌گذار برمی‌گردد. به‌رحال اگر دولت عزم جدی بر توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر در کشور داشته باشد، باید در گام اول اعتماد لازم را به بخش خصوصی تزریق کند. در حال حاضر بخش خصوصی به دولت اعتماد ندارد. اقتصاد انرژی در کشور ما با وجود تصمیم‌های حاکمیتی - دولتی، سیاست‌های غلط و تصمیم‌گیری‌های اشتباه و خلق‌الساعه فلج شده است. نیروگاه‌های موجودی که برق‌شان را به دولت فروخته‌اند، قادر نیستند پول خود را پس بگیرند؛ باوجود اینکه محل پرداخت آن مشخص بوده و دولت هم اذعان بر بدهکاری دارد، متأسفانه از هر صورت وضعیت نیروگاه‌های تجدیدپذیر، ۱۰ درصد پرداخت می‌شود و ۹۰ درصد آن دیون می‌شود. در خصوص پرداخت‌های قبلی هم جرایمی را که به علت تأخیر قرار بوده دولت بپردازد، پرداخت نمی‌کند و این موضوع سرمایه‌گذاران را دلسرد می‌کند. همه کسانی که در دوره قبلی نیروگاه تجدیدپذیر تأسیس کرده‌اند و با این دیدگاه که سرمایه‌گذاری خود را توسعه می‌دهند، هیچ‌کدام دیگر این کار را نکرده‌اند. در مجموع در حال حاضر دولت در مناقصه جدید نه‌تنها به این موضوع توجه نداشته بلکه به‌عنوان نهادی که اعتماد سرمایه‌گذاران

صادق است درست است که پتانسیل تولید انرژی تجدید پذیر در کشور ما بالاست، اما این پتانسیل باید بالقوه باشد و بتوان آن را به بالفعل تبدیل کرد. به نظر بنده ما در کشور حداکثر ۱۵ هزار مگاوات یا ۱۵ گیگاوات پتانسیل قابل بهره‌برداری از انرژی‌های تجدید پذیر داریم.

در مورد کویر لوت، این منطقه به دلیل وجود دمای بالا جای مناسبی برای تولید انرژی نیست، اگر این محدودیت را هم کنار بگذاریم، در صورت تولید انرژی در این منطقه، این انرژی باید منتقل شود، آیا ما می‌توانیم انرژی تولیدشده در کویر لوت را به فرض به تبریز انتقال دهیم، آیا این چنین سرمایه‌گذاری اقتصادی است؟ از همه مهم‌تر عدم قطعیتی که در انرژی‌های تجدیدپذیر وجود دارد، خود محدودیت دیگری است. یکی از بزرگ‌ترین مشکلات انرژی‌های تجدید پذیر، عدم قطعیت آن‌هاست. اگر امروز هوا ابری شود، یک نیروگاه ۱۰ مگاواتی تقریباً تولیدشده به صفر نزدیک می‌شود و این موضوع قابل کنترل نیست. نمی‌توان کل سرمایه تولید برق کشور را بر مبنای انرژی تجدیدپذیر در یک منطقه خاص قرار داد. در مورد انرژی‌های تجدیدپذیر، استفاده از ذخیره‌سازهای انرژی مطرح است تا بدین وسیله بتوان عدم قطعیت این شبکه را جبران کرد.

♦♦ رتبه ایران در فهرست سرانه انرژی پاک در جهان چه عددی است و ارزیابی شما از این رتبه چه می‌باشد؟

در کشور ما تقریباً ۷۵ هزار مگاوات ظرفیت منصوبه نیروگاهی وجود دارد که حدود یک هزار مگاوات آن تجدیدپذیر است، اما از لحاظ میزان انرژی رتبه کشور ما در دنیا پایین است. شاید در کشورهای اروپایی ظرفیت منصوبه پایینی وجود داشته باشد، اما سهم آن‌ها از انرژی، بالا است؛ برای مثال انرژی بادی در یک منطقه به صورت ۲۴ ساعته تولید می‌شود، اما انرژی خورشیدی به صورت پنج و



شکل شماره (۱): پتانسیل تابش خورشیدی در ایران

دارد. از جمله سه نیروگاه ۱۰ مگاواتی در ماهان که قبلاً از روند خرید تضمینی در راه‌اندازی آن‌ها استفاده شده است، اما در حال حاضر با برگزاری مناقصه از محل ماده ۱۲؛ از محل سوخت صرفه‌جویی شده، قراردادها بسته می‌شوند که همان‌طور که اشاره شد، مناقصه هنوز برگزار نشده است.

♦ چرا در کشورمان با وجود رشد تحقیقات علمی، انرژی پاک به مرحله اجرا نرسیده و حتی از همسایگان نفتی خود عقب مانده‌ایم؟

با وجود تحقیقات انجام شده در کشور، ما رتبه خوبی در رابطه با انرژی‌های تجدیدپذیر در دنیا نداریم و این موضوع در ابتدا به مشکلات اقتصاد انرژی در کشور برمی‌گردد. تا زمانی که در کشور ما برق ۳۰۰۰ تومانی به‌صورت ۲۵۰ تومان در اختیار مصرف‌کننده قرار بگیرد، مشکلات پابرجاست و جایی برای توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر باقی نمی‌گذارد. همچنین روزمرگی‌ها، وابستگی کشور به منابع نفتی و محدودیت‌های ارزی مانع بسیار بزرگی در رشد انرژی‌های تجدیدپذیر در کشور بوده است. یکی از مهم‌ترین اقداماتی که دولت می‌تواند انجام دهد، برنامه‌ریزی به‌صورت بلندمدت است. در مجموع تا زمانی که قیمت انرژی در کشور ما واقعی نشود، زور تجدیدپذیرها در رقابت با انرژی ارزانی که در کشور در حال مصرف است، نمی‌رسد.

کشور امارات سرمایه‌گذاری‌های زیادی در خصوص استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر انجام داده است، در کشور عربستان با وجود پرداخت بالای یارانه انرژی، برنامه‌ریزی بلندمدت برای مبحث انرژی‌های تجدیدپذیر وجود دارد، این کشور برای سال ۲۰۳۰ در بحث انرژی‌های تجدیدپذیر برنامه‌ریزی دارد، از جمله به تعریف «شهر تجدیدپذیر» در این کشور می‌توان اشاره نمود. به عنوان پیشنهاد، اخیراً طرحی در کشور مطرح شده است که از پتانسیل‌های مردمی در تولید انرژی‌های تجدیدپذیر استفاده می‌شود که مدل اقتصادی آن هم در حال آماده‌سازی است. در دولت قبلی نیز این طرح با عنوان «برق امید» مطرح شد ولی مسکوت ماند. به این صورت که دولت با پرداخت تسهیلاتی به مردم، سیستم خورشیدی کوچک در هر منزل ایجاد کند تا بتواند بخشی از برق مصرفی خود را تولید کند و بازپرداخت اقساط خود را نیز داشته باشند. در بخش صنایع کوچک و متوسط نیز مدل اقتصادی طرح آماده شده است، به این صورت که دولت می‌تواند با پرداخت وام‌هایی از محل تبصره ۱۸ به این صنایع، برق خود را به‌اندازه حداقل مصرف تولید کرده و از این محل اقساط خود را پرداخت کنند و نکته مهم اینکه از همین محل دولت می‌تواند مالیات خود را بگیرد.

از طرفی در برنامه پنج‌ساله ششم آمده که سرمایه‌گذاری دولت در بخش تولید ممنوع شده است، لذا اجرای این طرح‌ها می‌تواند کمک‌حالی برای دولت باشد. ♦♦

را نتوانسته جلب کند هم شرایط را به‌گونه‌ای تسهیل نکرده تا سرمایه‌گذاران ورود کنند، به‌عکس شرایط را به‌قدری سخت گرفته که فقط تعداد محدودی خصولتی‌ها که خیر، بلکه سرمایه‌گذارانی که مکلف به سرمایه‌گذاری هستند، در واقع نهادهایی که به‌صورت دستوری تکلیف می‌شوند، سرمایه‌گذاری می‌کنند و بخش سالم اقتصاد، بخش ساری و جاری اقتصاد ورود به این قصبه نمی‌کند.

♦ در مورد چگونگی ورود سرمایه‌گذار در بخش انرژی‌های پاک در استان کرمان توضیح بفرمایید.

در حالت کلی ما دو نوع نیروگاه داریم: نیروگاه‌های جنب انشعاب یا نیروگاه‌های خانگی کوچک و نیروگاه‌های بزرگ یا اصطلاحاً نیروگاه‌های مزرعه.

- **نیروگاه‌های جنب انشعاب در کرمان:** در حال حاضر در شمال استان کرمان تقریباً حدود ۷۰۰ نیروگاه جنب انشعاب وجود دارد و جالب توجه این است که در شهر راور و روستای ده‌علی تقریباً بالای ۱۵۰ نیروگاه وجود دارد که این منطقه به‌عنوان نماد میزان خورشید در کشور است. در منازل، کارگاه‌ها و کارخانه‌های کوچک می‌توان نیروگاه‌هایی با ظرفیت دو برابر انشعاب احداث کرد و راه‌اندازی این نوع از نیروگاه‌ها، منبع خوبی برای سرمایه‌گذاری است و تا به حال دولت در پرداخت به این نوع از نیروگاه‌ها بدهدی نکرده است و قرارداد خرید تضمینی منعقد می‌کند. هزینه هر کیلووات ساعت برق مصرفی در یک خانوار حدود ۱۷۰ تومان است که دولت از نیروگاه‌های جنب انشعاب به قیمت ۱۵۰۰ تومان برای هر کیلووات ساعت خریداری می‌کند، اما مسئله‌ای که وجود دارد، صنعت تجدیدپذیر ما به‌شدت وابسته به ارز است و تقریباً بالای ۸۰ درصد تجهیزات و لوازم وارداتی هستند و نوسانات ارزی و کاهش ارزش پول ملی باعث بالا رفتن هزینه احداث نیروگاه می‌شود و به همین میزان باید نرخ خرید تضمینی برق هم افزایش پیدا کند، در دنیا از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۰ هر کیلووات نیروگاه خورشیدی از ۱۸۰۰ دلار به ۶۰۰ دلار رسیده است، این کاهش چشمگیر مدیون رشد تکنولوژی است، اما در کشور ما در مدت پنج سال بیشتر از سه برابر شده است. در سال ۱۳۹۵ هر کیلووات ساعت نیروگاه تقریباً ۶ میلیون تومان هزینه داشت که در حال حاضر هر کیلووات ساعت نیروگاه تقریباً ۲۰ میلیون تومان هزینه خواهد داشت که برای یک‌منزل مسکونی معمولی با ظرفیت ۱۴ کیلووات نیروگاه، حدود ۲۸۰ میلیون تومان هزینه راه‌اندازی نیروگاه خورشیدی برآورد می‌شود و ماهیانه حدود سه میلیون و ۵۰۰ تومان درآمد واحد مسکونی خواهد بود که در مدت ۶ سال سرمایه اولیه قابل‌برگشت است.

- **نیروگاه‌های بزرگ یا نیروگاه‌های موسوم به مزرعه خورشیدی:** در استان کرمان حدود ۸۹ مگاوات ظرفیت نیروگاه بزرگ وجود

در حال حاضر در شمال استان کرمان تقریباً حدود ۷۰۰ نیروگاه جنب انشعاب وجود دارد و جالب توجه این است که در شهر راور و روستای ده‌علی تقریباً بالای ۱۵۰ نیروگاه وجود دارد که این منطقه به‌عنوان نماد میزان خورشید در کشور است. در منازل، کارگاه‌ها و کارخانه‌های کوچک می‌توان نیروگاه‌هایی با ظرفیت دو برابر انشعاب احداث کرد و راه‌اندازی این نوع از نیروگاه‌ها، منبع خوبی برای سرمایه‌گذاری است.

آینده شهرنشینی در کرمان

♦ دکتر نیما جهان‌بین

عضو هیئت‌علمی دانشکده هنر، معماری و شهرسازی دانشگاه آزاد اسلامی
واحد کرمان



در شماری پیشین چالش‌های بنیادین پیش روی شهرنشینی کرمان در قالب هفت محور مورد اشاره قرار گرفت و بیان شد که هر یک از این سرفصل‌ها می‌تواند با شرح و بسط بیشتر و به تفصیل مورد مذاقه قرار گیرد تا جنبه‌های گونه‌گون آن روشن‌تر گردد.

در این شماره، نخستین محور بحث، دستمایه‌ی ادامه‌ی مفصل‌تر موضوع است و آن مقوله‌ی ناکامی مدیریت شهری کرمان بویژه از منظر بهره‌مندی از همان مقدار عایدی ممکن است که از طرح‌های جامع و تفصیلی می‌توان انتظار داشت. این مسئله خود سه محور اصلی را درون خویش دارد:

یکم: ناکامی‌های عام و خاص مدیریت شهری کرمان

مدیریت شهری در کشور ما از یک مشکل فراگیر یا ضعف عام رنج می‌برد و آن نبود نظام یکپارچه در فرآیند مدیریت شهرهاست. در کشورهای توسعه‌یافته، شهردار، رییس تمامی ادارات و دستگاه‌های شهری است و به تعبیر روشن‌تر، حکمش بر سر تمامی نهادهایی که حوزه‌ی فعالیتشان با سرنوشت شهر مرتبط است، جاری و مطاع است؛ یعنی همان اختیاراتی که استانداران ایران به‌عنوان رییس تمامی ادارات استان دارند، شهردار در سراسر یک شهر از آن بهره‌مند است. پرواضح است که چنین امر قاطعی تا چه میزان هماهنگی و یکپارچگی عمل دستگاه‌های دخیل در اداره‌ی شهر را در پی دارد، درحالی‌که در ایران شهردار در فقد این امر، ناگزیر از تقاضای همکاری و هماهنگی از دیگر نهادهای شهر است که در بسیاری موارد، محقق نمی‌شود. یکی از مشهورترین مصادیق این ناهماهنگی در مقوله‌ی آسفالت معابر و کندوکوب‌های دل‌خواهی و هر وهله گاهی به‌منظور توسعه‌ی زیرساخت‌های شهری است که همواره به طنزآلودترین شکلی مورد توجه شهروندان شهرهای مختلف کشور قرار داشته. پیش از آن‌که در این سرفصل به بحث بیشتر پردازیم، خاطره‌ی یکی از شهرداران کرمانی پیش از انقلاب را که در پژوهش‌های

در کشورهای

توسعه‌یافته،

شهردار، رییس

تمامی ادارات

و دستگاه‌های

شهری است و به

تعبیر روشن‌تر،

حکمش بر سر

تمامی نهادهایی

که حوزه‌ی

فعالیتشان با

سرنوشت شهر

مرتبط است،

جاری و مطاع

است؛ یعنی همان

اختیاراتی که

استانداران ایران

به‌عنوان رییس

تمامی ادارات

استان دارند،

شهردار در سراسر

یک شهر از آن

بهره‌مند است.

میدانی مقوله‌ی مدیریت شهری به مدد روش مصاحبه‌ای عایدم شده است، شاهد مثال می‌گیرم تا استفاده‌هایی از آنچه در طرح ویژگی‌های مدیریت شهر کرمان منظور است، به دست دهد:

شهرداران کرمان در برهه‌ای طولانی از زمان بویژه سال‌های دهه‌ی ۳۰ خورشیدی با معضلی حل‌ناشدنی به نام تأمین برق ارزان‌قیمت معابر و دکان‌ها و بدهی همیشه سنگین به اداره‌ی برق منطقه‌ای وقت، دست‌به‌گریبان بوده‌اند که ناکامی شهرداران گونه‌گون آن برهه در پرداخت آن، سبب تغییر و تحول مدام ایشان می‌گردید تا آنجا که اصطلاح «شهردار[ی] فلانی را هم برق گرفت.» میان کارمندان شهرداری در تشریح وضعیت ناپایدار مدیریت شهر و تغییرات مداوم شهرداران رواج می‌یابد. (دانشور، ۱۳۸۱، ص ۹۸) نوبت به شهردار مورد مصاحبه‌ی نگارنده که در نخستین سال‌های دهه‌ی ۵۰ مصدر امر گردید، می‌رسد و مسئله بدهی سنگین برق روی میز کار ایشان نیز در همان نخستین روزهای مدیریت، همچون مسئله‌ای که گویی



پایان ندارد، قرار می‌گیرد. شهردار تازه بر سر کار آمده با نگاهی به جیب خالی شهرداری به عوامل خود و بویژه کارشناسان حقوقی طرف مشورت دستور می‌دهد که تا می‌توانند لیست بلند بالایی از بدهی‌های برق منطقه‌ای به شهرداری از جمله شکستن درخت تناور قدیمی خیابان فلان، تخریب جداول معبر بهمان و آسفالت راه چنان تدارک ببینند و پس از مهیا شدن لیست، ترتیب تشکیل جلسه‌ای با مدیریت وقت برق منطقه‌ای و معاونان و کارشناسان دو طرف می‌دهد. مهمانان رنگارنگ جلسه که مستقر می‌شوند، شهردار فرمان می‌دهد که یکی از کارکنان شهرداری لیست بدهی‌ها را به سمع و نظر مسئولان برق منطقه‌ای بویژه جناب مدیرعامل برساند. کارمند مربوطه چنین می‌کند و به صوتی غرا یکایک اقلام را می‌خواند. با تمام شدن لیست، مدیرعامل برق، به طرح خنده‌ای بر لب می‌گوید: «خب، جناب شهردار! حالا تمام بدهی برق منطقه‌ای، چند؟» شهردار می‌گفت من که از ابتدای جلسه در چهره‌ی مدیر برق، دقیق شده و دریافته بودم که همکلاسی دوران مدرسه‌ی من است، سر در گوشش نهادم و به اسم کوچک خطابش کردم که:

«فلانی! به خدا که تا من شهردار کرمانم، یک ریال از بدهی برق را نمی‌پردازم.»
مدیر خوش حافظه‌ی برق هم با خطاب نام کوچک شهردار، متقابلاً سر به گوشش می‌گذارد که:
«فلانی! به خدا که فردای روزی که تو شهردار کرمان نباشی، برق معابر شهر را قطع می‌کنم.»
شهردار سر برمی‌دارد و بلند می‌گوید:
«آقایان مشکل حل شد. بفرمایید!»
حضار جلسه حاج و واج همدیگر را نگاه می‌کنند که چطور مشکل سالیان سال به ردوبدل شدن دو کلام در گوشه‌ی حل شد؟! شهردار می‌گفت فردای روزی که پس از ۱۰ ماه از شهرداری کرمان مستعفی شدم، در هواپیما به سوی تهران می‌رفتم که در روزنامه‌ی محلی خواندم:
«برق معابر شهر کرمان به دلیل بدهی شهرداری قطع شد!»
(خاطرات امان الله جهان‌بین، شهردار سال‌های ۱۳۵۱ تا ۱۳۵۲ کرمان، یادداشت‌های شخصی نگارنده)
مرادم از نقل این مصاحبه گرفتن شاهدهی بود بر ذکر این مدعا که در غیاب نظام جامع یکپارچه‌ی مدیریت شهری،



ناگزیر شهرداران شهرهای کشور باید از وزن اجتماعی مکفی بهره‌مند باشند و یا پشتیبانی‌های مستحکم سیاسی چنانچه در سابقه‌ی مدیریت شهری تهران زمان دولت سازندگی سراغ است، ایشان را حمایت کند تا همکاری‌های غیرمکلف قانونی، اما ناگزیر و ضروری میان مدیران شهر و شهردار رخ دهد. ضعف این مسئله تاکنون و در دوره‌هایی گوناگون از مدیریت کرمان، خسارات فراوانی به بار آورده است.

از دیگرسو، توجه ویژه به مفهوم مدیریت شهری که همانا «اداره‌ی اموال و دارایی‌های شهروندان به انتخاب و اختیار ایشان» است و نیز توجه به این مقوله که چون در قانون کشورمان مقوله‌ی انتخاب شهروندان از طریق شوراهای اسلامی شهرها جاری می‌گردد، ما را به دو معضل اساسی رهنمون می‌نماید:

اول آنکه شوربخانه انتخابات شوراها، بیش و پیش از آن که از مسیر جلب اعتماد و اعتقاد شهروندان رخ دهد، در زمینه پر آشوب از داد و بستادهای سیاسی اتفاق می‌افتد که بلای جان شهر می‌شود و دوم انتخاب شهردار نیز از سوی شوراها، گذشته از آن که قربانی مسلخ همان گرایش‌های جناحی و سیاسی است، در بستری از ناآگاهی‌ها و عدم شناخت از نیازها و ویژگی‌های مدیر شهری، چونان کرمان، فدای تفکرات غیر کارشناسانه و گاه کج‌سلیقگی‌های غیرقابل‌باور می‌شود. با وجود پیش‌بینی‌های قانونی برای ارتباط تحصیلات مدیر منتخب شهر با کار شهرداری، نگارنده باور دارد که یک مدیر شهری اگر متخصص هم نباشد، بر مبنای دانش و تجربه‌ی مدیریت هم می‌تواند بفهمد که بهره‌گیری از یک بدنه‌ی کارشناسی و متخصص در قالب ارائه‌ی مشاوره‌های لازم‌الاجرای فن‌گرا، در رویارویی با مسائل شهری، امری ناگزیر است. شهردار حتی اگر خود دانش‌آموخته‌ی یک رشته‌ی مرتبط با امور شهری باشد، شهر، امری نیست که بر پایه‌ی تنها یک دانش مشخص شکل بگیرد و برای به جریان درست، هدایت کردن مسائل شهری، مجموعه‌ای سترگ از عناوین گونه‌گون تخصص‌ها، ایفای نقش می‌کند که بهره‌گیری مدیریت شهری از یکایک آن تخصص‌ها، در شانی کاملاً به‌روز و کارآ از جمله مهم‌ترین نیازهای بدنه‌ی مدیریت شهر است. از این‌رو شهردار کرمان بیشتر از دارا بودن تخصصی مرتبط، نیازمند شناخت از شهری هزار مسئله، چون کرمان است. شناختی ناشی از تجربه‌ی زیستن در متن زندگی شهری کرمان و نه حاصل القا و اظهار این یا آن کس و یا منبع.

شهردار کرمان باید تفاوت خاکی که در کوچه‌پس‌کوچه‌های محله‌ی شازده شاهرخ خان زیر پا می‌آید با خاک

محله‌ی ته باغ لیه را زیر پای خودش حس کرده باشد. هوای محله‌ی تکیه بنگی‌ها را خودش استشمام کرده باشد و تفاوت هُرم آن هوا را با هوای محله‌ی قالیباف خانه در ریه‌هایش داشته باشد. شهردار کرمان باید اگر گذارش به بلوار جمهوری می‌افتد، دلش در گرو خیابان زریسف باشد. به دنبال خاطره‌های گُذ شده در دانه‌دانه‌ی ژن‌هایش در کوچه‌پس‌کوچه‌های آلاشت گشته باشد و با دیدن خانه‌های غریب مانده‌ی آن کوچه و صد کوچه‌ی بی‌کسی دیگر کرمان از وحشی بافقی تا والی آباد، نفسش بگیرد و از این‌که نمی‌داند به یاد کدام خاطره‌ی آبایی چنین تپش قلب گرفته، در عجب مانده باشد. شهردار کرمان باید حتی بی‌آنکه بفهمد دقیقاً به چه دلیل، اما حالش خوب شود وقتی که ناخواسته از ناصریه سر دریاورد یا خود را وسط فتحعلی‌شاهی بیابد و نفهمد اینجا به چه کار آمده است، اما بداند که با همین‌جا کار دارد. باید دلش پُر بکشد، چشم‌بسته برود وسط بازار از هرجایی که رها بشود. شهردار باید بی‌آنکه توضیح قانع‌کننده‌ی هم داشته باشد، احساس میدان را در ارگ و گنجعلیخان بگیرد و به آزادی و مشتاق بگوید فلکه تا دلش خنک بشود. شهردار کرمان باید طعم هندوانه‌ی سرکار آقای زین‌الدانش باشد و از شیرینی شکرین خیار صحرای مؤیدی^۱ هنوز گلپوش رُق رُق کند و یادش نرفته باشد که حب‌های خیاری که با دست به دندان برده، چطور از شیرینی، انگشت‌هایش را به هم می‌چسبانده است و حتی اگر خودش این‌ها را در حافظه ندارد، از پدرش شنیده باشد و بالاخره شهردار کرمان اگر هزارچندگاهی فالوده لازم نشود، به رنگ خورش به جای قرمز، لاک‌ی نگوید، از نقش خوانی اوستاها و کارخانه‌ی خلیفه‌ها، بیشکی دوشکی و کلوزار چیز می‌فهمد، شیفته‌ی بازی رنگ‌ها در متن پته نباشد و نداند که از میان بته و گل و بته‌ی قهر و آشتی یا بته‌ی مادر و بچه کدام مال متن است و کدام مال حاشیه، باید در کرمانی بودنش، شک داشته باشد و کسی هم که به کرمانیتش مشکوک باشد، شهردار شدنش حتماً نه فقط مغشوش که معدوم است.

دوم: ضعف ذاتی و بنیادی نظام برنامه‌ریزی در ایران

در گذار از دهه‌ی چهل خورشیدی و با رشد بی‌رویه‌ای که شهرهای بزرگ ایران با رویکرد مدرنیزاسیون و صنعتی شدن شهرها در دوران پهلوی دوم پیدا می‌کنند، دست‌اندرکاران نظام برنامه‌ریزی کشور با تشکیل وزارت آبادانی مسکن به فکر می‌افتند که دیگر نمی‌توان جز در قالب برنامه‌های بلندمدت عمران و توسعه‌ی کشور و نیز طرح‌هایی برای هدایت روند توسعه‌ی شهرها به ادامه‌ی

شوربخانه

انتخابات شوراها،

بیش و پیش از آن

که از مسیر جلب

اعتماد و اعتقاد

شهروندان رخ

دهد، در زمینه

پر آشوب از داد

و بستادهای

سیاسی اتفاق

می‌افتد که

بلای جان شهر

می‌شود و دوم

انتخاب شهردار

نیز از سوی

شوراها، گذشته

از آن که قربانی

مسلخ همان

گرایش‌های

جناحی و سیاسی

است، در بستری از

ناآگاهی‌ها و عدم

شناخت از نیازها

و ویژگی‌های

مدیر شهری،

چونان کرمان،

فدای تفکرات غیر

کارشناسانه و گاه

کج‌سلیقگی‌های

غیرقابل‌باور

می‌شود.

۱. مراد از خیار در اینجا همان خرزهره است که در لهجه‌ی کرمانی به آن خیار می‌گویند و آنچه نزد دیگران خیار است در لهجه‌ی کرمانی خیارسبز گفته می‌شود.

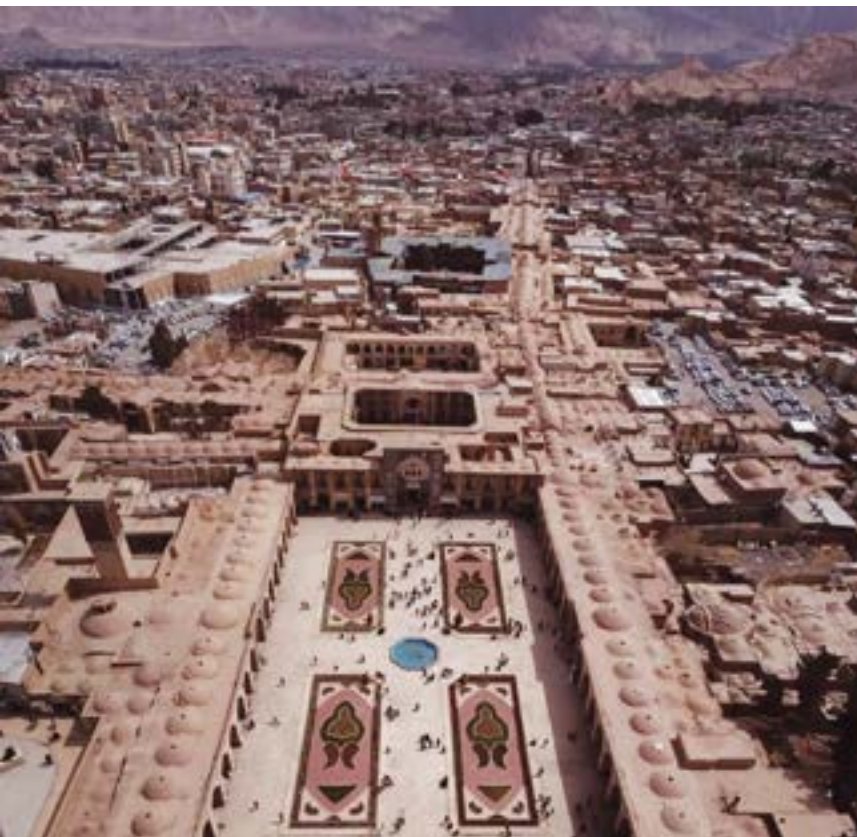
آن که نوک یک ماژیک خود در مقیاس واقعی چه عرض و طولی را در خط کشیدن به خود اختصاص می‌دهد!!!، ۲-۹- ترجمه‌ی نادرست اصطلاح plan به طرح^۲ درحالی‌که همین قدم کژ و کاستی پذیر آغازین سبب شد تا تفکر طراحی از ابتدا جایگزین تفکر برنامه‌ریزی گردد و تمام نمود برنامه‌ی جامع شهری، نقشه‌ی رنگارنگ بزرگی باشد که کارایی تزیین دیوار شهرداری‌ها را بهتر از نقشه‌ای بایسته‌اش ایفا می‌کند، ۲-۱۰- فقدان ارقام، اطلاعات لازم و داده‌های آماری موردنیاز تهیه‌ی طرح‌ها در ایران، ۲-۱۱- تعریف متولیان چندگانه برای طرح‌های شهری و در نتیجه رخداد ناهماهنگی‌ها و موازی‌کاری‌ها و در بسیاری موارد معلوم نبودن نقش مسئول و متولی تحقق طرح‌ها (مشهدی زاده دهاقانی، ۱۳۸۷، ص ۴۶۸).

سوم: ضعف مدیریت شهری کرمان در بهره‌گیری از عواید ممکن طرح‌های جامع و تفصیلی

مدیران شهر کرمان در درازای ادوار گونه‌گون به معنای واقعی متأمل اهداف تهیه‌کنندگان طرح‌های جامع نشده‌اند و همواره به تعابیر و تفاسیر خود از مسائل و بویژه به

رشد و تغییر شکل و محتوای شهر اندیشه کرد. از این‌رو با بهره‌گیری از تفکر برنامه‌ریزی جامع شهری که حدود سی سال قبل از آن در اروپا مورد استفاده قرار گرفته بود، تلاش کردند تا طرح جامع را به‌عنوان برنامه‌ای مادر و هدایت‌گر توسعه‌ی شهرها و طرح تفصیلی را در توضیح و تبیین مفصل آرمان‌های طرح جامع، برای یکایک شهرهای ایران تهیه و تدارک ببینند، اما این نظام برنامه‌ریزی از همان آغاز به‌عنوان نظامی که ناکارآمدی و جمود خود را در هدایت ذاتاً منقطع شهر و در طرح جامع آمستردام (۱۹۳۴) به نمایش گذارده بود و فریاد نارضایتی شهروندان هلندی ساکن پایتخت به هوا خواسته بود. ضعف‌های عام نظام برنامه‌ریزی جامع عبارتند از:

- ۲-۱- نگاه جامع در گردآوری جمیع داده‌های متعلق به یکایک مؤلفه‌های شهری و از این‌رو درازی زمان موردنیاز برای جمع‌آوری این میزان اطلاعات سبب می‌شود هنوز روند گردآوری به سرانجام نرسیده، برخی داده‌ها کهنه و به‌اصطلاح بیات شده باشند،
- ۲-۲- نگاه کالبدی به ارائه‌ی پیشنهادهای سامان دهنده، علی‌رغم وجود داده‌های فراوان غیر کالبدی شهرها که در شرایط وضع موجود، همگی دخیل هستند،
- ۲-۳- ارائه‌ی هدف‌های جامع به حکم جامعیت برنامه که در نهایت تفسیرپذیر، فریبنده و نیز جایگزین‌کننده‌ی آرمان و شعار به جای سنجش و ارائه‌ی دقیقی از واقعیات، امکانات و مقدرات شهر خواهد بود،
- ۲-۴- در نظر نگرفتن پیامدهای برنامه در قالب روندی صرفاً خطی در جمع‌آوری، تحلیل و ارائه‌ی برنامه،
- ۲-۵- مهیا نکردن زمینه‌های مالی و حقوقی تحقق برنامه،
- ۲-۶- لزوم در نظر گرفتن نیازهای تمامی اقشار جامعه که هرگز مقدور نبوده است،
- ۲-۷- بلندمدت بودن برنامه و همواره وقوع رخداد‌های پیش‌بینی‌نشده در درازای زمان طولانی که تحقق برنامه‌ی جامع را مختل می‌کنند،
- همچنین این نظام برنامه‌ریزی ضعف‌هایی نیز در طول اجرا در کشور ما به نمایش گذارده است که ویژه‌ی ما و به دیگر سخن، ضعف‌های خاص ماست که عبارتند از:
 - ۲-۸- نبود نیروی متخصص برنامه‌ریزی شهری بویژه در نخستین سال‌های تهیه‌ی برنامه‌ها که بعضاً معماران با نگرشی کاملاً غیرمتناسب با تعالیم شهری، مصدر تهیه‌ی طرح‌ها شدند و به قولی طنزآلود و درعین‌حال دردناک حتی از درک مقیاس شهر عاجز بوده‌اند تا آنجا که به خط کشیدن بر روی نقشه‌های شهری ذیل کاغذهای پوستی و با ماژیک‌های طراحی مشغول شده‌اند، غافل از



اولویت را به عبور پرسرعت خودروها می‌دهد و توسعه‌ی کالبدی شهر را متمع نظر دارد، دوری‌گزیند.

نتیجه‌گیری

شهر کرمان در مقوله‌ی ناکامی مدیریت شهری در بهره‌مندی از عواید نظام برنامه‌ریزی حاکم، دچار سه چالش عمده است:

- ۱- عدم بهره‌مندی از مدیریت شهری درخور ویژگی‌ها و مقیاس شهر کرمان که باید فردی با وزن مکفی اجتماعی، مدیر و بهره‌مند از تجارب مدیریت اجرایی شهر، تخصص مدار و فن‌گرا و بویژه کرمان‌شناس و کرمان‌فهم، ناشی از زیستن در متن زندگی کرمان باشد،
- ۲- ضعف‌هایی عام و خاص که دامن‌گیر تفکر برنامه‌ریزی طرح‌های جامع و تفصیلی است،
- ۳- به بیراهه کشاندن طرح‌های موجود و فراهم کردن شرایطی توسط مدیریت ناآگاه شهری که کرمان را از همان مقدار عواید ممکن برنامه‌ریزی‌اش نیز بی‌بهره ساخته است. ◆◆

منابع

- دانشور، محمد، ۱۳۸۱، از قلعه‌ی دختر تا دقیانوس، انتشارات مرکز کرمان شناسی
- گزارش طرح جامع جدید شهر کرمان، ۱۳۸۷
- مزینی، منوچهر، شهرسازی بی‌برنامه یا با برنامه، مجله‌ی شهرداری‌ها، شماره‌ی ۱۱
- مشهدی زاده دهاقانی، ناصر، ۱۳۸۷، تحلیلی از ویژگی‌های برنامه‌ریزی شهری در ایران، دانشگاه علم و صنعت، تهران

راهکارهای حاصل از تفکرات درخشان! مدیران دستگاه‌های دخیل در سرنوشت شهر در هر برهه از زمان بیشتر معتقد و وفادار بوده‌اند و از این حیث در ایجاد تغییرات محتوایی در طرح‌های جامع آن هم از مسیر دریافت رأی کمیسیون ماده‌ی ۵ در سه سرفصل زیر، لطمه‌های جبران‌ناپذیری به شهر کرمان وارد ساخته‌اند:

- ۱-۳- عدم بهره‌مندی از عواید پیشنهادی طرح جامع بویژه در تحقق هدایت‌های کلی به‌سوی زمینه‌های سرمایه‌گذاری و رشد و پیشرفت اقتصادی شهر و نیز ایجاد اشتغال و تحرک اجتماعی و فرهنگی در کرمان،
 - ۲-۳- عدم تأسیس شبکه‌ی معابر شهری مطابق با پیش‌بینی‌های فعالیت‌ی، ترافیک شهری و نیازهای سفر و جابجایی و در نتیجه اتخاذ تصمیمات شتاب‌زده و آسیب‌زننده‌ی بعدی به شبکه‌ی راه‌های درون‌شهری،
 - ۳-۳- ایجاد تغییرات گسترده در تحقق کاربری‌های شهری و در نتیجه وقوع آسیب‌های فراوان از منظر تخصیص کاربری به زمین شهری و تأمین سرانه‌ی استاندارد کاربری‌ها و در برخی موارد جایگزینی نگاه سودجویانه در ایجاد کاربری‌ها به جای نگاه انسانی و تخصص مدار در پاسخگویی مناسب به نیازهای خدمات شهری،
- (گزارش طرح جامع جدید کرمان، ۱۳۸۷، ص ۳۶)

مدیریت شهری کرمان به‌شدت نیازمند تغییر رویه در تهیه‌ی برنامه‌های کنترل و پیش‌بینی توسعه‌ی شهر کرمان است و در این مهم همچون هر مسئله دیگری در شهر به مشاوره‌ی تخصصی روزآمد و کارآ نیاز دارد تا با نگاهی انسان‌مدارانه از تفکر متحجر و عقب‌مانده‌ای که هنوز

مدیریت شهری کرمان به‌شدت نیازمند تغییر رویه در تهیه‌ی برنامه‌های کنترل و پیش‌بینی توسعه‌ی شهر کرمان است و در این مهم همچون هر مسئله دیگری در شهر به مشاوره‌ی تخصصی روزآمد و کارآ نیاز دارد تا با نگاهی انسان‌مدارانه از تفکر متحجر و عقب‌مانده‌ای که هنوز اولویت را به عبور پرسرعت خودروها می‌دهد و توسعه‌ی کالبدی شهر را متمع نظر دارد، دوری‌گزیند.



رویدادها





KERMAN IDEX 2022

Investment & Development Exhibition

معرفی فرصت‌های سرمایه‌گذاری استان کرمان

۲۲ و ۲۳ تیر ماه ۱۴۰۱

مرکز همایش‌های دانشگاه تحصیلات تکمیلی و فناوری پیشرفته کرمان

کرمان آیدکس ۲۰۲۲

همایش سرمایه‌گذاری و توسعه

محورهای همایش

- ◀ تعریف فرصت‌های سرمایه‌گذاری منطبق با ظرفیت‌ها و جانش‌های استان
- ◀ تحقق توسعه متوازن و پایدار در استان کرمان
- ◀ توجه به اقتصاد سبز در تعریف فرصت‌های نوین سرمایه‌گذاری
- ◀ تقویت سهم اقتصاد دانش بنیان و فناوری از GDP استان
- ◀ نگاه ویژه به تامین انرژی از محل منابع تجدید پذیر
- ◀ توجه به تولید محصولات / خدمات صادرات محور
- ◀ توجه به ظرفیت‌های موجود و مستتر در کسب و کارهای مجازی و اقتصاد دیجیتال



شرکت توسعه و عمران کرمان



توسعه و عمران کرمان



استاد کرمان

www.kermanidex.com

تلفن: ۰۳۴-۳۲۴۵۸۳۹۴ | ۰۳۴-۳۲۱۱۱۳۰۷ | ارتباط با دبیرخانه همایش

در همایش معرفی فرصت‌های سرمایه‌گذاری استان کرمان چه گذشت





همایش معرفی فرصت‌های سرمایه‌گذاری استان کرمان با حضور مسئولان ملی، استانی و بین‌المللی در مرکز همایش‌های دانشگاه تحصیلات تکمیلی و فناوری پیشرفته کرمان (هایتک) با هدف ایجاد رابطه تکمیلی بین صنایع استان با سرمایه‌گذاران و ضرورت تقویت این تعاملات برگزار گردید. در این همایش دو روزه از بین هزار و ۵۰۰ پروژه مطرح شده، ۲۰۰ عنوان پروژه برای معرفی به سرمایه‌گذاران انتخاب و در ۱۵ پنل تخصصی با حضور ۱۰۰ متخصص و کارشناس حوزه‌های مختلف اقتصادی ارائه گردید. در ادامه مروری بر این همایش خواهیم داشت.

آیین افتتاحیه همایش

حکمرانی خوب برای اقتصاد لازم و ضروری است

طبيب زاده بیان کرد: کرمان نیروی انسانی، نعمت‌های خدادادی و تنوع اقلیم متفاوت و فراوانی دارد، اما متأسفانه در این استان مانند سایر نقاط کشور ظرفیت‌ها بالقوه و موانع بالفعل هستند. وی با اشاره به اینکه حکمرانی خوب برای اقتصاد لازم و ضروری است، افزود: اتفاق در راستای انجام مسئولیت‌های اجتماعی خود، تدوین سند توسعه متوازن استان را با نگاه به همه شهرستان‌ها در دستور کار قرار دارد.



تقویت انگیزه نیروی انسانی برای توسعه ضروری است



رییس اتاق کرمان در این نشست با اشاره به ظرفیت‌های فراوان استان کرمان برای سرمایه‌گذاری گفت: جذب سرمایه‌گذار برای تأمین و تکمیل زیرساخت‌های موردنیاز استان، تقویت فرهنگ کار، تقویت سرمایه‌گذاری، بهبود شاخص‌های مربوط به فضای کسب‌وکار، کاهش پیچیدگی‌ها در دریافت مجوزها از جمله اهداف برگزاری این همایش است. سیدمهدی طبیب زاده با اشاره به اینکه در این همایش ۱۵ پنل تخصصی برگزار می‌شود، افزود: دو اقتصاددان مطرح کشور، مباحث مطرح‌شده در این همایش را با فرهنگ و ادبیات توسعه جمع‌آوری و تدوین خواهند کرد تا بتوان پیشنهادهای مناسبی برای درج در احکام برنامه هفتم توسعه ارائه کرد.

در ادامه مراسم افتتاحیه همایش، نماینده ولی‌فقیه در استان و امام‌جمعه کرمان با اشاره به اینکه نیروی انسانی لوکوموتیوران قطار توسعه است، گفت: این نیروی انسانی باید دانش، بینش عمیق و انگیزه لازم برای توسعه و پیشرفت داشته باشد. حجت‌الاسلام‌والمسلمین حسن علی‌دادی سلیمانی افزود: همچنین وجود نقشه راه، لزوم سرمایه و ثروت و امنیت کافی برای تغییر و تحول فرهنگی و فکری در یک جامعه ضروری است که منجر به توسعه می‌شود.

وی با بیان اینکه باید برای تأمین گاز و برق استان چاره‌ای اندیشیده شود، ادامه داد: اجرای خط یازدهم انتقال گاز سراسری از سال ۹۵ تاکنون به تعویق افتاده و اگر اجرایی نشود، استان کرمان در تأمین گاز به‌شدت با کمبود جدی روبرو خواهد شد. رییس اتاق کرمان اظهار کرد: در تأمین برق نیز استان در حال حاضر تراز تولید و مصرف مساوی دارد، اما با توجه به پروژه‌های بزرگ در نظر گرفته‌شده برای توسعه استان، در چند سال آینده با کمبود برق چندین هزار مگاواتی روبرو خواهیم شد.

دهه ۹۰ ضعیف‌ترین دهه در سرمایه‌گذاری بود



و اقدامات است. وی با اشاره به اینکه استان روند رشد اقتصادی خود را به‌خوبی طی می‌کند، افزود: کمتر از ۱۰ سال پیش در استان کرمان کلوخه سنگ‌آهن در سیرجان تولید و صادر می‌شد و بعدها کلوخه به کنسانتره، گندله و آهن اسفنجی و در حال حاضر به شمش و فرآورده‌های فولادی تبدیل و صادر می‌شود. حسن‌پور بیان کرد: ۴۰۰ هزار میلیارد تومان برای سرمایه‌گذاری در استان کرمان در سال ۱۴۰۴ پیش‌بینی شده که با برنامه‌ریزی صحیح و اجرای دقیق محقق می‌شود.

به دنبال استخراج نتایج کاربردی هستیم



در ادامه وزیر اقتصاد و دارایی که میهمان مجازی این همایش بود، گفت: دهه ۹۰ ضعیف‌ترین دهه از نظر جذب سرمایه‌گذاری‌ها در کشور بوده و مواردی از سرمایه‌گذاری‌ها که انجام شده توسط نهادهای دولتی و بانک‌ها بوده است. سیداحسان خاندوزی خاطر نشان کرد: در وزارت اقتصاد و دارایی آمادگی لازم برای همکاری و حمایت از سرمایه‌گذاری و توسعه در سازمان سرمایه‌گذاری از طریق مشوق‌هایی برای مالیات و ترخیص کالا وجود دارد.

تحقق ۴۰۰ هزار میلیارد تومان سرمایه‌گذاری در سال ۱۴۰۴



معاون هماهنگی امور اقتصادی استانداری کرمان در ادامه گفت: برگزاری این همایش از یک مصوبه ای در شورای گفتگوی دولت و بخش خصوصی آغاز شد و تقریباً در تمامی حوزه‌های اقتصادی، فرصت‌های سرمایه‌گذاری بررسی شد. دکتر حسین مهرابی اشاره نمود در این همایش ما به دنبال استخراج نتایج کاربردی هستیم و این تفاوت اصلی همایش جاری با سایر رویدادهایی است که در دوره‌های قبل برگزار شده است. وی خاطر نشان کرد: تمام تلاش ما بر این خواهد بود که ۲۰۰ پروژه‌ای که قبلاً استخراج شده و مبالغ، راه‌های سرمایه‌گذاری، نرخ‌های بازده یا IRR و مزیت‌های رقابتی آن‌ها به‌نوعی مشخص است جهت تأمین مالی و رفع موانع به مرحله قرارداد، برسند.

تفکر دولت و تحریم دو مانع توسعه

در ادامه این همایش رییس مرکز پژوهش‌های اتاق ایران با اشاره به اینکه اتاق کرمان جز اتاق‌های پیشرو در کشور است،

رییس مجمع نمایندگان استان کرمان در ادامه گفت: استان کرمان در حال جهش بزننگاه اقتصادی و سیاسی است و در سرمایه‌گذاری و کارآفرینی نیز می‌تواند به الگوی مطرح در کشور تبدیل شود. شهباز حسن‌پور اظهار کرد: نامناسب بودن رتبه کسب‌وکار استان کرمان به دلیل ناتوانی در معرفی و به تصویر کشیدن توانمندی‌ها، ظرفیت‌ها

معاون منابع و مصارف صندوق توسعه ملی در ادامه این همایش اظهار کرد: صندوق در سال جاری علاوه بر تسهیلات، مشارکت در سرمایه‌گذاری را نیز در نظر گرفته که البته بیش از ۲۰ درصد، مشارکت صورت نخواهد گرفت. علیرضا صالح گفت: به دنبال اهرم کردن منابع صندوق توسعه ملی در کنار مشارکت در سرمایه‌گذاری برای جذب فاینانس خارجی هستیم. وی ادامه داد: اگر پیمانکاران و صادرکنندگان خدمات فنی و مهندسی در مناقصات بین‌المللی برنده شوند از آن‌ها حمایت می‌کنیم به طوری که بتوان برای ۱۳ درصد از سرمایه‌گذاری ضمانت‌نامه ارزی صادر کرد.

در موارد ریسک‌پذیر از مدیران حمایت می‌کنیم



در ادامه این همایش رییس کل دادگستری استان کرمان گفت: حمایت‌های دستگاه قضا از فعالان اقتصادی در سال‌های اخیر راهگشا بوده و حمایت ما از تولیدکنندگان و سرمایه‌گذاران واقعی است. حجت‌الاسلام ابراهیم حمیدی اظهار کرد: با توجه به رهنمودها و فرمایشات رهبر معظم انقلاب احکام و آرای قضایی هیچ‌گاه به سمتی نخواهد رفت که مانع تولید و سرمایه‌گذاری در استان شود و همواره پشتیبانی لازم از فعالان این عرصه وجود خواهد داشت.

وی بیان کرد: به نمایندگی از سازمان‌های تابع دستگاه قضایی بویژه بازرسی اعلام می‌کنم ما از مدیران و سرمایه‌گذاران استان برای پیشبرد اهداف استان حمایت می‌کنیم زیرا گاهی ممکن است مسئولان و مدیران در تصمیم‌گیری‌های خود با موارد ریسک‌پذیر روبه‌رو شوند که باید از آن عبور کنند. حجت‌الاسلام حمیدی گفت: همان‌گونه که موظفیم با فساد مبارزه کنیم موظف هستیم که یار سرمایه‌گذاران باشیم.

گفت: سه هزار صفحه سند آمایش استان کرمان تهیه و در این اسناد تمام ظرفیت‌های استان بررسی شده و مأموریت استان و فرصت‌های سرمایه‌گذاری استان در حوزه‌های مختلف مشخص و شناسایی شده است. محمد قاسمی تصریح کرد: در این همایش مسئله متفاوت این است که قرار نیست مانند قبل اسیر این‌گونه سندها شویم بلکه برای اولین بار بخش خصوصی در کنار دولت مسیر توسعه استان را مشخص می‌کنند و در واقع سند آمایش از نگاه بخش خصوصی تهیه می‌شود.



وی یک مانع مهم برای توسعه و پیشرفت کشور را تفکر دولت در مورد توسعه دانست و افزود: در کشورهای پیشرفته دولت‌ها توسعه را بدون وابستگی به نفت و گاز و بر مبنای کسب درآمد از زمین، مالیات و اعتبار حقوقی انجام می‌دهند، درحالی‌که در ایران این مسیر پیگیری نشده است. قاسمی اظهار کرد: دومین مانع مهم توسعه، تحریم‌هاست که مانع جدی برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی و تأمین مالی پروژه‌های بزرگ شده است.

مشارکت صندوق توسعه ملی در سرمایه‌گذاری‌ها



در پایان مراسم افتتاحیه همایش از کتاب «فرصت‌های سرمایه‌گذاری استان کرمان» رونمایی شد.



در این همایش باهدف تقویت مباحث محتوایی و طراحی راهبردهای انرژی، ۱۵ پنل تخصصی با حضور مسئولان و دست‌اندرکاران، کارشناسان و سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی به شرح ذیل برگزار گردید.

- پنل «فرصت‌ها و چالش‌های سرمایه‌گذاری حوزه کسب‌وکارهای دانش‌بنیان و استارت‌آپ‌ها» با محوریت بررسی ظرفیت‌ها و چالش‌های پیش روی شرکت‌های دانش‌بنیان،

- پنل «انرژی (برق و گاز)» با محوریت بررسی و تحلیل ورود سرمایه‌گذاران بخش خصوصی به حوزه احداث نیروگاه‌ها و تأمین برق، ظرفیت‌ها و چالش‌های سرمایه‌گذاری در تولید برق از محل انرژی‌های تجدیدپذیر به‌ویژه برق خورشیدی و نقش راه‌اندازی و تکمیل خط انتقال یازدهم سراسری گاز کشور در تأمین برق و کمک به توسعه و سرمایه‌گذاری در استان کرمان،

- پنل «آب» با محوریت تأمین آب شرب، صنعت و کشاورزی در استان کرمان (وضعیت فعلی و آینده آبی استان)، سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و مکانیزم‌ها و مدل‌های تأمین مالی و اجرایی سازی پروژه‌های زیرساختی حوزه آب و مدل‌های پیشنهادی به‌منظور بهبود و اصلاح سیستم حکمرانی آب،

- پنل «الزامات رشد و بقای کسب‌وکارها در انقلاب صنعتی» با محوریت

بررسی جایگاه استان کرمان از منظر نسل چهارم صنعت و تجهیز ابزارهای صنعتی به سیستم‌های فیزیکی سایبری، اینترنت اشیا، پردازش ابری و به‌تبع آن هوشمند شدن فرآیند،

- پنل «تأمین مالی مگا پروژه‌ها» با محوریت روش‌های تأمین مالی مگا پروژه‌ها و قوانین بازار سرمایه و بازار پول در تأمین مالی پروژه‌ها،

- پنل «تحقق توسعه متوازن و اقتصاد دانش‌بنیان در استان» با محوریت بررسی موانع و راهکارهای توسعه متوازن در استان کرمان،

- پنل «حمل‌ونقل» با محوریت چالش‌های اساسی در حوزه زیرساخت حمل‌ونقل استان کرمان و راهکارهای پیشنهادی در مسیر توسعه زیرساخت‌های حمل‌ونقل،

- پنل «صنایع خلاق» با محوریت بررسی ظرفیت‌ها و استعدادها موجود و مکانیزم‌های تجاری‌سازی و بازاریابی آنها،

- پنل «صنعتی سازی احداث ساختمان» با محوریت چالش‌های صنعتی سازی احداث ساختمان،

- پنل «ضرورت تأسیس شرکت تأمین و توسعه زیرساخت‌های استان کرمان» با محوریت بررسی علل عدم توازن در توسعه زیرساخت‌ها و توسعه سرمایه‌گذاری در پروژه‌های اقتصادی استان کرمان،

- پنل «کشاورزی مدرن» با محوریت کشاورزی مدرن؛ موانع توسعه سرمایه‌گذاری،

- پنل «گردشگری» با محوریت بررسی ظرفیت‌ها و چالش‌های صنعت گردشگری در استان کرمان (مسیر تحقق مثلث و مربع گردشگری، یزد، شیراز، اصفهان و کرمان) و تحلیل موانع ورود بخش خصوصی به سرمایه‌گذاری در صنعت گردشگری استان،

- پنل «صنایع پایین‌دستی مس» با محوریت بررسی تأثیر شکل‌گیری صنایع پایین‌دستی مس بر توسعه اقتصادی پایدار استان،

- پنل «صنایع پایین‌دستی فولاد» با محوریت بررسی تأثیر شکل‌گیری صنایع پایین‌دستی فولاد بر توسعه اقتصادی پایدار استان،

- پنل «معادن» با محوریت ظرفیت‌ها و چالش‌های سرمایه‌گذاری و توسعه در معادن حائز اهمیت در استان کرمان.



آیین اختتامیه همایش

استان آمادگی بیشتری برای سرمایه‌گذاری پیدا کرده است



دبیر همایش معرفی فرصت‌های سرمایه‌گذاری استان کرمان (کرمان آیدکس ۲۰۲۲) گفت: پیش مطالعات حدود ۲۰۰ پروژه با ۱۵۰ هزار میلیارد تومان سرمایه‌گذاری به دو زبان فارسی و انگلیسی انجام شده و در حال حاضر استان کرمان آمادگی بیشتری برای سرمایه‌گذاری دارد. علی نقوی در مراسم اختتامیه همایش معرفی فرصت‌های سرمایه‌گذاری استان کرمان افزود: کرمان آیدکس یک جریان سرمایه‌گذاری و توسعه در استان خواهد بود که برنامه‌ریزی شده تا دبیرخانه دائمی همایش فعال و پویا به فعالیت‌های خود ادامه دهد. وی ادامه داد: این همایش و پنل‌های تخصصی آن با حضور جمع زیادی از صاحب‌نظران و متخصصان حوزه‌های مختلف برگزار شد و استقبال از آن غیرمنتظره بود. نقوی تصریح کرد: رییس مرکز پژوهش‌های اتاق ایران در نشست‌های مختلف این همایش حضور داشت و قرار است در یک ماه آینده خروجی‌های تخصصی این همایش برای سرمایه‌گذاران جمع‌بندی و دبیرخانه دائمی کار خود را آغاز کند.



ارتقا نقش بخش خصوصی در توسعه ملی

رییس مرکز پژوهش اتاق ایران نیز در این آیین گفت: این همایش تلاشی برای ارتقا نقش بخش خصوصی در توسعه ملی بود و درحالی‌که در کشور همه منتظر اقدام دولت برای حل مشکلات هستند، قرار شد در استان کرمان برای اولین بار در کشور بخش خصوصی در تدوین برنامه هفتم توسعه نظرات خود را اعلام کند.



آن‌هایی هستند که نیروی انسانی توسعه‌یافته دارند و برگزاری چنین همایش‌هایی به توسعه فضای توسعه کمک می‌کند. وی با بیان اینکه توسعه به یک انرژی و انگیزه نیاز دارد و با برگزاری همایش‌ها، فضا برای امر توسعه فراهم می‌شود، افزود: تفاهم اولیه برای تأسیس شرکتی برای تأمین مالی پروژه‌های استان با سهامداری شرکت‌های بزرگ به ارزش اولیه ۵۰۰ میلیارد تومان انجام شده است.



خبرهای خوب برای مراودات بانکی ایران و روسیه



محمدقاسمی، با اشاره به اینکه هدف این همایش این بود که چگونه می‌توان یک اقتصاد منبع محور را به یک اقتصاد دانش‌محور و پویا تبدیل کرد؟ اظهار کرد: امیدواریم دولت مربوط به ثبات اقتصادی و نوع مداخلات دولت در اقتصاد را در سطح ملی حل کند و مسائل مربوط به سطح استان را مسئولان استانی دسته‌بندی کنند. وی اظهار کرد: در این همایش تزریق فکر جدید به نظام برنامه‌ریزی استان و روش برنامه‌ریزی در سطح ملی تمرین شد که امیدواریم بتوان در سطح کشور آن را فراگیر کرد.

راه‌اندازی نظام کنترل پروژه‌های استان



رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی نیز در ادامه این آیین به مذاکرات فشرده خود و همراهانش با رئیس کل بانک مرکزی، وزیر اقتصاد و معاونان نخست‌وزیر روسیه در سفر به این کشور اشاره کرد و گفت: خبرهای خوبی برای مراودات بانکی بین دو کشور داریم. محمدرضا پورابراهیمی خاطرنشان کرد: ایران با وجود همه فشارهای تحریم رتبه ۱۶ علم و دانش جهان را دارد و باید سرمایه‌گذاری‌های موجود که بلااستفاده هستند را فعال کرد. وی با اشاره به اینکه یک هزار و ۷۷۰ واحد دارای پروانه بهره‌برداری در استان کرمان داریم، بیان کرد: از این تعداد حدود ۱۵ درصد تعطیل هستند، حدود ۳۰ درصد با ۲۰ درصد ظرفیت کار می‌کنند، ۲۵ درصد بین ۲۰ تا ۵۰ درصد و بقیه بین ۷۰ تا ۱۰۰ درصد فعال هستند و ۱۰ درصد ۱۰۰ درصد فعالیت می‌کنند. پورابراهیمی عنوان کرد: واحدهای نیمه فعال و تعطیل استان کرمان مورد ارزیابی قرار گیرند تا بتوانیم از این ظرفیت در حوزه سرمایه‌گذاری بهره ببریم.

نماینده مردم کرمان و راور در مجلس شورای اسلامی در ادامه با تأکید بر اینکه فشار اقتصادی بر جمهوری اسلامی به کمترین میزان رسیده است و اثری ندارد، تصریح کرد: ایران برای دور زدن تحریم‌ها مسیر جدیدی یافته است.

در ادامه استاندار کرمان به ضرورت راه‌اندازی نظام کنترل پروژه‌های استان به‌منظور پشتیبانی و رصد پروژه‌های بزرگ استان اشاره کرد و گفت: شرکت‌های بزرگ صنعتی و معدنی با استفاده از ظرفیت استارت‌آپ‌ها باید پای کار توسعه استان باشند. محمدمهدی فداکار، خاطرنشان کرد: مهم‌ترین شرکت‌ها

نمایشگاه ارائه فرصت‌های سرمایه‌گذاری استان

در حاشیه برگزاری همایش دو روزه، نمایشگاه ارائه برخی فرصت‌های سرمایه‌گذاری استان دایر بود و غرفه‌های اتاق کرمان، شرکت سنگ آهن گهر زمین، فولاد سیرجان ایرانیان، مجتمع مس سرچشمه رفسنجان، منطقه ویژه اقتصادی رفسنجان، شرکت صنعتی معدنی گل‌گهر، شهرداری سیرجان، شهرداری کرمان، پارک علم و فناوری استان و مرکز خدمات سرمایه‌گذاری حضور داشتند و مسئولان و شرکت‌کنندگان از آن بازدید نمودند.



تحقق سه درصد از توسعه کشور از مسیر بهره‌وری



در ادامه این آیین نماینده مردم کرمان و راور در مجلس شورای اسلامی گفت: دنیا در گذر علم و فناوری است و نمی‌توان با روش‌های سنتی اقتصاد را چرخاند. محمدمهدی زاهدی اظهار کرد: اتاق بازرگانی با برگزاری همایش فرصت‌های سرمایه‌گذاری استان کرمان کار بزرگی را در سطح ملی انجام داده و ظرفیت‌های استان را به نمایش گذاشته است. وی بیان کرد: طبق اعلام دولت سه درصد از هشت درصد توسعه و پیشرفت کشور باید از تحول در بهره‌وری محقق شود و امکان ندارد بدون بهره‌گیری از فناوری نو به این مهم برسیم.

در پایان این آیین، میثاق‌نامه همایش برای توسعه استان بین دستگاه‌های اجرایی، نهادهای قضایی و مجامع سیاست‌گذاری استان به امضا رسید.





استان کرمان؛ آخرین میزبان هیئت دولت



حضور سه وزیر در اتاق کرمان

اعضای هیئت دولت ۳۱ سفر استانی داشتند که استان کرمان آخرین میزبان دور اول این سفرها در ۲۰ و ۲۱ مردادماه ۱۴۰۱ بود. در حاشیه این سفر وزیران امور اقتصادی و دارایی، صنعت، معدن و جهاد کشاورزی در اتاق کرمان نشست های جداگانه ای با فعالان اقتصادی داشتند. فعالان اقتصادی در حوزه های مختلف به بیان مسایل و مشکلات پرداختند که مباحث مطروحه از نظرمی گذرد. همچنین گزارش تصویری دو نشست دیگر تحت عنوان نشست بررسی مسائل اقتصادی با تاکید بر حوزه معدن و نشست بررسی پایانی نوبت اول سفرهای استانی رئیس جمهور و هیئت دولت، ارائه می گردد.

وزیر اقتصاد: از پیشنهادها برای واگذاری اختیارات به استان ها استقبال می کنیم



بومی می توانند بهترین تصمیمات را اتخاذ کنند که وزارت اقتصاد در حوزه بانکی این اقدام را انجام داده و تعیین تکلیف برخی پرونده های بانکی را به خود استان ها واگذار کرده است. وی بیان کرد: در ستاد اقتصادی دولت برای کمک به رشد تولید و رونق اقتصاد ملی برنامه هایی برای کمک به تسهیل تولید، صدور مجوزها و تأمین مالی طرح ها در نظر گرفته شده که می توان به بازگشت مالیات ها

وزیر امور اقتصادی و دارایی با اشاره به اینکه در حوزه توسعه منطقه ای نیازمند توانمندسازی استان ها هستیم، گفت: برای توانمندسازی استان ها باید اختیاراتی به آنها واگذار شود که ما از پیشنهادات مناسب در این حوزه استقبال می کنیم. سید احسان خاندوزی، در نشست با فعالان اقتصادی افزود: اگر برخی اختیارات به استان ها تفویض شود صاحب نظران و کارشناسان



مشخص برای رشد ترازنامه‌های بانک‌ها قرار داده که بیش از آن ترازنامه‌ها متورم نشود. وی ادامه داد: این موضوع ممکن است محدودیت‌ها و تنگنانهایی را برای فعالان اقتصادی به‌منظور دسترسی به تسهیلات بانکی ایجاد کند که هنر بانک‌ها در این شرایط کنترل پرداخت تسهیلات برای جلوگیری از بروز مشکل در تولید است. خاندوزی تصریح کرد: در شرایطی هستیم که شاخص تورم و بی‌ثباتی در نظام قیمت‌ها، بیش از همه در وضعیت نامطلوب قرار دارد و باید علاج فوری برای آن صورت گیرد. وی بیان کرد: برای مهار تورم ابتدا انضباط در خود دولت و سختگیری‌هایی در دستگاه‌های دولتی انجام شده تا بتوان هزینه‌ها را کاهش و کسری بودجه را نیز کمتر کند. خاندوزی، به فعالان اقتصادی استان کرمان قول داد مسائل مطرح شده در این نشست را در سطح ملی پیگیری و وزارت امور اقتصادی و دارایی برای رفع آن‌ها از هیچ کوششی دریغ نخواهد کرد.

وصولی‌های کرمان در خزانه به استان برگردد

در ادامه این نشست رئیس اتاق کرمان از وزیر اقتصاد به‌عنوان رئیس کل خزانه کشور درخواست کرد که وصولی‌های کرمان در خزانه به استان برگردد و ادامه داد: طبق قانون باید ۱۵ درصد ۴۰ هزار میلیارد تومان وصولی سال گذشته استان برگشت داده می‌شد اما فقط ۶ هزار میلیارد تومان آن به استان برگشته است. سید مهدی طبیب زاده افزود: استان کرمان با همه ظرفیت‌ها و منابع غنی در معدن، کشاورزی

و عوارض دو هزار و ۴۰۰ شرکت در استان‌های مختلف کشور، به استان اشاره کرد که خبر خوبی برای مجموعه‌های مختلف است. وزیر امور اقتصادی و دارایی، با بیان اینکه نقدینگی در کشور زیاد است، تصریح کرد: باید ابزارهای لازم برای در خدمت گرفتن این نقدینگی با هدف سودآوری اقتصادی طراحی و اعتماد لازم جلب شود. وی در ادامه با اشاره به طرح مسائل مختلف فعالان اقتصادی در حوزه‌های بانکی و مالیاتی گفت: در احکام اقاله بانکی باید تجدیدنظر صورت گیرد، اجرای قراردادهای مالیاتی به‌طور صحیح انجام شود که به‌زودی بخش‌نامه‌ای در حوزه مالیات‌ها برای حل مشکلات بخش خصوصی صادر می‌شود.

خاندوزی، در رابطه با حساب‌های بانکی صادرکنندگان که مسدود شده بیان کرد: تعدادی از صادرکنندگان معتبر، پیشکشوت و خوشنام با فعالیت‌های شفاف و مشخص هستند که نباید به یک‌باره و بدون اطلاع قبلی حساب‌های آن‌ها مسدود و فعالیت‌های آن‌ها تعطیل شود که این موضوع قابل قبول نیست و اگر اتفاق افتاده حتماً باید جبران شود. وزیر امور اقتصادی و دارایی افزود: دولت در سیاست‌های پولی و اعتباری عملکرد بانک‌ها را منضبط می‌کند تا به کنترل نقدینگی کمک کند و در این رابطه سقفی



اگر برخی اختیارات به استان‌ها تفویض شود صاحب‌نظران و کارشناسان بومی می‌توانند بهترین تصمیمات را اتخاذ کنند که وزارت اقتصاد در حوزه بانکی این اقدام را انجام داده و تعیین تکلیف برخی پرونده‌های بانکی را به خود استان‌ها واگذار کرده است.
در ستاد اقتصادی دولت برای کمک به رشد تولید و رونق اقتصاد ملی برنامه‌هایی برای کمک به تسهیل تولید، صدور مجوزها و تأمین مالی طرح‌ها در نظر گرفته شده است.

پورا برابری، با اشاره به اینکه در سال‌های گذشته چالش‌ها و مشکلات بسیاری وجود داشت گفت: این شرایط در دولت فعلی می‌تواند با اصلاح رویه‌ها به شرایط مطلوب تبدیل شود. وی ادامه داد: نحوه اجرای برخی تصمیم‌ها به گونه‌ای است که هزاران نفر دچار مشکل می‌شوند به طوری که حساب‌های بانکی آن‌ها بسته شده و در این میان افراد کاردرست دچار مشکل شده‌اند که باید وزیر اقتصاد اقدامات مهمی در این زمینه انجام دهد. پورا برابری، با بیان اینکه در بحث صادرات و برگشت ارز ناشی از صادرات و تسویه تعهدات ارزی سنوات گذشته با مشکلاتی روبه‌رو هستیم، افزود: در بحث اجرای طرح مالیات بر ارزش افزوده مشکلاتی در نحوه اجرا وجود دارد که باید فوراً مکانیزم و فرآیند مشخصی برای آن در تیم اقتصادی دولت تعیین شود.

و ... در ظاهر استان توسعه یافته‌ای است، اما این ظرفیت‌ها در اختیار توسعه استان و شاخص‌های اقتصاد پایدار نبوده است. وی در بخش دیگری از وزیر اقتصاد درخواست کرد که توجه بیشتری به شورای گفت‌وگوی دولت و بخش خصوصی کشور صورت گیرد تا مصوبات شوراهای استانی در تعامل بهتر به نتیجه مطلوب‌تری برسند.

مکانیزم اجرای طرح مالیات بر ارزش افزوده تعیین شود

در ادامه رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی بیان کرد: کرمان استان مهم صنعتی و معدنی کشور است که در این رابطه سال گذشته ۲۰ هزار میلیارد تومان حقوق معدنی در خزانه وصول شده میزان کمی از آن به استان برگشته است. محمدرضا

وزیر صنعت، معدن و تجارت: خطای اولویت‌گذاری در معدن باید جبران شود



قیمت یک تن شمش فولاد ۱۲ میلیون تومان و یک تن مس ۲۰۰ میلیون تومان است که این موضوع خطای راهبردی بسیار بزرگی بود و باید جبران شود.

وزیر صنعت، معدن و تجارت با اشاره به اینکه ایران یک درصد جمعیت دنیا، یک درصد ذخایر سنگ آهن و ۷ درصد مس جهان را داراست، گفت: در حالی توسعه فولاد در کشور اتفاق افتاده که

به آن شرایط، بر اساس قانون مبارزه قاچاق ارز و کالا، اقداماتی برای تسریع در تعهدات ارزی انجام و جلسات متعدد با بانک مرکزی برای ساده‌تر کردن فرآیندهای ارزی برگزار شده است.

رئیس اتاق کرمان نیز در این نشست با اشاره به اینکه ۶۰ درصد پهنه‌های اکتشافی استان کرمان بلااستفاده مانده است، افزود: ۲۰ سال آینده ذخایر معدنی کرمان تمام می‌شود و آنگاه این سؤال پیش می‌آید که کارخانجات کرمان چه کنند؟ سید مهدی طیب زاده خاطرنشان کرد: شاخص‌های توسعه استان به‌ویژه شاخص سرانه درآمد پایین و از رتبه ۲۵ به بعد است و این شرایط زینده استانی با این همه ظرفیت و توانمندی نیست. وی ادامه داد: سال‌ها قبل برای راه‌اندازی مراکز تجاری در ۵ کشور توافقنامه‌ای به امضا رسیده که اگر این موضوع پیگیری و مراکز راه‌اندازی شود، کل کشور می‌تواند از آن‌ها استفاده کنند.

در ادامه این نشست نماینده مردم کرمان و راور در مجلس شورای اسلامی گفت: ظرفیت استان کرمان در حوزه‌های صنعتی و معدنی بسیار بالاست و در چند سال اخیر ظرفیت‌سازی بسیار خوبی در این حوزه صورت گرفته است که باید از سایر پهنه‌های معدنی در استان نیز استفاده کرد. محمدرضا پورابراهیمی افزود: دستیابی به ذخایر معدنی به‌راحتی می‌تواند چهره منطقه را تغییر دهد و سازمان ایمیرو باید سدهای راه اکتشاف در پهنه‌های معدنی را بردارد.

وی ادامه داد: در شهرستان راور ۹۰ درصد پهنه‌های اکتشافی در اختیار محیط زیست و انرژی اتمی است و نمی‌توان کاری را برای اکتشافات جدید در این منطقه انجام داد. پورابراهیمی، با بیان اینکه اتاق کرمان جز بهترین اتاق‌های کشور است و در استان وفاق بین سه قوه وجود دارد، تصریح کرد: در استان چند پروژه مهم مانند تولید لاستیک‌های فوق سنگین و الکتروگرافیکی در حال برنامه‌ریزی است و در بخش زیرساخت‌ها نیز راه‌اندازی خط دوم انتقال آب پیگیری می‌شود.



سیدرضا فاطمی امین در نشست با فعالان اقتصادی استان کرمان افزود: در مس عقب‌ماندگی بسیار زیادی داریم که برای جبران آن تولید یک‌میلیون تن مس در برنامه است و اشتغال بسیاری نیز ایجاد خواهد کرد. وی ادامه داد: شناسایی ذخایر معدنی از سال گذشته در کشور و از خراسان جنوبی آغاز شده و امیدواریم بتوانیم به‌زودی کار گسترده شناسایی و اکتشاف را در نقاط مختلف کشور انجام دهیم.

فاطمی امین، با تأکید بر اینکه در بخش معدن باید ترازنامه ذخایر معدنی را داشته باشیم، خاطرنشان کرد: در بخش ماشین‌آلات صنعتی برای تأمین تجهیزات موردنیاز فعالیت گسترده‌ای را آغاز کرده‌ایم و به آن توجه ویژه داریم. وی در رابطه با صنعت خودروسازی به عدم توازن بین ظرفیت مونتاژ و ظرفیت تولید قطعات اشاره و بیان کرد: این توازن برای افزایش ظرفیت تولید و کمک به اقتصاد و اشتغال جامعه باید برنامه‌ریزی و انجام شود.

وزیر صنعت، معدن و تجارت در بخش دیگری به مسائل مربوط به رفع تعهد ارزی پرداخت و گفت: امیدواریم روزی تراز تجاری کشور آن‌قدر بالا رود که درگیر تعهدات ارزی نباشیم، اما تا رسیدن

شناسایی ذخایر
معدنی از سال
گذشته در کشور
و از خراسان
جنوبی آغاز
شده و امیدواریم
بتوانیم به‌زودی
کار گسترده
شناسایی و
اکتشاف را در
نقاط مختلف
کشور انجام
دهیم.
امیدواریم روزی
تراز تجاری کشور
آن‌قدر بالا رود
که درگیر تعهدات
ارزی نباشیم،
اما تا رسیدن
به آن شرایط،
بر اساس قانون
مبارزه قاچاق ارز
و کالا، اقداماتی
برای تسریع در
تعهدات ارزی
انجام و جلسات
متعدد با بانک
مرکزی برای
ساده‌تر کردن
فرآیندهای ارزی
برگزار شده است.

وزیر جهاد کشاورزی: توسعه کشاورزی قراردادی را در برنامه داریم



کشاورزی به همراه هشت بانک تجاری دیگر تأمین مالی پروژه‌های این بخش را تأمین خواهند کرد.

وی ادامه داد: صادرات فرآوری‌های دام و طیور آزاد است تا با این اقدام به تولیدکنندگان این حوزه کمک شود و البته همه این حمایت‌ها را به صورت مستمر ادامه خواهیم داد. ساداتی‌نژاد، در رابطه با درخواست انتقال آب بیشتر به کرمان برای حل بحران آب در استان، پیشنهاد راه‌اندازی بازار آب به همراه افزایش بهره‌وری را ارائه داد و خاطرنشان کرد: تأمین برق چاه‌های آب کشاورزی از طریق انرژی خورشیدی پیشنهاد شده که پیگیری می‌شود.

وی همچنین اشاره کرد: گزارش‌های مربوط به خسارت‌های وارد شده به کشاورزی استان کرمان به دلیل سرمازدگی و سیل به ما رسیده و جلسات متعدد برای حل این مسائل و جبران خسارت‌ها برگزار می‌شود. وزیر جهاد کشاورزی با بیان اینکه کرمان استانی ویژه از نظر گستردگی و ظرفیت‌های بی‌نظیر است، گفت: مدل سرمایه‌گذاری، توسعه و رشد کرمان با به‌کارگیری هوشمندانه منابع انسانی و مسئولیت‌های اجتماعی می‌تواند قابل‌تعمیم به سایر استان‌های کشور باشد.

وزیر جهاد کشاورزی با تأکید بر اینکه چند کار اصلی را در برنامه داریم، گفت: توسعه کشاورزی قراردادی از جمله اقدامات مهم ما خواهد بود که با شرایط ما همخوانی دارد زیرا می‌تواند تأمین نقدینگی را برای کشاورز انجام دهد تا کشاورز به کار تخصصی خود با تمرکز بیشتری بپردازد.

سیدجواد ساداتی‌نژاد، در حاشیه سفر هیئت دولت به استان کرمان در نشست با فعالان اقتصادی حوزه کشاورزی افزود: تأکید رهبر معظم انقلاب مبنی بر حمایت از تولید داخل، رفتن به سمت خودکفایی و کاهش وابستگی و همچنین حمایت از معیشت کشاورز، همه در کشاورزی قراردادی محقق می‌شود که در مدل طراحی شده برای اجرای کشاورزی قراردادی باید بتوانیم با کمک بخش خصوصی به تأمین مالی آن بپردازیم.

ساداتی‌نژاد، خاطرنشان کرد: صدور اسناد برای اراضی کشاورزی در دستور کار قرار گرفته و تاکنون به دلیل کار پیچیده و بین قوه‌های این موضوع، برای ۴ درصد زمین‌ها سند صادر شده است. وزیر جهاد کشاورزی، تصریح کرد: اعطای تسهیلات دام و طیور آغاز شده و بانک



گزارش‌های مربوط

- به خسارت‌های وارد شده به کشاورزی استان کرمان به دلیل سرمازدگی و سیل به ما رسیده و جلسات متعدد برای حل این مسائل و جبران خسارت‌ها برگزار می‌شود.

کرمان استانی

- ویژه‌انظر گستردگی و ظرفیت‌های بی‌نظیر است؛ مدل سرمایه‌گذاری، توسعه و رشد کرمان با به‌کارگیری هوشمندانه منابع انسانی و مسئولیت‌های اجتماعی می‌تواند قابل‌تعمیم به سایر استان‌های کشور باشد.

در مجموع ۳۰۰ کیلوگرم پسته خشک خواهد داشت.

ترابی، به سایر مشکلات کشاورزان اشاره کرد و گفت: تسهیلات امهال نشده، اجرا نشدن مصوبات شورای گفت‌وگو برای رفع مشکلات فعالان این حوزه، عدم احتساب تعرفه برق کشاورزی به قیمت سال گذشته، هزینه‌های سرسام‌آور و افزایش قیمت ادوات و نهاده‌های کشاورزی، قطعی‌های نابهنگام برق، عدم پرداخت غرامت‌های بیمه کشاورزان و پیگیری قضایی ۱۲ حلقه چاه مجوزدار از جمله مسائل این حوزه است.

کشاورزی کرمان به امداد فوری نیاز دارد

در ادامه رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی نیز گفت: استان کرمان دو سال درگیر حوادث طبیعی بوده همین موضوع روند منطقی کشاورزی قبل را با چالش روبرو کرده به طوری که سرمازدگی سال جاری پسته بیش از ۲۰ هزار میلیارد تومان برآورد شده است. محمدرضا پورابراهیمی، با بیان اینکه سیل اخیر در استان وضعیت کشاورزی را تشدید کرد و کشاورزان در رفسنجان، شهربابک، سیرجان، زرنند و راور وضعیت بسیار نامناسبی دارند، افزود: در این رابطه نیاز به امداد فوری دارند و در غیر این صورت کشاورزان با مشکلات جدی و کشاورزی با نابودی روبرو می‌شود. وی تصریح کرد: صادرات پسته و خرما، تعهدات ارزی، کارت‌های بازرگانی اجاره‌ای، مسائل بانکی، بیمه‌ای و مالیاتی نیز از جمله سایر مشکلات کشاورزان است.

یک مصوبه ۲۰ درصد آب دشت رفسنجان و سیرجان را هدر می‌دهد

در ادامه این نشست رییس اتاق کرمان با اشاره به اینکه موضوع اتلاف منابع آبی در استان بسیار مهم و تأثیرگذار است، اما در تصمیمات قرار نمی‌گیرد، گفت: بر اساس مطالعات میدانی ۲۰ درصد آب مصرفی دشت رفسنجان و سیرجان با مصوبه شورای نگهبان در سال ۶۷، با عنوان «حل مسائل اراضی باغی» هدر می‌رود که محتوای این مصوبه بر این اساس بوده که کشاورزان مجبورند آب را برای باغاتی مصرف کنند که ثمر ندارند تا مالکیت آن‌ها حفظ شود.

سید مهدی طیبی زاده، در رابطه با سرمازدگی محصولات پسته که در فروردین‌ماه اتفاق افتاده است، بیان کرد: در حال حاضر که به پایان نیمه اول سال نزدیک می‌شویم هیچ کشاورزی نتوانسته برای جبران خسارت‌ها کمک دریافت کند. وی در بخش دیگری با اشاره به برخی مشکلات سرمایه‌گذاری‌ها و صدور مجوزها ادامه داد: استعلام‌های متعدد از حوزه وزارت کشاورزی برای سرمایه‌گذاری‌ها گاهی بین یک تا دو سال طول می‌کشد و این موضوع سرمایه‌گذار را دلسرد می‌کند و سرمایه‌گذاری‌ها در جاهای دیگر انجام می‌شود.

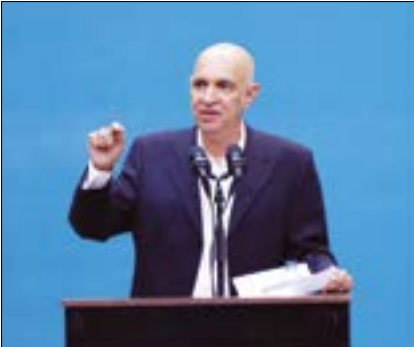
درخواست تأمین نقدینگی فوری بخش کشاورزی

در ادامه رئیس کمیسیون کشاورزی اتاق کرمان خاطرنشان کرد: در تأمین نقدینگی بخش کشاورزی با مشکلات بسیاری روبرو هستیم که متأسفانه منابع بانکی محدود و امکان پرداخت تسهیلات به کشاورزان وجود ندارد. سید محمدرضا ترابی موسوی افزود: با توجه به سرمازدگی و گرمزدگی محصولات کشاورزی به‌ویژه پسته، محصول کمی برای فروش باقی مانده، اما سررسید اقساط کشاورزان و ندادن تسهیلات مجدد مشکلات بسیاری برای آن‌ها ایجاد کرده است.

وی ادامه داد: در حال حاضر در آستانه فصل برداشت محصول هستیم و سونامی خسارت در مهرماه بیشتر مشخص می‌شود به طوری که برداشت از ۵۰ هکتار باغ پسته فقط هزار کیلوگرم محصول تر و



گزارش تصویری نشست بررسی مسائل اقتصادی با تاکید بر حوزه معدن



گزارش تصویری نشست بررسی پایانی نوبت اول سفرهای استانی رئیس جمهور و هیئت دولت





اتاق کرمان آماده پذیرش هیئت تجاری از پاکستان است

(۲ تیرماه، ۱۴۰۱)

محمدعلی محمد میرزائیان ضمن ارائه گزارشی از ظرفیت‌های صادراتی استان کرمان گفت: پسته و خرماي مضافتی و کلوته سالانه از کرمان به پاکستان صادر می‌شود که البته طبق آمار گمرک مواد معدنی مانند فولاد، آهن، گوگرد، گچ، سیمان و همچنین مرکبات و سبزیجات و مواد پلاستیکی نیز از کرمان به پاکستان صادر شده است. میرزائیان بیان کرد: کرمان آماده همکاری با پاکستان برای توسعه روابط تجاری در زمینه‌های کشت فراسرزیمینی، گردشگری، مواد معدنی و صنعتی و توریست درمانی است. در ادامه رییس کمیسیون کشاورزی اتاق کرمان پیشنهاد داد کمیته‌ای از فعالان اقتصادی دو طرف تشکیل و لیست محصولات صادراتی کرمان به پاکستان و برعکس آن جمع‌بندی شود تا برای افزایش تراز تجاری برنامه‌ریزی‌های لازم صورت گیرد.

سرکنسول پاکستان عبدالجابر دیتهو در زاهدان نیز گفت: در دو مرز تجاری

میرجاوه و تفتان بین ایران و پاکستان، ترافیک سنگین است و روزانه حدود ۴۰۰ کامیون از ایران وارد پاکستان می‌شود که امیدواریم بتوان زیرساخت‌های لازم را برای راه‌اندازی مرزهای تجاری دیگر فراهم کرد. گفتنی است در این نشست مقرر شد برنامه‌هایی مانند اعزام و پذیرش هیئت تجاری، برگزاری نمایشگاه و شرکت در اجلاس‌های مشترک برای توسعه روابط تجاری دو طرف برنامه‌ریزی شود.



مسئولیت جدید رییس اتاق کرمان توسط استاندار ابراهیم شد

(۰۸ تیرماه، ۱۴۰۱)



استاندار کرمان طی حکمی سیدمهدی طبیب زاده رییس اتاق کرمان را به سمت مسئول «برنامه اجرایی توسعه صادرات و بازاریابی، بالاخص صنایع فرآوری و محصولات کارخانه‌های دانش‌بنیان» و «برنامه اجرایی بهبود فضای کسب‌وکار و تکمیل پنجره واحد استان» منصوب کرد. محمدمهدی فداکار استاندار کرمان در این حکم مهم‌ترین مأموریت‌های طبیب زاده در مسئولیت جدید را تعیین اهداف کمی و کیفی قابل اندازه‌گیری و برنامه‌ریزی به‌منظور تحقق برنامه متناسب باهدف رشد اقتصادی استان، هماهنگی و راهبری برنامه اجرایی در چارچوب برنامه‌های مصوب شورای برنامه‌ریزی و توسعه استان، تعریف و پیگیری پروژه‌های متناسب با اهداف برنامه اجرایی، ظرفیت‌سازی جهت استفاده از بخش خصوصی در دستیابی اهداف برنامه، هماهنگی با دبیرخانه شورای برنامه‌ریزی و توسعه استان و ارائه گزارش‌های عملکرد برنامه طبق برنامه زمان‌بندی ارائه شده در شورا، نظارت و پایش حسن انجام امور مربوط به برنامه اجرایی تحت مسئولیت عنوان کرد.



صادرکنندگان پسته و خرما درخواست بازنگری مجدد سود فعالیت از سازمان مالیاتی دارند

(۱۱ تیرماه، ۱۴۰۱)

کاربخش، در پایان از فعالان اقتصادی درخواست کرد تا در سنوات آینده نسبت به اجرای قوانین و بخشنامه‌های صادرشده در این حوزه‌ها عمل، دفاتر و اسناد را تنظیم، ثبت و نگهداری کنند. گفتنی است در این نشست معاونان اداره کل مالیاتی استان، روسای اداره‌های شهرستان‌های بم، جیرفت، سیرجان و رفسنجان، زرنده و کرمان و نمایندگان انجمن‌های ملی پسته و خرما و همچنین روسای اتحادیه‌های صنفی مربوط به پسته و خرمای شهرستان‌های مذکور نیز حضور داشتند.



نایب‌رییس اتاق کرمان گفت: برخی از صادرکنندگان حقیقی پسته و خرمای استان که بنا به دلایلی در سال گذشته امکان رفع تعهد ارزی نداشته‌اند، درخواست بازنگری مجدد در نسبت سود فعالیت تعیین‌شده از سوی سازمان امور مالیاتی را دارند.

جلیل کاربخش، در نشستی با حضور برخی صادرکنندگان محصولات کشاورزی و مدیرکل امور مالیاتی استان، در رابطه با مشکلات برخی از صادرکنندگان محصولات کشاورزی به‌ویژه پسته و خرما در زمینه تکمیل و تسلیم اظهارنامه مالیاتی سال ۱۴۰۰ افزود: این گروه از فعالان بخش خصوصی درخواست دارند در نسبت سود فعالیت ابلاغی سازمان مالیاتی بازنگری مجدد صورت گیرد زیرا معتقدند سود فعالیت در نظر گرفته شده برای آن‌ها غیر واقعیست و با واقعیت درآمدی آن‌ها همخوانی ندارد.

وی بیان کرد: اصلی‌ترین موضوع مربوط به صادرکنندگانی است که نتوانستند ارزش حاصل از صادرات سنوات گذشته خود را بازگردانند و به همین دلیل مشمول نرخ صفر ماده ۱۴۱ قانون مالیاتی نخواهند شد.

تدابیر لازم در تحمیل خاموشی به صنایع اندیشیده شود

(۱۱ تیرماه، ۱۴۰۱)

در انرژی، کمبود گاز و برق واحدهای صنعتی در طول سال، عدم تعهد به دیمانده فروخته شده، مشکل تأمین سوخت نیروگاه‌ها، دستگاه‌ها و تجهیزات فرسوده، نامناسب بودن ساختار بورس برای انرژی و... اشاره کرد.



رییس اتاق کرمان با تأکید بر اینکه در تحمیل خاموشی‌ها به صنایع تدابیر لازم اندیشیده شود، گفت: سال گذشته در پیک‌بار مصرف با تحمیل خاموشی‌ها ۱۰ هزار میلیارد تومان ضرر به استان وارد شد در حالی که کل فروش برق شرکت‌های توزیع برق شمال و جنوب استان از ۶۰۰ میلیارد تومان بیشتر نبوده است.

در این نشست مسائل و پیشنهادات حوزه انرژی مطرح شد که می‌توان به عدم پرداخت‌های دولت به نیروگاه‌ها برای فروش برق، اصلاح و بازنگری مقررات، نبود نیروی متخصص در دولت، نبود ضمانت اجرایی قراردادهای، تمرکز بر روی تولید به هر قیمتی، مشوق‌های کم در بهره‌وری انرژی، بروکراسی‌های زیاد در تبصره‌ها و مشوق‌های دولتی، نبود مراکز آموزشی خوب

اخبار اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی کرمان را از این پنجره ببینید:

www.otagh-bazargani.com

برپایی پایون اتاق کرمان در نمایشگاه قزاقستان

(۱۴ تیرماه، ۱۴۰۱)



پایون اتاق کرمان در نمایشگاه اختصاصی ایران در آلمانی قزاقستان از ۱۱ تا ۱۴ تیرماه برپا بود و نمایندگان ۹ شرکت استان شامل مس شهید باهنر، گل گهر، توسعه بابکان، سردخانه داران جنوب، کوهسار، سبزواران آفتاب، دانه پسته امواج، شاهین طب رفسنجان و نمایندگی گروهی در این نمایشگاه به معرفی و ارائه محصولات و توانمندی‌های خود پرداختند.

رییس کمیسیون بازرگانی اتاق کرمان محمدعلی محمد میرزاییان، در این رابطه گفت: در این سفر نشست‌هایی با رییس اتاق بازرگانی آلمانی و بازرگانان آلمانی برگزار شد و به نمایندگی از اتاق کرمان از این فعالان اقتصادی برای بازدید از ظرفیت‌های اقتصادی استان و شرکت در جلسات رودررو دعوت به عمل آمد.

نشست هیئت نمایندگان اتاق کرمان با مجمع نمایندگان برگزار شد

(۱۶ تیرماه، ۱۴۰۱)



رییس اتاق کرمان در این نشست که با موضوع بررسی مشکلات فعالان اقتصادی و پیگیری برای حل آن‌ها برگزار شد، مهم‌ترین زیرساخت استان را تأمین گاز پروژه‌ها عنوان کرد و افزود: از سال ۹۵ قرار است خط انتقال یازدهم سراسری گاز کشور اجرا شود اما تاکنون انجام نشده زیرا اجرای آن یک میلیارد دلار هزینه در بر دارد و اگر انجام نشود نیروگاه‌ها و پروژه‌های استان نیمه‌تمام باقی خواهد ماند.

وی نامناسب بودن فضای کسب‌وکار و رتبه ۲۷ استان در کشور در این زمینه را مطرح و عنوان کرد: در صدور مجوزها دچار مشکل هستیم که باید برای توسعه همه‌جانبه استان این موضوع به‌طور جدی در پنجره واحد استان بررسی و حل شود.

همچنین در ادامه اعضای هیئت نمایندگان اتاق کرمان مسائل مختلفی مانند اختصاص بخشی از حقوق دولتی معادن به گردشگری استان، برخورد سخت‌گیرانه بانک‌ها با باغداران پسته با وجود خسارت شدید وارد شده به آن‌ها، حمایت همه‌جانبه از تشکیل شرکت توسعه زیرساخت‌های استان، همکاری برای راه‌اندازی مرکز جامع دیابت در استان، اصلاح قوانین مزاحم به‌ویژه در حوزه‌های بیمه تأمین اجتماعی، کار، مالیات و بانکی، تدابیر لازم برای جلوگیری از تغییر روزانه نرخ ارز، مشکلات تعهدات ارزی و فروش ارز در سامانه نیما با نرخ پایین‌تر از بازار آزاد را مطرح کردند.



کرمان آیدکس / سرمایه‌گذاری احداث نیروگاه خورشیدی بررسی شد

(۰۱ مردادماه، ۱۴۰۱)

کرمان در سطح ملی مطرح و پیگیری شود، سرمایه‌گذاران مذکور احداث نیروگاه در سه منطقه رابین، زرنده و باغ چمن بم را مدنظر قرار داده‌اند.



در نشست اندیشکده انرژی اتاق کرمان با حضور سیدمهدی طبیب زاده رییس و عباس جبال بازری عضو هیئت‌ریسه اتاق کرمان و حسین مهربانی معاون هماهنگی امور اقتصادی استانداری کرمان و جمعی از فعالان اقتصادی، سرمایه‌گذاری احداث چند نیروگاه خورشیدی در مجموع ۳۵۰ مگاوات در کرمان بررسی شد. پس از برگزاری همایش معرفی فرصت‌های سرمایه‌گذاری استان کرمان (کرمان آیدکس ۲۰۲۲) سرمایه‌گذارانی برای سرمایه‌گذاری از پروژه‌های مختلف استقبال کردند که در راستای تسهیل سرمایه‌گذاری در کرمان، این نشست با سرمایه‌گذاران احداث نیروگاه خورشیدی برگزار شد. گفتنی است مقرر شد موارد و پیشنهادهای مطرح شده از طریق استانداری

نایب‌رییس اتاق کرمان: صادرات استان ۴۳ درصد کاهش یافته است

(۰۴ مردادماه، ۱۴۰۱)

گفتنی است در این نشست جمعی از صادرکنندگان خشکبار مشکلات رفع تعهد ارزی و موضوع باقی‌مانده سموم در محصولات صادراتی را از مهم‌ترین مسائل صادرات این حوزه عنوان کردند.



نایب‌رییس اتاق کرمان گفت: صادرات استان کرمان در سه ماه نخست سال جاری در مقایسه با مدت مشابه سال گذشته ۶۲۶ میلیون دلار بوده که ۴۳ درصد کاهش یافته است. جلیل کاریخش در نشست جمعی از بازرگانان استان، فعالان انجمن ملی پسته و هیئت‌مدیره اتحادیه صادرکنندگان خشکبار ایران افزود: کاهش میزان صادرات در حالی اتفاق افتاده که در مدت مذکور واردات به استان ۷۴۶ میلیون دلار بوده که نشان از افزایش ۶۰۶ درصدی دارد. وی بیان کرد: کاهش تولید و مشکل تأمین محصول، مشکلات مربوط به تعهدات ارزی و... از جمله موارد عدم تمایل صادرکنندگان برای انجام صادرات بوده است.

بخش خصوصی به دنبال فعالیت‌های شفاف اقتصادی است

(۰۵ مردادماه، ۱۴۰۱)

در ادامه این کارگاه آموزشی رییس مرکز تنظیم مقررات نظام پایانه‌های فروشگاه‌های و سامانه مؤدیان سازمان امور مالیاتی کشور، ضمن ارائه مباحث آموزشی گفت هوشمندسازی نظام مالیاتی منوط به داشتن نگاه بلندمدت و انجام فرآیندهای لازم در این زمینه است. گفتنی است در این کارگاه آموزشی قانون پایانه‌های فروشگاه‌های و سامانه مؤدیان تبیین شد.



رییس اتاق کرمان گفت: بخش خصوصی به دنبال فعالیت‌های شفاف اقتصادی و کار صحیح است و اتاق کرمان از هیچ فعالیت غیررسمی و غیرقانونی حمایت نکرده و نخواهد کرد. سیدمهدی طبیب زاده در کارگاه آموزشی تبیین قانون پایانه‌های فروشگاه‌های و سامانه مؤدیان افزود: معتقدیم هر چه فعالیت‌های اقتصادی شفاف‌تر باشند، پایه‌های جدید مالیاتی افزایش می‌یابد و آسیب کمتری به فعالان اقتصادی وارد می‌شود. وی ادامه داد: یکی از قوی‌ترین ساختارها در اتاق کرمان پرداختن به مسائل مالیاتی توسط نایب‌رییس اتاق است زیرا معتقدیم رفع مسائل مالیاتی در کنار مسائل بیمه‌ای و بانکی می‌تواند به بهبود فضای کسب‌وکار کمک کند.

نیروی انسانی مؤثرترین عامل در بهبود فضای کسب‌وکار است

(۰۶ مردادماه، ۱۴۰۱)

اشاره کرد و گفت: تهیه اطلس فرصت‌های سرمایه‌گذاری، تحلیل و شرایط متقاضیان بر اساس نوع طرح سرمایه‌گذاری و سپس پنجره واحد برای دریافت مجوزها از جمله پلتفرم‌های طراحی شده در نظر گرفته شده است. گفتنی است در این نشست از سامانه هوشمند تعامل صنعت و دانشگاه رونمایی و توضیحات مربوط به آن توسط «محمدجواد رستمی» رییس مرکز مطالعات و پژوهش‌های اقتصادی اتاق کرمان ارائه شد.



رییس اتاق کرمان گفت: نیروی انسانی مؤثرترین عامل در بهبود فضای کسب‌وکار کشور به‌ویژه استان کرمان است که برای تقویت نیروی انسانی ماهر باید اقدامات لازم صورت گیرد. در هفتاد و پنجمین نشست شورای گفت‌وگوی دولت و بخش خصوصی استان کرمان با موضوع بررسی مسائل تأمین اجتماعی در حوزه تولید و رونمایی از سامانه هوشمند تعامل صنعت و دانشگاه (سامانه فرصت) افزود: افزایش دانش مهارتی نیروی انسانی، عدم ترس دستگاه‌های اجرایی مختلف از دستگاه‌های نظارتی و رفع موانع فرهنگی می‌تواند به بهبود فضای کسب‌وکار کمک کند.

وی با اشاره به اینکه عدم احساس امنیت از خود نا امنی بدتر است، ادامه داد: به هر شکل ممکن باید واحدهای دستگاہ‌های اجرایی برای تسهیل امور کمک‌کننده به فضای کسب‌وکار برطرف شود و دستگاه‌های قضایی و نظارتی در این زمینه می‌توانند کمک کنند.

رییس اتاق کرمان به پلتفرم‌های طراحی شده برای تسهیل در امور صدور مجوزها به‌عنوان یکی از مشکلات فضای کسب‌وکار

سرمایه‌گذار عمانی: پروژه صاروج پارس تا دو سال آینده تکمیل می‌شود

(۰۸ مردادماه، ۱۴۰۱)



نخست سال جاری ۳۳۱ میلیون دلار صادرات ایران به عمان انجام شده که نسبت به مدت مشابه در سال قبل، ۱۶۹ درصد رشد دارد. محسن ضرابی، دلیل این افزایش صادرات را توجه به زیرساخت‌های سرمایه‌گذاری و استفاده بهتر از ظرفیت صادرات عنوان و اظهار کرد: اگر بتوان خط هوایی کرمان- مسقط و کرمان- کراچی راه‌اندازی شود به گردشگری و سرمایه‌گذاری استان کمک می‌کند.

سرمایه‌گذار عمانی گفت: پروژه تجاری، فرهنگی و تفریحی صاروج پارس که از ۱۰ سال پیش آغاز شده در صورت تأمین زیرساخت‌های لازم مانند برق و فاضلاب توسط مسئولان کرمان تا دو سال آینده تکمیل می‌شود. محمدعلی سلطان در نشست با استاندار کرمان، رییس کمیسیون اقتصادی مجلس، رییس اتاق کرمان و رییس اتاق مشترک ایران و عمان افزود: عملیات احداث این پروژه ۳ سال به دلیل شیوع کرونا متوقف شده بود که به‌زودی ادامه کار با ۳۰ میلیون دلار اعتبار از سر گرفته خواهد شد. وی ادامه داد: سرمایه‌گذاران عمانی به دلیل فرصت‌های مناسب سرمایه‌گذاری در ایران و در دسترس بودن آن، علاقه‌مند به سرمایه‌گذاری در این کشور هستند که اگر این پروژه با موفقیت در کرمان به پایان برسد نمونه خوبی برای سایر سرمایه‌گذاران عمانی در سرمایه‌گذاری در استان کرمان خواهد بود. استاندار کرمان در ادامه این نشست با توجه به مشکلات مطرح شده پروژه صاروج پارس افزود: به‌زودی نشست با شهرداری و شرکت آب و فاضلاب برای حل مسائل زیرساختی این پروژه برگزار می‌کنیم و مسائل مربوط به پارکینگ نیز در اولین نشست شورای ترفیک بررسی خواهد شد. رییس اتاق مشترک ایران و عمان نیز در این نشست گفت: در سه‌ماهه

رییس اتاق کرمان: معادن بلوکه آزاد شوند

(۰۳ شهریورماه، ۱۴۰۱)

رییس اتاق کرمان با اشاره به اینکه ۶۰ درصد نقاط پزرفیت استان برای اکتشاف معدن بلوکه است و کسی نمی‌تواند سرمایه‌گذاری انجام دهد، گفت: تشریفات سخت در آزادسازی معادن کنار گذاشته شود زیرا اگر معادن آزاد نشوند تأمین مواد اولیه کارخانجات بزرگ استان نیز با مشکل روبرو خواهد شد.

سیدمهدی طبیب زاده در هفتاد و ششمین نشست شورای گفت‌وگوی دولت و بخش خصوصی استان کرمان با موضوع بررسی فضای کسب‌وکار و مسائل حوزه معدن استان افزود: با اصلاح یک قانون امکان آزادسازی پهنه‌های معدنی وجود دارد که البته شرایط و اگذاری معادن نیز باید اصلاح شود و بخش معدن در جایگاه واقعی خود قرار گیرد.

طبیب زاده، افزود: همیشه نسبت به سرمایه‌گذاری‌های کرمانی‌ها در خارج از استان انتقاد بوده اما وقتی سرمایه‌گذار بومی نیز قصد دارد مجموعه فولادی را با ۱۰ هزار میلیارد تومان آورده بخش خصوصی راه‌اندازی کند هنوز پس از سه سال نتوانسته زمین را برای سرمایه‌گذاری از استان دریافت کند. در ادامه این نشست استاندار کرمان محمدمهدی فداکار در رابطه با مسائل حوزه معدن که در این نشست مطرح شد، افزود: باید به‌جای اصلاح



آیین‌نامه پیگیری‌ها برای اصلاح قانون صورت گیرد زیرا در آیین‌نامه‌ها برخی دستگاه‌ها ذینفع هستند و ممکن است اصلاحی صورت نگیرد. وی ادامه داد: بهتر است برخی امور در حوزه معدن از شورای عالی معادن به شوراهای معادن استان‌ها واگذار شود تا بتوان با شناخت بیشتر تصمیم‌گیری‌ها و اقدامات بهتری را انجام داد. گفتنی است در این نشست برخی مسائل حوزه معدن و فضای کسب‌وکار توسط کارشناسان بخش خصوصی و بخش دولتی مطرح و بررسی شد. همچنین به مناسبت هفته دولت از مدیران دولتی عضو شورا تجلیل شد.

استاندار کرمان: اقتصاد استان گرفتار بادکنکی به اسم معدن است

(۰۵ شهریورماه، ۱۴۰۱)

استاندار کرمان با بیان اینکه اقتصاد استان گرفتار بادکنکی به اسم معدن شده است، گفت: شرکت‌های معدنی فقط زمین را خالی می‌کنند و منفعت چندانی به استان نمی‌رسانند.

محمدمهدی فداکار در نشست با اعضای هیئت نمایندگان اتاق کرمان افزود: معادن کرمان مانند تک‌درختی در کویر هستند درحالی‌که در اصفهان این تک‌درخت به جنگل تبدیل و خدمات جانبی و صنایع پایینی دستی در کنار آن ایجاد شده اما در کرمان چنین اتفاقی نیفتاده است. وی ادامه داد: در ۲۰ سال آینده معادن استان تمام و کارخانجات و نیروی انسانی آن بیکار می‌شوند و معضلات اجتماعی دیگری به وجود می‌آید که باید از اکنون به فکر چاره اساسی در این زمینه باشیم.

در ادامه این نشست رییس اتاق کرمان گفت: در دوره‌های مختلف فعالیت‌های خوبی در استان انجام شده اما دلیل عدم نتیجه‌گیری در برخی حوزه‌ها به دلیل نبودن حکمرانی خوب بوده که باید برای تغییر این روال چاره‌اندیشی شود. سیدمهدی طبیب‌زاده افزود: تمرکز استان بر شرکت‌های بزرگ معدنی و غفلت از شرکت‌های کوچک و متوسط موجب کاهش اشتغال و تمام شدن منابع معدنی می‌شود که این موضوع آینده استان را با مشکلات جدی روبرو

می‌کند. وی بیان کرد: کشاورزی در استان نیز باهدف امنیت غذایی و حفظ اشتغال انجام می‌شود که در بیشتر موارد جز اضمحلال منابع فایده‌چندانی ندارد. طبیب زاده، در رابطه با گردشگری با تأکید بر داشتن دیدگاه اقتصادی به‌جای دیدگاه امنیتی نسبت به توریسم خارجی، تصریح کرد: کرمان با این‌همه جاذبه گردشگری مقصد گردشگری در کشور نیست که باید در این بخش اقدامات جدی انجام شود.





تعطیلی ۳۰ تا ۴۰ درصد بنگاه‌های صنعتی پروانه‌دار

(۰۹ شهریورماه، ۱۴۰۱)

نایب‌رییس کمیسیون صنایع اتاق ایران در گفت‌وگو با خبرنگار اقتصادی این‌نا، گفت: گفته می‌شود بین ۳۰-۴۰ درصد بنگاه‌های صنعتی که پروانه بهره‌برداری دارند، تعطیل بوده و فعالیت‌های ندارند که این میزان با مراجعه و مشاهده شهرک‌های صنعتی، معقول است. عباس جبالبارزی افزود: اگر بخواهیم در خصوص وضعیت

صنایع کوچک و متوسط صحبت کنیم، باید در خصوص چند آیتم صحبت کرد که شامل وضعیت نقدینگی، بازار و مسائل قیمتی آن‌ها



است. بحث تأمین مواد اولیه یکی از معضلات اصلی است که تغییرات و نوسانات نرخ ارز، بر روی آن تأثیر دارد و برنامه‌ریزی را برای این واحدها دشوار کرده است؛ در واقع قیمت مواد اولیه به دلیل نوسانات نرخ ارز، در حال تغییر است که این موضوع مشکل ایجاد می‌کند.

نشست بررسی تأثیر فرهنگ در محیط کسب‌وکار برگزار شد

(۱۶ شهریورماه، ۱۴۰۱)

رییس اتاق کرمان در این نشست که با حضور اساتید دانشگاه شهید باهنر کرمان برگزار شد، گفت: در کرمان مانند سایر نقاط کشور مهم‌ترین عامل توسعه، نیروی انسانی است و در استان ما این موضوع به شدت خود را نشان داده زیرا همواره از منابع خدادادی، سرمایه‌گذاری‌ها و توجه به اقتصاد برخوردار بوده‌ایم. داریوش بوستانی عضو هیئت علمی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان، با اشاره به انجام تحقیقات میدانی در بازار کرمان در رابطه با روحیه پایین کاسبی و تجارت مردم استان افزود: در این تحقیق به مؤلفه مهم «زمان مبهم» دست



یافتیم به این معنا که ساعت شروع و پایان کار بسیاری از کاسب‌کاران در کرمان مشخص نیست و همین موضوع نمی‌تواند فضای روشنی برای آینده مشخص کند.

دفتر شورای عالی بسیج تجار و فعالان اقتصادی کشور در اتاق کرمان افتتاح شد

(۱۹ شهریورماه، ۱۴۰۱)

دفتر شورای عالی بسیج تجار و فعالان اقتصادی کشور با حضور رییس اتاق کرمان، معاون سپاه ثارالله کرمان، رییس سازمان بسیج تجار و فعالان اقتصادی کشور، رییس بسیج اتاق ایران، دبیرکل شورای عالی بسیج تجار و فعالان اقتصادی و مسئول بسیج اصناف استان کرمان در محل اتاق کرمان افتتاح شد.

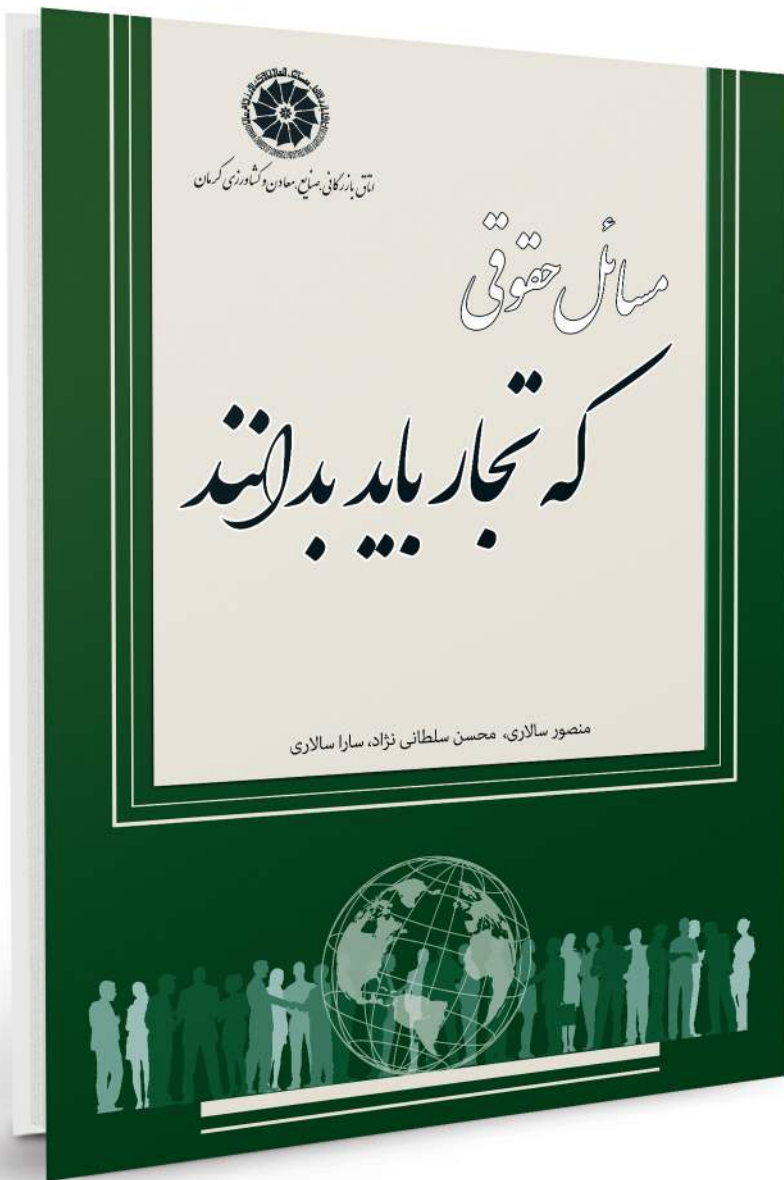


شبکه بانکی در استان قفل است

(۱۹ شهریورماه، ۱۴۰۱)

دبیر کل اتاق کرمان گفت: تقریباً در استان منابع آزاد وجود ندارد و شبکه بانکی در عمل قفل است. حسن امیری، در نشست هم‌اندیشی کمیته تسهیل کسب‌وکار، اشتغال آفرینی و حمایت قضایی افزود: ماه گذشته در سفر رییس‌جمهور و هیئت‌وزیران به استان، در نشست با وزیر اقتصاد وضعیت خاص شبکه بانکی را اعلام کردیم به‌طوری که ۱۱۰ هزار میلیارد تومان منابع استان و ۸۰ هزار میلیارد تومان مصارف استان است و با توجه به تعهدات زیرخطی کل شبکه بانکی، اعتبارات اسنادی، ضمانت‌نامه‌ها و تسهیلات مشارکتی، هیچ منابعی برای بانک‌ها باقی نمی‌ماند.





کتاب
«مسائل حقوقی که
تجار باید بدانند»
منتشر شد



انان بازارگانی صنایع معادن و کشاورزی کرمان

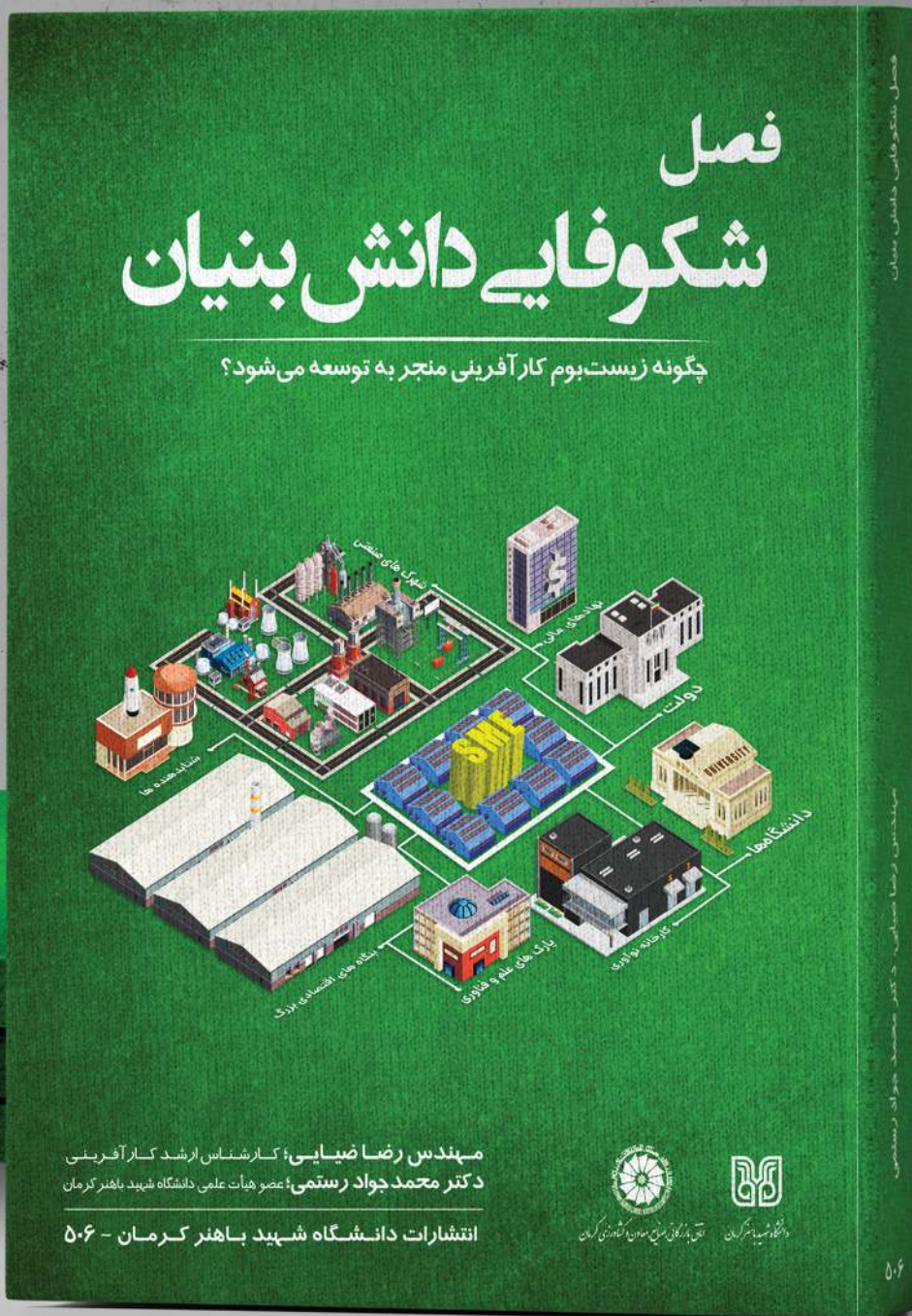
هر تاجر یا صاحب کسب و کار باید از مخاطرات و چالش‌های حقوقی پیش روی خود آگاه باشد و کلیات مرتبط با آن را بداند. کتاب حاضر در راستای آگاهی بخشی مستمر به تجار و فعالان اقتصادی و آشنایی با مفاهیم و قوانین ذیل منتشر شده است:

تاجر و تجارت، شرکت‌های تجاری، شرکت‌های دانش بنیان، مالکیت فکری، استارت‌آپ‌ها، تجارت الکترونیک، اسناد تجاری، اینکوترمز ۲۰۲۰، اعتبار اسنادی LC، قراردادهای تجاری، داوری، مالیات، ورشکستگی

جهت تهیه این کتاب
با شماره ۰۳۴۳۲۴۴۲۳۲۴
تماس حاصل فرمایید.

کتاب «فصل شکوفایی دانش بنیان» منتشر شد.

« در این کتاب تشریح ارکان و اجزاء مدل جهانی زیست‌بوم فناوری و دانش بنیان در مقیاس کشور ایران، انجام شده است.



کتاب فصل شکوفایی دانش بنیان با جزئیات فراوان به روش‌های گسترش فعالیت بنگاه‌ها به‌ویژه متوسط و کوچک در کشورها پرداخته است. با استفاده از آخرین آمار و اطلاعات موجود، این کتاب استراتژی برد بنگاه‌ها را به‌صورت مقایسه‌ای در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه با دقتی کم نظیر و متنی روان مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد.

فصل شکوفایی دانش بنیان رهیافتی بین‌المللی و مبتنی بر محوریت فناوری اطلاعات، راهنمای بسیار مفیدی است که هر کارشناس، مدیر و صاحب کسب و کاری می‌تواند با نهایت سهولت از قلم، بیان و پیشنهادات آن بهره‌برداری کند.

دکتر محمود سریع القلم
استاد دانشگاه شهید بهشتی



اتاق بازرگانی صنایع، معادن و کشاورزی کرمان

جهت تهیه کتاب:
با شماره ۰۳۴۳۲۴۴۲۳۲۴ تماس
حاصل فرمایید.